

بسمه تعالی



دانشگاه کردستان

سال دوازدهم
شماره چهل و پنج
زمستان ۱۴۰۱
شاپا: ۲۸۷۵ - ۲۳۲۲

مطالعات شهری

فصلنامه علمی مطالعات شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه کردستان

مدیر مسئول: هوشمند علیزاده

سر دبیر: کیومرث ایراندوست

مدیر داخلی: کیومرث حبیبی

کارشناس نشریه: محمد بشیر رباطی

اعضای تحریریه بین‌المللی:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research
(Austrian Academy of Sciences), Austria.

داورهای این شماره (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی): احمدی، محمدآزاد؛ ارباب، پارسا؛ بصیرت، میثم؛ جواهری پور، مهرداد؛ حقی، محمدرضا؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ خاکزند، مهدی؛ خالق پناه، کمال؛ خلیقی، نینا؛ درویش، بهروز؛ سجاذزاده، حسن؛ سعیدی، مهدی؛ شهابی، هیمن؛ عادل، زینب؛ غفاری گیلانده، عطا؛ فرجی راد، خدر؛ کریمی مشاور، مهرداد؛ لطفی، صدیقه؛ محمدی، علیرضا؛ مدیری، آتوسا؛ میرمقتدایی، مهتا؛ نجاتی، ناصر؛ یوسفی، زاهد..

تلفن: ۰۸۷ - ۳۳۶۶۶۷۷۱

شنبه الی سه شنبه ساعت ۱۲-۱۳

www.urbstudies.ir

urbstudies@uok.ac.ir

ساعت تماس:

آدرس وب سایت نشریه:

آدرس ایمیل نشریه:

طرح جلد: کورش عنبری

صفحه آرا: جواد ده ده جانی

ویراستار فارسی: فرحناز نوبخت

ویراستار انگلیسی: نوید برادران همتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشانی: سنندج، بلوار پاسداران، دانشگاه کردستان، دانشکده هنر و معماری، گروه مهندسی شهرسازی - کد پستی: ۶۶۱۷۷ - ۱۵۱۷۵

این فصلنامه طی نامه شماره ۱۶۱۹۲۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ مدیر کل امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

با درجه علمی-پژوهشی منتشر می‌شود.

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری
پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST) به نشانی www.ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به نشانی www.isc.gov.ir نمایه می‌شود.

مطالعات شهری فهرست

- تدوین مدل روش پژوهش در مطالعات منظر شهری با تأکید بر پیاز پژوهش ساندرز
هاجر اسدپور، محمود قلعه نویی، آرمین بهرامیان
۳
- مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و تبیین تعیین کننده‌های آن
نمونه مورد مطالعه: شهر ایلام | داود جمینی، علی شمس‌الدینی، علیرضا جمشیدی
۱۹
- کیفیت منظر خیابان شهری و ارتباط آن با میزان و نوع فعالیت شهروندان تهرانی، ارزیابی کاربست نظریه یان گل
مریم شعبانی، محمود شارع‌پور
۳۱
- تأثیر شاخص سبزی‌نگی بر ماتریکس ترجیحات بصری کاپلانها در مناظر معابر مسکونی
نمونه مورد مطالعه: محله بخش هشت ساری | آیدا ارجمندتبار، راحله رستمی
۴۳
- بررسی نقش محرک‌های مدیریتی-اقتصادی در کاهش دوره بهره‌وری ابنیه
نمونه مورد مطالعه: شهر تهران | امیرحسین پورجوهری
۵۷
- بررسی نقش سازمانهای مردم نهاد در بهبود تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ارومیه در برابر پاندمی کووید-۱۹
مجتبی آراسته، محمدحسین پورحسن‌زاده، مریم بقایی
۶۹
- شناسایی مناطق مستعد توسعه میان‌افزا با استفاده از دورسنجی
نمونه مورد مطالعه: کلانشهر اهواز | علی شجاعیان، عامر نیک‌پور، ناصر علیقلی‌زاده فیروزجایی، محمد سلیمانی لامیانی
۸۳
- پدیده فضا در اسکان غیررسمی: تجربه زیسته گروه‌های اجتماعی-معیشتی
نمونه مورد مطالعه: بازار امام حسن مجتبی، نسیم‌شهر، استان تهران؛ ۱۳۹۵-۱۳۶۵ | زهرا اسکندری دورباطی، مهرداد جواهری پور، فرح ترکمان
۹۷

تدوین مدل روش پژوهش در مطالعات منظر شهری با تأکید بر پیاز پژوهش ساندرز^۱

هاجر اسدپور - پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
محمود قلعه نویی^۲ - استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
آرمین بهرامیان - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۵ بهمن ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱

چکیده

توافق معنایی بر سر مفهوم منظر شهری از جانب نظریه پردازان و پژوهشگران وجود ندارد، در نتیجه پژوهش در آن نیز چالش‌های خود را دارد و نیاز به چارچوب روش شناختی به منظور مطالعه دقیق تر احساس می‌شود. اهمیت طراحی پژوهش را نمی‌توان نادیده گرفت یا ساده انگاشت. روند پژوهش در منظر شهری موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده و ضرورت پژوهش حاضر را مطرح می‌کند. پیاز پژوهش ساندرز مدلی است که به طور عام در حوزه‌های مختلف زمینه محور شده است. این راهنمای طراحی پژوهش، ابزاری است که به سازمان دهی تحقیق و توسعه طرح تحقیق به دنبال لایه‌های خود به صورت مرحله به مرحله کمک می‌کند و محدوده پژوهش را نیز تعریف می‌کند. از آنجایی که این مدل در حوزه پژوهش به طور عام کاربرد دارد و تمامی روش‌ها / رویکردهای تحقیق در منظر شهری را در بر نمی‌گیرد، این مقاله با هدف تدوین مدل «پیاز پژوهش منظر شهری» دست به تغییر و تکمیل این پیاز می‌زند. پس از انجام مرور سیستماتیک در مقالات منتشر شده در حوزه منظر شهری با به کار گرفتن روش کیفی و تحلیل محتوا فرآیند پژوهش پیش برده شده و ساختار روش شناختی مقالات حوزه منظر شهری مورد بررسی قرار گرفتند. در انتها نتایج نشان داد که مدل پیاز پژوهش منظر شهری دارای هفت لایه به شرح زیر است: فلسفه (دولایه نخست)، رویکرد، انتخاب روش شناختی و فرآیند انجام، راهبرد، افق زمانی، تکنیک‌ها و رویه‌ها. در هر لایه تغییراتی اعمال شده و مواردی افزوده شده است. با به کارگیری این مدل می‌توان مسیر پژوهش را متناسب با پرسش مطرح شده و مسئله پژوهش مشخص تر و هدفمندتر پیش برد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، مرور سیستماتیک، روش پژوهش، پیاز پژوهش.

نکات برجسته

- فلسفه تحقیق، رویکرد توسعه تئوری، انتخاب روش شناختی، راهبرد، افق‌های زمانی و تکنیک‌ها و رویه‌ها شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، شش لایه پیاز پژوهش هستند.
- پیاز پژوهش «منظر شهری به مثابه مفهوم»، «ارزیابی بصری منظر» و «مدیریت بصری منظر» با استفاده از مرور سیستماتیک تدوین شدند.
- مدل پیاز پژوهش منظر شهری در هفت لایه به همراه مسیرهای راهنمای محققان و با استفاده از ایده ابر کلمات ارائه گردید.
- محقق بایستی از میان سه دسته «عینیت‌گرا»، «ساختارگرا» و «ذهنیت‌گرا» که در لایه فلسفه به آنها اشاره شده، دست به انتخاب بزند.
- «تکنیک‌ها و رویه‌ها» که در مرکز پیاز پژوهش منظر شهری قرار دارند، به دو دسته مستقیم (پرسش از مردم) و غیرمستقیم (تحلیل تخصص‌گرایانه) تقسیم می‌شوند.

۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان «تبیین یک مدل معناشناختی از منظر شهری؛ مورد پژوهی منظر شهری شیراز» است و در دانشگاه هنر اصفهان به راهنمایی دکتر محمود قلعه نویی (راهنمای اول) و دکتر آرمین بهرامیان (راهنمای دوم) در حال انجام می‌باشد.

۲ نویسنده مسئول مقاله: m.ghalehnooe@au.ac.ir

۱. مقدمه

منظر بخشی از عینیت قابل درک از واقعیت فضای موجود پیرامون افراد در شهر است. با نگاه به منظر شهری^۱ به مثابه یک پدیده نمی‌توان آن را صرفاً واجد ابعاد ذهنی یا عینی دانست. در جامعه امروز ما نه تنها منظر شهری در اسناد و طرح‌ها جایگاه مشخص و تعریف شده‌ای ندارد بلکه کاربرد این مفهوم اغلب بدون نگاه ژرف و پرداخت همه‌جانبه و کل‌نگر در پژوهش‌ها دیده شده است. مناظر باید به عنوان مفهومی یکپارچه، در پیوستگی‌شان در مقیاس محلی تا جهانی درک و شناخته شوند (Kiani & Ghasemi, 2020: 43). درک و ارزشیابی یک منظر مستلزم توجه به فرهنگ و مکان خاص آن است؛ بنابراین از مکانی به مکان دیگر و از دوره‌ای به دوره دیگر متفاوت خواهد بود. در نتیجه اتخاذ یک رویکرد جامع برای پذیرفتن معنای لایه‌ای آن و استفاده از پتانسیل منظر به عنوان واسطه‌ای برای فعالیت و تجربه انسان ضروری است (Makhzoumi, 2016: 30). چارچوب روش‌شناسی در گام اول پرداختن به هر موضوعی مطرح می‌شود. این که نقطه آغاز تحقیق کجاست و چگونه این مسیر بایستی طی شود، همواره دغدغه پژوهشگران بوده است. در حیطه روش‌های پژوهش و مفاهیم مرتبط با آن از قبیل رویکرد، راهبرد یا ابزار داده‌کاوی دسته‌بندی متعددی وجود دارد و صورت‌بندی قطعی در منابع روش پژوهش دیده نمی‌شود. از آنجایی که پژوهش در منظر شامل حوزه‌های مختلف می‌شود، ارتباط میان اجزای مختلف روش‌شناختی همواره حائز اهمیت است.

اگرچه مدل پیاز پژوهش^۲ در ابتدا بیشتر برای تحقیقات تجاری استفاده شده بود، اما محققان سایر رشته‌ها از آن به عنوان چارچوبی برای طراحی تحقیقات خود استفاده می‌کنند (Mardiana, 2020: 5304). به عنوان مثال از پیاز پژوهش در پژوهش‌های اجتماعی و حوزه سیستم اطلاعات (Mardiana, 2020) بهره برده شده است. همچنین مدل پیاز پژوهش آینده‌پژوهی^۳ با بهره‌گیری از پیاز پژوهش ساندرز و همکاران تدوین شده است (Melnikovas, 2018). در پژوهش دیگری پس از این که داده‌ها به صورت سیستماتیک جمع‌آوری و سازمان‌دهی شدند، مبتنی بر پیاز پژوهش در حوزه تقلب شرکتی نیز از این مدل استفاده شد (de Oliveira Orth & Maçada, 2020). هدف پژوهش پیش‌رو نیز تقویت بنیان‌های لازم پژوهش در منظر شهری با نگاهی کل‌نگر و جامع به این حوزه است. پرسش پژوهش مبتنی بر این موضوع است که مدل پیاز پژوهش منظر شهری شامل چه اجزا و لایه‌هایی است؟ بنابراین پس از بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه منظر شهری و دسته‌بندی آنها، به مرور ساختاری محتوای هر یک پرداخته شد. این تحلیل محتوا با بررسی دقیق چکیده و به طور خاص بخش روش‌شناسی (در مرحله نخست) و مرور کل پژوهش (در مرحله دوم) صورت گرفت تا فرآیند انجام هر تحقیق به روشنی مشخص شود. بسیاری از روش‌ها، فرآیندها و رویکردهای مطرح شده در حیطه پژوهش به طور عام، قابل تعمیم به حوزه منظر شهری نیز هستند. باین حال شناسایی و تحلیل موارد

به کاررفته در غالب پیاز پژوهش ارائه شده توسط ساندرز و همکاران، با اعمال تغییراتی به مدل پیاز پژوهش منظر شهری خواهد انجامید که راهگشای بسیاری از پژوهشگران این حوزه در انتخاب دقیق و سریع تر مسیر پژوهش خود خواهد بود. روش‌شناسی در حوزه منظر شهری به دلیل عدم وجود مدل‌های منسجم و سیستماتیک، همچنان موضوع مهم و قابل تأملی در مطالعات منظر است. مدل پیاز پژوهش منظر شهری در پی خود به حل مسئله پیچیدگی مفهوم منظر در هنگام ورود به ادبیات شهرسازی ایران نیز کمک خواهد کرد.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. پژوهش در منظر شهری

شهر در ذهن انسان بازنمایی شده و منظر شهر می‌گیرد. این فرآیند در سطوح کلان، میانی و خرد، در مواجهه و تجربه شهر رخ می‌دهد (51: Esmaeeldokht, et al., 2021; Mansouri, 2018: 3). منظر علاوه بر پیونددهنده انسان و محیط در فرهنگ لغت و بستر به معنای گستره‌ای از منظره طبیعی است که در یک نظر با چشم می‌توان آن را دید (Swaffield, 2011: 142). ابعاد ناملموس شهر از طریق منظر شهری نمود خارجی پیدا می‌کنند (Golkar, 2008: 96)؛ بنابراین کلمه منظر زمانی استفاده می‌شود که جنبه‌های عینی و ذهنی به طور هم‌زمان و پیوسته مدنظر باشد (Asadpour, 2017: 30). بین الگو و فرایندهای سازنده زمین، ادراک ما از آنها و زیبایی، ارتباط مستقیمی وجود دارد (Bell, 2007: 11; Atashinbar, 2010: 43). در حوزه پژوهش منظر شهری، آتشین بار به طور مختصر به چستی منظر شهری در آرای صاحب‌نظران پرداخت و منصوری نیز بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران را به انجام رساند. وی آغاز ورود مباحث مرتبط با منظر شهری را ترجمه کتاب کوین لینچ به وسیله مزینی در دهه ۵۰ دانست که دو دهه پس از آن این اصطلاح به سطح تجربی و حرفه‌ای دست یافت (Mansouri, 2009: 33). در باب مفهوم منظر و جایگاه آن در طرح‌های شهری، محملی ایبانه پژوهشی را نیز پیش برده است (Mahmeli Abyaneh, 2011). به طور مشخص در حوزه روش تحقیق، کتابی با عنوان «تحقیق در معماری منظر: روش‌ها و روش‌شناسی» در سال ۲۰۱۷ توسط انتشارات راتلج منتشر شده که با دو ترجمه متفاوت در ایران موجود است. این کتاب به جدال میان عینی‌گرایان و ذهنی‌گرایان می‌پردازد و عمل‌گرایی را تنها راه حل‌رهایی از این دوگانگی عنوان می‌کند (Hashemizadegan, 2019: 55). علاوه بر این پژوهش‌های بسیاری با تأکید بر منظر شهری و ارتباط آن با سایر مفاهیم شهری صورت گرفته است. باین حال نگاهی جامع به روش‌ها و فرآیند پژوهش در منظر شهری وجود نداشته است. روش‌ها و فرآیندهای بررسی منظر شهری می‌تواند راهگشای مسائل ناشی از عدم توجه همه‌جانبه به مفهوم منظر و اقدامات ناکارآمد در حوزه شهری باشد. در راستای نگاهی جامع به منظر شهری و پرداختن به حوزه پژوهش در منظر شهری اقداماتی صورت گرفته است. برای مثال منظر شهری تاریخی به عنوان گونه‌ای واجد ارزش از منظر شهری که بازنمودی از تاریخ جامعه است در پژوهشی با عنوان «رویکرد منظر شهری تاریخی در مدیریت شهری: یک مرور سیستماتیک» مورد نظر بوده است. نتایج آن نشان داد که تمرکز بیشتر مقالات بر روی ارزش‌ها بوده اما دستیابی به

1 Urban landscape

2 Research Onion: پیاز پژوهش در اصطلاح همان فرآیند و اجزای پژوهش است که در قالب لایه‌لایه‌ای بودن خود به معرفی فلسفه تحقیق، فرآیند روش‌شناختی، رویکرد، راهبرد و افق زمانی تحقق آن اشاره دارد.

3 Futures Studies

از برنامه‌های کامپیوتری برای رتبه دهی و نظرسنجی و پرسشنامه آنلاین شد (Nasar, 2000: 25). در این میان کاپلان‌ها نیز با تأکید بر تجربه مستقیم، ماتریس ترجیحات ارائه کرده و به کمک تئوری تصمیم و دیدگاه زیبایی‌شناسی به رتبه‌بندی پنج‌نمره‌ای صحنه‌ها (به کمک تصاویر) پرداختند (Kaplan, et al., 1998).

۲.۲. پیاز پژوهش ارائه شده به وسیله ساندِرز و همکاران

در این پژوهش با انتخاب مدل پیاز پژوهش ارائه شده به وسیله ساندِرز و همکاران به تحلیل و ارزیابی پژوهش‌های انجام شده بر روی منظر شهری پرداخته شده است. استفاده از ایده لایه‌ای پیاز در حوزه شهرسازی در توصیف رشد شهرها به‌عنوان توسعه لایه جدید در اطراف مراکز شهری موجود (از هسته به پوسته‌های خارجی) مطرح شده است (Herold, et al., 2003: 11). باین حال این ایده در حوزه پژوهش با عنوان «پیازپژوهش» (حرکت از پوسته‌های خارجی به هسته)، در سال ۲۰۱۶ به وسیله ساندِرز، لونیس و تُرنهیل برای مطالعات تجاری توسعه یافته و به‌طور گسترده در علوم اجتماعی برای ساخت چارچوب نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفت (Mardiana, 2020: 1). داوِلیوریا آرت و ماکادا نیز در پژوهشی از لِنز نظری پیاز پژوهش در مروری سیستماتیک بهره برده تا روابط نظری اصلی و شکاف‌های پژوهشی در حوزه تقلب و روابط شرکتی را کشف کنند (de Oliveira Orth & Maçada, 2020). پیاز تحقیق یک دیاگرام برای هدایت محققان در ساخت یک طرح تحقیقاتی است. در پژوهش‌های مختلف با توجه به حوزه مورد مطالعه، به اصلاح و تغییر لایه‌های مطرح شده در مدل پیاز پژوهش پرداخته شده است (Mardiana, 2020: 1). با وجود این که این مدل ابتدا در تحقیقات تجاری بود، اما محققان رشته‌های دیگر به آن به‌عنوان چارچوبی برای طراحی تحقیقات خود اشاره می‌کنند. مورانگانوا^۴ نیز در سال ۲۰۱۶ اشاره می‌کند که مفاهیم پیاز پژوهش زمینه‌ای مستحکم برای توسعه طرح تحقیقاتی منسجم را فراهم می‌کند. به‌طور کلی روش‌شناسی شامل سیستمی از باورها و مفروضات فلسفی است که درک سئوالات تحقیق را شکل داده و انتخاب روش‌های تحقیق را ممکن می‌سازد. روش تحقیق بخش جدایی‌ناپذیر از پژوهش است که به سازگاری بین ابزارها، تکنیک‌ها و فلسفه اساسی اطمینان می‌دهد. در واقع نقطه شروع خود را با ترسیم فلسفه اصلی، انتخاب رویکردها، روش‌ها و راهبردها و همچنین تعریف افق‌های زمانی مشخص می‌کند و منطق تحقیق را به‌طور کلی به طراحی تحقیق (تکنیک‌ها و روش‌های اصلی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها) می‌رساند (Melnikovas, 2018: 33).

نظریه‌ها به‌عنوان الگوی پیشبرد پژوهش‌ها در نظر گرفته می‌شوند. برخی حتی نظریه را نوعی رهنمود و مبنای گزینش اولیه داده‌ها مطرح می‌کنند و آن را ابزاری می‌دانند که در طول فرآیند پژوهش، پژوهشگر را در تحلیل داده‌ها یاری می‌کند. این در حالی است که در پژوهش‌های کیفی نظریه به‌عنوان محصول و خروجی پژوهش مطرح است (Kathleen, 1989: 536)؛ بنابراین بر اساس مسئله پژوهش می‌توان به تناسب از نظریات موجود به‌عنوان پشتوانه تحقیق بهره برد یا به تدریج نظریات دست زد. پس از انتخاب حوزه نظری، پیاز پژوهش از شش لایه اصلی تشکیل شده که به شرح زیر بوده و در نمودار شماره ۱ نمایش داده شده است.

روشی مبتنی بر ارزش‌هنوز محقق نشده، زیرا با میراث محلی و پویایی حاکمیت آنها متناسب نبوده و انتقال از دستورالعمل‌های بین‌المللی به سیاست‌های محلی همچنان یک چالش است (Ginzarly, et al., 2019: 1). در رشته‌های برنامه‌ریزی منظر شهری نیز مرور مقالات برای شناسایی رابطه بین عناصر کریدورهای سبز و رفتار حیات‌وحش شهری^۱ در مالزی بوده است (Aziz & Rasidi, 2014). روش‌های متعددی در طبقه‌بندی، اندازه‌گیری و ارزیابی مناظر وجود دارد که در منظر اکولوژی شهری بررسی شده است. آنچه واضح است، این است که از نظر تاریخی، روش‌ها عمدتاً بر مناطق طبیعی تمرکز داشتند (Young, et al., 2009: 60). بنابراین مرور پژوهش‌های صورت گرفته در حیطه منظر شهری با تمرکز بر بررسی موضوعات خاص بوده و به‌طور ویژه ترکیب منظر شهری در نگاهی جامع و کل‌نگر و با تأکید بر روش‌ها و فرآیندهای پیشبرد تحقیق در آنها مدنظر نبوده است.

در گام نخست هر پژوهش پس از شناسایی مسئله، به نظریه‌ها به‌عنوان پشتوانه پژوهش نیاز است. به‌طور کلی در میان نظریه‌پردازان حوزه منظر برخی مانند برنارد لاسوس توجه ویژه به روابط اشیا در منظر و دیالکتیک بین عین و ذهن داشت (Sarihi, Lassus, 1994: 89). نظریات پشتیبان در بررسی منظر تجربه زیبایی‌شناسی، ادراک و ترجیحات محیطی با تأکید بر چارچوب فکری گیسون و نظریه جریان بینایی^۲ بودند (Bell, 2007: 17, 22) و با نگاهی متفاوت جیمز کورنر به منظر شهری به‌مثابه متن نگریسته و منظر هرمنوتیکی را مطرح می‌کند (Corner, 1999). دمینگ و سوافیلد انواع راهبردهای پژوهش در منظر را به سه گروه عینیت‌گرا، ذهنیت‌گرا و ساختارگرا تقسیم می‌کنند. راهبرد توصیفی در پژوهش منظر در گروه عینیت‌گرا جای گرفته و شامل چهار دسته مشاهده، توصیف ثانویه، توصیف پیمایش اجتماعی و توصیف پیچیده است (Asadpour, 2013: 22) و مشاهده را مبنای اصلی راهبرد توصیفی می‌دانند که می‌تواند توسط محقق صورت گرفته یا از سایر منابع مکتوب و شفاهی حاصل شود. پرسشنامه، مشاهده، تصاویر، عکس‌ها، دست‌نگاره‌ها، مستندات تاریخی و غیره همگی به‌عنوان منابع اولیه در راهبرد توصیفی هستند. داده‌های گردآمده نیازمند طبقه‌بندی، دسته‌بندی و تفسیر صحیح هستند تا در رویکردی استقرایی به نتایجی جدید منتهی شوند (Ibid: 22). سایمون بل بر لزوم تجربه فعال منظر تأکید داشت. او با تکیه بر اجزای منظر و شیوه سازمان‌دهی آنها به کمک عکس‌برداری و ترسیم تصویر مدادی ساده به شناسایی عناصر کلیدی منظر می‌پرداخت (Bell, 2012). گوردن کالن نیز پرسپکتیوهای متفاوت دیده‌شده توسط افراد پیاده (دیدهای پی‌درپی) را در ادامه مشاهدات مکانی و بصری معرفی کرد (Cullen, 2003). جیمز کورنر نیز از بررسی بازنمایی‌ها صحبت کرده و به علامت‌گذاری برخی وجوه در دورنماها به‌عنوان تکنیکی در ارزیابی منظر اشاره می‌کند (Corner, 1999). آن ویستون اسپیرن نیز با نگاه زبانی به منظر به روایت‌ها و استعاره‌ها اشاره کرد (Spim, 2005: 20). تصویرذهنی ارزیابانه مطرح شده به وسیله جک نسر و رویکرد مستقیم اتخاذ شده توسط او، منجر به پیشنهاد استفاده

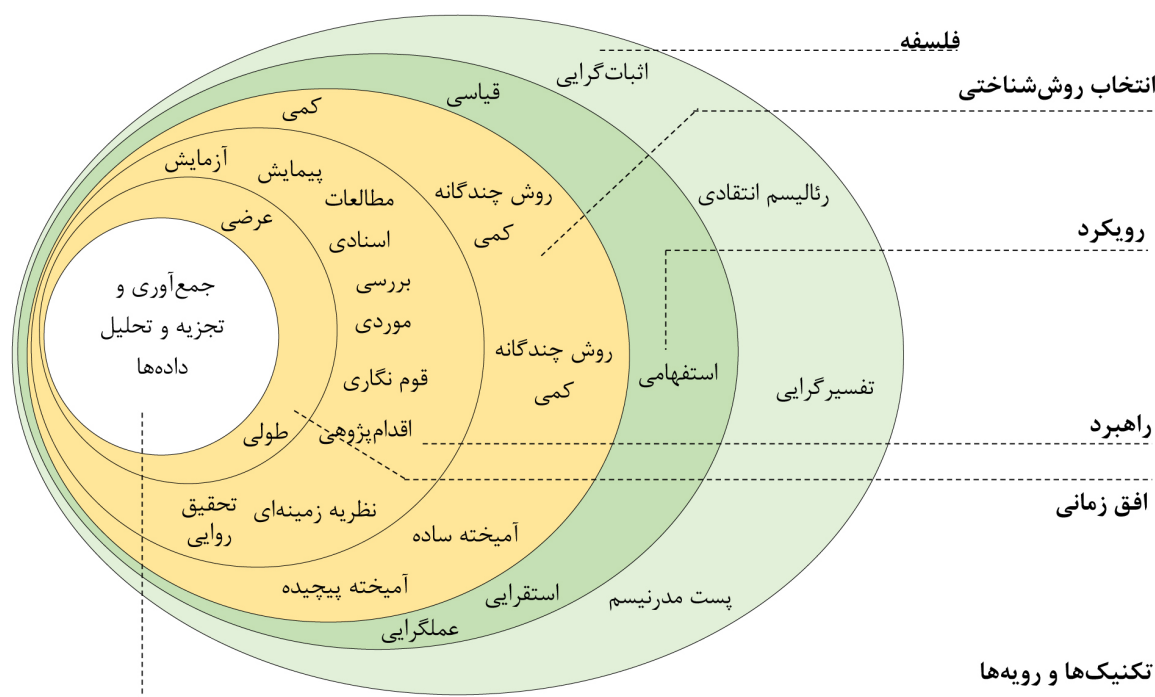
- 1 Value-Based Approach
- 2 Urban Wildlife
- 3 Theory of Optic Flow

- **راهبرد:** برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها موردی مانند آزمایش، پیمایش، مطالعات اسنادی، مطالعه موردی، قوم‌نگاری، اقدام‌پژوهی، نظریه‌زمینه‌ای و تحقیق‌روایی مطرح هستند (Melnikovas, 2018: 33). محققان از یک یا چند استراتژی در ایجاد طرح تحقیقاتی خود استفاده کردند که چیزی نیست جز ساختار کلی تحقیق که جزئیات عناصر مختلف را ارائه می‌دهد (Sahay, 2016: 5).
- **افق‌های زمانی:** این لایه چارچوب زمانی تحقیق را تعیین می‌کند. مطالعه مقطعی یا کوتاه‌مدت، شامل جمع‌آوری داده‌ها در یک زمان خاص است و مطالعات طولی شامل جمع‌آوری داده‌ها به‌طور مکرر در مدت‌زمان طولانی به‌منظور مقایسه آنهاست (Melnikovas, 2018: 33). درجایی که قرار است با یک مشکل در زمان خاصی برخورد شود، یک تحقیق مقطعی برای پاسخ به یک سؤال یا حل مشکل انجام می‌شود. در چنین مواردی، از استراتژی‌هایی مانند آزمایش (محدود)، پیمایش، مطالعه موردی یا نظریه‌زمینه‌ای استفاده می‌شود. برعکس، درجایی که سؤال یا مشکل به‌گونه‌ای است که نیاز به جمع‌آوری داده‌ها برای مدت‌زمان طولانی‌تری دارد، محقق مسیر طولی را در پیش می‌گیرد (Sahay, 2016: 1).

- **تکنیک‌ها و رویه‌ها شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:** شامل استفاده از داده‌های اولیه/ ثانویه، انتخاب گروه نمونه، ایجاد محتوای پرسشنامه، تهیه مصاحبه و غیره است. مرحله برنامه‌ریزی و طراحی یک تحقیق از تمامی مراحل بااهمیت‌تر است. عناصر نهایی، هسته‌ی پیاز تحقیقاتی، باید در راستای سایر عناصر طراحی که در لایه‌های بیرونی و میانی پیاز تحقیق وجود دارد، در نظر گرفته شود (Sahay, 2016: 1; Melnikovas, 2018: 33). نمودار شماره ۱ مدل پیاز پژوهش‌سازندرز و همکاران و لایه‌های آن را نمایش می‌دهد.

- **فلسفه تحقیق:** اساس تحقیق را ترسیم هستی‌شناسی (ماهیت واقعیت، معرفت‌شناسی، منابع دانش یا حقایق و ارزش‌شناسی) ارزش‌ها، باورها و اخلاق تحقیق تشکیل می‌دهد.
- **رویکرد توسعه‌تئوری:** می‌تواند توسط فلسفه تحقیق در سطح قبلی تعیین شود و معمولاً شامل موارد زیر می‌شود. **استقراء:** پژوهش با مشاهده و جمع‌آوری داده‌ها شروع می‌شود، به‌منظور توصیف و تجزیه و تحلیل و ایجاد نظریه از استقراء بهره گرفته می‌شود. **استفهام:** مشاهده پدیده‌های تجربی بر اساس شواهد موجود بهترین حدس یا نتیجه‌گیری را ارائه می‌دهد. رویکرد **قیاسی** نیز برای آزمایش نظریه موجود استفاده می‌شود، درحالی‌که رویکرد استقرایی معمولاً در توسعه نظریه یا در زمینه‌هایی با تحقیقات کمی استفاده می‌شود. رویکرد استفهامی معمولاً با یک واقعیت فراگیر شروع می‌شود و بین استقراء و استنتاج حرکت می‌کند تا محتمل‌ترین توضیح را بیابد (Melnikovas, 2018: 33). انتخاب رویکرد قیاسی به‌طورکلی منجر به استفاده از روش یا روش‌های کمی می‌شود. درحالی‌که انتخاب رویکرد استقرایی منجر به استفاده از روش یا روش‌های کیفی می‌شود (Sahay, 2016: 5).
- **انتخاب روش‌شناختی:** استفاده از روش‌های کمی و کیفی یا ترکیب‌های مختلف هر دو را تعیین می‌کند (Melnikovas, 2018: 33). روش‌شناسی کمی و کیفی همچون دو سرطیفی است که حالت‌های متعددی مابین این دو سرطیف قابل طرح است (Malek, 2012: 118). این دودسته روش‌ها مکمل یکدیگر بوده و برای شناخت پدیده‌ها می‌تواند توأمان مورد استفاده قرار گیرد (Sarmad, et al., 2012: 78). روش‌شناسان در دهه‌های اخیر از ترکیب این دو روش پشتیبانی کردند. برخی پژوهشگران اشاره می‌کنند که کمی یا کیفی اساساً روش نبوده و فرآیند انجام کار هستند.

1 Abduction

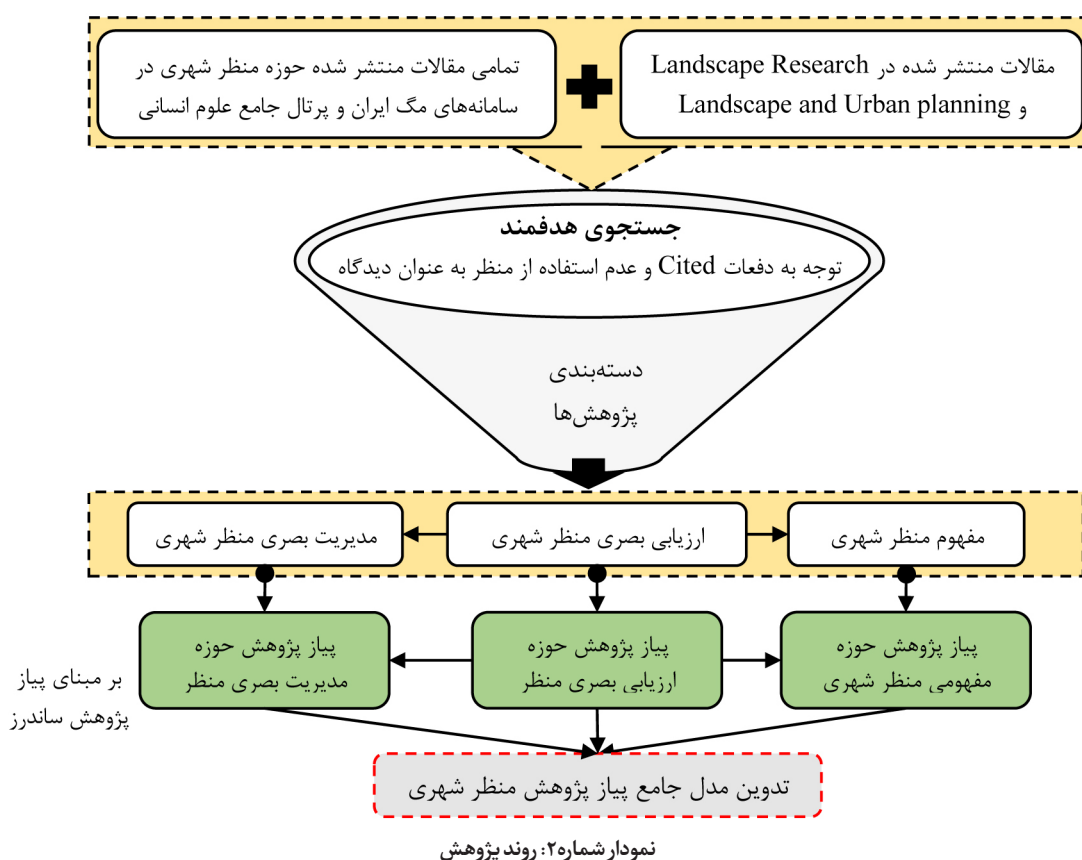


نمودار شماره ۱: پیاز پژوهش (Melnikovas, 2018: 33)

۳. روش

در این پژوهش انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه بر مبنای جستجوی کامپیوتری در پایگاه‌های علمی در چهار دهه اخیر صورت گرفت. بنابراین پس از جستجوی مفهوم «منظر شهری» در عنوان یا واژگان کلیدی مقالات، بیش از ۱۱۰ (مربوط به یک دهه اخیر) با ضریب ارجاع بالاتر گزینش شدند. منابع نوشتاری استفاده شده، شامل مقالات علمی پژوهشی موجود در سامانه‌های مگ ایران و پرتال جامع علوم انسانی و مقالات خارجی منتشر شده در دو نشریه معتبر حوزه منظر با نام‌های Landscape Research و Landscape and Urban planning هستند. این دو نشریه خارجی از حیث اعتبار، پرداختن به حوزه پژوهش در منظر و داشتن مقالات در تمامی مقیاس‌های منظر انتخاب شدند. در گام بعد، از میان منابع گردآوری شده مواردی که به موضوعی غیر از مفهوم منظر شهری دلالت داشته و واژه منظر را به معنای رویکرد

یا نگرش به‌کاربرده بودند، حذف شدند. با مطالعه چکیده مقالات و پایش اولیه، ۷۱ مقاله (۳۶ تعداد فارسی و ۳۵ تعداد انگلیسی) انتخاب و با روش کیفی و تحلیل محتوا بررسی و دسته‌بندی شدند. از آنجایی که بازیافت و تحلیل اطلاعات نیاز به پشتوانه نظری دارد، تحلیل محتوای داده‌ها و ساختار روش شناختی آنها بر اساس معیارهای استخراج شده پیاز پژوهش ساندرز مورد بررسی قرار گرفتند. در واقع معیارها بر اساس لایه‌های پیاز پژوهش ساندرز شامل روش، فرآیند انجام کار، راهبرد پژوهش، ابزار داده‌کاوی و تحلیل، سطح و مقیاس عمل هستند. دیدگاه اساسی و نظریه حاکم بر پژوهش‌ها نیز مشخص شدند. در انتها پس از ترسیم پیاز پژوهش برای هر یک از حوزه‌ها («مفهوم منظر شهری»، «ارزیابی بصری منظر» و «مدیریت بصری منظر»)، پیاز پژوهش جامع مورد استفاده در مطالعه و پژوهش منظر تدوین شد. نمودار شماره ۲ روند پژوهش حاضر را نمایش می‌دهد.



۳.۱. پژوهش‌های حوزه منظر شهری با تأکید بر مدیریت بصری منظر

سرویس جنگل‌های ایالات متحده^۱ در سال ۱۹۷۳ برای برنامه‌ریزی و کنترل تأثیرات تغییر منظر، نسخه نخست سیستم مدیریت بصری را ایجاد کردند. از اولین کنفرانس «منظر بصری ما» پیشرفت‌های زیادی در زمینه مدیریت بصری و فرآیندها و تکنیک‌های طراحی وجود داشته است. در اواسط دهه ۱۹۹۰ در بریتانیا توجه به مشارکت عمومی پیش گرفته شد و در استرالیا نیز در اواخر دهه ۱۹۸۰ نوع دیگری از سیستم مدیریت بصری توسعه یافته است (Bell, 2001: 202). علاوه بر این

با ظهور خوانش تصاویر^۲، انتشار اطلاعات به صورت گرافیکی به یک روند برگشت‌ناپذیر تبدیل شده و منجر به شکل‌گیری فلسفه مدیریت بصری شهر گردید (Sun & Zhu, 2015: 1331). به‌طور کلی مطالعات مدیریت بصری به رویکردهای تجربی و نظری قابل دسته‌بندی هستند. در رویکرد نظری زیربنای آن نظریه بین‌رشته‌ای مانند نظریه زیبایی‌شناسی یا نشانه‌شناسی و در رویکرد تجربی، تجزیه و تحلیل محتوای بصری بر پایه مصاحبه یا خود محقق، مطرح است (Bell & Davison, 2013: 3). با وجود مقیاس کلان مدیریت بصری، لزوم تدقیق آن با سیاست‌های خرد و محلی از اهمیت بسزایی برخوردار است. این مفهوم در هر مقیاس منظر قابل پیگیری است؛ با این حال بیشتر

می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱. پژوهش‌هایی با رویکرد تخصصی: جایی که تمرکز بر توصیف منظر به‌عنوان یک شیء است و ۲. پژوهش‌هایی با رویکرد ذهنی: جایی که تمرکز بر تجربه بیننده از منظر است (Tveit, et al., 2006: 230). در تعریف منظر ارائه‌شده توسط کنوانسیون منظر اروپا نیز رابطه انسان و محیط بسیار پررنگ است و در اکثر مطالعات برای پیگیری رابطه بین ادراک و منظر از ابزارهایی برای تلفیق گفتمان و واقعیت و پرداختن به شیوه‌های مختلف تفسیر شهروندان استفاده می‌کنند. به‌طور مثال مشاهدات و عکاسی از منظر به‌عنوان پاسخی برای «مستندسازی و نقشه‌برداری» از منظر و درگیر کردن شهروندان مورد کاربرد بوده است (Mulet Gutiérrez, et al., 2020: 89). رویکردهایی نیز از قبیل رویکرد اکولوژیک^۴، زیبایی‌شناسی صوری^۵، روان‌فیزیکی^۶، روان‌شناسی^۷، پدیده‌شناسی^۸، شناختی^۹ (Daniel, et al., 1987: 217)، رویکرد مستقیم^{۱۰} (ترجیحات مردمی درباره منظر) و غیرمستقیم^{۱۱} (ارزیابی بر پایه بررسی توصیفی اجزای تشکیل‌دهنده منظر) نیز مطرح هستند (Briggs & France's research, 2013: 12). رویکردی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ پیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت، برای توسعه پایدار محیطی و مشارکت مردم اهمیت خاصی قائل بوده، بنابراین کیفیت محیطی را بر مبنای ایجاد زندگی فردی و جمعی مردم در ارتباط با محیط زیست استوار ساخته است (Matlabi, 2001: 61). نکته قابل توجه در پژوهش‌های حوزه ارزیابی منظر، تأکید آنها بر نیاز جدی مردم به مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری درباره توسعه منظر و در حوزه اجتماعی-فرهنگی است. مدل‌های از بالا به پایین تاریخی و معاصر نیاز به بازسازی و هم‌افزایی با رویکردهای مشورتی و درگیری بهره‌وران را دارند (Moore-Colyer & Scott, 2005: 519). به‌منظور افزایش مشارکت شهروندان در فرایند شکل‌گیری منظر ابزارهای متفاوتی مطرح و به کار گرفته شدند. به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای موجود در عکاسی و توانایی آنها در ایجاد ارتباط بین تجربه محلی با دانش تخصصی در حوزه منظر تاریخی (Mulet Gutiérrez, et al., 2020: 2) یا تهیه یک نقشه استاندارد تحت وب که هم توسط برنامه‌ریزان و هم توسط کاربران قابل مدیریت و ارتقا باشد (Ruiz, et al., 2020)، نمونه‌ای از آنهاست. در کنار این موارد استفاده شفاف از بازنمایی‌های طراحی می‌تواند به پذیرش مطالعات بصری به‌عنوان یک استراتژی مشارکتی و تحول‌آفرین کمک کند (Raaphorst, et al., 2017).

مونبالیو^{۱۲} در سال ۱۹۸۴ پیشنهاد کرد که فنون ارزیابی منظر می‌توانند در ارزیابی اثرات دیداری به کار روند. به‌طور کلی این فنون به سه طبقه تقسیم می‌شوند: حسی (ارزشیابی میدانی چشم‌نوازی منظر)،

در حوزه منظر طبیعی بدان پرداخته شده است. راهبردهای مدیریت بصری منظر در حوزه منظر طبیعی نیز با روش اکتشافی ارائه شدند (khalilnezhad & Aminzadeh, 2012). از مقیاس خرد مانند جایگاه نقاشی دیواری در منظر شهری و یا بررسی چشم‌اندازهای محورهای تاریخی (Naderi, 2014; Ahmadi & Sadeghi, 2010) تا توجه به منظر بزرگراه تهران قم (Darabi, et al., 2017) و بزرگراه‌ها در انگلیس در مقیاس کلان نشان دادند که مدیران و مسئولان پروژه‌ها از ابزارهای پیشرفته مدیریت بصری استفاده نکردند (Tezel & Aziz, 2017).

در مطالعات مدیریت بصری به کاربرد روش‌های نوینی نیز می‌توان اشاره کرد. به‌عنوان مثال به‌منظور حل آلودگی بصری در مدیریت محیط، شبیه‌سازی-تحلیل تصاویر/ به کمک برنامه‌نویسی پایتون برای جمع‌آوری مقادیر زیادی تصاویر از وب استفاده شد. کاربرد این مدل با پردازش فیلم / تلفن‌های هوشمند، دوربین مداربسته و هواپیماهای بدون سرنشین می‌تواند برای حذف و مدیریت آلاینده‌های دیداری به کارگرفته شود (Ahmed, et al., 2019). درک عمومی از مدیریت بصری در شفافیت و اعمال کارکردهای منظم متمرکز شده است و کارکردها بایستی دارای رابطه تعاملی باشند (Tezel, et al., 2009). باین‌حال به مدیریت بصری به‌عنوان یک فرآیند و زیر کارکردهای آن پرداخته نشده است. مدیریت بصری شهر با کنترل و تنظیم عوامل شناختی، بر هدایت مؤثر رفتار فردی در هماهنگی با محیط تأثیر می‌گذارد (Sun & Zhu, 2015: 1331). از جمله کارکردهای مطرح‌شده به‌منظور تحقق مدیریت بصری، ارزیابی بصری منظر است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳.۲. پژوهش‌های حوزه منظر شهری با تأکید بر ارزیابی بصری منظر

سه مورد از چارچوب‌های کاربردی برای تجزیه و تحلیل کیفیت‌های بصری که به‌طور گسترده به کار می‌روند، شامل ارزیابی شخصیت منظر^۱، روش ارزیابی زیبایی منظر^۲ و سیستم مدیریت منابع بصری^۳ هستند. ارزیابی شخصیت منظر در انگلستان مطرح شد و طی ۲۰ سال گذشته به‌طور گسترده در مراحل مختلف برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار گرفته و روش ارزیابی زیبایی منظر در دهه ۱۹۷۰ برای بخش جنگلداری ایالات متحده توسعه یافته است. از محدودیت‌های هر سه روش این است که آنها برای تخمین به داده‌های میدانی تکیه می‌کنند. برای روش‌های ارزیابی شخصیت منظر و سیستم مدیریت منابع بصری، بیشترین توصیف بصری در سطح بررسی میدانی است، در حالی که ارزیابی زیبایی منظر بر اساس رتبه‌بندی عکس‌های منظر پیش برده می‌شود (Tveit, et al., 2006: 230). نظریه زیبایی‌شناسی منظر از جمله نظریات غالب مورد استفاده در پژوهش‌ها بوده است. پژوهش‌هایی مبتنی بر نظریه زیبایی‌شناسی منظر، به دنبال ارتباط بین این نظریه و شاخص‌های منظر است که در این راستا فیلترهای اولیه‌ای برای انتخاب شاخص‌های بصری معرفی شده است (Ode, et al., 2008: 109).

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ارزیابی جنبه‌های بصری منظر را

- 1 Landscape Character Assessment (LCA)
- 2 Scenic Beauty Estimation (SBE)
- 3 Visual Resource Management (VRM)

- 4 Ecological Approach
- 5 Aesthetical Formal Approach
- 6 Psychophysical Approach
- 7 Psychological Approach
- 8 Phenomenological Approach
- 9 Cognitive Approach
- 10 Direct Approach
- 11 Indirect Approach
- 12 Monbailliu

استفاده از تکنیک یادداشت برداری فیلپ تیل (کمی) و تحلیل عناصر بصری منظر سایمون بل (کیفی) به نوعی با ترکیب روش های کمی و کیفی به ارزیابی کیفیت منظر تاریخی پرداخته اند (Ghalehnoee, et al., 2018).

استفاده از تصاویر برای ارزیابی منظر و ادراک غیرمستقیم افراد در پژوهش های معطوف به بررسی ترجیحات محیطی منظر نیز پرکاربرد بوده است (Rafeeani, et al., 2015; Wahdattalab, et al., 2020; Burley, et al., 2013; Golchin & Behbahani Irani, 2013; Golchin et al., 2013). ارزیابی ترجیحات بصری و ادراک بصری کاربران از نماهای شهری در مقیاس خرد مطرح شده که با ابزار اسپیس میت کیفیت بصری موردسنجش قرارگرفته و داده های کمی با استفاده از ابزار ایزووایست استخراج گردیدند (Esfandiari & Tarkashvand, 2020). ارزیابی ترجیحات بصری انواع ویژگی های منظر با استفاده از الگوریتم Apriori به عنوان یک ابزار داده کاوی نیز قابل انجام است. در سطح اول، ارزیابی زیبایی منظره از ۱ تا ۵ صورت می گیرد و در سطح دوم، ترجیحات بصری از طریق الگوریتم در پارامترهای ادراکی تعیین می گردد (Asur, et al., 2020: 247). رتبه بندی مقایسه ای به عنوان ابزاری مرسوم در بررسی ترجیحات افراد مستلزم مقایسه صحنه های قبل و بعد از اعمال تغییرات است (Feimer, et al., 1981). در بررسی منظر خیابان های شهری استفاده از دوربین مبتنی بر تلفن هوشمند و برنامه مپیلری^۷ به استخراج صفات از مجموعه داده های دیداری و شنیداری می انجامد (Verma, et al., 2019). برای مثال تجزیه و تحلیل داده های حاصل از طریق مقایسه تجربیات حاصل از حرکت مبتنی بر جی پی اس در یک محیط ناآشنای شهری نشان داد که شرکت کنندگان بیشتر «مسیر» را در نقشه های شناختی خود دارند و نشانه ها، غالب ترین عنصر در نقشه های شناختی بودند (Ercevik Sonmez & Erinsel Onder, 2019). در بررسی های منظر شهری در مقیاس خرد نیز توجه به خط آسمان حائز اهمیت بوده و روش تحلیل بعد فرکتال در نرم افزار متلب بنویت^۸ به عنوان ابزاری نوین در تحلیل آن مطرح است (Esfandiari & Tarkashvand, 2020). با استفاده از الگوریتم هایی مبتنی بر قوه بینایی که در رایانه ایجاد شده اند، برای بررسی کمی سیمای خیابان کاربرد داشته و به کمک روش تبدیل هاف^۹ بر اساس نرم افزاری به نام «اسپیس^{۱۰}» با بررسی مرزها می توان به پردازش تصاویر گرفته شده پرداخت (Tucker, 2004). سیمای شهرها با تلفیق چند تکنیک نیز قابل تحلیل هستند. ترکیب تحلیل سلسله مراتبی و تکنیک تصمیم گیری چندمعیاره^{۱۱} در کنار پرسشنامه تصویری برای بررسی ترجیحات و تکنیک تاپسیس برای شناسایی اولویت ها یکی از آن نمونه هاست (Karimi moshaver & Winkemann, 2018). در گام بعد برای مدل سازی طرح می توان از نرم افزار متلب کمک گرفت تا دید فازی به مدیران و برنامه ریزان شهر برای انتخاب محل مناسب احداث یک ساختمان بلند داد (Karimimoshaver, et al., 2020).

روش های رتبه بندی یا امتیازدهی و تکنیک های آماری تحلیل با رگرسیون چندمتغیره به کمک پاسخ های کاربران. تجزیه و تحلیل روابط بین کیفیت بینایی و ویژگی های ساختاری منظر نیز یک روش مؤثر در انجام تحقیقات شناختی محسوب می شود (Darabi, et al., 2017: 503). از دیگر ابزارهای تحلیل بصری شهر می توان به شبکه تصویری^۱، قاب ایستا^۲، تحلیل فرم بصری شهر، تحلیل ارزیابی تأثیر بصری، مدل سازی کیفیت بصری، مدل سازی اثر بصری^۳، تحلیل دید مبتنی بر سه بُعد^۴ و روش تبدیل هاف اشاره کرد (Karimi Moshaver, 2014: 8). جنبه های فیزیکی مکان از قبیل محرک های حسی، دیدها و کانون های بصری، شکل، اندازه و فرم فضا، میزان محصور شدن و حضور پوشش گیاهی همواره مورد تأکید و بررسی متخصصان بوده است؛ اما عوامل اجتماعی نیز در تأثیر ویژگی های فیزیکی بر افراد نقش اساسی دارند. بدیهی است که مواجهه های اییزودیک با جنبه های فیزیکی و ملموس مکان با ارزش های اجتماعی و نمادین گره خورده و در متن معناهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی که در تجربیات افراد نهفته است، بهتر درک می شود. بنابراین فرآیند نقشه برداری یک روش متمرکزا برای درک همپوشانی بین عوامل محیطی و معنای اجتماعی مکان فراهم کرده است (Evered, 2016: 691). بررسی دیدهای متوالی و ارزیابی کیفیت منظر در حوزه منظر طبیعی شهری (پارک های درون شهری و رودکنارها) مورد توجه بوده و با معیارهای توالی فضایی، پیچیدگی و شگفتی پیگیری شده و از مطالعات میدانی و پرسشنامه دلفی و آزمون همبستگی به منظور ارزیابی کیفیت آنها استفاده شده است (Motevali, Sedagati & Dartoomi, 2017; 2011). مصاحبه نیمه ساختاریافته و تحلیل هرمنوتیکی نیز برای سنجش تأثیر احساس مکان بر تصویر ایجاد شده از مناظر طبیعی در ذهن کاربران ابزار پژوهش بوده است (Falahatkar & Aminzadeh, 2020: 130).

۳.۳. پژوهش های حوزه منظر شهری با تأکید بر مفهوم آن به مثابه کل

از دید برخی متخصصان منظر شهری تاریخی به عنوان گونه ای از منظر شهری موجود در شهرها به عنوان رویکردی به منظر شهری معرفی می شود که با ترکیب ریخت شناسی شهری و روش تحلیل سلسله مراتبی^۵ در مرحله پیش برنامه ریزی می تواند در پیشبرد اقدامات مفید باشد (Wang, et al., 2021: 273). در بررسی منظر شهری تاریخی توجه ویژه به کریدورهای با ارزش شهری با استفاده از روش های تجزیه و تحلیل شبکه بوده (Li, et al., 2021). برای مثال کریدورهای دید در منظر شهری تاریخی شهر شیراز (محور و منظر ورودی شهر) با تکنیک سطوح حفاظت بصری^۶ و تحلیل عاملی اکتشافی و رگرسیون مورد بررسی قرارگرفته است (Asadpour, et al., 2020; Asadpour, et al., 2020; Chizfahmdaneshmandian & Behzadfar, 2020). برخی با

7 Mapillary

8 Matlab-Benoit

9 Hough Transform

10 Scape

11 Multiple-criteria decision analysis (MCDA)

1 Photo grid

2 Stop-frame

3 Visual impact modeling

4 3D-based view analysis

5 Analytical Hierarchy process (ANP)

6 Visual Protection Surface (VPS)

۴. بحث و یافته‌ها

مبنایی برای ارزیابی و پیشبرد پژوهش «نظریه زیبایی‌شناسی» در اغلب آنها مورد توجه بوده است؛ و برخی به لزوم توجه پایین به بالا در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در حوزه منظر شهری اذعان داشته که این مهم به جنبه تجربه افراد از منظر اشاره دارد. ماتریس نمایش داده شده در جدول شماره ۱ مقیاس‌های سه‌گانه خرد، میانه و کلان شهری را در تلافی با حوزه‌های پژوهشی در منظر شهری مطرح می‌کند. حوزه میانه در هر سه حضور داشته و مقیاس کلان در پژوهش‌های معطوف به مدیریت بصری منظر و پژوهش‌هایی با تأکید بر مفهوم منظر شهری بیشتر دیده شده است. جدول شماره ۲ پژوهش‌های سه حوزه را به تفصیل مورد مقایسه قرار داده است.

پژوهش‌های بررسی شده در حوزه منظر به سه بخش (۱) مباحث مرتبط با مدیریت بصری منظر، (۲) ارزیابی بصری منظر و (۳) پژوهش‌های مرتبط با منظر شهری و منظر شهری تاریخی قابل تقسیم هستند. جدول شماره ۲ جمع‌بندی پژوهش‌های انجام شده در حوزه منظر شهری را نمایش می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که برخورد و اتخاذ رویکرد کل‌نگر به منظر ضروری قلمداد شده و برخی از پژوهش‌ها به دنبال دستیابی به مدلی جامع در تحقیق بصری با رویکرد انتقادی بودند. تأکید بر نگاه زمینه محور به منظر و نحوه فیلتر کردن ویژگی‌های هر محیط در ارزیابی منظر نقطه مشترک برخی از پژوهش‌ها بود. به عنوان

جدول شماره ۱: ماتریس پژوهش‌های انجام شده در حوزه منظر شهری

فراوانی	فرآیند انجام کار		مقیاس کلان	مقیاس میانه	مقیاس خرد	پژوهش در منظر شهری
۱۵	کمی	کیفی				مدیریت بصری منظر شهری
۲۶	کمی	کیفی				ارزیابی بصری منظر شهری
۲۸	کمی	کیفی				مفهوم منظر شهری

جدول شماره ۲: جمع‌بندی پژوهش‌های انجام شده در حوزه منظر شهری

مفهوم منظر شهری		ارزیابی بصری منظر شهری		مدیریت بصری منظر شهری	
تعداد	محورها	تعداد	مجتمع مسکونی و نماها	تعداد	دید و چشم‌انداز
۳	شهر	۲	منظر شهر تاریخی	۲	منظر
۱۳	منظر شهر با دید کل‌نگر	۱	واقعیت مجازی	۱۰	خاطره بصری
۲	میدان شهری	۱۰	محور	۱	بزرگراه
۱	محله	۱	پارک	۲	
۱	پارک	۲	رودخانه و ساحل		
۲	رودخانه و دریاچه				
تحلیلی، قیاسی استقرایی، تفسیری، توصیفی، تحلیل هرمنوتیکی، تحلیل محتوای تطبیقی		تحلیلی-توصیفی، پیمایشی، همبستگی، مدل‌سازی، تجربی-شبیه‌سازی، مقایسه‌ای		توصیفی-تحلیلی، اکتشافی، ارزیابی، پیمایشی، مقایسه	
۳	کمی	۱۲	کمی	۱۳	کمی
۲۲	کیفی	۱۱	کیفی	۲	کیفی
۳	آمیخته	۳	آمیخته		
GIS، AHP، دلفی، عکس هوایی، تحلیل خوشه‌ای، مرور سیستماتیک، مصاحبه عمیق، بررسی روایت‌ها، عکس برداری، نقشه برداری مشارکتی و تجربی، تحلیل عاملی، رگرسیون		ابزار داده‌کاوی و تحلیل		مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه، تحلیل شبکه	
۱۳	منظر به مثابه کل	۴	کلان: شهر	۱۱	کلان: شهر
۵	کلان: شهر	۹	میانه: منطقه و پارک	۲	میانه: پارک و مسیل
۴	میانه: پارک و محله و میدان	۱۳	خرد: خیابان، مسیر	۳	خرد: خیابان
۳	خرد: محورها	۴	نظری	۷	نظری
۱۲	نظری	۲۲	تجربی	۸	تجربی
۱۶	تجربی				
زیبایی‌شناسی، انتقادی و نشانه‌شناسی، رویکرد سیستمی		نظریه حاکم		زیبایی‌شناسی و اکولوژی منظر	

الف) فراوانی کاربرد هر جزء در هر لایه با تفاوت رنگ و اندازه اضافه شده است.

ب) «مسیرهای هدایت پژوهشگر» با فلش‌های کمرنگ مشخص شده است.

ج) این مدل به نسبت مدل پیاز پژوهش ساندرز یک لایه اضافه دارد. در حقیقت دولایه بیرونی یعنی هستی‌شناسی پژوهش مرحله‌ای است که باورهای پژوهشگر در روند پژوهش را مشخص می‌کند. به این ترتیب از میان سه دسته راهبردهای «عینیت‌گرا»، «ساختارگرا» و «ذهنیت‌گرا» مورد نظر دمیگ و سوافیلد بایستی دست به انتخاب زده شود.

د) رویکرد «توصیفی» به رویکرد قیاسی و استقرایی مطرح شده در پیاز پژوهش ساندرز اضافه شده است.

ه) در لایه «راهبرد»، تجربی-شبه‌سازی، توصیفی، همبستگی، تحلیل هرمنوتیکی و قیاسی-تطبیقی افزوده شدند.

و) افق زمانی تمامی پژوهش‌ها در دو دسته طولی و عرضی جا می‌گیرند و اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه منظر شهری با افق زمانی طولی صورت گرفته‌اند.

ز) در هسته مرکزی پیاز پژوهش منظر شهری تکنیک‌ها و رویه‌ها مطرح شدند. تکنیک‌های پژوهش در منظر با تأکید بر نظرات ارائه شده توسط متخصصان (Karimi Moshaver, 2014; Tveit, et al., 2006; Briggs & France, 1980) در دو دسته کلی مستقیم (پرسش از مردم) و غیرمستقیم (تحلیل تخصص‌گرایانه) تقسیم شدند. (نمودار شماره ۴)

جدول شماره ۳ پیشنهادی روش شناختی پژوهش در منظر شهری را نمایش می‌دهد. به عنوان مثال در صورت تعیین دسته هستی‌شناسی عینیت‌گرا (متناسب با مسئله پژوهش)، پارادایم اثبات‌گرایی می‌تواند برگزیده شود و رویکرد مورد نظر نیز متناسب با آن استقرایی یا توصیفی باشد. گاهی از ترکیب دو یا چند راهبرد نیز در پژوهش استفاده می‌شود. پس از آن انتخاب روش شناختی پژوهش یا فرآیند انجام کار مطرح می‌گردد که می‌تواند کمی، کیفی و یا تلفیقی از آنها باشد. به عنوان مثال در صورت انتخاب رویکرد توصیفی در پی آن با عبور به لایه بعدی انتخاب روش شناختی کیفی یا آمیخته و استفاده از راهبرد پیمایش یا بررسی موردی پیشنهاد می‌شود. انتخاب هستی‌شناسی تفسیرگرایی و رویکرد استقرایی با تعیین روش‌های کیفی و راهبرد قوم‌نگاری در حوزه منظر شهری فرهنگی کاربرد خواهد داشت.

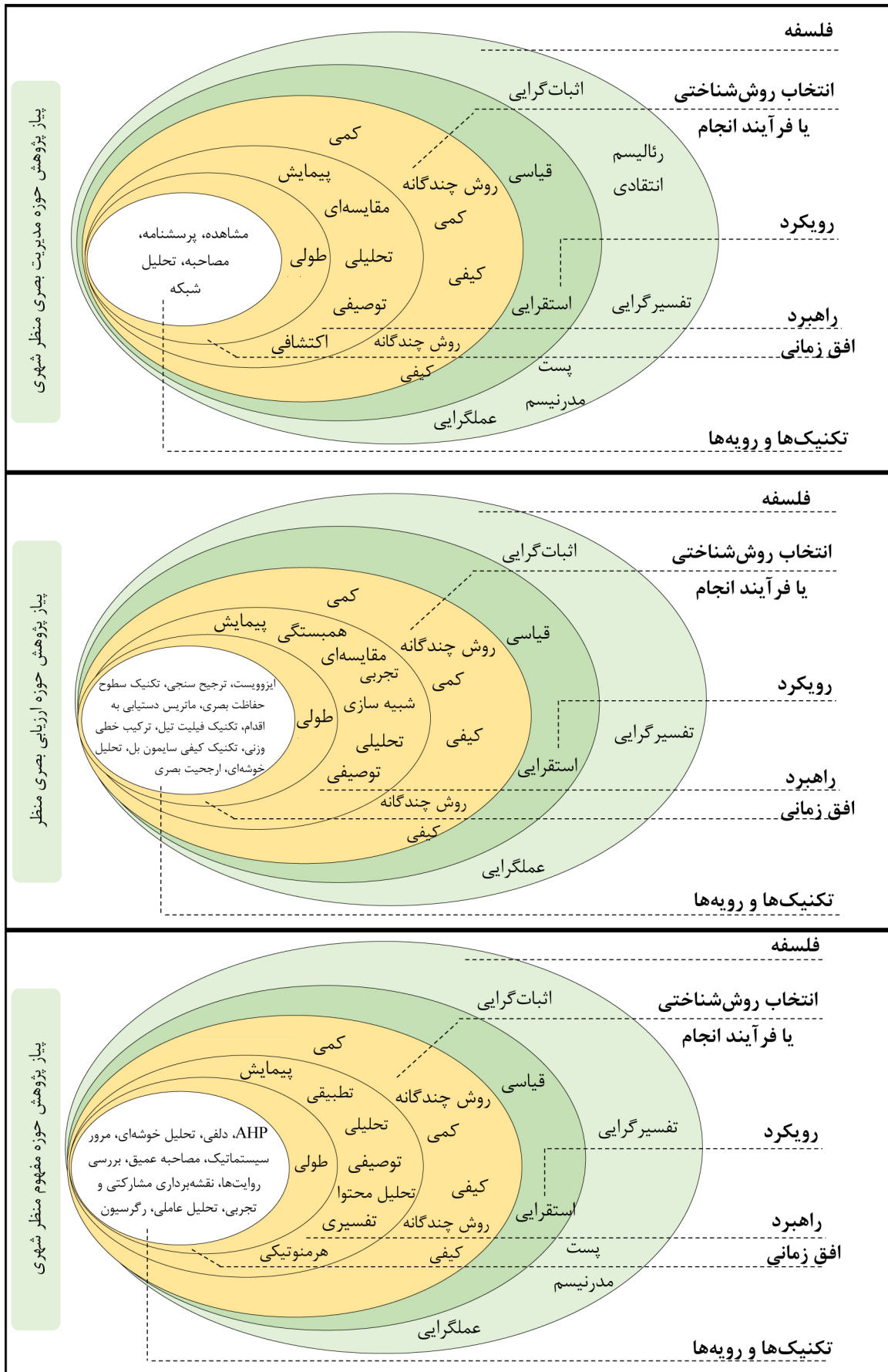
۵. نتیجه‌گیری

پژوهش‌های حوزه منظر شهری اغلب بر توصیف و ارزیابی منظر به عنوان یک شیء تمرکز داشته و آن را به مثابه یک مفهوم عینی پی گرفتند یا این که با رویکرد ذهنی و تمرکز بر تجربه بیننده از منظر به بررسی ترجیحات و ادراک افراد پرداختند. پس از مرور سیستماتیک پژوهش‌های حوزه منظر شهری به سه بخش «مفهوم منظر شهری»، «مدیریت بصری منظر شهری» و «ارزیابی بصری منظر شهری» تقسیم

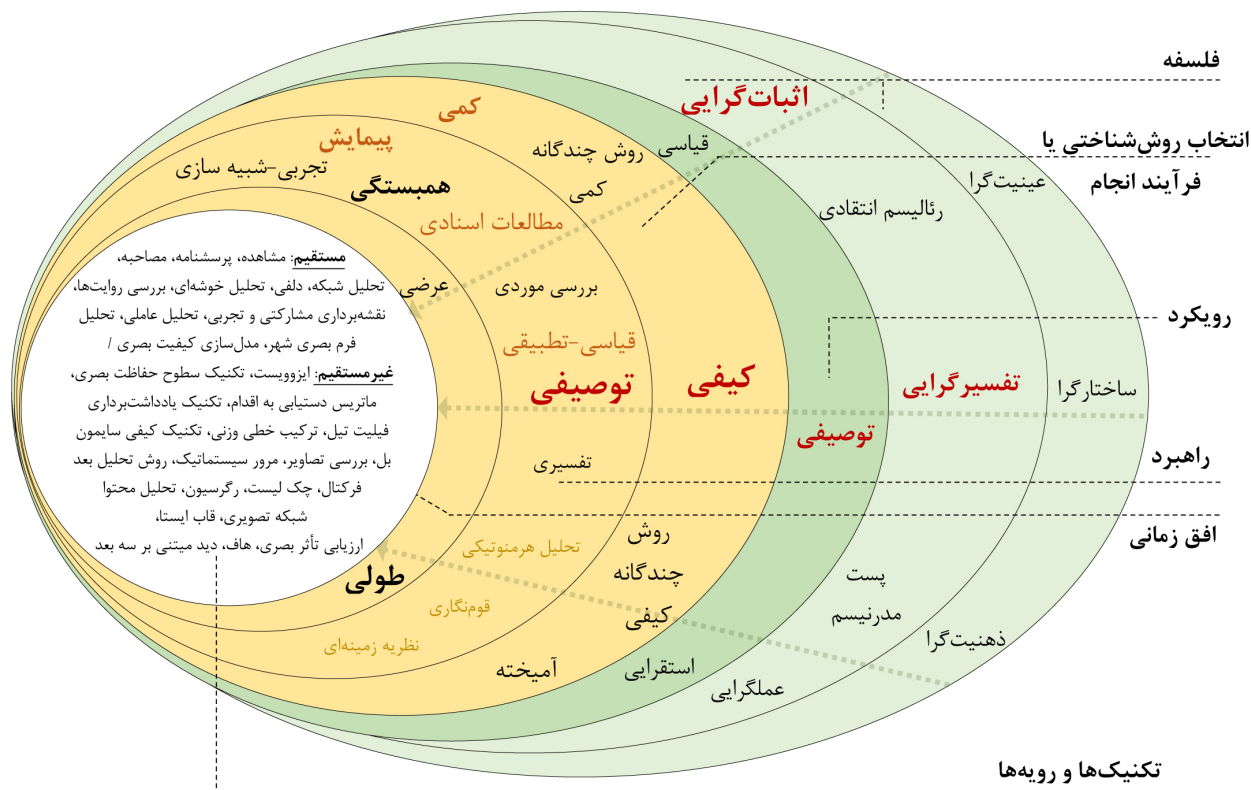
پژوهش‌های انجام شده با محوریت «مدیریت بصری منظر» در ایران به طور کلی در مقیاس کلان (شهر)، مقیاس میانه (مسیل و پارک) و مقیاس خرد (خیابان) صورت گرفته‌اند. در اغلب آنها از روش پژوهش پیمایشی و رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده شده و با ابزار پرسشنامه به بررسی و تحلیل وضع موجود پرداختند. در پژوهش‌های خارجی موضوع مدیریت بصری در حوزه‌های گوناگون مدیریت محیط زیست و جنگل‌ها و مناظر شهری و بزرگراه‌ها مورد توجه بوده و با روش شبیه‌سازی و تحلیل تصاویر به کمک ابزار پرسشنامه و مصاحبه و با استراتژی اکتشافی صورت گرفته بودند. بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در حوزه مدیریت بصری منظر در واقع به ارزیابی بصری آن پرداخته‌اند. «ارزیابی بصری منظر» به عنوان یک مفهوم مستقل در حوزه منظر مطرح است. فعل پژوهش «ارزیابی» در بررسی موضوعاتی خرد از نماهای شهری، مجتمع‌های مسکونی و انواع فضاهای بسته و باز تا مناظر طبیعی و مصنوعی شهرها و پارک‌ها و رودخانه‌ها به کار رفته است. در حوزه ارزیابی می‌توان به تجربه افراد از منظر نزدیک‌تر شد. بنابراین اغلب پژوهش‌های این بخش با روش‌های کمی و با رویکرد تجربی پیش برده شدند. انواع تکنیک‌ها و ابزارهای تحلیلی مانند تکنیک سطوح حفاظت بصری و تکنیک یادداشت‌برداری فیلیپ تیل منحصراً به کار گرفته شدند.

پرداختن به مفهوم «منظر شهری» بیشتر در نگاه به منظر به مثابه کل پیگیری شده است. در این پژوهش‌ها دیدگاه‌های نظری مورد تأکید بوده و نظریه‌های زیبایی‌شناسی و انتقادی و نشانه‌شناسی به عنوان پشتوانه نظری پژوهش‌ها مطرح شده بودند. فرآیند انجام کار در اغلب آنها کیفی بوده و از روش‌های تحلیلی، قیاسی استقرایی، تفسیری و توصیفی استفاده شده است. پس از انتخاب روش مورد نظر، تکنیک دلفی، استفاده از عکس هوایی، تحلیل خوشه‌ای، مرور سیستماتیک، مصاحبه عمیق، بررسی روایت‌ها، عکس‌برداری و نقشه‌برداری مشارکتی به عنوان ابزارهای داده‌کاوی و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

نمودار شماره ۳ نیز پیاز پژوهش مرتبط با دسته‌بندی ارائه شده از پژوهش‌های انجام شده در حوزه منظر را ارائه می‌دهد. پیازهای پژوهش در سه حوزه «مدیریت بصری منظر شهری»، «ارزیابی بصری منظر شهری» و «مفهوم منظر شهری» در سه لایه فلسفه، رویکرد، راهبرد و تکنیک‌ها و ابزارها دارای تفاوت هستند و به طور ویژه تکنیک‌های مورد استفاده در بحث ارزیابی بصری دارای تنوع بیشتری است. پس از تدوین این سه پیاز پژوهش با ترکیب آنها مطابق نمودار شماره ۴ پیاز پژوهش منظر شهری نمایش داده شده است. گفتنی است که با بهره‌گیری از ایده ابر کلمات^۱ بر اساس فراوانی موارد اشاره شده در میان مقالات، اندازه و رنگ کلمات متفاوت است. پیاز پژوهش منظر شهری این امکان را فراهم می‌کند تا محقق به انتخاب مناسب روش‌ها و ابزارهای پژوهش دست یابد. همگی این لایه‌ها با توجه به پرسش و مسئله پژوهش قابل تعیین و کاربست هستند. موارد زیر تفاوت‌های پیاز پژوهش منظر شهری را در مقایسه با پیاز پژوهش ساندرز مطرح می‌کنند.



شماره ۳: پیاز پژوهش منظر شهری به تفکیک دسته‌بندی سه‌گانه



نمودار شماره ۴: پیاز پژوهش منظر شهری

جدول شماره ۳: پیشنهاد‌های روش شناختی پژوهش در منظر شهری

انتخاب‌های روش شناختی پیشنهادی مطابق پیاز پژوهش ارائه شده در نمودار شماره ۴							
ردیف	فلسفه		انتخاب روش شناختی یا فرآیند انجام	رویکرد	راهبرد	افق زمانی	تکنیک‌ها و رویه‌ها
	پارادایم	هستی‌شناسی					
۱	عینیت‌گرا	اثبات‌گرایی	آمیخته	قیاسی	تجزیه-شبه‌سازی	طولی	ایزوووست
۲	ساختارگرا	تفسیرگرایی	کیفی	استقرایی	قوم‌نگاری	طولی	نقشه‌برداری مشارکتی
۳	عینیت‌گرا	تفسیرگرایی	کیفی	قیاسی	تفسیری	عرضی	تصاویر و سفرنامه‌ها
۴	ذهنیت‌گرا	رئالیسم انتقادی	کیفی یا آمیخته	توصیفی	قیاس تطبیقی	طولی	بررسی روایت‌ها
۵	ساختارگرا	تفسیرگرایی	آمیخته	توصیفی	بررسی موردی	عرضی	تحلیل سایمون بل
۶	ذهنیت‌گرا	عمل‌گرایی	کمی	استقرایی	پیمایش	طولی	تکنیک سطوح حفاظت بصری
۷	ذهنیت‌گرا	پست‌مدرنیسم	کیفی	توصیفی	هرمنوتیکی	طولی	مرور سیستماتیک یا تحلیل محتوا

لایه‌های پیاز پژوهش نیز حائز اهمیت است. این مدل سعی داشته نگاهی جامع به پژوهش در منظر ارائه دهد و چارچوبی یکپارچه از انواع متنوع و پراکنده پژوهش در منظر شهری را معرفی کند. به کمک این مدل می‌توان مسیر پژوهش را به‌طور کامل مشخص کرد و از سردرگمی و انتخاب‌های نادرست ابزارهای تحلیلی دوری جست. پیاز پژوهش منظر شهری می‌تواند راهگشای کار محققان در این حوزه باشد. در پژوهش‌های آتی می‌توان با تأکید بر مفاهیم خاص منظر از جمله «منظر فرهنگی»، «منظر بومی» و غیره نیز پیازهای پژوهش مرتبط تدوین گردد. از طرفی این قابلیت را دارد که در حوزه منظر شهری نیز با تأکید بر «مقیاس عمل منظر» (خرد، میانه یا کلان) مدل‌های پیاز پژوهش مشابه بررسی شود.

شدند. سپس با تحلیل محتوای روش شناختی آنها پیاز پژوهش برای هر سه حوزه تدوین شد که به‌نوعی راهنمای طرح تحقیقاتی در این حوزه‌ها خواهد بود. در نهایت با تلفیق این سه پیاز، پیاز پژوهش منظر شهری ارائه گردید. مدل پیاز پژوهش منظر شهری با تأکید بر روش شناختی پژوهش از هفت لایه تشکیل و زمینه‌محور شده پیاز پژوهش ارائه‌شده توسط ساندروز و همکارانش در حوزه منظر شهری است. همواره متناسب با مسئله تعیین‌شده، پرسش‌ها و اهداف پژوهش، انتخاب هستی‌شناسی، روش‌شناسی، رویکرد، راهبرد تا ابزار مناسب تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده می‌تواند انواع متفاوتی داشته باشد. با توجه به این که اغلب پژوهش‌های انجام‌شده به کاربرد و استفاده از تکنیک‌های متنوع پرداختند، توجه به سایر

References:

- Ahmadi, F., & Sadeghi, A. (2010). Investigation of the Factors Affecting Visual Management of Views and Vistas within the Historical - Functional Valuable Buildings (Case Study: Streetscape of Seyyed Alaedin Hossein Shrine, Shiraz). *Scientific and research Journal management system*, 21(3), 249-264. [in Persian]
- Ahmed, N., Islam, M. N., Tuba, A. S., Mahdy, M. R. C., & Sujauddin, M. (2019). Solving visual pollution with deep learning: A new nexus in environmental management. *Journal of Environmental Management*, (248), 1-9.
- Alehashemi, A., & Sarihi, S. (2011). Bernard Lassus awarded IFLA gold medal 2009. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 3(13), 42-47. [in Persian]
- Asadpour, A. (2013). Descriptive Strategies in Landscape Research. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 5(22), 22-25. [in Persian]
- Asadpour, A. (2017). *Mental Image in Landscape & City; Basics & Tactics*. Ghazvin: Jahad daneshgahi Press.
- Asadpour, H., Montazerolhodjah, M., & SharifNejad, M. (2020). Recognizing the Factors Influencing Citizens' Visual Perception of Urban Spaces (Case Study: Hafez Historical Axis of Shiraz). *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 8(1), 49-66. doi: 10.22061/jsaud.2020.5818.1567. [in Persian]
- Asadpour, H., Montazerolhodjah, M., & Sharifnejad, M. (2021). Identifying the effect of physical components on visual perception in urban areas (Case study: the path between the Quran Gate and Ali Ibn Hamza Bridge in Shiraz). *Physical Social Planning*, 7(4), 121-133. doi: 10.30473/psp.2021.52136.2285. [in Persian]
- Asur, F., Deniz Sevimli, S., & Yazici, K. (2020). Visual Preferences Assessment of Landscape Character Types Using Data Mining Methods (Apriori Algorithm): The Case of Altınsaç and Inkoy (Van/Turkey). *Journal of Agricultural Science and Technology*, 22(1), 247-260.
- Atashinbar, M. (2010). What is an urban landscape in the opinions of experts. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 1(3), 72-73. [in Persian]
- Aziz, H. A., & Rasidi, M. (2014). The role of green corridors for wildlife conservation in urban landscape: A literature review. Paper presented at the IOP Conference Series: Earth and Environmental Science.
- Bell, E., & Davison, J. (2013). Visual management studies: Empirical and theoretical approaches. *International Journal of Management Reviews*, 15(2), 167-184.
- Bell, S. (2001). Landscape pattern, perception and visualisation in the visual management of forests. *Landscape and Urban Planning*, 54(1), 201-211. doi:https://doi.org/10.1016/S0169-2046(01)00136-0.
- Bell, S. (2007). *Landscape Pattern, Perception and Process*, Translated by B. Aminzadeh, Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Bell, S. (2012). *Landscape: pattern, perception and process*. Routledge press.
- Burley, J. B. (2006). A quantitative method to assess aesthetic/environmental quality for surface mine planning and design. *WSEAS Transactions on Environment and Development*, 2(5), 524-529.
- Chizfahmandaneshmandian, M. & Behzadfar, M. (2020). Protecting Historic Urban Landscape, using visual protection surface method (VPS) (Case Study: The Historic Urban Landscape of Qur'an Gate, Shiraz). *Research & Urban Planning*, 11(41), 147-164. [in Persian]
- Corner, J. (1999). *Recovering landscape: Essays in contemporary landscape theory*. Princeton Architectural Press.
- Cullen, G. (2003). *The Concise Townscape*, Translated by M. Tabibian, Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Darabi, H., Razavi, S. S., & Vaeziheir, A. (2017). Ecological Landscape Planning Considering Landscape Aesthetics (Case Study: Part of Tehran-Qom Freeway). *Open Journal of Ecology*, 7(09), 503-517.
- de Oliveira Orth, C., & Maçada, A. C. G. (2020). Corporate fraud and relationships: a systematic literature review in the light of research onion. *Journal of Financial Crime*, 28(3), 741-764.
- Erçevik Sönmez, B., & Erinsel Önder, D. (2019). The influence of GPS-based navigation systems on perception and image formation :A case study in urban environments. *Cities*, (86), 102-112. doi:https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.12.018.
- Esfandiari, A., & Tarkashvand, A. (2020). Application of Isovist analysis and sightlines in measuring visual quality of residential complexes (Case Study: Kermanshah City). *Motaleate Shahri Journal of Urban*

- Studies, 9(35), 19-32. doi: 10.34785/J011.2021.105 [in Persian]
- Esmaceldokht, M., Mansouri, S., & Sheibani, M. (2021). A Comparative Study of Citizens' Interpretations of the City (Urban Landscape) and Urban Development Plans A Transition from a Traditional landscape to a Modern one in Shiraz. *Bagh-e Nazar*, 18(96), 45-58. doi: 10.22034/bagh.2020.238222.4597. [in Persian]
 - Evered, E. (2016). The role of the urban landscape in restoring mental health in Sheffield, UK: service user perspectives. *Landscape Research*, 41(6), 678-694.
 - Falahatkar, H., & Aminzadeh, B. (2020). The sense of place and its influence on place branding: a case study of Sanandaj natural landscape in Iran. *Landscape Research*, 45(1), 123-136. doi:10.1080/01426397.2018.
 - Feimer, N. R., Smardon, R. C., & Craik, K. H. (1981). Evaluating the effectiveness of observer based visual resource and impact assessment methods. *Landscape Research*, 6(1), 12-16. doi:10.1080/01426398108705963.
 - Ghalehnoee, m., Delakeh, s., & Beigi M. h. (2018). evaluation of the quality of landscape in walkways, using note-taking technique and analyzing visual elements of landscaping (case study: harouniyeh historical context of isfahan). *Journal of Conservation and Architecture in Iran*, 7 (14), 139-145. [in Persian]
 - Ginzarly, M., Houbart, C., & Teller, J. (2019). The Historic Urban Landscape approach to urban management: a systematic review. *International Journal of Heritage Studies*, 25(10), 999-1019. doi:10.1080/13527258.2018.1552615
 - Golchin, P., & Irani Behbahani, H. (2013). Evaluating Landscape in Archaeological Sites with an Emphasis on Formal Aesthetic Approach: The Case of Bishapour and Tange-Chogan Region, Iran. *Journal of Environmental Studies*, 39(2), 11-24. doi: 10.22059/jes.2013.35410 [in Persian]
 - Golchin, P., Naroee, B., & Irani Behbahani, H. (2014). Study of Users Preferences Based on Visual Quality Evaluation: The Case of Zahedan Mellat Urban Forest Park. *Journal of Environmental Studies*, 39(4), 193-203. doi: 10.22059/jes.2014.36472. [in Persian]
 - Golkar, K. (2008). Conceptual Evolution of Urban Visual Environment; From Cosmetic Approach Through to Sustainable Approach. *Environmental Sciences*, 5(4), 95-113. [in Persian]
 - Hashemizadegan, S. A. (2019). A Book Review; Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology, Seizing the Concepts in Favor of a Pragmatic Stance. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 11(48), 54-56. doi: 10.22034/manzar.2019.195222.1985. [In Persian]
 - Herold, M., Goldstein, N. C., & Clarke, K. C. (2003). The spatiotemporal form of urban growth: measurement, analysis and modeling. *Remote Sensing of Environment*, 86(3), 286-302. doi:10.1016/s0034-4257(03)00075-0.
 - Kaplan, R., Kaplan, S., & Ryan, R. (1998). *With people in mind: Design and management of everyday nature*. Island press.
 - Karimi Moshaver, M. (2014). *Methods, Techniques and Tools in Urban Visual Analysis*. The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 11(29), 3-10. [in Persian]
 - Karimimoshaver, M., & Winkemann, P. (2018). A framework for assessing tall buildings' impact on the city skyline: Aesthetic, visibility, and meaning dimensions. *Environmental Impact Assessment Review*, (73), 164-176.
 - Karimimoshaver, M., Hajivaliei, H., Shokri, M., Khalesro, S., Aram, F., & Shamshirband, S. (2020). A model for locating tall buildings through a visual analysis approach. *Applied Sciences*, 10(17), 60-72.
 - Kathleen, E. (1989). Building theories from case study research. *Academy of Management Review*, 14(4), 532-550.
 - khalilnezhad, M., & Aminzadeh, B. (2012). The Landscape Visual Management Guidelines in Khor Highway Park in South Khorasan Province. *Environmental Researches*, 2(3), 1-12. [in Persian]
 - kiani, M., & Ghasemi, E. (2020). Improving urban green space based on ecological landscape criteria (Case study: Nazhvan Park Health Road), *Geospatial Research*. 4(2), 39-61. [in Persian]
 - Lassus, B. (1994). A landscape approach: Constituting and taming heterogeneity. *Ekistics*, 61(364), 80-89.
 - Li, H., Jing, J., Fan, H., Li, Y., Liu, Y., & Ren, J. (2021). Identifying cultural heritage corridors for preservation through multidimensional network connectivity analysis — a case study of the ancient Tea-Horse Road in Simao, China. *Landscape Research*, 46(1), 96-115. doi:10.1080/01426397.2020.1833850.
 - Mahmeli Abyaneh, H. R. (2011). Evaluation of Urban Landscape in Urban Development Plans

- A Comparative Study on Evolution of Tehran Comprehensive Plans with International Experiences. *Bagh-e Nazar*, 8(17), 95-104. [In Persian]
- Makhzoumi, J. (2016). From urban beautification to a holistic approach: the discourses of 'landscape' in the Arab Middle East. *Landscape Research*, 41(4), 461-470. doi:10.1080/01426397.2016.1156068.
 - Malek, N. (2012). Comparative study of the concept of methodology and theory from the perspective of quantitative and qualitative researches with an emphasis on theorizing in architecture, *Scientific Journal of Motaleate-e Tatbighi-e Honar*, 3(5), 117-128. [In Persian]
 - Mansouri, S. A. (2009). What is the urban landscape, a historical study of the conceptual developments of the urban landscape in Iran, *Manzar*, (9), 33-33. [In Persian]
 - Mansouri, S. A. (2018). The Folk Visage of the City. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 10(44), 3-3. doi: 10.22034/manzar.2018.77030.
 - Mardiana, S. (2020). Modifying Research Onion for Information Systems Research. *Solid State Technology*, 63(4), 5304-5313.
 - Matlabi, Gh. (2001). Environmental psychology is a new science in the service of architecture and urban design, *Honar-Ha-Ye-Ziba Memari-Va-shahrsazi*, 12(10), 52-67. [In Persian]
 - Melnikovas, A. (2018). Towards an explicit research methodology: Adapting research onion model for futures studies. *Journal of Futures Studies*, 23(2), 29-44.
 - Moore-Colyer, R., & Scott, A. (2005). What kind of landscape do we want? past, present and future perspectives. *Landscape Research*, 30(4), 501-523. doi:10.1080/01426390500273254.
 - Motevali, M. (2011). Assessing The Beauty Of Darabad District In Tehran Based On Serial Vision. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 3(5), 123-140. [In Persian]
 - Mulet Gutiérrez, M. J., Oliver Torelló, J. C., & Sebastián Sebastián, M. (2020). Photographic dissemination of historic landscape as a tool for citizenship. *Landscape Research*, 1-16. doi:10.1080/01426397.2020.1846169.
 - Naderi, M. (2014). The role of wall painting in urban landscape management and its role on the beauty of the city, *Urban Management*, (41), 161-186. [In Persian]
 - Nasar, J. L. (2000). *The evaluative image of places*. Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
 - Ode, Å. Tveit, M. S. & Fry, G. (2008). Capturing Landscape Visual Character Using Indicators: Touching Base with Landscape Aesthetic Theory. *Landscape Research*, 33(1), 89-117.
 - Raaphorst, K. Duchhart, I. van der Knaap, W. Roeleveld, G. & van den Brink, A. (2017). The semiotics of landscape design communication: towards a critical visual research approach in landscape architecture. *Landscape Research*, 42(1), 120-133 doi :10.1080/01426397.2016.1257706.
 - Rafeeani, P., Mohammadzadeh, M., & Mirkarime, H. (2015). Scenic Visual Quality Assessment According To the Perception-Based Approach; a Pattern for Better Management of Natural Recreational Areas (Case Study: Walking Tracks in Ziyarat Basin, Jahannama Protected Area). *Environmental Researches*, 5(9), 3-14. [in Persian]
 - Ruiz, R. Moyano, A. García-Duque, M. R. & Hernández-Lamas, P. (2020). Strategies for the correct contextualisation and management of drove roads in urban historic landscapes. *Landscape Research*, 45(7), 854-872 .doi:10.1080/01426397.2020.1778660.
 - Sahay, A. (2016). Peeling Saunder's research onion. *Research Gate, Art*, 1-5.
 - Sarmad, Z, Bazargan; A, Hijazi, E. (2012). *Research Methods in Behavioral Sciences*. Tehran: Agah Publication.
 - Sedagati, A., & Dartoomi, S. (2017). Assessment of Visual Quality and the Perception of Landscapes in the Roads Leading to City (Case Study: Bojnord City). *Geography and Environmental Sustainability*, 6(4), 91-108. [in Persian]
 - Spirn, A. W. (2005). *The language of Landscape*. Translated by H. Bahrainy & B. Aminzadeh, Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
 - Sun, X., & Zhu, Q. (2015). First Study of Psychological Behavior on Urban Visual Management. Paper presented at the 2015 International Conference on Social Science, Education Management and Sports Education: 1331-1334.
 - Swaffield, S.R. (2011). *Theory in Landscape Architecture: a reader*, Translated by M. Faizi, M. Khakzand, S. Razzaghi Asl. Tehran: farhang Matin Press.
 - Tezel, A., & Aziz, Z. (2017). Visual management in

- highways construction and maintenance in England. *Engineering, Construction and Architectural Management*, 24 (3), 486-513.
- Tezel, B., Koskela, L & ,Tzortzopoulos, P. (2009). Visual management–A general overview, 642-649.
 - Tveit, M., Ode, Å., & Fry, G. (2006). Key concepts in a framework for analysing visual landscape character. *Landscape Research*, 31(3), 229-255. doi:10.1080/01426390600783269.
 - Verma, D., Jana ,A., & Ramamritham, K. (2019). Machine-based understanding of manually collected visual and auditory datasets for urban perception studies. *Landscape and Urban Planning*, 190, 103604.
 - Wahdattalab, M., Yaran, A., & Mohammadi Khoshbin, H. (2020). Evaluation of The Visual Preferences in the Residential Façades; Case study: Tabriz Twelve Historical Houses. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 13(32), 175-187. doi: 10.22034/aud.2019.150473.1692 . [In Persian]
 - Wang, X., Xu, L., Dong, W., & Zhou, X. (2021). Contextualising a heritage assessment toolkit at the pre-planning stage of the historic urban landscape approach: the case of Mrauk-U, Myanmar. *Landscape Research*, 46(2), 273-294. doi:10.1080/01426397.2020.1852396
 - Young, C., Jarvis, P., Hooper, I., & Trueman, I. C. (2009). Urban landscape ecology and its evaluation: a review. 45-69.

نحوه ارجاع به مقاله:

اسدیور، هاجر؛ قلعه‌نویی، محمود؛ بهرامیان، آرمین؛ (۱۴۰۱) تدوین مدل روش پژوهش در مطالعات منظر شهری با تأکید بر پیاز پژوهش ساندرز، مطالعات شهری، ۱۲ (۴۵)، ۱۸-۳. doi: 10.34785/J011.2022.010/Jms.2023.108

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و تبیین تعیین کننده‌های آن نمونه مورد مطالعه: شهر ایلام

داود جمینی - استادیار گروه ژئومورفولوژی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران و پژوهشگر پاره وقت پژوهشکده کردستان شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

علی شمس‌الدینی - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ایران.
علیرضا جمشیدی^۱ - استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۲ آذر ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱

چکیده

مشارکت شهروندان در امور مختلف فضاهای شهری یکی از مهم‌ترین ارکان دستیابی به توسعه پایدار شهری بوده و رسیدن به سطح قابل قبولی از آن، از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری است. در راستای نیل به توسعه پایدار شهر ایلام (به‌عنوان یکی از شهرهای مرزی ایران) بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و شناسایی تعیین‌کننده‌های آن در شهر ایلام است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۱۹۴ هزار و ۳۰ نفر از شهروندان ایلامی بوده که از میان آنها، با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که روایی آن به صورت محتوایی (صوری) و سازه‌ای و پایایی آن با استفاده از پایایی ترکیبی مورد تأیید قرار گرفت. تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل همبستگی و الگویابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS انجام شده است. نتایج اولیه ارزیابی مدل مورد مطالعه در این پژوهش نشان داد، مدل از شاخص‌های برازندگی قابل قبولی برخوردار است. نتایج آزمون بررسی میانگین نشان داد، سطح مشارکت شهروندان در محدوده مورد مطالعه با میانگین ۲/۶۲، پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. همچنین مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد، متغیرهای کیفیت زندگی ($t = 0/35$)، رضایت از عملکرد مدیران شهری ($t = 9/22$)، رضایت از عملکرد مدیران شهری ($t = 2/62$)، سرمایه اجتماعی ($t = 2/44$)، رضایت شغلی ($t = 0/131$)، حکمروایی خوب شهری ($t = 3/59$)، و تعلق مکانی ($t = 11/81$)، $t = 5/47$ ، $t = 0/163$) تبیین‌کننده ۷۵/۸ درصد از تغییرات واریانس مشارکت شهروندان در مدیریت شهری هستند.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار شهری، مدیریت شهری، مشارکت، ایلام، Smart PLS.

نکات برجسته

- مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری مزایای متعددی مانند تقویت سرمایه اجتماعی، رضایتمندی، تقویت جامعه مدنی و ... را به همراه دارد.
- از شروط دستیابی به توسعه پایدار شهرهای امروزی، مشارکت شهروندان در امور مختلف آن است.
- مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مشارکت شهروندان، مشارکت ذهنی، معنوی، مشارکت در تأمین نیروی انسانی، مشارکت سیاسی و مشارکت مالی هستند.
- سطح مشارکت پایین شهروندان در مدیریت شهری را می‌توان در عوامل مختلفی از جمله ضعف مدیران شهری و قوانین و مقررات مربوطه به انتخاب مدیران، کم توجهی شهروندان و ... نسبت داد.

۱. مقدمه

مدیریت شهری قدرتمند زمانی شکل می‌گیرد که مشروعیت مبتنی بر مشارکت مردم داشته باشد. به عبارتی دیگر، جامعه‌شناسان معتقدند یک جامعه زمانی مدرن خواهد بود که بر پایه جامعه مدنی استوار بوده و شرط موفقیت مدیریت شهری را بهره‌گیری از مشارکت شهروندان عنوان کرده‌اند. جامعه‌شناسان، جامعه مدرن را جامعه مدنی می‌دانند و از نظر آنها مهم‌ترین ابزار برای مدیریت شهری موفق، بهره‌گیری از مشارکت مردم است. مشارکت مردم در روند توسعه از چنان اعتباری برخوردار است که گاهی توسعه را معادل مشارکت دانسته‌اند (Yaghfoori & Rafieyan, 2015: 82) و به مشارکت به عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته می‌شود و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. در این دیدگاه، مردم به مثابه محور توسعه و مشارکت آنان به مثابه پیش‌نیازی برای موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های یک کشور در نظر گرفته می‌شود. مشارکت از طریق سازماندهی گروه‌ها، سرمایه اجتماعی جامعه را گسترش داده و سازوکاری بوده که گروه‌های فرعی و حاشیه‌ای را توانمند می‌سازد تا در متن جریان‌های اصلی حیات اجتماعی خود ایفای نقش و تأثیرگذاری بیشتری داشته باشند (Kalantari & Rasoli, 2015: 426). حضور فعال شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ایفای نقش مؤثر آنان در زندگی سیاسی و اجتماعی، از شاخص‌های اساسی جامعه مردم سالار بوده و عامل اصلی تقویت و حمایت از دموکراسی مدرن است (Naranjo - Zolotov et al., 2019: 302). در مجموع، بررسی‌ها نشان می‌دهد رسیدن به توسعه و توسعه پایدار توسط یک جامعه در گرو هماهنگی سه محور بزرگ اقتصاد، حفظ محیط‌زیست و عدالت اجتماعی است. از طرفی، دستیابی به این سه نیز در گرو مشارکت کلیه بازیگران اعم از دولت، شهروندان و سازمان‌های غیردولتی بوده تا جایی که مشارکت شهروندان و همکاری مردم با دولت، یکی از اصلی‌ترین عوامل و شاخص‌های سنجش میزان توسعه‌یافتگی در جوامع نوین امروزی محسوب می‌شود (Eslami & Reisi, 2017: 162-163). فعال کردن شهروندان به همکاری و مشارکت در امور شهری و بهره‌گیری از علم و دانش شهروندان می‌تواند در زمینه‌های مختلفی از جمله تولید دانش، یادگیری شخصی و ارتقای سطح مشارکت مدنی مؤثر باشد (Turini et al., 2018: 176). همچنین در راستای توسعه حقوق شهروندی، توسعه و ارتقای سطح مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری از جمله فرآیندهای تصمیم‌گیری مورد تأکید بسیاری از اندیشمندان و محققان توسعه قرار گرفته است (Duzi et al., 2019: 241).

در واقع مردم، منابع و مشارکت سه رکن اساسی توسعه پایدار انسانی را تشکیل می‌دهند. در این بین، مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری داشته و دو عامل مردم و منابع در چارچوب آن به فعالیت مطلوب درمی‌آید. به عبارت دیگر مشارکت هم هدف توسعه و هم وسیله‌ای برای رسیدن به آن بوده است. علاوه بر این، نقش ترغیب‌کننده آن دو عامل دیگر را دارد؛ بنابراین برآیند آن دو نیز به شمار می‌آید. به اعتقاد صاحب نظران، مشارکت موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد شده و قادر است با استعدادها و پتانسیل‌ها و سرمایه‌های فکری، فیزیکی و مادی بخش خصوصی و مردمی از طریق مسئله کارایی اثربخشی و بهره‌وری که از پیامدهای آن کاهش

هزینه‌ها، افزایش درآمدها و بهینه‌سازی عملکردهاست را در مدیریت شهری ارتقا بخشد و زمینه پایداری شهری را فراهم آورد (Rezaei & Asiyabani, 2019: 146). همچنین موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های شهری و منطقه‌ای در گرو مشارکت مردمی و نهادهای محلی است. جلب اعتماد عمومی، تشویق مردم در مراحل مختلف طرح و استفاده از مشاوره عمومی آنها، باعث می‌شود که طرح‌ها در مرحله اول تا حدود زیادی در تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی با موفقیت همگام باشند و در نهایت بتوانند با اتکا بر داده‌های موثق، نیازها و پشتوانه مردم، موفقیت خود را تضمین کنند (Khajeh Shahkuhi et al., 2015: 3).

به عقیده متخصصان برنامه‌ریزی شهری، شهروندان به عنوان تأمین کنندگان اصلی هزینه‌های شهری (مالیات و عوارض) و به عنوان مجریان قوانین شهری باید درباره آینده شهر خود با مسئولان شهر مشارکت داشته باشند؛ اما بعد مشارکت مردمی در فرایند مدیریت شهری با مشکل و چالشی جدی روبه‌رو شده است. عدم شرکت بخش مردمی در امور مربوط به مدیریت شهر و نیز بی‌علاقگی مردم برای مشارکت در اموری که مربوط به خودشان است، مدیریت شهری را با مسائل مختلفی روبه‌رو کرده و این خود معضل آشکاری است که در همه شهرهای ایران قابل مشاهده است (Zangiabadi & Zanganeh, 2014: 220). این در حالی است که امروزه ضرورت مشارکت شهروندان در بهبود وضعیت کالبدی و اجتماعی شهرها بر کسی پوشیده نیست، تا جایی که مشارکت شهروندان به یک مسئله جهانی برای بسیج و استفاده از نیروی انسانی تبدیل شده است. نیروی انسانی که عدم استفاده از مشارکت آنها در امور مختلف توسعه شهری، در عمل موجب هدر رفتن فرصت‌های مختلفی برای توسعه پایدار شهری خواهد شد (Sarvarzadeh et al., 2014: 390).

شهر ایلام به دلیل ویژگی خاص فرهنگی و تاریخی آن علاوه بر جمعیت فعلی خود، هر ساله پذیرای مهاجران جدیدی از روستاها و دیگر شهرهای استان بوده و به دلیل وجود قومیت‌های مختلف در این شهر و سنت‌ها و علایق متفاوت آنها، نیازمند مدیریت شهری کارآمد و منسجمی است که علاوه بر تأمین نیازها و تمایلات شهروندان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی و ...، سطح مشارکت شهروندان را ارتقا دهد. در غیر این صورت سطح رضایت شهروندان به تدریج کاهش خواهد یافت و مدیریت شهری از مزایای مشارکت شهروندی منتفع نخواهد گردید. در راستای تقویت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری شهر ایلام، مهم‌ترین سؤال‌های پژوهش حاضر عبارتند از: مشارکت شهروندان در مدیریت شهری شهر ایلام در چه وضعیتی قرار دارد؟ و مهم‌ترین عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری شهر ایلام کدامند؟

۲. چارچوب نظری

زندگی در جامعه دموکراتیک اقتضا می‌کند مردم به طور فعال در ابعاد مختلف زندگی‌شان ایفای نقش کنند (Predescu & Darjan, 2010: 3241). مشارکت شهروندان در نظام‌های مدعی دموکراسی از اهمیت زیادی برخوردار بوده (Ginieniewicz, 2007: 328) و برای هر جامعه دموکراتیک امری حیاتی است و دموکراسی تنها می‌تواند از طریق

تشکیل گروه‌های کانونی^۵، هیأت منصفه شهروندان^۶ و مشاوره‌های مکتوب، مشارکت پس از وضع اولیه مقررات و مشارکت شهروندان در مقررات گذاری محلی (Habibnezhad & Ameri, 2019: 6-19).

مشارکت در مدیریت شهری که مبحث اصلی پژوهش حاضر است، یکی از مهم‌ترین ابعاد مشارکت شهروندان در امور شهری است. در این زمینه، مشارکت افراد را می‌توان در چهار بخش تقسیم‌بندی نمود: تعیین هدف‌ها، گرفتن تصمیمات، گشودن دشواری‌ها و پدیدآوردن دگرگونی در مجموعه یا سازمان. در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشارکتی، مردم محلی مورد مشورت قرار گرفته و بازخورد آنها در فرایند تصمیم‌گیری مورد توجه قرار می‌گیرد (Moradi, 2014: 162-163). تقوایی و همکاران در مطالعه خود نشان داده‌اند، مشارکت شهروندان در منطقه مورد مطالعه در سطح قابل قبولی بوده و عوامل رضایت از خدمات ارائه شده از سوی مدیریت شهری، مالکیت مسکن و پایگاه اقتصادی. اجتماعی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان هستند (Taghvaei et al., 2010). نتایج پژوهش حسین‌زاده و همکاران با هدف بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم‌آباد نشان داد، فایده‌مندی مشارکت شهروندی، جامعه‌پذیری مشارکت شهروندی و اعتماد اجتماعی مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار مثبت و مستقیم بر مشارکت شهروندی محسوب می‌شوند و پایگاه اجتماعی. اقتصادی تأثیری غیرمستقیم بر مشارکت شهروندی دارد (Hosseinzadeh et al., 2013).

علی‌زاده و همکاران در پژوهشی وضعیت مشارکت شهروندان در اداره امور شهری در منطقه ۱۰ شهرداری مشهد را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد، وضعیت کلی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر در محدوده مطالعاتی در سطح ضعیفی قرار گرفته است (Alizadeh et al., 2013). نتایج مطالعه هاشمیان و همکاران با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد نشان داد، رضایت از عملکرد شهرداری، عضویت انجمنی، احساس بی‌قدرتی، آگاهی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و سن، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر مشهد هستند (Hashemian et al., 2012). بر اساس یافته‌های پژوهشی زندگی‌آبادی و زنگنه، بالا رفتن حس تعلق شهروندان به محل سکونت، افزایش رضایت‌مندی آنان از امکانات و خدمات شهری و ارتقای پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنها، از عوامل اصلی ارتقای تمایل به مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در شهر مشهد هستند (Zangiabadi & Zanganeh, 2014).

خواجه شاکوهی و همکاران در پژوهشی میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری در شهر گلوگاه را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد، میانگین محاسبه برای مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری پایین‌تر از سطح متوسط قرار دارد و میان متغیرهای پایگاه اقتصادی. اجتماعی، شغل، سطح تحصیلات، مدت سکونت و نوع مالکیت مسکن با میزان مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری رابطه آماری معناداری وجود دارد (Khajeh Shahkuhi et al., 2015). نتایج

شهروندان درگیر و آگاه توسعه یابد. علاوه بر این، داشتن شهروندان آماده مسئولیت‌پذیری در تغییر واقعیت جهان امروزی امری مهم است (Manganelli et al., 2012: 1476). به همین دلیل امروزه به مشارکت مردمی به منزله راهبرد جدیدی در توسعه نگریسته می‌شود (Khajeh Shahkuhi et al., 2015: 4). پیشینه پژوهش مشارکت به ویژه مشارکت در عرصه‌های مختلف شهری در چارچوب جامعه مدنی سابقه طولانی دارد. مشارکت شهروندی از دوران یونان باستان تاکنون همواره در مکان‌های جغرافیایی به اشکال متنوع در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها بروز کرده است. البته دیدگاه‌های نظری اصلی همانند مشارکت و توسعه مشارکتی به معنای امروزی، از دهه ۱۹۵۰ به دنبال شکست در برنامه‌ها به دلیل فقدان مشارکت‌های مردمی در برنامه‌ها که زمینه ناکامی آنها را فراهم کرده بود، مورد توجه قرار گرفتند (Taghvaei et al., 2010: 24-25). در ادامه روند شکل‌گیری این مفهوم، نظریه‌های متعددی در زمینه مشارکت و مدیریت شهری مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح شد. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه مشارکتی جان ترنر^۱، نظریه مشارکتی جیمز میچلی^۲، نظریه مشارکتی شری ارنشتاین^۳ و نظریه مشارکتی دیوید دریسکل^۴ اشاره کرد (Alizadeh et al., 2013: 67-69).

نگاهی استقرایی به الگوهای موجود مشارکت در جهان نشان می‌دهد که می‌توان این الگوها را برحسب سه معیار متفاوت طبقه‌بندی کرد: برحسب نوع مشارکت (۱- تصمیم‌گیری، ۲- تأمین هزینه مالی و ۳- تأمین نیروی انسانی)؛ برحسب زمینه مشارکت در فعالیت‌های (۱- عمرانی، ۲- محیط زیست، ۳- تأمین ایمنی شهر، ۴- نظارتی، ۵- خدمات شهری و ۶- رفاه اجتماعی)؛ برحسب نوع سازمان‌دهی (۱- تشکل‌های خودجوش و خودانگیخته و ۲- تشکل‌های رسمی و برانگیخته). البته بسته به این که مشارکت به منظور انجام کدام یک از فعالیت‌های بیان شده صورت گیرد نیز می‌توان به طبقه‌بندی الگوهای مشارکت اقدام نمود (Rezaei & Asiyabani, 2019: 146). در تقسیم‌بندی‌های دیگری مشارکت از نظر سطح (خرد، میانی و کلان)، از نظر انواع، بر حسب انگیزه‌های ایجاد آن (درون‌زا و برون‌زا)، بر حسب چگونگی دخالت مردم (مستقیم و غیر مستقیم)، بر حسب سطوح فراگیری (محلی، منطقه‌ای و ملی)، بر حسب کیفیت همکاری مردم (طبیعی، خودانگیخته، داوطلبانه، برانگیخته و تحمیلی یا اجباری)، بر حسب سطوح اجرایی و محتوای عملکردی (بهره‌مندی خدمات، ارزیابی خدمات، ارائه پیشنهاد، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت)، بر حسب موضوع و قلمرو اجرایی (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) طبقه‌بندی شده است (Amini & Amini, 2017: 187). همچنین بر اساس مطالعات تطبیقی رایج‌ترین اشکال مشارکت عمومی در فرایند مقررات‌گذاری شهری را می‌توان در چند مرحله مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر، مشارکت شهروندان در مرحله پیش از وضع مقررات، در حین وضع مقررات (مناظرات و نشست‌های عمومی،

- 1 John Turner
- 2 James Midgley
- 3 Sherry Arnstein
- 4 David Driskell

5 Focus groups

6 Citizens' Jury

افکار و نظرات و خواسته‌های شهروندان و اعمال آن در امور مختلف شهری توسط نهادهای متولی توسعه شهری است (Stevenson et al., 2015). بودجلیدا و همکاران در پژوهشی با عنوان تحلیل سیستماتیک مشارکت الکترونیک شهروندان به این نتیجه رسیدند که مشارکت الکترونیکی شهروندان از طریق فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی، به دلیل سهولت استفاده، دسترسی آسان و فراهم آوردن رفاه نسبی برای آنها، گزینه مناسبی برای مشارکت شهروندان در دولت‌های محلی از جمله شهرداری‌هاست (Boudjelida et al., 2016). نتایج پژوهش کائو و همکاران نشان‌دهنده اثر مثبت مشارکت شهروندان در ارتقای سطح عملکرد سیاست‌های بهداشت، درمان و پزشکی در کشور تایوان بوده است (Kao et al., 2018). تورینی و همکاران در پژوهشی پتانسیل‌های مشارکت شهروندان در امور شهری در کشورهای آلمان، استرالیا و سوئیس را از نظر کارشناسان مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد، سیاست‌گذاران توسعه شهری برای پیشبرد اهداف خود در سطحی قابل قبول تر باید از دانش شهروندان برای تولید دانش جدید، افزایش سطح یادگیری فردی و ترویج تحول در سطح جامعه، به نحو مطلوبی استفاده نمایند (Turrini et al., 2018). نتایج پژوهش نارنجوزولوتوف و همکاران با هدف بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت آنلاین شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مدیریت شهری نشان‌دهنده اثر مثبت سرمایه اجتماعی بر مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری توسط نهادهای محلی است (Naranjo-Zolotov et al., 2019).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چنین عنوان کرد که مشارکت شهروندان در مدیریت شهری دارای ابعاد مختلفی (مالی، مشاوره‌ای، سیاسی، اجرایی و ...) است و در مبحث توسعه پایدار شهری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با این وجود عوامل مختلفی (از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و ...) بر سطح مشارکت شهروندان در مدیریت شهری موثرند که متناسب با فضاهای مختلف شهری این عوامل می‌توانند متفاوت باشند.

۳. روش

این مطالعه از نظر ماهیت از نوع تحقیقات کمی، با توجه به هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، جزو تحقیقات توصیفی-همبستگی است که از بین روش‌های همبستگی، از روش تحلیل کوواریانس-واریانس بهره برده است. قلمرو مکانی تحقیق شهر ایلام بوده و جامعه آماری، شامل ۱۹۴ هزار و ۳۰ نفر از شهروندان شهر ایلام است که دارای سن بیشتر از ۱۸ سال بوده‌اند. ۳۸۳ نفر از شهروندان مورد نظر با استفاده از فرمول کوکران و به صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی به عنوان نمونه برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی پژوهش برای گردآوری داده‌ها علاوه بر مطالعات اسنادی، پرسشنامه محقق‌ساخته بود. گفتنی است برای طراحی پرسشنامه سنجش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مبنای کار مقالات Amirahmadi et al. (2016) و Meymandi parizi (2017) بوده است. پرسشنامه یادشده از سه بخش اصلی تشکیل شده است. بخش نخست آن شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخگویان مانند سن، شغل، میزان درآمد ماهیانه، بعد خانوار و تحصیلات است. بخش دوم

پژوهش آمینی و امینی با هدف بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در حوزه امور شهری مرتبط با شهرداری نشان داد، رضایتمندی، اعتماد، آگاهی، احساس تعلق و درآمد شهروندان از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان هستند (Amini & Amini, 2017). نتایج پژوهش امیراحمدی و همکاران با هدف بررسی نقش سرمایه فرهنگی-اجتماعی بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در شهر مشهد نشان داد، سرمایه فرهنگی (ترکیبی از مؤلفه‌های تعهد اجتماعی، حس همیاری، تعلق‌پذیری و تحصیلات و دانش) و سرمایه اجتماعی (ترکیبی از سه مؤلفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی) بر مشارکت شهروندان در امور شهری (ترکیبی از مؤلفه‌های مشارکت فکری، اجرایی، مالی و نیروی انسانی) تأثیر مثبت داشته‌اند (Amirahmadi et al., 2016). حاجی‌علی‌زاده و همکاران در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر همبستگی بین الگوی حکمروایی شایسته شهری و میزان مشارکت شهروندی در شهر شیراز به این نتیجه رسیده‌اند که حکمروایی شایسته شهری دارای اثر آماری مثبت و معنی‌داری بر میزان مشارکت شهروندان شهر شیراز است (Haji Alizadeh et al., 2016). یغفوری و همکاران در پژوهش خود بر نقش شاخص‌های مدیریتی و سرمایه اجتماعی بر ارتقای میزان مشارکت شهروندان در امور شهری در شهر پارساباد مغان اذعان کرده‌اند (Yaghfoori et al., 2017).

میمندی پاریزی در مطالعه خود با هدف بررسی و مقایسه تطبیقی تمایل به مشارکت در بین ساکنان بافت‌های قدیم و جدید شهری در شهر کرمان از مدلی تجربی که دارای چهار شاخص مشارکت مالی، مشارکت ذهنی-معنوی، مشارکت در تأمین نیروی انسانی و مشارکت سیاسی، برای سنجش تمایل به مشارکت شهروندان استفاده کرده است. نتایج پژوهش نشان داد، تمایل به مشارکت در امور شهری ساکنان بافت جدید بیشتر از ساکنان بافت قدیم بوده و در میان ابعاد مختلف تمایل به مشارکت شهروندان، شهروندان بیشترین تمایل را به مشارکت سیاسی و کمترین تمایل را به مشارکت مالی داشته‌اند (Meymandi parizi, 2017).

شارپور و حجتی در پژوهش خود بر سطح پایین مشارکت شهروندان تهرانی در امور شهری و تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت شهروندان در امور شهری اذعان کرده‌اند (Sharepour & Hojjati, 2018). نتایج پژوهش رضایی و آسیابانی با هدف ارزیابی میزان اثرپذیری مشارکت شهروندان از کیفیت زندگی در شهرنیریز نشان داد که افزایش کیفیت زندگی می‌تواند به افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری منجر شود (Rezaei & Asiyabani, 2019). بوزرجمهری و همکاران در پژوهش خود با هدف تحلیل مؤلفه‌های اثرگذار بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر اهواز به این نتیجه رسیدند که متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اعتماد، رضایت و آگاهی اجتماعی، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مشارکت شهروندان هستند (Bozarjemehri et al., 2020).

نتایج چند پژوهش نشان‌دهنده ارتباط میان مشارکت شهروندان و متغیرهای کیفیت زندگی (Shapiro & Winters, 2008)، رضایت از زندگی (Flavin & Keane, 2012) است. نتایج پژوهش استونسون و همکاران نشان داد، مشارکت شهروندی دارای ابعاد مختلف و متنوعی است و یک اصل مشترک و اساسی آن، توجه به عقاید،

مربوط به متغیرهای مستقل پژوهش مانند سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی، رضایت شغلی و... بوده و بخش سوم به مشارکت شهروندان در مدیریت شهری اختصاص یافته است. لازم به ذکر است بخش دوم و سوم پرسشنامه در طیف لیکرت (شامل پنج قسمت: ۱= بسیار کم، ۲= کم، ۳= متوسط، ۴= زیاد، ۵= بسیار زیاد) طراحی شده است. روایی ابزار تحقیق با نظرخواهی از کارشناسان و اساتید دانشگاه (روایی صوری) و همچنین به صورت همگرا مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته است. برای سنجش پایایی از ضرایب پایایی ترکیبی (بزرگتر از ۰/۷) و آلفای کرونباخ (بزرگتر از ۰/۷) استفاده می‌شود که در صورت مناسب بودن این ضرایب می‌توان گفت ابزار پژوهش پایاست. همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، وضعیت پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ متغیرهای مورد بررسی در سطح مناسبی بوده و نشان‌دهنده

پایایی ابزار مورد تحقیق است. در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل همبستگی و مدل معادلات ساختاری) استفاده شد. لازم به توضیح است، یکی از روش‌های آماری مورد استفاده در زمینه مدل‌سازی معادلات ساختاری، روش حداقل مربعات جزئی است. نرم‌افزارهایی که از مدل‌سازی معادلات ساختاری بر پایه این روش آماری استفاده می‌کنند، نسبت به وجود شرایطی مانند هم‌خطی متغیرهای مستقل، نرمال نبودن داده‌ها و کوچک بودن نمونه سازگار هستند. در این راستا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای مرتبط نظیر SPSS و Smart PLS استفاده شده است.

جدول شماره ۱: محاسبه میزان پایایی و روایی مفاهیم اصلی به‌کاررفته در پژوهش

متغیر	شرح متغیر	ابعاد / متغیرها	تعداد گویه	پایایی ترکیبی (Alpha>0.7)	آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	میانگین واریانس (AVE>0.5)
مستقل	جمعیت شناختی	سن، شغل، میزان درآمد ماهیانه، بعد خانوار، تحصیلات، مالکیت مسکن، عضویت در انجمن‌ها، مدت سکونت در شهر	۸	-	-	-
		اقتصادی	۸	۰/۸۸۶	۰/۸۳۶	۰/۷۲۳
		اجتماعی	۱۰			
	زیست‌محیطی	۱۲				
	سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۶	۰/۸۷۹	۰/۸۰۷	۰/۶۵۲
		انسجام اجتماعی	۶			
		مشارکت اجتماعی	۶			
		آگاهی اجتماعی	۶			
	رضایت شغلی	رضایت مالی	۴	۰/۸۷۸	۰/۷۶۴	۰/۷۰۷
		رضایت روحی-روانی	۴			
		رضایت فیزیکی-جسمی	۴			
	احساس تعلق مکانی	ترکیبی از متغیرهای مربوطه	۱۵	۰/۸۴۴	۰/۷۸۶	۰/۵۷۶
رضایت از عملکرد مدیران شهری		ترکیبی از متغیرهای مربوطه	۱۴	۰/۸۴۵	۰/۷۶۹	۰/۵۷۹
وابسته	مشارکت در مدیریت شهری	ترکیبی از متغیرهای مربوطه	۱۲	۰/۹۱	۰/۸۴۴	۰/۶۶۹
		مشارکت ذهنی-معنوی	۶	۰/۹۱۸	۰/۸۱۸	۰/۷۳۸
		مشارکت در تأمین نیروی انسانی	۶			
		مشارکت سیاسی	۴			
مشارکت مالی	۶					

۴. بحث و یافته‌ها

۴.۱. نتایج توصیفی

یافته‌های پژوهش در خصوص مدت سکونت افراد مورد مطالعه در محدوده مورد نظر نشان داد، افراد مورد بررسی به‌طور متوسط حدود ۱۸/۴۵ سال در محدوده مورد مطالعه ساکن هستند. نتایج بررسی وضعیت سنی پاسخگویان نشان داد، میانگین سنی آنها ۳۶/۶ سال بوده، به طوری که جوان‌ترین و مسن‌ترین پاسخگو به ترتیب ۱۸ و ۵۹ سال داشتند. در ارتباط با بعد خانوار پاسخگویان نتایج نشان داد، میزان این شاخص چهار نفر است. در ارتباط با سطح تحصیلات افراد مورد مطالعه نتایج نشان داد، حدود دو درصد بیسواد، شش درصد

دارای تحصیلات در سطح ابتدایی، ۱۶ درصد در سطح راهنمایی، ۳۳ درصد دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم و ۴۳ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی (دانشجو و فارغ‌التحصیل دانشگاهی) بوده‌اند. لازم به توضیح است، ۳۸ درصد از افراد مورد مطالعه به لحاظ وضعیت شغلی در گروه غیرفعال (محصل، دانشجو، خانه‌دار)، ۱۴ درصد بیکار، ۲۲ درصد دارای مشاغل دولتی و ۲۶ درصد دارای مشاغل آزاد (فروشنده، مغازه‌دار، راننده و...) بوده‌اند. همچنین نتایج نشان داد، ۵۲ درصد پاسخگویان دارای مالکیت مسکن بوده و حدود ۸۶ درصد در هیچ انجمن و نهاد غیردولتی عضویت نداشته‌اند.

۴.۲. توصیف متغیرهای مستقل پژوهش

احترام به سنت‌ها و انسجام قومی. قبیلگی و همچنین جذابیت‌های خاص و ویژه شهر ایلام برای شهروندانش اشاره نمود. همچنین نتایج بررسی دیگر متغیرها با استفاده از آزمون تک نمونه‌ای نشان داد که t به دست آمده برای متغیرهای رضایت از عملکرد مدیران شهری ($t = -21/32$)، رضایت شغلی ($t = -19/28$)، حکمروایی خوب شهری ($t = -21/5$) و کیفیت زندگی ($t = -25/22$) در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی دار و منفی است (جدول شماره ۲). به عبارتی متوسط این متغیرها از نظر افراد مورد مطالعه به صورت معنی داری کمتر از میانه نظری (۳) و به عبارتی این متغیرها از نظر افراد مورد مطالعه در وضعیت مناسبی قرار ندارند.

در این قسمت از مطالعه با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای به بررسی وضعیت کلی متغیرهای اصلی مطالعه از نظر افراد مورد مطالعه در شهر ایلام پرداخته شده است. به عبارتی، با استفاده از آزمون مورد نظر نشان داده شده که هریک از متغیرهای مورد نظر دارای چه وضعیتی نسبت به مبنای نظری (عدد ۳ = متوسط) هستند. همان طور که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است، t به دست آمده برای متغیر تعلق مکانی ($t = 30/46$) و سرمایه اجتماعی ($t = 35/29$) در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی دار و مثبت است. به عبارتی متوسط این متغیرها از نظر افراد مورد مطالعه به صورت معنی داری بالاتر از میانه نظری (۳) است. در زمینه وضعیت این متغیرها می‌توان به مباحث سنتی از جمله

جدول شماره ۲: توصیف برخی از متغیرهای مستقل با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

مبنای آزمون = ۳							t	درجه آزادی	معنی داری	میانگین	اختلاف از میانگین	فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	
حد بالا	حد پایین	حد بالا	حد پایین										
-۰/۵۶۶	-۰/۶۸	-۰/۶۲۳	۲/۳۷	۰/۰۰۰	۳۸۳	-۲۱/۳۲	۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۳۷	-۰/۶۲۳	۰/۶۸	-۰/۵۶۶	۰/۶۸
۱/۰۴	۰/۹۱۷	۰/۹۸	۳/۹۸	۰/۰۰۰	۳۸۳	۳۰/۴۶	۳۸۳	۰/۰۰۰	۳/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۱۷	۱/۰۴	۰/۹۱۷
-۰/۶۴۴	-۰/۷۹	-۰/۷۱۷	۲/۲۸	۰/۰۰۰	۳۸۳	-۱۹/۲۸	۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۲۸	-۰/۷۱۷	-۰/۷۹	-۰/۶۴۴	-۰/۷۹
-۰/۶۹۹	-۰/۸۳۹	-۰/۷۶۹	۲/۲۳	۰/۰۰۰	۳۸۳	-۲۱/۵	۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۲۳	-۰/۷۶۹	-۰/۸۳۹	-۰/۶۹۹	-۰/۸۳۹
۱/۱۳	۱/۰۱	۱/۰۷	۴/۰۷	۰/۰۰۰	۳۸۳	۳۵/۲۹	۳۸۳	۰/۰۰۰	۴/۰۷	۱/۰۷	۱/۰۱	۱/۱۳	۱/۰۱
-۰/۸۰۵	-۰/۹۴۱	-۰/۸۷۳	۲/۱۲	۰/۰۰۰	۳۸۳	-۲۵/۲۲	۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۱۲	-۰/۸۷۳	-۰/۹۴۱	-۰/۸۰۵	-۰/۹۴۱

نظر گرفتن عدد ۳ به عنوان میانه نظری) نشان داد (جدول شماره ۳) میانگین محاسبه شده با مقدار ۲/۲۵ به صورت معناداری از میانگین مبنا کمتر است. منفی شدن آماره‌های t ، اختلاف از میانگین و حد بالا و پایین مؤید این مطلب است. در مجموع می‌توان چنین عنوان کرد که وضعیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در محدوده مطالعاتی در وضعیت نامناسبی قرار داشته و نیاز است با اقدامات لازم، سطح آن را ارتقا داد. یکی از مهم‌ترین این اقدامات، شناسایی عوامل تأثیرگذار مختلفی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و ... مرتبط با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بوده که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

۴.۳. سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

پس از بررسی وضعیت متغیرهای مستقل پژوهش، در این قسمت از مطالعه حاضر، وضعیت متغیر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (متغیر وابسته) که ترکیبی از ابعاد مختلف مشارکت شهروندان (مشارکت ذهنی، معنوی، مشارکت در تأمین نیروی انسانی، مشارکت سیاسی و مشارکت مالی) است، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد، میزان مشارکت ۶۲/۸ درصد از شهروندان مورد مطالعه در مدیریت شهری در سطوح کم و بسیار کم، ۲۲/۵ درصد در سطح متوسط و ۱۴/۸ در سطوح زیاد و خیلی زیاد بوده است. این وضعیت نشانگر این است که میزان مشارکت اکثریت شهروندان در مدیریت شهری، در سطوح پایینی قرار دارد. همچنین نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای (با در

جدول شماره ۳: وضعیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

مبنای آزمون = ۳							T	درجه آزادی	معنی داری	میانگین	اختلاف از میانگین	فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	
حد بالا	حد پایین	حد بالا	حد پایین										
-۰/۶۶۸	-۰/۸۲۴	-۰/۷۴۶	۲/۲۵۳	۰/۰۰۰	۳۸۳	-۱۸/۷۵	۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۲۵۳	-۰/۷۴۶	-۰/۸۲۴	-۰/۶۶۸	-۰/۸۲۴

نظر به بررسی اعتماد و اعتبار مدل پرداخته شده که نتایج در ادامه نشان داده شده است. برای برآورد اعتبار تشخیصی (واگرا) مدل از روش ماتریس Fornell & Larcker (1981) استفاده شد. این معیار میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌هاست؛ به طوری که روایی و واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص خود دارد تا با سازه‌های دیگر. روایی و واگرا وقتی در سطح قابل قبولی بوده که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های

۴.۴. عوامل تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

- مدل بایبی معادلات ساختاری

در این مطالعه برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل مورد نظر بر متغیر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (متغیر وابسته) از تحلیل معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شده است. لازم به توضیح است که در روش حداقل مربعات جزئی در ابتدا باید صحت طبقه بندی متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار بگیرد. به عبارتی دیگر، قبل از بررسی بخش اندازه‌گیری و ساختاری مدل مورد

ابعاد) که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار دارند، از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه‌های زیرین قطر اصلی قرار گرفته‌اند، بیشتر است؛ بنابراین می‌توان ادعان نمود که متغیرهای مکنون در مدل حاضر، تعامل بیشتری با مشاهده پذیرهای خود دارند تا با سازه‌های دیگر، به عبارتی اعتبار واگرای مدل در حد مناسبی بوده و مورد تأیید است.

دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد. به صورت خلاصه، باتوجه به این که در PLS، بررسی این امر به صورت یک ماتریس صورت می‌گیرد، هنگامی که در ماتریس مورد نظر اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین خود بیشتر باشند، روایی واگرای قابل قبول خواهند بود.

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، براساس نتایج ماتریس فورنل و لاکر، مقادیر جذر AVE، برای تمامی متغیرهای پنهان

جدول شماره ۴: روایی افتراقی متغیرهای مورد مطالعه براساس نتایج ماتریس فورنل و لاکر

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سرمایه اجتماعی	۰/۸۰۸						
حکمرمایی خوب شهری	۰/۵۴۸	۰/۸۱۸					
کیفیت زندگی	۰/۷۷۸	۰/۶۹۴	۰/۸۵				
رضایت شغلی	۰/۵۴۶	۰/۸۰۱	۰/۷۱	۰/۸۴۱			
رضایت از عملکرد مدیران	۰/۲۵۵	۰/۲۷۵	۰/۲۳۶	۰/۲۶۲	۰/۷۶۱		
مشارکت در مدیریت شهری	۰/۵۸۵	۰/۸۰۵	۰/۷۶۶	۰/۷۷۴	۰/۲۹۱	۰/۸۵۹	
تعلق مکانی	۰/۶۱۱	۰/۶۹	۰/۶۸۱	۰/۷۶۲	۰/۲۵۱	۰/۷۲۵	۰/۷۵۹

مشاهده است، متغیر رضایت‌مندی از عملکرد مدیران شهری بر سایر متغیرهای مستقل تأثیر معنی‌داری داشته، به طوری که بر متغیرهای حکمرمایی خوب شهری (با ضریب تأثیر ۰/۲۷۵)، رضایت شغلی (با ضریب تأثیر ۰/۲۶۲) و متغیر سرمایه اجتماعی (با ضریب تأثیر ۰/۲۵۵) دارای بیشترین میزان تأثیر بوده است. از طرفی دیگر همان‌طور که مشاهده می‌شود، متغیر رضایت‌مندی از عملکرد مدیران شهری دارای کمترین اثر (با ضریب تأثیر ۰/۰۵) بر میزان مشارکت شهروندان در بخش مدیریت شهری را داشته که در این مورد می‌توان به سطح پایین رضایت شهروندان مورد مطالعه از عملکرد مدیران شهری (۲/۳۷ = میانگین) اشاره نمود.

- بخش ساختاری مدل

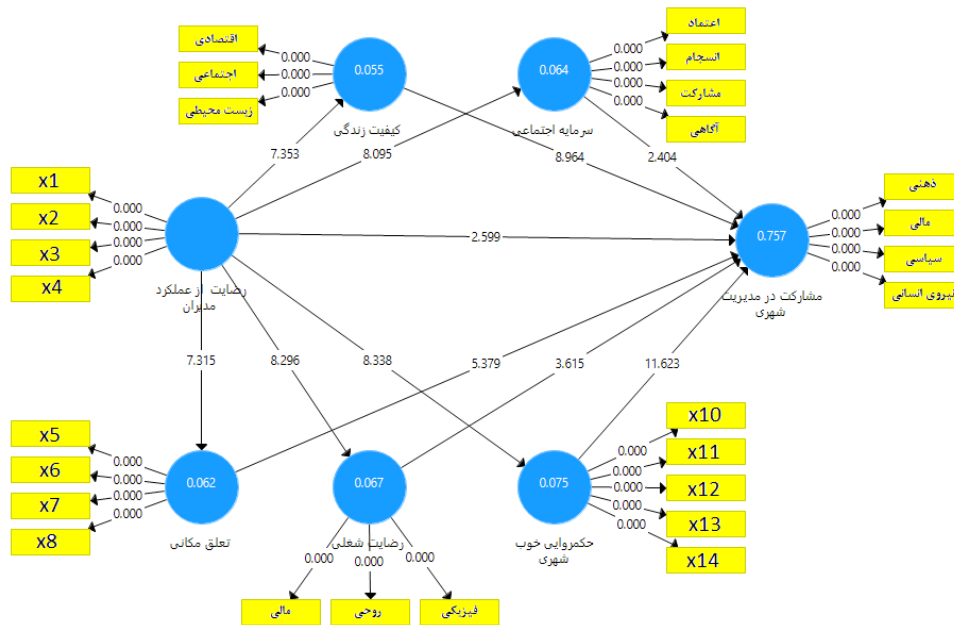
در این قسمت از مطالعه به بررسی ارتباطات پنهان بین متغیرهای تحقیق با استفاده از مدل ساختاری (حداقل مربعات جزئی) پرداخته شده است. به عبارتی، وضعیت ارتباط بین متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در شهر ایلام در جدول شماره ۵ قابل مشاهده بوده که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. براساس مدل مورد بررسی، نتایج به دست آمده از دو مسیر تأثیر متغیر رضایت‌مندی از عملکرد مدیران شهری بر متغیرهای مستقل و تأثیر متغیرهای مستقل بر سطح مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در شهر ایلام قابل بررسی است. همان‌طور که در جدول شماره ۵ قابل

جدول شماره ۵: نتایج رابطه مستقیم و ضرایب معنی‌داری مدل ساختاری مورد تحقیق

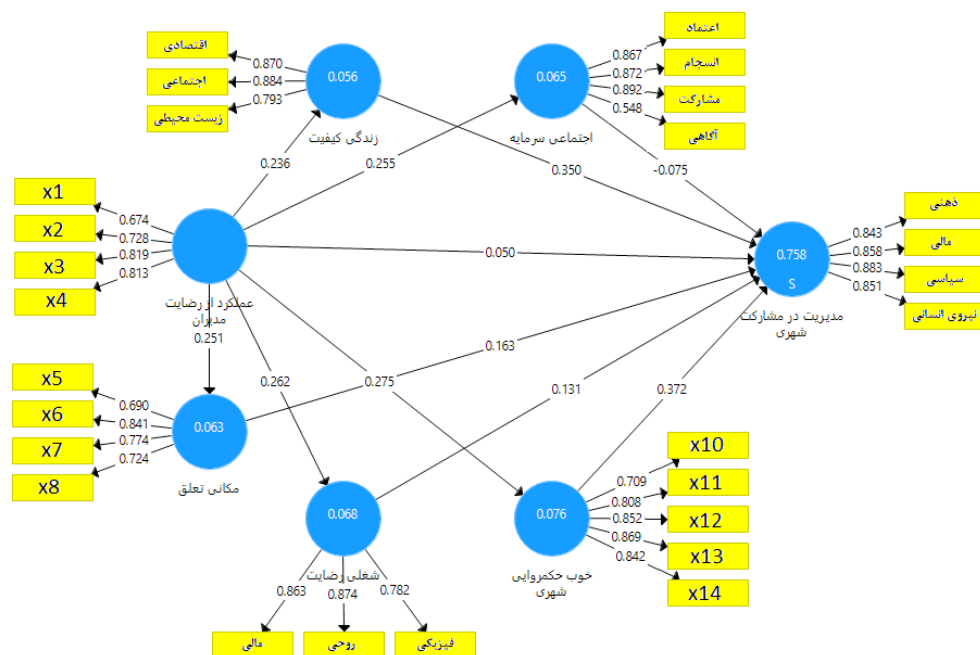
مسیر	ضریب مسیر	خطای استاندارد	t	سطح معنی‌داری
تعلق مکانی -> مشارکت در مدیریت شهری	۰/۱۶۳	۰/۰۳	۵/۴۷	۰/۰۰۰
حکمرمایی خوب شهری -> مشارکت در مدیریت شهری	۰/۳۷۲	۰/۰۳	۱۱/۸۱	۰/۰۰۰
رضایت از عملکرد مدیران -> تعلق مکانی	۰/۲۵۱	۰/۰۳۴	۷/۴۴	۰/۰۰۰
رضایت از عملکرد مدیران -> حکمرمایی خوب شهری	۰/۲۷۵	۰/۰۳۳	۸/۳۲	۰/۰۰۰
رضایت از عملکرد مدیران -> رضایت شغلی	۰/۲۶۲	۰/۰۳۱	۸/۳۷	۰/۰۰۰
رضایت از عملکرد مدیران -> سرمایه اجتماعی	۰/۲۵۵	۰/۰۳۱	۸/۲۲	۰/۰۰۰
رضایت از عملکرد مدیران -> مشارکت در مدیریت شهری	۰/۰۵	۰/۰۱۹	۲/۶۲	۰/۰۰۹
رضایت از عملکرد مدیران -> کیفیت زندگی	۰/۲۳۶	۰/۰۳۲	۷/۴۱	۰/۰۰۰
رضایت شغلی -> مشارکت در مدیریت شهری	۰/۱۳۱	۰/۰۳۷	۳/۵۹	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی -> مشارکت در مدیریت شهری	-۰/۰۷۵	۰/۰۳۱	۲/۴۴	۰/۰۱۴
کیفیت زندگی -> مشارکت در مدیریت شهری	۰/۲۵	۰/۰۳۸	۹/۲۲	۰/۰۰۰

کیفیت زندگی (با ضریب تأثیر ۰/۲۵۵) و رضایت شغلی (با ضریب تأثیر ۰/۱۳۱) است. لازم به توضیح است، مدل ساختاری مطالعه همراه با ضریب استاندارد بارهای عاملی و اثرات کلی سازه‌های اصلی در تصویر شماره ۲ قابل مشاهده است. براساس نتایج تصویر شماره ۱ می‌توان گفت در مجموع عوامل مورد بررسی، حدود ۷۵/۷ درصد واریانس متغیر وابسته مشارکت در مدیریت شهری شهر ایلام را تبیین می‌کنند.

بخش دوم نتایج قابل بررسی، نتایج مرتبط با بررسی میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل مورد نظر بر میزان مشارکت شهروندان مورد مطالعه در شهر ایلام در مدیریت شهری بوده که نتایج آن در جدول شماره ۵ قابل مشاهده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین میزان تأثیرگذاری بر متغیر وابسته به ترتیب مربوط به متغیرهای حکمرمایی خوب شهری با ضریب مسیر ۰/۳۷۲ و مقدار ۱۱/۸۱۲ و سپس متغیرهای



تصویر شماره ۱: مدل ساختاری تحقیق همراه با مقادیر t-values و سطح معنی داری سازه‌های اصلی



تصویر شماره ۲: مدل ساختاری مطالعه همراه با ضریب استاندارد بارهای عاملی و ضرایب تبیین سازه‌های اصلی

$$GOF = \sqrt{0.663 \times 0.155} = 0.32$$

براساس نتایج به دست آمده، متوسط مقادیر اشتراکی و ضرایب تبیین به ترتیب ۰/۶۶۳ و ۰/۱۵۵ است. همچنین مقدار به دست آمده برای تعیین برازش مدل کلی ۰/۳۲ بوده که این مقدار بیشتر از مقدار ۰/۲۵ و نزدیک به ۰/۳۶ بوده و در نتیجه برازش قابل قبولی برای مدل پژوهش بوده و این برازش مورد تأیید است.

برای ارزیابی مدل ساختاری تحقیق، از ضریب تبیین (R^2) که معیار اصلی ارزیابی مدل ساختاری مورد نظر بوده و نشان دهنده میزان

- برازش کلی مدل ساختاری

برای تأیید کیفیت مدل تحقیق تعیین برازش مدل کلی پژوهش ضروری است، به عبارتی برای محاسبه شاخص تناسب در مدل PLS می‌توان از روش GOF که در ادامه نشان داده شده است (رابطه شماره ۱)، استفاده نمود. این شاخص (GOF)، مجذور ضرب دو مقدار متوسط مقادیر اشتراکی و متوسط ضرایب تبیین است. مقادیر ۰/۳۶، ۰/۲۵ و ۰/۱۰ به ترتیب قوی، متوسط و ضعیف برای مدل مورد نظر توصیف شده‌اند.

رابطه شماره (۱)

$$GOF = \sqrt{Communtality \times R^2}$$

واریانس تبیین شده متغیر پنهان درون‌زا توسط متغیرهای برون‌زای دیگر است نیز استفاده می‌شود. به صورت کلی، مقدار ضریب تبیین براساس سه معیار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان ملاک ارزیابی به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته می‌شود (Chin, 1998: 10). نتایج به دست آمده نشان داد، قدرت توضیحی مدل ($R^2 = 0/758$) در سطح مناسب و قابل قبولی قرار دارد. از معیارهای دیگر در این زمینه که مورد استفاده قرار گرفت، مقادیر اشتراکی بوده که در این مطالعه برای همه متغیرهای مورد مطالعه بالاتر از ۰/۸ است. لازم به توضیح است، این معیار بیان می‌نماید که کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری چگونه بوده و همچنین، چه مقدار از تغییرپذیری شاخص‌ها توسط سازه مرتبط با خود تبیین می‌شود.

همچنین، برای تأیید کیفیت مدل تحقیق، تعیین برازش بخش‌های مختلف مدل از جمله بخش ساختاری پژوهش ضروری است. یکی از معیارهای بررسی برازش بخش ساختاری مدل، معیار سنگی‌گایسر Q^2 است. این معیار قدرت پیش‌بینی مدل ساختاری را مشخص می‌نماید. Henseler et al. (2009) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین کرده‌اند (ضعیف، متوسط و قوی). براساس نتایج به دست آمده، مقدار معیار قدرت پیش‌بینی سازه درون‌زای میزان مشارکت در مدیریت شهری توسط شهروندان ساکن شهر ایلام برابر ۰/۵۵۵ بوده و این نتیجه نشان از قدرت پیش‌بینی مناسب و بالای مدل در خصوص این سازه بوده و می‌توان گفت برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش بار دیگر مورد تأیید قرار گرفت.

۵. نتیجه‌گیری

مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری مزایای متعددی مانند تقویت سرمایه اجتماعی، رضایتمندی، تقویت جامعه مدنی و ... را به همراه دارد و از شروط دستیابی به توسعه پایدار شهرهای امروزی است. در راستای ارتقای سطح مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، راهکارها و راهبردهای متعددی تجویز شده که لازمه آنها بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و شناسایی عوامل مؤثر بر آن در شهر ایلام انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد، سطح مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (که ترکیبی از مشارکت ذهنی - معنوی، مشارکت در تأمین نیروی انسانی، مشارکت سیاسی و مشارکت مالی به عنوان ابعاد اصلی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری است) با میانگین ۲/۲۵، پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های Alizadeh et al. (2013)، Khajeh Shahkuhi et al. (2015) و Sharepour & Hojjati (2018) که در مطالعات خود بر پایین بودن سطح مشارکت شهروندان اشاره کرده‌اند، همسو است. سطح مشارکت پایین شهروندان در مدیریت شهری را می‌توان در عوامل مختلفی از جمله ضعف مدیران شهری و قوانین و مقررات مربوطه به انتخاب مدیران، کم توجهی شهروندان و ... نسبت داد. با فراهم شدن بستر شناختی لازم از مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، در مرحله بعد، عوامل مرتبط و مؤثر بر سطح مشارکت آنها شناسایی شده‌اند.

نتایج بررسی تأثیرگذاری مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (به عنوان متغیر وابسته پژوهش) از متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در محدوده مطالعاتی نشان داد، متغیرهای رضایت شغلی، رضایت از عملکرد مدیران شهری، سرمایه اجتماعی، حکمروایی خوب شهری، کیفیت زندگی (همبستگی منفی) و احساس تعلق مکانی دارای ارتباط آماری معناداری با متغیر وابسته پژوهش بوده‌اند. در این رابطه می‌توان چنین عنوان کرد که با کاهش و افزایش سطح هر یک از این متغیرها، سطح مشارکت شهروندان نیز به ترتیب کاهش و افزایش می‌یابد. نتایج مدل تحلیل ساختاری (با روش حداقل مربعات جزئی) نشان داد، متغیرهای مستقل پژوهش توانسته‌اند ۷۵/۸ درصد از واریانس مشارکت شهروندان ایلام در مدیریت شهری را تبیین نماید. میزان ضرایب تبیین شده هر یک از آن متغیرها بر متغیر وابسته به ترتیب عبارتند از: کیفیت زندگی (۰/۳۵)، رضایت از عملکرد مدیران شهری (۰/۰۵)، سرمایه اجتماعی (۰/۰۷۵-)، رضایت شغلی (۰/۱۳۱)، حکمروایی خوب شهری (۰/۳۷۲) و تعلق مکانی (۰/۲۷۵). به صورت کلی می‌توان گفت، نتایج به دست آمده با نتایج مطالعات Taghvaei et al. (2010)، Hosseinzadeh et al. (2013)، Hashemian et al. (2012)، Zangiabadi & Zanganeh (2014)، Amini & Amini (2017)، Amirahmadi et al. (2016)، Haji Alizadeh et al. (2016)، Yaghfoori et al. (2017)، Sharepour & Hojjati (2018)، Rezaei & Asiyabani (2018)، Bozarjemehri et al. (2020)، Shapiro & Winters (2008)، Flavin & Keane (2012)، Stevenson et al. (2015) و Naranjo-Zolotov et al. (2019) همسو است. همچنین با توجه به درصد قابل توجه واریانس پیش‌بینی شده مشارکت شهروندان در مدیریت شهری توسط متغیرهای مذکور، ارتقای هر یک از آنها باید در اولویت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه شهر ایلام قرار گیرد. لازم به ذکر است، در این اقدامات باید اولویت را به عواملی داد که دارای بیشترین ضرایب رگرسیونی بوده‌اند.

۶. ارائه پیشنهادات

با توجه به نتایج حاصل شده مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای سطح مشارکت شهروندان ایلام در مدیریت شهری عبارتند از: بهبود وضعیت خدماتی رفاهی و بهداشتی محلات، ارتقای سطح سرانه فضاهای ورزشی و تفریحی، تقویت مبلمان شهری، تکریم ارباب رجوع، ملزم نمودن مدیران شهری و دستگاه‌های مربوطه به رعایت حقوق شهروندی، تجدید نظر در نحوه انتخاب مدیران شهری و توجه ویژه به تخصص علمی آنها، برگزاری دوره‌های پیوسته و کارآمد کارآفرینی و اشتغال‌زایی، حمایت مالی پایدار از فعالیت‌های اقتصادی شهروندان مانند تضمین خرید تولیدات و محصولات، تخصیص اعتبارات بانکی با تسهیل شرایط ضامن و وثیقه با در نظر گرفتن دوره بازپرداخت طولانی و سود کم، حمایت مستمر و پایدار از مشاغل خرد، توسعه مشاغل صنعتی، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و ادبی در سطح محلات، برگزاری مسابقات مختلف در سطح محلات در راستای تقویت همکاری و مشارکت میان اعضای محلات و همچنین حس سرزندگی میان شهروندان، ملزم ساختن کارفرماها به رعایت حق و حقوق پرسنل کاری و اداری، نظارت دقیق بر فعالیت‌ها و اقدامات مدیران شهری،

- Flavin, P. & Keane, M.J. (2012). Life Satisfaction and Political Participation: Evidence from the United States. *Journal of Happiness Studies*, 13(1), 63-78.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 5-39.
- Ginieniewicz, J. (2007). The Scope of Political Participation. *Journal of International Migration and Integration*, 8(3), 327-345.
- Habibnezhad, A., & Ameri, Z. (2019). The Role of Public Participation in Enacting Municipal Regulation: A Comparative Study of Western and Iranian Laws. *Comparative Study on Islamic & Western Law*, 6(3), 1-28. doi: 10.22091/csiw.2019.4478.1586 [in Persian]
- Haji Alizadeh, J., Mousavi, Ch., & Zarafshan, A. (2016). An analysis on the correlation between the model of decent urban governance and the level of citizen participation (a case study of Shiraz city). *Journal of Geographical Space*, 16(54), 237-260. [in Persian]
- Hashemian, M., Behravan, H., & Noghani, M. (2012). Factors affecting citizens' participation in Mashhad city administration. *Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad*, 10(1), 173-195. [in Persian]
- Henseler, J., Ringle, CM., Sinkovics, R.R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing*, 20(1): 277-319.
- Hosseinzadeh, A. H., Eider, N., & Abbasi, E. (2013). Investigating factors affecting citizenship participation among the citizens of Khorramabad city. *Urban Sociological Studies*, 2(2), 59-82. [in Persian]
- Kalantari, A., & Rasoli, B. (2015). Feasibility study Citizen participation in the management and development of neighborhood parks in Tehran. *Urban Management*, 14(38), 425-448. [in Persian]
- Kao, T.Y., Lu, Y.W., Sung, T.H & Yang, C.C. (2018). The citizen participation and practice of health and medical policy making. *Journal of the Formosan Medical Association*, 117(1), 91-93.
- Khajeh Shahkuhi, A. R., NajafiKani, A. A., Khoshfar, G. R., & Shahfaee, S. (2015). The Degree of Citizens Participation in the Activities Rendered by Municipality Construction and Services (a case Study, Galugah City). *Quarterly Journal of Environmental-*

شفاف سازی درآمدها و مخارج مدیران شهری، برخورد قاطعانه قضایی با مدیران متخلف و ... در پایان به عنوان تکمیل تر شدن حوزه مطالعه مشارکت شهردان در بحث مدیریت شهری، پیشنهاد می‌گردد که مطالعه‌ای با موضوع حاضر ولی از نظر مدیران شهری مورد بررسی قرار گیرد تا نظرات دوگروه تأثیرگذار بر مدیریت شهری نیز مورد بررسی قرار گیرد.

References

- Alizadeh, K., Razavinejad, M., & Radfar, M. (2013). Investigating the role and participation of people in administrating urban affairs (A case study of zone 10 Mashhad). *Urban Structure and Function Studies*, 1(1), 61-87. [in Persian]
- Amini, Y., & Amini, M. (2017). Investigation on Influential Social and Economic Factors on Citizen's Participation in Urban Affairs Related to Municipality. *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 11(2), 179-198. doi: 10.22055/qjsd.2017.12688 [in Persian]
- Amirahmadi, R., Navabakhsh, M., & Zanjani, H. (2016). The role of Cultural Capital in Participation of citizens into Renovation of old texture Constructions Case Study: Mashhad city. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 5(8), 123-143. doi: 10.22084/csr.2016.1649 [in Persian]
- Boudjelida, A., Mellouli, S & Lee, J. (2016). Electronic Citizens Participation: Systematic Review, Conference: 9th International Conference on Theory and Practice of Electronic Governance, March 2016.
- Bozarjemehri, K., Hossini Kahnoji, S. R., & Hosseini, N. (2020). Analysis of factors affecting the participation of citizens in the government of cities (case study: eight areas of Ahvaz). *Geographical Planning of Space*, 9(34), 37-52. doi: 10.30488/gps.2020.91917 [in Persian]
- Chin, W. W. (1998). The partial least squares approach to structural equation model-ling In G. A.
- Duzi, B., Osman, R., Lehejcek., J., Novakova, E., Taraba., P & Trojan, J. (2019). Exploring citizen science in post-socialist space: Uncovering its hidden character in the Czech Republic. *Moravian Geographical Reports*, 27(4), 241-253. <https://doi.org/10.2478/mgr-2019-0019>
- Eslami, R., & Reisi, N. (2017). Citizen Participation in International Development Law: Grounds, Obstacles and Supporting Ways. *Public Law Research*, 18(54), 143-169. doi: 10.22054/qjpl.2017.7430 [in Persian]

- based Territorial Planning, 8(29), 1-26. [in Persian]
- Manganelli, S. Alivernini, F. Lucidi, & Di Leo, I. (2012). Expected political participation in Italy: a study based on Italian ICCS data. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 1476 – 1481.
 - Meymandi parizi, S. (2017). Review and Comparative Study of the Inclination to Participate among Old and New Urban Textile Residents Using AHP Model (Case Study: Old and New Neighborhoods of Kerman). *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 7(25), 241-262. doi: 10.22111/gajj.2017.3487 [in Persian]
 - Moradi, G. (2014). The Construction and Validation of the construct “Urban participation”: Case of Study: City of Kermanshah. *Urban Sociological Studies*, 4(11), 149-180. [in Persian]
 - Naranjo-Zolotov, M., Oliveira, T., Cruz-Jesus, F., Martins, J., Gonçalves, R., Branco, F & Xavier, N. (2019). Examining social capital and individual motivators to explain the adoption of online citizen participation. *Future Generation Computer Systems*, 92, 302–311.
 - Predescua, M., & Darjanb, I. (2010). Promoting political participation through adult education. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 3241–3245.
 - Rezaei, M.R., Asiyabani, Z. (2019). .Assessment of quality of life and its impact on citizen participation in urban affairs case study of Neyriz city. *Geography*, 16(58), 141-156. [in Persian]
 - Sarvarzadeh, S.K., Sza, I. & Foroozan, A. (2014). Evaluating Citizens’ Participation in the Urban Heritage Conservation of Historic Area of Shiraz. *Asian Conference on Environment-Behaviour Studies Chung-Ang University, Seoul, S. Korea, 25-27 August 2014.*
 - Shapiro, R. & Winters, M. S. (2008). *Political Participation and Quality of Life*, Inter-American Development Bank, Banco Interamericano de Desarrollo (BID), Research Department, Departamento de Investigación, Working Paper 638.
 - Sharepour, M., & Hojjati, H. (2018). Analysis of social factors affecting citizenship participation: empirical evaluation of social capital theory. *Urban Sociological Studies*, 8(28), 1-32. [in Persian]
 - Stevenson, C., Dixon, J., Hopkins, N & Luyt, R. (2015). *The Social Psychology of Citizenship, Participation and Social Exclusion: Introduction to the Special Thematic Section. Journal of Social and Political Psychology*, 3(2), 1–19.
 - Taghvaei, M., Babanasab, R., & Moosavi, Ch. (2010). An Analysis of Assessment of Effective Factors on Citizen’s Participation in Civic Management: Case Study of District 4 of Tabriz. *Journal Urban - Regional Studies and Research*, 1(2), 19-36. [in Persian]
 - Turrini, T., Dörler, D., Richter, R., Heigl, F and Bonn, A. (2018). The threefold potential of environmental citizen science - Generating knowledge, creating learning opportunities and enabling civic participation. *Biological Conservation*, 225, 176–186.
 - Yaghfoori, H., & Rafieyan, S. (2015). A Study of the Function of Urban Management Regarding the Participation of Citizens in Urban Affairs: The Case of Fasa. *Journal of Urban - Regional Studies and Research*, 7(27), 81-100. [in Persian]
 - Yaghfoori, H., Aghaei, V., Moazzeni, M., & Badali, A. (2017). The role of management indicators and social capital in promoting citizen’s participation in urban affairs (Case Study: Parsabad City). *Regional Planning*, 7(27), 133-146. [in Persian]
 - Zangiabadi, A., & Zanganeh, M. (2014). Participatory citizenship and its role in optimizing urban management (Case Study: Mashhad District One). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 2(2), 219-238. doi: 10.22059/jurbangeo.2014.51969 [in Persian]

نحوه ارجاع به مقاله:

جمینی، داود؛ شمس‌الدینی، علی؛ جمشیدی، علیرضا؛ (۱۴۰۱) مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و تبیین تعیین‌کننده‌های آن (نمونه مورد مطالعه: شهر ایلام)، مطالعات شهری، ۱۲ (۴۵)، ۱۹-۳۰. doi: 10.34785/J011.2022.007/Jms.2023.108

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



کیفیت منظر خیابان شهری و ارتباط آن با میزان و نوع فعالیت شهروندان تهرانی، ارزیابی کاربست نظریه یان گل^۱

مریم شعبانی^۲ - دانش آموخته دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
محمود شارع پور - استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۹ مهر ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۲۶ فروردین ۱۴۰۱

چکیده

خیابان‌ها محل اتصال و ارتباط فضاها و فعالیت‌های شهری به یکدیگرند. یان گل این بحث را مطرح می‌کند که فعالیت‌های موجود در فضای عمومی به‌طور خاص در درک این فضا مهم هستند. پژوهش حاضر سعی دارد به بسط نظری مفاهیم کلیدی یان گل در بستر مطالعات شهر ایرانی کمک نماید. روش پژوهش، ترکیبی-اکتشافی متوالی است. در مرحله نخست (بخش کیفی) از تحلیل مشاهده‌ای و برای تحلیل داده‌های آن از تحلیل تماتیک استفاده شده و مرحله دوم (بخش کمی) به روش پیمایشی انجام گرفته است. در بخش کیفی پنج خیابان شهر تهران با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع انتخاب شدند و در بخش کمی با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و تصادفی ساده تعداد (۳۰۲ نفر) به‌عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. جمعیت تحقیق کلیه شهروندان شهر تهران با ضابطه سنی ۱۵ سال و بالاتر هستند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS23 و PLS3 استفاده شده است. یافته‌ها بیانگر وقوع بیشتر فعالیت‌های ضروری نسبت به فعالیت‌های انتخابی است که کیفیت منظر خیابان‌های شهر تهران را در حاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد و به‌نوعی دلالت بر این مسئله دارد که خیابان‌های شهر تهران شرایط مساعد برای وقوع فعالیت‌های اجتماعی را ندارند؛ این مهم همان شرایط نامساعدی است که یان گل بدان اشاره نموده است. همچنین از نتایج قابل توجه دیگر در این زمینه، بحث وقوع فعالیت‌های انتخابی در میان ساکنان شمال تهران و وقوع فعالیت‌های ضروری در میان ساکنان جنوب تهران است که دلالت مبرهن بر نوعی تمرکزگرایی در کیفیت منظر خیابان‌های مناطق شمالی کلانشهر تهران دارد.

واژگان کلیدی: کیفیت منظر خیابان، فعالیت‌های بیرونی، یان گل، پراکنش فعالیت‌های خیابانی شهر تهران.

نکات برجسته

- خیابان‌ها محل اتصال و ارتباط فضاها و فعالیت‌های شهری به یکدیگرند.
- مطابق با نظریه یان گل، فعالیت‌های موجود در فضای عمومی به‌طور خاص در درک این فضا مهم هستند.
- خیابان‌های شهر تهران شرایط مساعد برای وقوع فعالیت‌های اجتماعی را ندارند.
- نوعی تمرکزگرایی در کیفیت منظر خیابان‌های مناطق شمالی کلانشهر تهران وجود دارد.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "رویکردی جامعه‌شناختی درباره نقش کیفیت منظر خیابان در اخلاقیات شهری: تحلیلی از عدالت فضایی در شهر

تهران" است که به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه مازندران دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: maryam.shaebani@yahoo.com

۱. مقدمه

از مهم‌ترین مشخصه‌های زندگی اجتماعی امروزی، رشد شتاب آمیز شهرنشینی در جهان است تا حدی که امروزه بیش از ۷۵ درصد از مردم جهان در شهرها زندگی می‌کنند (Basta & Moroni, 2013). به همین دلیل در دوران جدید زندگی انسان‌ها، شهرها در واقع جایگاه بسیار مهم‌تر از دوران گذشته زندگی آدمیان دارند. شهرها همواره قلب تمدن بوده‌اند (Clarke & Gaile, 1998; Sassen, 2000; Landry, 2008; Florida, 2008; Glaeser, 2011). به تعبیری دیگر معیار سنجش هر تمدن در شهرهای آن نهفته است (Behzadfar & Ghorbanian, 2009, p.18).

خیابان‌ها به مثابه رودخانه‌های جاری حیات شهرها هستند، مکانی که در آنجا مردم می‌آیند (Whyte, 1996; Behzadfar & Ghorbanian, 2009, p.20). با این تعبیر، می‌توان مدعی شد که خیابان‌ها بخش کلیدی از جوامع و حیات انسانی ما را تشکیل داده‌اند (Institution of Civil Engineers, 2002, p.17). نظریات و اظهارنظرهای رو به فزاینده ای همگی تأکید نموده‌اند که چگونه خیابان‌ها و پیاده‌روها را می‌توان برای اهداف اجتماعی مورد تحلیل قرار داد (Appleyard, 1981; Jacobs, 1993; Ramati, 1981; Moudon, 1987).

این امر بازتاب این حقیقت است که مردم از خیابان جلوی خانه‌شان، از محله زندگی‌شان و از پیرامون محل کارشان همه‌روزه استفاده می‌کنند و در نتیجه کیفیت خیابان‌ها و دیگر فضاهای عمومی بر زندگی روزانه تک‌تک آنها تأثیر می‌گذارد و به طور مستقیم در حس بهزیستی آنها دخیل است. به دلیل اهمیت این موضوع یان گل این بحث را مطرح می‌کند که فعالیت‌های موجود در فضای عمومی به طور خاص در درک این فضا مهم هستند. به این معنا که فعالیت‌ها به طور خاص در برابر کیفیت کالبدی محیط نیز حساس هستند. گل سه مقوله کلی از فعالیت‌های فضای بیرون خانه را دسته‌بندی کرده است:

- فعالیت‌های ضروری که ما مجبور به انجام آنها هستیم (مانند پیاده‌روی تا محل کار یا مدرسه، منتظر شدن اتوبوس، خرید غذا و مانند اینها)،

- فعالیت‌های اختیاری که در صورت مناسب بودن مکان و زمان به انجام آنها مختار هستیم (مانند پیاده‌روی به خاطر لذت بردن از آن، تماشای محیط اطراف، خرید در حین تماشای محیط اطراف و ...)

- فعالیت‌های پی‌آیندی (اجتماعی) که انجام آن به حضور افراد دیگر در فضاهای عمومی بستگی دارد (گفت‌وگو و فعالیت‌های جمعی و ...). پی‌آیندی بودن این فعالیت‌های اجتماعی به این دلیل است که به شکل خود به خودی رخ می‌دهند و نتیجه مستقیم دو نوع فعالیت پیشین هستند (Carmona, et al., 2008, p.21-22). از سویی دیگر، لازم به توضیح است که یکی از اصطلاحات پرکاربرد در بحث خیابان، بحث منظر است.

منظر شهر بخشی از شکل شهر است که ناظر آن را دریافت می‌کند. به عبارتی شکل شهر در لایه‌های منظر شهر عینیت قابل ادراک و فضای مورد ادراک ما از واقعیت موجود شهر پیرامونمان است. بنابراین کلیه اطلاعات موجود در منظر خیابان‌های شهری به وسیله ادراک موردپذیرش قرار می‌گیرد که بالا بودن کیفیت منظر خیابان‌ها ادراک حاضران در آن را بهبود می‌بخشد (Salehi, et al., 2015, p.1).

در مورد اهمیت مفهوم کیفیت باید گفت، کیفیت مفهومی نسبی است که واجد معنایی فراتر از معنای بدیل و معمول آن است. در واقع منظور از کیفیت از طرفی خاصیت‌ها و ویژگی‌های اصلی یک چیز است، از طرف دیگر کیفیت کلیت و سیستمی از جزء کیفیت‌هایی است که یک چیز را به وجود آورده‌اند. به طور خلاصه می‌توان گفت کیفیت به آن ویژگی مشخص یک چیز یا پدیده اطلاق می‌شود که تأثیر عاطفی و عقلانی خاصی بر انسان می‌گذارد (Pakzad, 2006, p.100). به همین دلیل ارتباط وثیقی بین کیفیت منظر شهری و ادراک شهری وجود دارد.

با توجه به مطالب مشروحه در باب اهمیت موضوع فعالیت‌های بیرونی و پررنگ بودن مباحثات کیفیت منظر در این زمینه سؤال مهمی را که می‌توان به پرسش گرفت این است که فعالیت‌های بیرونی شهروندان از نظر میزان و نوع فعالیت آنها چگونه بوده و نقش کیفیت منظر خیابان در این زمینه چگونه است؟

گفتنی است که تهران به‌عنوان شهری که از اوایل قرن سیزدهم، جلوه‌های گوناگونی از زیست سرمایه‌دارانه را تجربه کرده، در مسیر تحول اجتماعی و تاریخی خود، اقسام مختلفی از نابرابری فضایی را نیز به نمایش گذاشته است. این مسئله درون بافت شهری، فضای نابرابر متفاوتی را پدید آورده که به لحاظ کیفیت و مطلوبیت رتبه‌بندی شده، بافت جمعیتی-طبقه‌ای متفاوتی را درون خود جا داده‌اند. وجود این شکل از نابرابری در سطح ظاهری و در زندگی روزمره مردم نیز امری مشهود است (Ahrabian, 2017, p.18).

در ضمن از نظر جنبه‌های نوآورانه و بدیعی بودن این پژوهش می‌توان موارد زیر را یادآور شد:

۱- بررسی مطالعات مرتبط با فضاهای عمومی شهری (با تأکید بر خیابان) نشان می‌دهد که آن مقالات اساساً موضوع فعالیت‌های بیرونی فضاهای شهری (با تأکید بر مقوله کیفیت و منطقه) را مورد غفلت قرار دادند. به همین دلیل این پژوهش را می‌توان از این منظر تحقیقی بدیع، نو و تازه قلمداد نمود.

۲- پژوهش حاضر سعی دارد به بسط نظری مفاهیم کلیدی یان گل در بستر مطالعات شهر ایرانی کمک نماید.

اثر "زندگی در میان ساختمان‌ها" تألیفی شاخص و ماندگار از معماری به نام یان گل است که پیرامون ارتباط وثیق و غیرقابل انکار بین نقش کیفیت محیط و فعالیت‌های بیرونی آن است (جدول شماره ۱). بررسی‌های دقیق صاحب این پژوهش حکایت اثبات این مدعا است که عمده مقالات مرتبط در این زمینه مربوط به مقالات خارجی است که پیرامون سیاست‌گذاری‌ها در حوزه فضاهای عمومی با تکیه بر مبانی و مؤلفه‌های کتاب یادشده اثر یان گل است؛ چرا که کتاب مورد نظر، راهنمای عملی بسیار مفیدی در زمینه فضاهای عمومی شهری است و از همه مهم‌ترین که این اثر حاصل پژوهش‌های پردامنه یان گل در بسیاری از کشورهای دنیا است. به همین دلیل جنبه‌های نوآوری این تحقیق در ایران هم در مباحثات نظری و هم در عرصه عملی بسیار بدیع و نوآورانه است. با توجه به همین موضوع این پژوهش در تلاش است به بسط عمیق جنبه‌های نظری مفاهیم کلیدی اندیشه‌های یان گل در بستر مطالعات شهر ایرانی کمک نماید تا این زمینه برای تسری این گونه مباحثات نوین در ایران فراهم آید.

جدول شماره ۱۰: زندگی میان ساختمان‌ها- موضوع کلی، مفاهیم کلیدی و نتایج مهم

نویسنده، سال و عنوان	موضوع کلی مورد بحث و بخش‌ها / فصول	مفاهیم کلیدی	نتایج مهم
گل (2018) ”زندگی در میان ساختمان‌ها“	کتاب در چهار فصل تدوین شده است. موضوع محوری کتاب در مورد فعالیت‌های بیرونی (ضروری، انتخابی و اجتماعی) در فضاهای عمومی است. به عبارتی دیگر ارتباط کیفیت فضاهای عمومی و فعالیت‌های روزمره و... مردم است. لازم به توضیح است که گل بر اهمیت خیابان به عنوان یکی از فضاهای شهری مؤثر در این رابطه تأکید دارد.	فعالیت‌های بیرونی و ارتباطی	یان گل توضیح می‌دهد که نخستین نسخه کتاب (زندگی در میان ساختمان‌ها) در دهه ۱۹۷۰ برای اشاره به کاستی‌ها و نواقص معماری (کارکردگرا) و برنامه‌ریزی شهری که بر این دوره تسلط داشت، منتشر شد. در نهایت او تأکید می‌کند که زندگی در میان ساختمان‌ها یک بعد معماری است که شایسته راه‌حل دقیق‌تر و مناسب‌تری است؛ با این هدف که تعامل اجتماعی و ادراک، تفریح شهری و تجربه حس زندگی شهری ایجاد شود. در واقع زندگی در میان ساختمان‌ها شامل طیف وسیعی از فعالیت‌های مردم در فضای عمومی یعنی انواع رفتارهای اجتماعی ضروری و انتخابی است که گل به‌طور دقیق مورد بررسی قرار داده و معتقد است که مطالعه این حوزه‌ها حیاتی هستند و فرآیندهای برنامه‌ریزی باید با فهم این فضاهای عمومی آغاز شوند.

روزمره و نیازمندی‌های خاص آن در محیط انسان‌ساخت است. به دیگر سخن، زندگی در فضای میان ساختمان‌ها، طیف وسیعی از فعالیت‌های جذاب انسانی در شهرهای ما یا در یک منطقه را در بر می‌گیرد که مطالعات و تحقیقات در مورد آن پایان‌ناپذیر است (Gehl, 2018).

زندگی در میان ساختمان‌ها، مهم‌ترین اثر مطالعاتی و کاری یان گل است که طبق تقسیم‌بندی کارمونا به زمینه اجتماعی طراحی شهری تعلق دارد که به منبعی کلاسیک در این حوزه تبدیل شده است (Gehl, 2015 & Gehl and Svarre, 2018).

ماتیو کارمونا، طراحی شهری را دارای هشت جنبه می‌داند که آنها را بدین صورت بیان می‌کند:

۱. فضایی^۲
۲. ریخت‌شناسانه^۳
۳. زمینه‌ای^۴
۴. بصری^۵
۵. ادراکی^۶
۶. اجتماعی^۷
۷. عملکردی^۸
۸. پایدار^۹

که یان گل را در کنار افرادی چون جیکوبز در بخش اجتماعی جامی دهد (Gehl, 2018). در این راستا، اهمیت مطالعات یان گل از این جهت بوده که رابطه بین سطح فعالیت‌ها و عناصر فیزیکی در فضاهای عمومی به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است؛ زیرا طراحان اجتماعی، معمولاً به جای فعالیت‌های فضاهای باز بیرونی به فرم توجه نموده‌اند (Wei & Lawson, 2009). بنابراین می‌توان گفت، این کتاب برای کسانی که مایل به درکی عمیق‌تر از برنامه‌ریزی اجتماعی و معماری هستند از

۲. چارچوب نظری

امروزه ابعاد انسانی فضاهای عمومی بیش از هر زمان دیگر مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته است (Alimardani, 2004; Gehl, 2016, p.6)؛ چرا که فعالیت‌های موجود در فضاهای عمومی می‌توانند بر کیفیت و کمیت جذب مردم برای توقف و تعامل در این فضاها، تأثیرگذار باشند (Gehl, 1987; Vahdat, et al., 2015). اما آگاهی از مجموعه عناصر سازنده فضا به خودی خود و بدون آگاهی از این‌که چگونه این عناصر با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند تا کیفیت‌های فضای عمومی را برای فعالیت‌های انسانی بهینه سازند، ارزش چندانی ندارد (Carmona, 2008, p.21). در این راستا باید گفت، عناوین کتاب‌هایی که با موضوع مطالعات فضای عمومی و حیات شهری به انتشار رسیدند، منعکس‌کننده پیشرفت مرتبط با تلاش‌ها برای شکل‌گیری این رشته است. کتاب جین جیکوبز "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی" درخواستی فعالانه برای مشارکت در این امر بود. یان گل یک دهه بعد از طریق عملیاتی و نظام‌مند کردن این چالش در کتابش "زندگی در فضای بین ساختمان‌ها" نیاز به دستیابی به دانشی بیشتر در این زمینه را بیان کرد (Gehl & Svarre, 2015, p.101).

زمانی که کتاب به زبان دانمارکی به چاپ رسید، تأثیری شگرف بر مباحث حوزه اسکاندیناوی درباره جهت حرکت آتی معماری و به‌طور عمومی‌تر برنامه‌ریزی شهری ایجاد نموده است. همچنین زمانی که کتاب به زبان انگلیسی منتشر شد، ایده توجه به زندگی جاری میان ساختمان‌ها به بلوغ رسیده بود. راف ارسکین^۱ این نکته را در مقدمه تألیف اول کتاب نوشت: سال ارزش‌های انسانی بیش از یک دهه بعد از آن ما می‌توانیم افزایش علاقه‌مندی میان معماران و سایرین را به این ارزش‌ها مشاهده کنیم (Ibid, p.75).

تحقیقات یان گل معطوف به حیات اجتماعی جاری در عرصه‌های عمومی است و به‌طور خاص به تسهیلات زندگی در فضاهای عمومی می‌پردازد و سعی در گسترش مرزهای آن فراتر از استفاده معمول از عرصه‌های عمومی دارد (Gehl, 1987; Dezfuly & Naghizadeh, 2014, p.18). گل در کتاب مهم و شناخته‌شده‌اش با عنوان (زندگی در میان ساختمان‌ها) به بررسی سرزندگی و حضور‌پذیری فضای شهری پرداخته است؛ و به تعبیری عطف توجه آن بر روی روزهای معمولی و فضای بیرونی اطرافمان است. این کتابی درباره فعالیت‌های

- 2 Spacial
- 3 Morphological
- 4 Contextual
- 5 Visual
- 6 Perceptual
- 7 Social
- 8 Functional
- 9 Sustainable

1 Ralph Erskine

- دسته سوم، فعالیت‌های اجتماعی^۴ هستند که بسته به ویژگی‌های فضای شهری طیف گسترده‌ای از روابط متقابل افراد را دربرمی‌گیرند. شرایط خاص فضاها برای ایستادن، نشستن، خوردن، بازی کردن و ... هستند که این فعالیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (Gehl, 1987; Latifi & Sajadzadeh, 2014, p. 8-9).

لازم به توضیح است، شخصیت و ویژگی‌های فعالیت‌های اجتماعی، بسته به زمینه‌ای که در آن رخ می‌دهند، متفاوت است. در خیابان و مراکز شهری، فعالیت‌های اجتماعی به‌طور معمول سطحی‌تر هستند؛ ارتباطات منفعلی مانند دیدن و شنیدن میان مردم بسیاری که یکدیگر را نمی‌شناسند. اما همین فعالیت محدود نیز می‌تواند خوش‌آیند باشد. به تعبیری بسیار آزاد، یک فعالیت اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که دو نفر باهم در یک مکان مشابه باشند؛ برای دیدن و گوش دادن به یکدیگر، برای ملاقات و ... که همان اشکال مختلف برقراری ارتباط و بنابراین یک فعالیت اجتماعی هستند (Gehl, 2018, p. 7). این‌گونه فعالیت‌ها را می‌توان فعالیت‌های برآیندی نیز نامید، چراکه تقریباً در تمام موارد از فعالیت‌های پیوندیافته با دودسته دیگر ناشی می‌شوند. آنها در ارتباط با دیگر فعالیت‌ها گسترش می‌یابند؛ زیرا مردم در فضای یکسانی حضور دارند، ملاقات می‌کنند، از کنار هم عبور می‌کنند و یا حتی در محدوده دید یکدیگر قرار دارند (Ibid, p. 6). در جدول ذیل رابطه (کیفیت فضای بیرونی و وقوع فعالیت‌های بیرونی) نشان داده شده است (Gehl, 1987; Latifi & Sajadzadeh, 2014, p. 8-9).

جدول شماره ۲: اندازه فعالیت‌ها در فضاهای مساعد و نامساعد شهری

نوع فعالیت	شرایط نامساعد	شرایط مساعد
فعالیت‌های ضروری	●	●
فعالیت‌های انتخابی	●	●

گفتنی است که بر اساس تئوری یان گل می‌توان برای نکته صحت گذاشت که کیفیت خیابان‌ها نقش مهمی در وقوع فعالیت‌های انتخابی دارد؛ بدین معنا که افزایش قابل ملاحظه‌ای در فعالیت‌های انتخابی با ارتقای کیفی خیابان مطرح می‌شود. در این راستا باید متذکر شد که چون جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر شهروندان تهرانی هستند، مفهوم کیفیت منظر خیابان مورد توجه بوده است. به همین دلیل پس از شاخص‌سازی مفهوم یادشده، کیفیت خیابان از منظر شهروندان تهرانی مورد ارزیابی قرار گرفته و فعالیت‌های بیرونی آنها مورد سنجش قرار گرفته که در بخش روش‌شناسی تحقیق به تفصیل شرح داده شده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع آمیخته اکتشافی متوالی (کیفی- کمی) است. «این طرح برای شناخت پدیده با داده‌های کیفی شروع می‌شود و سپس مرحله ثانویه یا کمی ساخته می‌شود.

اهمیتی استثنایی برخوردار است (Gehl, 2018).

روابط اجتماعی ممکن است از طریق فضا تشکیل شوند یا از طریق فضا محدود شوند و یا از طریق فضا اصلاح شوند. اگر فضا با در نظر داشتن نیازهای روان‌شناختی، آنتروپومتریک و ... طراحی و مدیریت شود، در صورتی که از لحاظ فرهنگی مناسب باشد، رفتار اجتماعی احتمالاً رخ می‌دهد. این امر دیدگاه احتمال‌گرایی یا امکان‌گرایی است که در آن نقش برنامه‌ریزی و طراحی فراهم ساختن بهترین شرایط ممکن به‌منظور پشتیبانی از رفتارهای اجتماعی مشخص است (Mehta, 2013, p. 105-106). نتایج مشاهدات ویلیام وایت نیز نشان‌دهنده اهمیت ساختار خیابان بر الگوهای رفتاری انسان است. وی معتقد است روابط کالبدی بین میادین و خیابان‌ها یکی از مهم‌ترین متغیرها در ایجاد تعامل و توسعه روابط اجتماعی میان افرادی است که در یک محل زندگی می‌کنند. در تأیید این نظریات، یان گل اظهار می‌کند، مردم در زندگی شهری کوتاه‌ترین و قابل‌وضوح‌ترین مسیر را برای رسیدن به یک فضا ترجیح می‌دهند. از این‌رو فضای ایجادشده میان ساختمان‌ها، شبکه‌های خیابانی، بیش از محیط ساخته‌شده بر زندگی شهری تأثیر می‌گذارد (Whyte, 1990; Bidaruni & Tabibian, 2018, p. 299).

گل در کتاب "زندگی در میان ساختمان‌ها" بر اهمیت خیابان به‌عنوان یکی از فضاهای شهری مؤثر تأکید دارد و این ویژگی خیابان که در بهبود رفتار شهروندی مؤثر است (که در آرای جیکوبز نیز بدان اشاره شد) را با اصطلاح "شهر دعوت‌کننده" به کار می‌برد (Nasrabadi, et al., 2011, p. 102).

خیابان‌ها محل اتصال و ارتباط فضاها و فعالیت‌های شهری به یکدیگرند (Khademi, et al., 2010). یان گل این بحث را مطرح می‌کند که فعالیت‌های موجود در فضای عمومی به‌طور خاص در درک این فضا مهم هستند. این فعالیت‌ها به‌طور خاص در برابر کیفیت کالبدی محیط نیز حساس هستند (Carmona, et al., 2008, p. 21). مطابق با نظر گل، فعالیت مردم در فضاهای عمومی را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد که هر یک به ویژگی‌های متفاوتی در محیط کالبدی نیاز دارند؛ فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی^۱. در حالت کلی، فعالیت‌ها سه طیف متفاوت را شامل می‌شوند:

- دسته نخست، فعالیت‌های ضروری^۲ را شامل می‌شوند که حالتی کم‌وبیش اجباری دارند و تحت هر شرایطی اتفاق می‌افتند و وقوع آنها کمترین تأثیرپذیری را از محیط دارد. فعالیت‌هایی مانند رفتن به مدرسه یا سرکار، خرید و سایر فعالیت‌های عمومی و روزمره در این دسته جا می‌گیرند.

- دسته دوم از فعالیت‌هایی که در فضای شهری انجام می‌شوند را فعالیت‌گزینه‌ای و انتخابی^۳ تشکیل می‌دهند که تنها زمانی صورت می‌پذیرند که تمایل به آنها وجود داشته باشد و زمان و مکان نیز فراهم آورنده زمینه مساعد باشند. فعالیت‌هایی چون پیاده‌روی، نشستن و استراحت در مکان‌های جذاب در این دسته قرار می‌گیرند.

۱ و یا ضروری، اختیاری و بی‌آیندی / اجتماعی (Carmona, 2008).

2 Necessary Activities
3 Optional Activities

4 Social Activities

می‌پردازد. یادداشت‌های میدانی کامل دارای انواع و سطوح گوناگونی هستند. شیوه یادداشت‌برداری پژوهش حاضر، یادداشت توأم با مشاهده مستقیم است.

۳٫۱٫۵. نحوه انجام تحلیل: چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006, p.77). بر این اساس با تحلیل اولیه متن ۳۸ کد اولیه استخراج شده است (جدول شماره ۳). تحلیل و ترکیب ۳۸ کد اولیه، منجر به دسته‌بندی آن به پنج تم اصلی شده است که عبارتند از: زیباشناختی (کالبدی مصنوع، طبیعی و بصری)، فعالیتی و عملکردی (فعالیتی، حضور پذیری و عملکردی)، معنایی و ادراکی (خوانایی)، تصویرپذیری و حس مکان، زیست‌محیطی (کالبدی) و ساختاری (دسترسی).

۳٫۱٫۶. معیار قابلیت اعتماد: گوبا و لینکن^۲ معتقدند قابلیت اعتماد دربرگیرنده چهار معیار جداگانه اما به هم مرتبط باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری است (Mohammadpour, 2003, p.184).

الف- باورپذیری: در این پژوهش باورپذیری در سه بخش ورودی‌های پژوهش، تحلیل‌های انجام شده در حین تحقق و یافته‌های تحقیق مشخص شده است.

ب- انتقال‌پذیری: توصیف تفصیلی همه جزئیات مرتبط با فرایند تحقیق متضمن انتقال‌پذیری آن خواهد بود.

ج- اطمینان‌پذیری: روش‌ها و تصمیم‌های مربوط به این پژوهش به‌گونه‌ای مستندسازی شده تا امکان رسیدگی سایر پژوهشگران فراهم شود.

د- تأییدپذیری: برای تأمین تأییدپذیری پژوهش حاضر، سعی شده با ارائه جزئیات روش‌ها و داده‌های تحقیق، امکان ارزیابی روش گردآوری داده و تحلیل داده برای محققان دیگر و خوانندگان فراهم شود.

۳٫۱٫۲. بخش دوم: کمی (پیمایش)

۳٫۲٫۱. جمعیت آماری: جامعه آماری این پژوهش، شامل شهروندان ساکنان محلات شهر تهران (با ضابطه سنی ۱۶ سال و بالاتر) که از نزدیک‌ترین خیابان‌های اصلی محل سکونشان در طول هفته به‌طور مستمر تردد می‌نمایند.

۳٫۲٫۲. شیوه نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه: مراحل محاسبه تعداد نمونه در این تحقیق عبارتند از:

مرحله نخست (پیش‌آزمون): آمار و اطلاعات مربوط به جامعه آماری استخراج شده^۳ و آزمون مقدماتی با نمونه ۵۰ نفری در نقاط شهری گرفته شده است. مرحله دوم (برآورد حجم نمونه): مطابق با نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، تعداد نمونه در طبقات بر اساس آمار و اطلاعات استخراج شده و آزمون مقدماتی انجام گرفته است. طبق نتایج به‌دست‌آمده، حجم نمونه کل لازم برای تعمیم به جمعیت تحقیق ۳۰۲ شهروند (جدول شماره ۴) است. مرحله سوم (دسترسی به نمونه): دسترسی به نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و از طریق شهروندان عضو کانال‌های تلگرامی بوده است. دلیل استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام پوشش ۲۲ منطقه شهر تهران بوده است. به‌عبارتی دیگر تمام مناطق کلانشهر تهران دارای کانال بودند (حتی به

پژوهشگرانی که از این طرح استفاده می‌کنند، از مرحله کیفی به‌عنوان زیربنای ایجاد یک ابزار، شناخت متغیرها یا شرح موارد ضروری برای محک زدن یک نظریه یا چارچوب جدید استفاده می‌کنند. ایجاد آنچه گفته شد، موجب پیوند مرحله کیفی اولیه با مؤلفه کمی بعدی پژوهش می‌شوند (Creswell & Plano Clark, 2020, p.85).

در مرحله نخست پژوهش از روش تحلیل مشاهده‌ای استفاده شده است. مرحله دوم پژوهش از نوع پیمایشی بوده که در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ اجرا و برای گردآوری داده‌های پژوهش، از پرسشنامه محقق ساخته و آنلاین^۱ استفاده گردیده است؛ ذیلاً در قالب جدول به تشریح دو مرحله پژوهش پرداخته شده است.

۳٫۱. بخش اول: کیفی (تحلیل مشاهده‌ای)

۳٫۱٫۱. میدان تحقیق (خیابان): بر اساس ملاحظات نظری، میدان این تحقیق، خیابان‌های شهر تهران برای گردآوری اطلاعات انتخاب شدند و محقق درصدد مطالعه کیفیت مناظر خیابان‌ها خواهد بود. لازم به توضیح است که برای تحقق این هدف و ارتقای کیفیت نتایج این تحقیق در گردآوری اطلاعات تلاش شده است که خیابان‌های اصلی شهر تهران مورد هدف قرار گیرد.

۳٫۱٫۲. نمونه‌گیری: انتخاب خیابان‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع انجام گرفت؛ یعنی خیابان‌هایی انتخاب شدند که دارای کاربری‌های متفاوت و مهم‌ترین که به لحاظ موقعیت جغرافیایی در نقاط مختلف کلانشهر تهران قرار داشتند و اشباع نظری در این پژوهش با بررسی پنج خیابان اصلی (شوش، ولیعصر، ولنجک، آزادی و پیروزی) به دست آمد.

۳٫۱٫۳. ابزار گردآوری داده‌ها (مشاهده‌گر تام): در مطالعات مشاهده‌ای، محقق در نقش مشاهده‌گر صرف ظاهر می‌شود. در بسیاری از مطالعات میدانی که در محیط‌های بدون ساخت مانند خیابان صورت می‌گیرد، محقق در نقش مشاهده‌گر صرف ظاهر می‌شود. موقعیت مشاهده‌گر تام بسیار شبیه به موقعیت محقق است که مشغول پیمایش یا آزمایش است. به نظر می‌رسد در محیط‌های کاملاً بدون ساختی مانند کنار خیابان مشاهده‌گری صرف بودن مناسب‌تر است (Baker, 2010, p.288).

۳٫۱٫۴. روش تحلیل (تحلیل داده‌های مشاهده‌ای): داده‌های مشاهده‌ای نیز همانند داده‌های متنی به شیوه‌های متفاوتی تحلیل می‌شوند. عمدتاً در رویه‌های تحلیلی تماتیک و مردم‌نگاری انتقادی تحلیل می‌شوند (Travers, 2009; Abolhassani, 2019, p.86). داده‌های مشاهده‌ای، به‌ویژه داده‌هایی که در خلال کار میدانی گردآوری می‌شوند را می‌توان به دودسته داده‌های مشاهده‌ای متنی شده و تصویری تقسیم‌بندی و تحلیل کرد (Abolhassani, 2019, p.86). داده‌های متنی مشاهده‌ای متنی شده، یادداشت‌ها و ثبت‌های محقق از ابعاد پدیده یا میدان تحت مطالعه را در برمی‌گیرد. این نوع داده‌ها را از طریق شیوه یادداشت‌برداری یا نکته‌برداری می‌توان تولید کرد (Ibid, p.78).

محقق میدانی به شیوه‌های مختلفی به نوشتن یادداشت‌های میدانی

۱ لازم به توضیح است که شروع بخش کیفی کار مربوط به قبل از شیوع گسترده ویروس کرونا بوده است. همچنین در مقدمه پرسشنامه این نکته نیز قید شده بود که شهروندان تهرانی با در نظر گرفتن شرایط زندگی عادی قبل از ویروس کرونا پاسخ دهند.

2 Guba & Lincoln

3 Tehran Statistical Yearbook, 2019

جدول شماره ۲: تم‌های اصلی مرتبط با کیفیت منظر خیابان، مستخرج از داده‌های مشاهده‌ای (متنی شده)

ردیف	کداولیه	تم اصلی
۱	دسترسی مناسب به وسایل حمل و نقل عمومی به علت وجود ایستگاه اتوبوس یا بی‌آرتی و تاکسی	زیباشناختی
۲	نیمکت در پیاده‌رو	
۳	وجود خطوط و امکانات دوچرخه‌سواری	
۴	وجود دوربین مداربسته (پلیس راهنمایی و رانندگی، کنترل طرح ترافیک و...)	
۵	طراحی مناسب جداول	
۶	کیفیت و مکان تابلوها	
۷	نورپردازی	
۸	مطلوبیت کف سازی پیاده‌رو	
۹	مطلوبیت کف سازی سواره‌رو	
۱۰	وجود فضای سبز کافی (پوشش گیاهی، تعداد درختان، فضای سبز حاشیه‌ای در جوار عابر پیاده)	
۱۱	دلپذیری نمای ساختمان‌ها (رنگ، فرم پنجره‌ها)	
۱۲	هنرهای خیابانی و تجسمی (گرافیک، دیوارنگاری، تبلیغات شهری و بیلبوردها)	
۱۳	وجود کاربری‌های خدماتی (پارکینگ)	فعالیتی- عملکردی
۱۴	کاربری‌های جاذب و یا ترویج‌دهنده پیاده‌مداری	
۱۵	گوناگونی اختلاط کاربری‌ها (دسترسی آسان به مراکز خرید، فروشگاه‌ها و مراکز تجاری)	
۱۶	امکان حضور اقشار مختلف اجتماعی (زنان و کودکان و...)	
۱۷	نظارت اجتماعی و طبیعی بر فضا (نظارت و کنترل وضعیت کلی خیابان توسط ساکنان)	
۱۸	تقویت و یا حمایت از پیاده‌مداری	
۱۹	میزان حضور افراد در ساعات مختلف شبانه‌روز	
۲۰	وجود خدمات شهری در طول مسیر (سرویس بهداشتی، عابر بانک، سطل زباله و غیره)	
۲۱	عدم تداخل حرکتی سواره و پیاده (جداسازی کامل سواره از پیاده)	
۲۲	محدودیت آمدوشد وسایل نقلیه موتوری شخصی	
۲۳	امکان دیدن و تماشا (وجود روشنایی در هنگام شب، مشاهده بدون مانع، امکان دیدن مسافت تا مقصد اصلی یا فرعی)	
۲۴	مناسب‌سازی فضا برای افراد با توانایی مختلف جسمی- حرکتی مانند معلولان و سالمندان	
۲۵	حس جهت‌یابی به افراد	معنایی- ادراکی
۲۶	عدم احساس بیگانگی با فضا	
۲۷	علائم ترافیکی مناسب	
۲۸	احساس امنیت در برابر ترافیک و تصادفات (تصادفات ترافیکی/ ترس از ترافیک)	
۲۹	عدم وجود ساختمان‌های متروکه و مخروبه	زیست محیطی
۳۰	وجود مجاری و کانال‌های جمع‌آوری و هدایت آب‌های سطحی	
۳۱	وجود شیب ملایم پیاده‌روها در جهت کانال‌های جمع‌آوری آب	
۳۲	آسایش صوتی	
۳۳	رضایتمندی از پاک‌ی هوا	
۳۴	نظافت و پاکیزگی	
۳۵	آسایش اقلیمی (محافظت در برابر عوامل جوی همچون باران و برف)	ساختاری
۳۶	مناسب بودن عرض پیاده‌روها نسبت به ظرفیت و استفاده‌کنندگان از فضا	
۳۷	عرض سواره	
۳۸	تراکم جمعیتی مطلوب	

جدول شماره ۲، نزدیک‌ترین خیابان اصلی محل سکونت خود را که در طول هفته در آن خیابان رفت‌وآمد می‌نمایید، مورد ارزیابی قرار دهید^۱ و برای پاسخ از طیف ۵ درجه‌ای {بسیار خوب (۴)، خوب (۳)، متوسط (۲)، خیلی بد (۱)، بد (۰)} استفاده شده است. فعالیت‌های بیرونی از جمله متغیرهای اصلی پژوهش حاضر است که بر مبنای آثاریان گِل {زندگی در فضای میان ساختمان‌ها و بررسی زندگی فضای عمومی} برحسب ۱۷ شاخص موردسنجش قرار گرفته است. شاخص‌های فعالیت‌های بیرونی عبارتند از: مؤلفه فعالیت‌های ضروری: جابه‌جایی (رفتن به مدرسه/ دانشگاه/ سرکار)، خرید کردن، منتظرشدن برای اتوبوس یا تاکسی، خرید کردن، انتظار برای کسی،

تفکیک محله) که شهروندان تهرانی عضویت داشتند. ۳/۲/۳. تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها: مفهوم منظر خیابان^۱ مورد توجه است. منظر خیابان محیطی است که فرد در حین عبور از خیابان می‌بیند و تجربه می‌کند، بنابراین مفهومی فراگیرتر از منظرسازی و جنبه‌های مربوط به طراحی خیابان یا مفاهیم منظر شهری^۲ است و علاوه بر آن مسائل مربوط به نگهداری و جنبه‌های مدیریتی را نیز در بر می‌گیرد (Carmona, et al., 2008, p.145-147). برای سنجش کیفیت منظر خیابان این سؤال مطرح گردید: " براساس شاخص‌های

- 1 Street Scene
- 2 Cityscape & Townscape

واریانس استخراج شده برای هر متغیر استفاده نمود. جذر واریانس استخراج شده داده‌ها (کیفیت منظر خیابان، ۰/۹۰۵ و فعالیت‌های بیرونی، ۰/۸۷۱) نشان می‌دهد مدل روایی و آگرایی قابل قبولی دارد چراکه اعداد حداقل ۰/۱ بیشتر (مقدار متوسط واریانس استخراج شده) است (Pashazadeh, et al., 2020, p.177 & Davari and Rezazadeh, 2014, p.84). در این پژوهش برای سنجش پایایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است؛ بدین ترتیب که پس از تنظیم پرسشنامه یک مرحله پیش‌آزمون مقدماتی با نمونه ۵۰ نفری در نقاط شهری تکمیل و پایایی پرسشنامه از طریق سازگاری درونی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ انجام شد. مقدار آلفای کرونباخ برای کیفیت منظر خیابان، ۰/۹۶ و فعالیت‌های بیرونی ۰/۹۱ به دست آمد که حکایت از اعتماد ابزار پژوهش دارند.

۳/۲/۵. هم‌ارزی گویه‌ها: در این تحقیق، مؤلفه‌های متغیر فعالیت‌های بیرونی (ضروری و انتخابی) نیز به دلیل برابر نبودن تعداد شاخص‌ها، هم‌ارز شده‌اند. لازم به توضیح است که از فرمول زیر به منظور هم‌ارزی استفاده شده است (De Vaus, 2011, p.267).

$n \times \text{دامنه} / (\text{مقدار حداقل در مقیاس} - \text{مقدار سابق}) = \text{مقیاس جدید}$
 ۶/۲/۳. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS (ورژن ۲۳) و PLS (نسخه ۳) استفاده شده است.

قدم زدن برای انجام کاری (تحویل بسته و...)، ایستادن برای انجام مکالمه، ایستادن برای مواجهه با موانع (چراغ قرمز، ترافیک و...)؛ مؤلفه فعالیت‌های انتخابی: (پییاده روی به خاطر لذت بردن از آن، ورزش کردن، ایستادن برای رفع عطش (نوشابه/ بستنی و...)، ایستادن برای تماشای فعالیت‌ها (جمعیت، افراد)، ایستادن برای انجام کاری (عکس گرفتن، غذا دادن به پرندگان)، نشستن برای مطالعه (روزنامه و...)، نشستن برای نظارت بازی کودکان، نشستن برای استراحت کردن و نشستن برای بهره‌مندی از آفتاب و نشستن برای خوردن). برای سنجش فعالیت‌های بیرونی این سؤال مطرح شد: "در طول هفته، به چه میزان در نزدیک‌ترین خیابان اصلی محل سکونتتان، فعالیت‌های زیر را انجام می‌دادید؟" دامنه پاسخ به این سؤال طیف ۵ درجه‌ای {همیشه (۴)، اکثر اوقات (۳) گاهی اوقات (۲)، به ندرت (۱) و هرگز (۰)} بوده است.

۳/۲/۴. اعتبار و پایایی: روایی پرسشنامه پژوهش حاضر به کمک دو معیار روایی همگرا و واگرا که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. مقدار متوسط واریانس استخراج شده برای متغیرهای این تحقیق (کیفیت منظر خیابان، ۰/۸۲ و فعالیت‌های بیرونی، ۰/۷۶) از مقدار حداقلی ۰/۵ بیشتر است که نشانگر روایی همگرایی مناسب متغیرهاست. در بررسی روایی افتراقی متغیرها که به‌عنوان روایی تقاطعی متغیرها هم‌یاد می‌شود، باید از جذر متوسط

جدول شماره ۴: برآورد حجم نمونه

موقعیت جغرافیایی	مناطق	جمعیت	نمونه در طبقات
شمال (شرق و غرب)	۱	۵۳۱۲۷۴	۲۲
	۲	۷۴۹۰۲۲	۳۰
	۳	۳۶۹۵۰۲	۱۴
	۴	۹۹۰۱۴۶	۴۲
	۵	۹۲۸۷۳۸	۳۷
کل	۲۲	۱۹۱۹۳۴	۸
	۶	۳۷۶۰۶۱۶	۱۵۳
غرب	۲۱	۱۹۶۸۷۴	۱۰
	۹	۲۰۷۶۲۴	۱۰
کل	۲	۴۰۴۴۹۸	۲۰
	۸	۴۷۹۰۰۵	۸
شرق	۱۳	۲۶۵۷۹۶	۴
	۱۴	۵۳۸۰۷۳	۹
کل	۳	۱۲۸۲۸۷۴	۲۱
	۶	۲۷۸۹۴۷	۸
مرکز	۷	۳۳۶۵۵۰	۹
	۱۰	۳۴۲۲۲۳	۹
	۱۱	۳۳۳۱۲۷	۹
	۱۲	۲۵۶۶۰۱	۷
کل	۵	۱۵۴۷۴۴۸	۴۲
	۱۵	۷۰۶۸۴۴	۱۹
جنوب	۱۶	۲۸۹۰۷۷	۸
	۱۷	۳۰۹۲۳۰	۹
	۱۸	۴۴۵۴۲۹	۱۲
	۱۹	۲۸۲۵۹۸	۸
	۲۰	۳۹۵۰۸۸	۱۰
کل	۷	۲۴۲۸۲۶۶	۶۶
	۲۲	۹۴۲۳۷۰۳	۳۰۰

۴. بحث و یافته ها

۴.۱. توصیف

۴.۱.۱. ویژگی های جمعیت نمونه برحسب مشخصات فردی پاسخگویان

از مجموع شهروندان مورد مطالعه، ۵۵/۳ درصد را مردان و ۴۴/۷ درصد را زنان تشکیل داده اند. دامنه سنی پاسخگویان ۱۵ تا ۷۲ سال است و گروه سنی ۵۹-۳۰ (میان سالان) با ۶۳/۲ درصد و ۲۹-۱۸ سال (جوانان) با ۳۴/۱ درصد بیشترین تعداد پاسخگویان را تشکیل می دهند. بیشتر شهروندان از لحاظ درآمد به ترتیب خود در طبقه اجتماعی متوسط بالا با ۴۹/۳ درصد و (متوسط به پایین) با ۴۲/۱ درصد قرار داده اند. میزان تحصیلات لیسانس با ۴۱/۱ درصد، فوق لیسانس با ۲۷/۵ درصد و دیپلم با ۱۲/۹ درصد به ترتیب بیشترین میزان را به خود اختصاص داده اند. ۵۶ درصد از پاسخگویان متأهل و ۴۰/۷ درصد مجرد، ۱/۳ درصد طلاق

گرفته، ۰/۷ درصد همسرفوت کرده و ۱/۳ درصد گزینه سایر را انتخاب نمودند. همچنین بیشتر پاسخگویان با ۲۸/۸ درصد شاغل بخش خصوصی و ۲۴/۵ درصد شاغل بخش دولتی و عمومی معرفی کرده اند.

۴.۱.۲. توزیع فراوانی و درصدی متغیر اصلی (فعالیت های بیرونی) همان گونه که جدول شماره ۵ نشان می دهد، میانگین فعالیت های ضروری (۲۱/۹۲) شهروندان بیشتر از فعالیت های انتخابی (۱۳/۲۱) آنان است. بیشترین فعالیت های ضروری شهروندان مربوط به جابه جایی (۴۱/۴ درصد) و خرید کردن (۲۴/۲ درصد) و همچنین بیشترین فعالیت های انتخابی شهروندان به ترتیب مربوط به پیاده روی به خاطر لذت بردن از آن و ورزش کردن با ۱۰/۹ درصد و پرسه زدن (قدم زدن برای تماشای ویتترین مغازه ها، قدم زدن برای نمایش دادن) با ۷/۳ درصد است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی و درصدی مؤلفه های فعالیت های بیرونی (در سطح خیابان)

میانگین ^۱	جمع کل		همیشه		اکثر اوقات		گاهی اوقات		به ندرت		هرگز		عبارات	مؤلفه های فعالیت های بیرونی
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۲۱/۹۲	۱۰۰	۳۰۲	۴۱/۴	۱۲۵	۳۲/۸	۹۹	۱۴/۲	۴۳	۸/۳	۲۵	۳/۳	۱۰	جابه جایی (رفتن به مدرسه / دانشگاه / سرکار)	ضروری
	۱۰۰	۳۰۲	۲۴/۲	۷۳	۳۶/۴	۱۱۰	۳۱/۱	۹۴	۷/۹	۲۴	۰/۳	۱	خرید کردن	
	۱۰۰	۳۰۲	۱۹/۹	۶۰	۱۷/۵	۵۳	۳۱/۱	۹۴	۲۶/۲	۷۹	۵/۳	۱۶	منتظر شدن برای اتوبوس یا تاکسی	
	۱۰۰	۳۰۲	۸/۳	۲۵	۱۷/۹	۵۴	۳۵/۱	۱۰۶	۳۳/۸	۱۰۲	۵	۱۵	انتظار برای کسی	
	۱۰۰	۳۰۲	۹/۹	۳۰	۱۵/۶	۴۷	۳۵/۴	۱۰۷	۳۲/۵	۹۸	۶/۶	۲۰	قدم زدن برای انجام کاری (تحويل بسته و.....)	
	۱۰۰	۳۰۲	۷	۲۱	۱۱/۶	۳۵	۲۷/۸	۸۴	۴۲/۷	۱۲۹	۱۰/۹	۳۳	ایستادن برای انجام مکالمه (چراغ قرمز، ترافیک و.....)	
۱۳/۲۱	۱۰۰	۳۰۲	۱۰/۹	۳۳	۱۹/۵	۵۹	۲۸/۵	۸۶	۲۹/۱	۸۸	۱۱/۹	۳۶	پیاده روی به خاطر لذت بردن از آن، ورزش کردن	انتخابی
	۱۰۰	۳۰۲	۷/۳	۲۲	۱۶/۹	۵۱	۳۲/۵	۹۸	۳۰/۵	۹۲	۱۲/۹	۳۹	پرسه زدن (قدم زدن برای تماشای ویتترین مغازه ها، قدم زدن برای نمایش دادن)	
	۱۰۰	۳۰۲	۳/۳	۱۰	۱۱/۹	۳۶	۳۲/۱	۹۷	۳۵/۸	۱۰۸	۱۶/۹	۵۱	ایستادن برای رفع عطش (نوشابه / بستنی و.....)	
	۱۰۰	۳۰۲	۳/۳	۱۰	۷/۶	۲۳	۲۲/۵	۶۸	۳۹/۴	۱۱۹	۲۷/۲	۸۲	ایستادن برای تماشای فعالیت ها (جمعیت، افراد)	
	۱۰۰	۳۰۲	۳	۹	۶/۶	۲۰	۲۲/۵	۶۸	۴۱/۷	۱۲۶	۲۶/۲	۷۹	ایستادن برای انجام کاری (عکس گرفتن، غذا دادن به پرندگان)	
	۱۰۰	۳۰۲	۱/۷	۵	۵	۱۵	۱۷/۹	۵۴	۳۷/۷	۱۱۷	۳۶/۸	۱۱۱	نشستن برای مطالعه (روزنامه و.....)	
	۱۰۰	۳۰۲	۳	۹	۷	۲۱	۲۲/۲	۶۷	۳۷/۴	۱۱۳	۳۰/۵	۹۲	نشستن برای نظارت بازی کودکان	
	۱۰۰	۳۰۲	۳	۹	۱۰/۳	۳۱	۲۴/۲	۷۳	۳۸/۴	۱۱۶	۲۴/۲	۷۳	نشستن برای استراحت کردن	
	۱۰۰	۳۰۲	۱/۳	۴	۶/۶	۲۰	۱۸/۵	۵۶	۴۳/۴	۱۳۱	۳۰/۱	۹۱	نشستن برای بهره مندی از آفتاب	
	۱۰۰	۳۰۲	۴	۱۲	۹/۹	۳۰	۱۹/۲	۵۸	۳۹/۷	۱۲۰	۲۷/۲	۸۲	نشستن برای خوردن	

۱ لازم به توضیح است که فعالیت های ضروری از ترکیب هفت گویه و فعالیت های انتخابی از ترکیب ۱۰ گویه به دست آمده است. بنابراین برای مقایسه میانگین ها (بدیل برابر نبودن گویه ها) هم ارزی صورت پذیرفته است.

۴.۱.۳. مقایسه میانگین

شهروندان مربوط به ساکنان شرق (۱۳/۲۳) تهران است. لازم به توضیح است که کمترین فعالیت انتخابی شهروندان مربوط به ساکنان غرب (۱۲) و جنوب (۱۲/۳۶) تهران است.

یافته‌های جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که میانگین فعالیت‌های انتخابی ساکنان شمال تهران به مراتب (۱۳/۹۵) بیشتر از سایر مناطق است. همچنین بعد از ساکنان شمال تهران، بیشترین فعالیت انتخابی

جدول شماره ۶: توزیع میانگین مؤلفه‌های فعالیت‌های بیرونی (در سطح خیابان) برحسب مناطق مختلف شهر تهران

مناطق مختلف شهر تهران ^۱										مؤلفه‌های فعالیت‌های بیرونی
جنوب		مرکز		شرق		غرب		شمال		
تعداد	میانگین	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین	تعداد	میانگین	ضروری
۶۶	۱۵/۱۲	۴۲	۱۴/۹۲	۲۱	۱۶/۳۳	۲۰	۱۵/۴۰	۱۵۳	۱۶/۰۳	انتخابی
	۱۲/۳۶		۱۲/۴۰		۱۳/۲۳		۱۲		۱۳/۹۵	

چند نکته هستند:

بیشتر فعالیت‌های خیابانی ساکنان شمال تهران از نوع انتخابی و بیشتر فعالیت‌های خیابانی ساکنان جنوب تهران از نوع ضروری است. همچنین نقش و تأثیر کیفیت خیابان بر نوع فعالیت‌ها (به تفکیک مناطق) متفاوت است؛ بدان معنا که کیفیت خیابان‌ها تأثیر مثبتی بر فعالیت‌های انتخابی ساکنان شمال تهران دارد اما تأثیر منفی بر فعالیت‌های ضروری ساکنان مناطق جنوب تهران دارد. این امر می‌تواند مؤید این نکته باشد که کیفیت بهتر خیابان‌های شمال تهران سبب تمایل شهروندان این مناطق به انجام بیشتر فعالیت‌های انتخابی شده است. این در حالیست که کیفیت نامناسب خیابان‌های مناطق جنوب تهران سبب شده که شهروندان این مناطق تنها برای انجام فعالیت‌های ضروری از این فضا استفاده نمایند.

۴.۲. تحلیل رگرسیونی

با توجه به دو مقدار t محاسبه شده در جدول ذیل، متغیر مستقل در سطح $Sig = 0/005$ (برای فعالیت‌های ضروری) و $Sig = 0/009$ (برای فعالیت‌های انتخابی) معنادار است. ضریب تأثیر استاندارد شده (Beta) متغیر مستقل نشان می‌دهد: به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار کیفیت منظر خیابان، به اندازه $0/160$ و $0/150$ به ترتیب در انحراف معیار فعالیت‌های ضروری و انتخابی تغییر ایجاد می‌شود.

جدول شماره ۸، ضرایب تأثیر متغیر کیفیت منظر خیابان بر مؤلفه‌های فعالیت‌های بیرونی به تفکیک موقعیت جغرافیایی مناطق شهر تهران است. مقایسه ضرایب تأثیر استاندارد شده متغیر مستقل برحسب مناطق نشان می‌دهد که متغیر کیفیت در دو منطقه شمال ($0/191 = Beta$) و جنوب ($0/320 = Beta$) تهران معنادار شده‌اند که نشان‌دهنده

جدول شماره ۷: رگرسیون خطی فعالیت‌های (ضروری و انتخابی) برحسب کیفیت منظر خیابان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب B	Beta	مقدار t	سطح معناداری
کیفیت منظر خیابان	فعالیت ضروری	$-0/028$	$-0/160$	$-2/815$	$0/005$
	فعالیت انتخابی	$0/043$	$0/150$	$2/623$	$0/009$

جدول شماره ۸: رگرسیون خطی فعالیت‌های (ضروری و انتخابی) برحسب کیفیت منظر خیابان به تفکیک مناطق تهران

متغیر	فعالیت‌های ضروری			فعالیت‌های انتخابی	
	شمال	غرب/شرق/مرکز	جنوب	غرب/شرق/مرکز	جنوب
کیفیت منظر خیابان	$-0/098$	$-0/120$	$-0/320^{**}$	$0/191^{**}$	$0/193$
					$0/021$

* به معنای سطح معناداری کمتر از $0/05$ و ** به معنای سطح معناداری کمتر از $0/01$ معنادار است.

۵. نتیجه‌گیری

در این قسمت تلاش می‌شود با توجه به سئوالات پژوهش به نتایج و تحلیل مرتبط با آن اشاره شود:

سؤال نخست: فعالیت‌های بیرونی شهروندان از نظر میزان و نوع فعالیت آنها چگونه است؟ آیا کیفیت منظر خیابان تأثیرگذار است؟ در پاسخ به سؤال، نتایج زیرموردتوجه است:

- تأثیر کیفیت منظر خیابان در سطح $Sig = 0/005$ (بر فعالیت‌های ضروری) و $Sig = 0/009$ (برای فعالیت‌های انتخابی) معنادار است. به عبارت دیگر به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار کیفیت منظر خیابان، به اندازه $0/160$ و $0/150$ به ترتیب در انحراف معیار

فعالیت‌های ضروری و انتخابی تغییر ایجاد می‌شود. همچنین میانگین فعالیت‌های ضروری ($21/92$) شهروندان بیشتر از فعالیت‌های انتخابی ($13/21$) آنان است. بیشترین فعالیت‌های ضروری شهروندان مربوط به جابه‌جایی ($41/4$ درصد) و خرید کردن ($24/2$ درصد) و همچنین بیشترین فعالیت‌های انتخابی شهروندان به ترتیب مربوط به پیاده روی به خاطر لذت بردن از آن و ورزش کردن با $10/9$ درصد و پرسه زدن (قدم زدن برای تماشای ویترین مغازه‌ها، قدم زدن برای نمایش دادن) با $7/3$ درصد است.

نتایج فوق را می‌توان از چند منظر تحلیل نمود:

۱- وقوع بیشتر فعالیت‌های ضروری نسبت به فعالیت‌های انتخابی،

۱ توزیع پاسخگویان برحسب منطقه سکونت متناسب با جمعیت شهروندان در ۲۲ منطقه بوده و نمونه‌گیری با نسبت برابر صورت گرفته است.

فعالیت‌های انتخابی است، یعنی پیاده‌روی به خاطر لذت بردن از آن و ورزش کردن و پرسه زدن (قدم زدن برای تماشای ویترین مغازه‌ها، قدم زدن برای نمایش دادن). این یافته از یک طرف می‌تواند موضوعی برای کنکاش بیشتر برای پژوهشگران آتی باشد که اهمیت آن را از زوایای مختلف تبیین نمایند و همچنین از سوی دیگر می‌تواند راه‌گشایی برای برنامه ریزان و طراحان شهری باشد که از این منظر (پیاده‌روی و ورزش و پرسه زنی) به مقوله خیابان توجه نمایند.

(۲) در خصوص نقش و تأثیر موقعیت جغرافیایی مناطق، نتایج زیر مورد توجه است:

- میانگین فعالیت‌های انتخابی ساکنان شمال تهران به مراتب (۱۳/۹۵) بیشتر از سایر مناطق است. بیشتر فعالیت‌های خیابانی ساکنان شمال تهران از نوع انتخابی و بیشتر فعالیت‌های خیابانی ساکنان جنوب تهران از نوع ضروری است. همچنین نقش و تأثیر کیفیت خیابان بر نوع فعالیت‌ها (به تفکیک مناطق) متفاوت است، بدان معنا که کیفیت خیابان‌ها تأثیر مثبتی بر فعالیت‌های انتخابی ساکنان شمال تهران دارد اما تأثیر منفی بر فعالیت‌های ضروری ساکنان مناطق جنوب تهران دارد. این امر می‌تواند مؤید این نکته باشد که کیفیت بهتر خیابان‌های شمال تهران سبب تمایل شهروندان این مناطق به انجام بیشتر فعالیت‌های انتخابی شده است. این در حالیست که کیفیت نامناسب خیابان‌های مناطق جنوب تهران سبب شده که شهروندان این مناطق تنها برای انجام فعالیت‌های ضروری از این فضا استفاده نمایند.

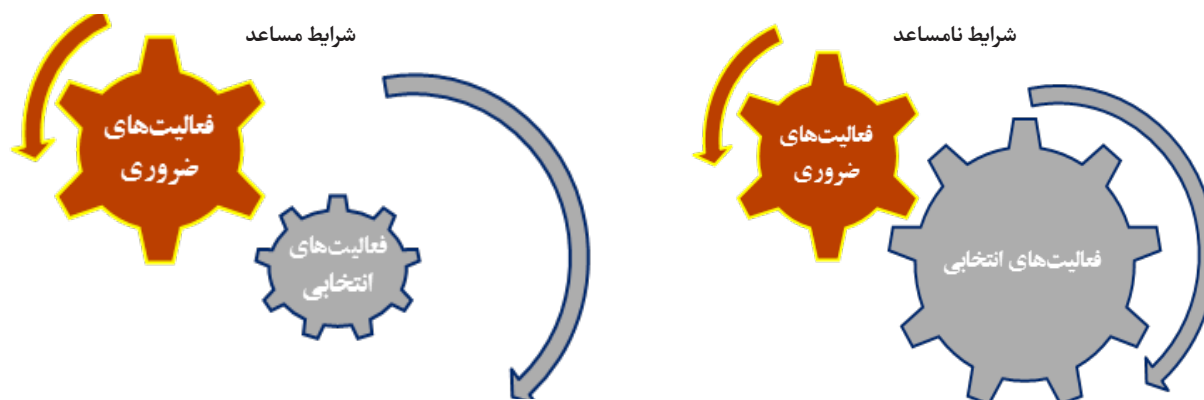
بررسی که بر روی فعالیت‌های خیابان‌های سیدنی، ملبورن و آدلاید استرالیا انجام شده، نشان‌دهنده ارتباطی مستقیم میان کیفیت خیابان و فعالیت در خیابان است. همچنین تأثیر کاهش کیفیت بر روی میزان فعالیت‌ها نیز به وسیله مطالعه‌ای که بر روی سه خیابان مجاور در سانفرانسیسکو انجام گرفته، حاکی از آن بوده که حتی کاهش نسبتاً محدود در کیفیت محیط بیرون می‌تواند به تأثیرات منفی بر روی فعالیت‌های بیرونی گردد. همان‌گونه که اشاره شد، فعالیت‌های بیرونی به کیفیت فضای بیرون وابسته هستند، بدان معنا که فعالیت‌های انتخابی که بخش قابل ملاحظه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی هستند، هنگام ضعیف بودن شرایط بیرون، از بین رفته و هنگام مطلوب بودن شرایط رونق می‌گیرند (Gehl, 2018, p.24-29). در این راستا می

کیفیت خیابان‌های شهر تهران را در حاله‌ای از ابهام قرا می‌دهد و به نوعی دلالت بر این مسئله دارد که خیابان‌های شهر تهران شرایط مساعد برای وقوع فعالیت‌های اجتماعی را ندارند؛ یعنی این مهم همان شرایط نامساعدی است که یان گل بدان اشاره نموده است که می‌توان در قالب تصویر شماره ۱ ترسیم نمود.

همان‌طور که پیش از این به آن اشاره شده، فعالیت‌های اجتماعی و یا برآیندی تقریباً در تمام موارد از فعالیت‌های پیوند یافته با دودسته دیگر ناشی می‌شوند. آنها در ارتباط با دیگر فعالیت‌ها گسترش می‌یابند؛ زیرا مردم در فضای یکسانی حضور دارند، ملاقات می‌کنند، از کنار هم عبور می‌کنند و یا حتی در محدوده دید یکدیگر قرار دارند (Gehl, 2018, p.6). هنگامی که محیط بیرونی از کیفیت پایینی برخوردار باشد، تنها فعالیت‌های ضروری انجام می‌پذیرند اما در محیط دارای کیفیت بالا، نه تنها فعالیت‌های ضروری انجام می‌شوند بلکه به دلیل وجود شرایط بهتر، تمایل صرف زمان بیشتر برای این فعالیت‌ها نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر آن، گستره وسیعی از فعالیت‌های انتخابی نیز به واسطه دعوت‌کنندگی شرایط به توقف (مکث)، نشستن، خوردن، بازی کردن و مانند اینها انجام می‌گیرند. در خیابان‌ها با کیفیت پایین، حداقل فعالیت انجام شده و مردم به سرعت به خانه‌های خود می‌روند. در حالی که در یک محیط خوب و کاملاً متفاوت، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های انسانی امکان تحقق می‌یابد (Gehl, 2018, p.5).

گل بر اساس نتایج تحقیقات گسترده در سرتاسر جهان نتیجه‌گیری می‌کند که فعالیت‌های ضروری صرفاً تا حدودی تحت تأثیر کیفیت کالبدی محیط قرار می‌گیرند، زیرا انجام دادن آنها برای ادامه زندگی ضروری است. برعکس، فعالیت‌های اختیاری تنها در شرایط بهینه روی می‌دهند، از این رو ابزار سنجش مستقیم کیفیت فضای عمومی به حساب می‌آیند. این فعالیت‌ها ضمناً درک کاربران از فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهند، زیرا اگر مردم به جای عبور شتاب‌زده از فضاها مانند در آنها را انتخاب کنند، فضا زیست پذیرتر خواهد بود. در نهایت فعالیت‌های اجتماعی در همه بافت‌های کالبدی روی می‌دهند، هر چه کیفیت و شدت آنها هم به تعداد افراد حاضر در فضا بستگی دارد و هم به این که کیفیت فضا تا چه حد کاربران را به ماندن بیشتر در آن فضا ترغیب می‌کند (Carmona, 2008, p.22).

(۲-۱) نکته مهم دیگر در ارتباط با یافته فوق، مربوط به بیشترین



تصویر شماره ۱: رابطه کیفیت فضای بیرونی و وقوع فعالیت‌های بیرونی

- and Conducting mixed methods research. Translated by Ali reza Kiamanesh and Javid Sarai. Tehran: Ayiz Publication [In Persian]
- Carmona, M., & Claudio, M. D., & Hammond, L. (2008). *Public Space: The Management Dimension*. Translated by Iradj Asadie and Mehdi Abbaszadeh. Tehran: Samt Publication. [In Persian]
 - Clarke, S. E. & Gaile, G. L. (1998). *The Work of Cities*. University of Minnesota Press, Minneapolis.
 - Davari, A., & Rezazadeh, A. (2014). *Structural Equation Modeling with PLS*. Tehran: Jahad Daneshgahi. [In Persian]
 - Dezfily, M. G., & Naghizadeh, M. (2014). *Urban Design in the Context of Social Interaction Enhancement (Case Study: Street between Neighborhood)*. Journal of Faculty of Art and Architecture, 8(17), 15-24. [In Persian]
 - De Vaus, D. (2011). *Surveys in Social Research*. Routledge.
 - Florida, R. (2008). *Who's your City?* Basic Books, New York.
 - Gehl, J. (2018). *Life Between Buildings*. Translated by Shima Shasti. Tehran: Jahad Daneshgahi.
 - Gehl, J., & Svarre, B. (2015). *How to study public life*. Translated by M. S., Izadi & S., Mohammadi & S., Kheibari. Tehran: Avvaloakhar Publication. [In Persian]
 - Glaeser, R. (2011). *Triumph of the City*. Macmillan, London.
 - Jacobs, A. B. (1993). *Great Streets*. Cambridge, MA: MIT Press.
 - Khademi, M., & Pourjafar, M., & Alipour, R. (2010). *An Introduction on the Concept of Street as Urban Space*. *Ketabmah*, 13(142), 38-45. [In Persian]
 - Landry, C. (2008). *The Creative City*. Earthscan, London.
 - Latifi, A., & Sajadzadeh, H. (2014). *The Evaluation of Environment Quality Factors on the Behavioral Patterns in Urban Parks- Case Study: Mardom Park of Hamadan City*. *Journal of Urban Studies*, 3(11), 3-18. [In Persian]
 - Mehta, V. (2013). *The Street: A Quintessential Social Public Space*. Translated by Z. Khaledian & A. Payab. Tehran: Azarakhsh publication. [In Persian]
 - Mohammadpour, A. (2003). *Qualitative Research Method, Anti-Method*. Tehran: Sociologists Publication. [In Persian]
 - توان گفت، کیفیت بهتر خیابان‌های مناطق شمالی تهران (نسبت به خیابان‌های مناطق جنوب تهران) و بحث وقوع فعالیت‌های انتخابی در میان ساکنان شمال تهران دلالت مبرهن بر نوعی تمرکزگرایی در مناطق شمالی کلانشهر تهران دارد که باید در سیاست‌گذاری‌های توسعه شهری آتی (با رویکرد عدالت فضایی) مناطق جنوب شهر تهران بیش از پیش مورد اهتمام علمی و عملی مسئولان برنامه‌ریزی شهری قرار گیرد. چراکه «گسترش فعالیت‌های بیرونی به میزان بسیار زیادی تحت تأثیر برنامه‌ریزی فیزیکی و کالبدی قرار دارد. همان‌طور که در یک شهر از طریق انتخاب مصالح و رنگ می‌توان طرح معینی را خلق کرد، به‌وسیله تصمیمات و برنامه‌ریزی نیز می‌توان شرایطی بهتر را برای وقایع بیرونی آفرید که منجر به سرزنده شدن شهر گردد» (Ibid, p.24).
- References:**
- Abolhassani, A. T. (2019). *Introduction to Research Methodology: Standard Procedures for Qualitative Data Analysis*. *The Journal of Science and Technology Policy*, 9(2), 67-96. [In Persian]
 - Ahrabian, M. S. (2017). *A Case Study of Spatial Inequality and Related Social Relation in Tehran (1871-1978)*. Doctoral dissertation, Shahid Beheshti University. [In Persian]
 - Alimardani, M., & Mehdinejad, J., Afhami, T. (2016). *The Qualitative Growth of Urban Space to Enhance Social Interaction (Case Study: Ahmad Abad, Street, Mashhad)*. *Journal of Applied Arts*, 4(7), 5-14. [In Persian]
 - Appleyard, D. (1981). *Livable Streets*. Berkeley: University of California Press.
 - Baker, T. (2010). *Doing Social Research*. Tehran: Ney Publication. [In Persian]
 - Basta, C. & Moroni, S. (2013). *Ethics, Design and Planning of the Built Environment*. Dordrecht: Springer.
 - Behzadfar, M., & Ghorbanian, M. (2009). *Design Good Streets; Based on Environmental Characteristics*. *Journal of Architecture, Urban Design & Urban Planning*, 1(1), 17-27. [In Persian]
 - Bidaruni, F. S., & Tabibian, M. (2018). *Comparative Impact Assessment of Physical Form on Social Capital among Residents of Urban Neighborhoods, Case Study: Qazvin*. *Journal of Architecture, Urban Design & Urban Planning*, 11(33), 295-306. [In Persian]
 - Braun, V., & Clarke, V. (2006). *Using Thematic Analysis in Psychology*. *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.
 - Creswell, J. W. & Plano Clark, V. L. (2020). *Designing*

- Moudon, A. V. (1987). Public Streets for Public Use. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Nasrabadi, A. B., & Nasrabadi, H. B., & Nasrabadi, A. B. (2011). An Analysis of Socio Petal Urban Space and its Relationship with Citizenship Behavior. Journal of Applied Sociology, 22(3), 101-114. [In Persian]
- Pakzad, L. (2006). Theoretical Foundations and Urban Design Process, Publication of the Ministry of Housing and Urban Development. [In Persian]
- Pashazadeh, A., & Yazdani, M., & Mohammadi, A. (2020). The Identification of Human of Hazards Effective in the City of Ardabil's Vulnerability by using partial squares least (PLS). Journal of Studies of Human Settlements Planning, 15 (1), 171-184. [In Persian]
- Ramati, R. (1981). How to Save your Street. Garden City, NJ: Dolphin Books.
- Salehi, E., & Abozari, S., & Moarab, Y. (2015). Landscape Quality of Urban Streets and Factors Affecting its Improvement. International Conference on Human, Architecture, Civil Engineering, City. Tbriz, Iran, June 15. Retrieved from [http:// Civilica.com](http://Civilica.com). [In Persian]
- Sassen, S. (2000). Cities in a World Economy. Pine Forge Press, Thousand Oaks.
- Tehran Statistical Yearbook (2019). Information and Communication Technology Organization of Tehran Municipality. Retrieved from [http:// Data.Tehran.ir](http://Data.Tehran.ir). [In Persian]
- Vahdat, S., & Sajadzadeh, H., & Karimi, M. M. (2015). Conceptualizing the Factors Affecting of Streetscape to Promote the Legibility of Urban Space (Case Studies: Hamedan inner city streets). Journal of Urban Studies, 4(15), 17-36. [In Persian]
- Wei, Z., & Lawson, G. (2009). Meeting and Greeting :Activities in Public Outdoor Spaces Outside High-Density Urban Residential Communities. Urban design International .14(4): 207-214.

نحوه ارجاع به مقاله:

شعبانی، مریم؛ شارع پور، محمود؛ (۱۴۰۱) کیفیت منظر خیابان شهری و ارتباط آن با میزان و نوع فعالیت شهروندان تهرانی، ارزیابی کاربست نظریه میان گل، مطالعات شهری، ۱۲ (۴۵)، ۳۱-۴۲. doi: 10.34785/J011.2022.005/Jms.2023.108

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تأثیر شاخص سبزی‌نگی بر ماتریکس ترجیحات بصری کاپلانها در مناظر معابر مسکونی

نمونه مورد مطالعه: محله بخش هشت ساری^۱

آیدا ارجمندتبار^۱ - دانش‌آموخته دکتری، گروه معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
 راحله رستمی - استادیار معماری، گروه معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۴ اسفند ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۲۹ خرداد ۱۴۰۱

چکیده

سنجش و ارزیابی ماتریکس ترجیحات بصری برگرفته از نظریه کاپلانها در مناظر طبیعی و غیرشهری نشان داده مناظری برای مردم ارجح هستند که نیازهای مخاطبان را در چهار کیفیت ادراکی همچون انسجام، پیچیدگی، خوانایی و رازگونی برآورده سازند. اما این نظریه در مناظر شهری به طور مؤثری مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به تثبیت این نظریه در مناظری همچون مرغزارها، جنگلها و چمنزارها و از طرف دیگر وجود تراکم‌های ساختمانی در مناظر شهری و عاری بودن آنها از پوشش گیاهی مناسب و همچنین اهمیت مناظر خیابانهای مسکونی به واسطه در معرض دید قرار داشتن هر روزه برای شهروندان، این تحقیق برآن شد تا با تأکید بر میزان شاخص سبزی‌نگی به معنای سبزی‌نگی قابل رؤیت برای شهروندان و قرابت آن با مناظر طبیعی از آن قسم، ماتریکس ترجیحات بصری را در چنان مناظر شهری مورد ارزیابی قرار دهد. به منظور آزمون این نظریه، تصاویر مناظر خیابانی مسکونی متعلق به پرتراکم‌ترین محله مسکونی شهر ساری (ناحیه بخش هشت) معیار قیاس برای قضاوت عموم گشت و نظرات مخاطبان به واسطه پرسشنامه‌های ساختاریافته در یک رویکرد کمی گردآوری شد. در روش تحقیقی از نوع توصیفی-همبستگی، تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده به واسطه نرم‌افزار آماری spss نشان داد که ماتریکس ترجیحات بصری با وجود افزایش شاخص سبزی‌نگی در مناظر شهری همانند مناظر طبیعی مؤثر واقع نشده و چهار متغیر این ماتریکس بر ترجیح بصری نهایی عموم به طور معناداری مؤثر نبوده‌اند؛ هرچند آن ترجیح نهایی با افزایش شاخص سبزی‌نگی به طور مستقل ارتباط نشان داده و افزایش یافته است. همچنین نتایج نشان داد، عوامل ساختاری مناظر معابر مسکونی همچون عرض معابر بر نحوه اثرگذاری چهار متغیر این ماتریکس بر ترجیح بصری نهایی مؤثر بوده، به گونه ای که معابر با عرض کمتر به طور مشخص تابع قویتری از ماتریکس کاپلانها هستند.

واژگان کلیدی: شاخص سبزی‌نگی، ترجیح بصری، متغیرهای اطلاعاتی، تصاویر مناظر خیابانی، عرض معبر.

نکات برجسته

- مشخصات فیزیکی مناظر خیابانی از جمله عرض معبر بر چگونگی عملکرد ماتریکس ترجیحات بصری کاپلانها مؤثرند.
- ماتریکس ترجیحات بصری کاپلانها در مناظر غیرشهری نقش مؤثرتری نسبت به مناظر شهری ایفا می‌کنند.
- شاخص سبزی‌نگی بالاتر سبب ترجیحات نهایی بصری بیشتر می‌شود.
- ماتریکس ترجیحات بصری کاپلانها در معابر با عرض کمتر، نقش مؤثرتری بر ترجیح بصری نهایی دارند.
- در منظر شهری نیز همچون منظر غیر شهری، رازگونی پایدارترین متغیر و خوانایی ضعیف ترین متغیر خود را نشان دادند.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی معماری با عنوان «تأثیر شاخص سبزی‌نگی بر کیفیت بصری زیبایی شناختی مناظر محلات مسکونی» است که به وسیله نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری دفاع گردیده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: arjmandtabaraida@gmail.com

۱. مقدمه

با گسترش علم زیبایی‌شناسی در قرن بیستم و تلاش بشر برای اندازه‌گیری زیبایی، اثرات و مزایای زیبایی‌شناسانه پوشش سبز نیز در کنار دیگر عوامل منظر شهری مورد بحث و بررسی محققان و نظریه‌پردازان قرار گرفت. به عنوان مثال، اسماردون مروری بر نقش پوشش گیاهی شهری در رفتار انسانی و ادراک محیط‌های انسانی نموده و علاوه بر مطرح نمودن درختان شهری به عنوان مهمترین معرف سبزیگی شهری، به بررسی همه‌انواع پوشش گیاهی شهری همچون بوته‌ها و پوشش سبز زمینی در خصوص عملکردهای فیزیولوژی یا ذهنی، عملکردهای نمادین و عملکردهای ادراکی با مزایای حسی و بصری پرداخت (Smardon, 1988: p.85). آلف و رودر و ناوه نیز در مطالعات خود خاطر نشان کردند که منظرها بیشتر جنبه عملکردی می‌یابند، اگر به طور همزمان کارکردهای مختلف زیست‌محیطی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، تاریخی و زیبایی‌شناسی را برآورده سازند (Olaf & Roder, 1998; Naveh, 2001; Bao & et al., 2009: p.76). برخی از محققان چون کاماچو-کروانتس نیز به این نتیجه رسیدند که وجود پوشش گیاهی معمولاً میزان درک زیبایی‌شناختی مردم را از چشم‌اندازهای شهری افزایش می‌دهد (Camacho-Cervantes et al., 2014). اما عامل مهم دیگر در کنار سبزیگی برای شکل دادن مناظر شهری، معابر با ویژگی‌های ساختاریشان همچون عرض، طول و ارتفاع و همچنین ساختمان‌های موجود در آن معابر هستند که با همجواریشان در کنار یکدیگر، پس‌زمینه و بدنه مهمی از آن مناظر شهری را به وجود می‌آورند. هر ساختمان با ویژگی‌های فیزیکی همچون شکل، ارتفاع، خط آسمان، رنگ، بافت و تزئینات در کنار ساختمان‌های مجاورش تصویری خاص از منظر شهری ارائه می‌دهد که می‌تواند تأثیر زیبایی‌شناختی مخصوص به خود را بر عابران و ناظران آن منظر داشته‌باشد. مطالعات در گذشته نشان می‌دهد که این ویژگی‌های فیزیکی بر ترجیحات محیطی اثرگذار بوده (Lindal & Hartig, 2013: p.26)، چرا که ارتباط کاربردی بی‌واسطه‌ای برای چالش طراحی شهری دارند؛ یعنی تأمین سرزندگی ضمن افزایش تراکم‌های مسکونی (Ibid). در تلفیق این عوامل با عامل سبزیگی، هدف بسیاری از محققان بررسی تأثیر سبزیگی شهری بر اثرات مخرب ناشی از ساخت و سازهای شهری بر ادراک ناظران و ساکنان شهری، به ویژه بر کیفیت زیبایی‌شناختی بصری حاصل از مناظر خیابان‌ها و کوچه‌های متعلق به محلات مسکونی است که در مواجههٔ هرروزهٔ شهروندان قرار دارند، کیفیاتی چون انسجام، تنوع، وسعت (محسوریت و تناسب)، جذابیت، سازش‌پذیری، تداوم، خوانایی و ...؛ حتی حس سرکوب‌گرانه ناشی از آن ساخت و سازهای شهری. در این راستا ارزیابی زیبایی‌شناسی بصری، به عنوان یک روش معتبر برای افزایش کیفیت زیبایی‌شناختی بصری منظر با طراحی و مدیریت مورد توجه قرار گرفته (Zhao et al., 2016: p.210) و روانشناسان محیطی روش‌های مختلفی به منظور ارزیابی منظر با توجه به چگونگی ادراک و تجربهٔ آن گسترش داده‌اند (Qiu & Nielsen, 2015). از جمله این روانشناسان، کاپلان‌ها (استفان کاپلان و راشل کاپلان) هستند که در طی تحقیقات تجربی فراوان خود در خصوص زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی مدلی از ترجیح بصری زیست‌محیطی را ارائه داده‌اند که گاهی از این الگو در

ارزیابی مناظر شهری نیز استفاده شده‌است. بر مبنای این الگو چهار متغیر اصلی با عنوان متغیرهای اطلاعاتی، شدیداً و بیشترین تأثیر را بر ترجیح بصری می‌گذارند که شامل انسجام^۲، پیچیدگی^۳، خوانایی^۴ و رازگونگی^۴ هستند. با توجه به اهمیت انسجام برای تأمین نظم و تداوم بصری، خوانایی برای هدایت و مسیریابی درست مناظر شهری، پیچیدگی برای غنای بصری و رازگونگی برای ترغیب مسیر، تحقیق حاضر بر آنست تا با تغییر میزان شاخص سبزیگی در تصاویر خیابانی به عنوان یکی از روش‌های بررسی متغیرهای مربوطه در مناظر خیابان‌های مسکونی و همچنین توجه به عرض معابر به عنوان یکی از ویژگی‌های ساختاری آن مناظر، تأثیر متغیرهای ماتریکس ترجیحات را بر ترجیح بصری نهایی مورد بررسی قرارداد و با این سنجش به ارزیابی کارایی این ماتریکس در مناظر شهری نسبت به مناظر غیرشهری بپردازد.

۲. چارچوب نظری

دنبال کردن علوم اجتماعی و علم روانشناسی نشان می‌دهد که تعدادی از مطالعات صورت‌گرفته از سال ۱۹۶۰ به بعد برای تثبیت اعتبار تئوری‌هایی که فرآیند ادراک را توضیح می‌دهند، ادراک مردم و قضاوت‌هایشان را نسبت به محیط اطرافشان مورد آزمایش قرار داده‌اند (Gjerde, 2015: p.47). در این شیوهٔ تجربی، خوشه‌دار کردن روابط میان ویژگی‌های محیطی، خصوصیات شخصی و عاطفه یا پاسخ، مفاهیم زیبایی‌شناختی را خصوصاً از لحاظ ساختارهایی مانند ترجیح قابل بهره‌برداری می‌نماید (Porteous, 2012: p.201). در واقع از نظر بسیاری از محققان، ترجیحات بصری به منزلهٔ همان قضاوت و واکنش زیبایی‌شناختی مخاطبان، مرتبه آخر از فرآیند زیبایی‌شناسی است که نشان‌دهندهٔ متأثر بودن آن از کلیه مراتب قبلی همچون شناخت، ادراک حسی، ادراک محیطی و ... است. چنانچه بلکبرن معتقد است، زیبایی‌شناسی مطالعه حس، مفاهیم و قضاوت‌های انسان است (Habibi, 2016: p. 51; Blackburn, 1994). چارچوب پاسخ زیبایی‌شناختی نسا نیز مراتب مختلف این فرآیند را تا رسیدن به پاسخ زیبایی‌شناسی و یا همان ترجیح بصری نشان می‌دهد (Nasar, 1998). از دیدگاه پورتئوس، ترجیح بصری منظر، پاسخی است به صحنه‌هایی که به طرز مؤثری اطلاعات منظر را منتقل می‌کنند، مثلاً خوانا هستند و یا همچون رازگونگی این حس را انتقال می‌دهند که می‌توان اطلاعات بیشتری را با ریسک کمتر از آن صحنه به دست آورد (Porteous, 2012: p.169). بسیاری از کسانی که در زمینه ترجیحات بصری فعالیت می‌کنند، بر این باورند که این مسئله، فرآیندی است بر مبنای کنش و واکنش مابین ویژگی‌های یک منظر و پاسخ‌های روانشناختی ناظرانی که به آن منظر نگاه می‌کنند (Zhao et al., 2016: p.210).

تحقیقات در زمینه ترجیحات محیطی فعالیت‌های سخت و عمیقی را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده‌است، چنانچه دانش مفید قابل توجهی در این خصوص کسب شده و به کارگیری آن در قبال بخش‌های کثیری از مسائل آغاز شده‌است (Kaplan, 1987: p.4). دانش در

- 1 coherence
- 2 complexity
- 3 legibility
- 4 mystery

نقطه معین از محیط بیابید، چقدر آسان خواهد بود؟ پیچیدگی: یک منظر تا چه اندازه قادر به معطوف ساختن توجهات به خود است، در آن منظر چه میزان اطلاعات برای نگاه کردن وجود داشته و با آن منظر تا چه میزان شامل عناصر مختلف از انواع متفاوت است؟ رازگونی: یک منظر برای این که بتوانید عمیق تر در آن حرکت کنید، چقدر وعده نفوذ بیشتر به شما می دهد؟ (Stamps, 2004: p.2) در ادامه تعاریف مختصری از متغیرهای اطلاعاتی ماتریکس ترجیحات و اهمیت آنها در مناظر شهری آورده شده است.

۲.۱. انسجام

طبق گفته ناسر برای این که چشم اندازی حس برانگیز باشد، نیاز به وحدت، الگوسازی و یا سازماندهی دارد؛ چیزهایی که به درهم تنیدگی آن چشم انداز کمک کند. این "چیزها" انسجام نامیده شده است (Kaplan, & Kaplan, 1982; Nasar, 1987). با کمک قوه ادراک، انسجام باید عدم اطمینان را کاهش داده و صدای خوشایند را افزایش دهد (Nasar, 1987). درجه و میزان انسجام تحت تأثیر رابطه منطقی و تکمیلی در یک مقیاس مشخص، ویژگی ساختمان ها و ترتیبات آنها، منظرسازی، مبلمان خیابانی، مصالح کفسازی و دیگر عناصر فیزیکی است (Ewing & Clemente, 2013: p.16). هیأتی از متخصصان، انسجام را تحت عنوان عناصر تکرارشونده تشریح می کنند: توده های ساختمانی رایج، عقب نشینی های ساختمانی، مبلمان خیابانی و منظرسازی. آنها تأکید می کنند که برای رسیدن به حالت انسجام باید تنوع نظم یافته ای وجود داشته باشد، چنانچه بدون تنوع، طراحی منسجم به یکنواختی تبدیل می شود (Ibid: 18).

۲.۲. پیچیدگی

پیچیدگی به کزات به عنوان تعداد عناصری که در یک منظره حضور دارند، تعریف شده است (به عنوان مثال، Herzog, Kaplan & Kaplan, 1982) و به طور ویژه تر با عنوان "تفاوت قابل توجه" میان عناصر (Rapoport & Hawkes, 1970). از دیدگاه اوینگ و کلمنته، پیچیدگی به غنای بصری یک مکان اشاره می کند. پیچیدگی یک مکان به تنوع موجود در محیط های فیزیکی، به ویژه تعداد و انواع ساختمان ها، تنوع معمارانه و تزئینات، عناصر منظر، مبلمان خیابان، علامت ها و فعالیت های انسانی وابسته است (Ewing & Clemente, 2013: p.13). پیچیدگی با تغییرات در بافت، پهنا، ارتفاع و عقب نشینی ساختمان ها (Elshetaway, 1997) و همچنین با شکل ها، تزئینات و مفاصل ساختمانی مرتبط بوده است (Stamps, 1998a; Heath et al., 2000).

۲.۳. خوانایی

کاپلان ها واژه خوانایی را از لینچ وام گرفته و از آن برای ارجاع به فضایی که "برای فهمیدن و به حافظه سپردن آسان است"، استفاده کردند. چنین فضایی یک فضای ساختاریافته خوب با عناصری متمایز است؛ در این صورت هم به دلیل یافتن مسیر در درون چشم انداز و هم به دلیل یافتن مسیر بازگشت به نقطه اول، هموارکننده است (Herzog & Leverich, 2003: p.461). آنچه کوین لینچ در اثر کلاسیکش (سیمای شهر) شرح داده، خوانایی، وضوح آشکار منظر شهری است (Lynch, 1960):

حوزه ترجیحات محیطی با حساسیت به ماهیت تعامل انسان و منظر پیش رفته است. ماتریکس ترجیحات گسترش یافته به وسیله راشل و استفان کاپلان، احتمالاً بیشترین تئوری نقل قول شده ای است که ترجیحات بصری منظر را توضیح می دهد (Linda et al., 2012: p. 39). بر اساس نشانه هایی از تئوری تعقیب و گریز^۱، این تئوری دو نیاز اساسی انسان را که بر ترجیحات بصری منظر اثرگذار است، مشخص می کند: نیاز برای اکتشاف و نیاز برای فهمیدن (Ibid: 40). برای انسان های ماقبل تاریخ که به شکار و جمع آوری وابسته بودند، فهم فضایی مناطقی که در آن سکونت داشتند، احتمالاً به قوت و خوبی توانایی کشفشان برای مناطق جدید، بسیار حائز اهمیت بود. بر اساس چنین بینشی، کاپلان و کاپلان پیشنهاد دادند که اطلاعات بصری ای که فهم و اکتشاف را هموار می سازد، در شکل دهی ترجیحات انسانی بسیار مهم است، چرا که توجه به چنین مناظری مورد انتخاب طبیعی قراری گرفت (Kaplan & Kaplan, 1989). ماتریکس ترجیحات این دو دسته از نیازهای اطلاعاتی را با دو سطح متفاوت از ادراک بی واسطه و یا درجه استنتاجی که در استخراج اطلاعات مورد نیاز است، ترکیب می کند (به عبارتی دیگر فضای دوبعدی در مقابل فضای سه بعدی). ماتریکس چهار ویژگی منظر را که پیش بینی کننده ترجیحات منظر هستند، مشخص می نماید: انسجام؛ فهم فوری از چگونگی متناسب قرار گرفتن عناصر در یک محیط در کنار هم، پیچیدگی؛ غنای بصری که به فوریت قابل کشف است، رازگونی؛ وعده کشف چیزهای جدید به واسطه حرکت بیشتر درون منظره و خوانایی؛ فهم آنچه که در مقابل قرار گرفته و چگونگی یافتن راه و گم نشدن (Ibid: 41). این چهار متغیر، «متغیرهای اطلاعاتی» نامیده می شوند و مدل پیچیدگی / رازگونی / خوانایی / انسجام راشل و استفان کاپلان، یکی از تئوری های است که در روانشناسی محیطی به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است (Stamps, 2004: p.1) (جدول شماره ۱). هر چهار متغیر اطلاعاتی به عنوان پیش گویی کننده هایی از ترجیحات محیطی پیشنهاد شده اند و یکی از مقاصد کلیدی مابین محیط ها، مناظر طبیعی یا مناظر مصنوع است. مطابق با نظریه های تکاملی، تحقیقات تجربی درجه بالایی از جهانی بودن را در ترجیحات منظر نشان داده اند (Kaplan & Kaplan, 1989).

جدول شماره ۱: ماتریکس ترجیحات. منبع: Linda et al., 2012

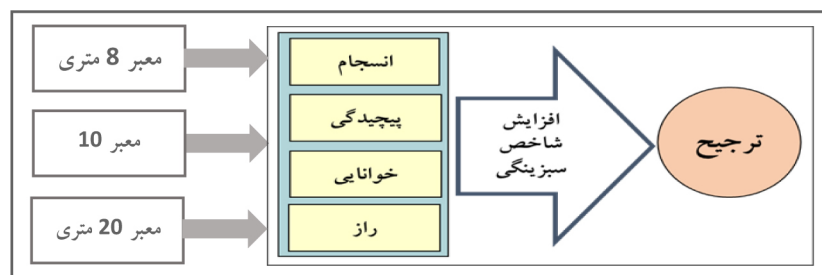
درجه استنتاج	نیازهای اطلاعاتی	
	فهمیدن	اکتشاف
فوری (حال حاضر)	انسجام	پیچیدگی
وعده داده شده (آینده)	خوانایی	رازگونی

تعاریف عملکردی متغیرهای اطلاعاتی با قدمت حدوداً سی سال ادبیات تجربی در مورد مدل کاپلان ها و با کمی اصلاحات به شرح زیر است.

انسجام: اجزای یک منظر چقدر پیوستگی خوبی با یکدیگر دارند؟ چقدر سازماندهی و ساختار بندی آن منظر روان و هموار است؟ خوانایی: پیدا کردن مسیرتان در اطراف یک محیط مجسم شده، برای این که بفهمید هر لحظه کجا قرار دارید و یا راه خود را برای بازگشت به هر

در افق بی‌انتهای (Bandarabad & shahcheraghi, 2017: p.239). نقش معمّاگونگی در هنر و همچنین در طراحی چشم‌انداز شهری و منظره غیرشهری بارز است. رازگونگی که در عمل به عنوان وعده کسب اطلاعات بیشتر در اثر تغییر نقطه گریز ناظر تعریف شده، جالب‌ترین نتایج را با ترجیح داشت (Porteous, 2012: p.166).

مدل مفهومی این تحقیق که درصدد ارزیابی اثرگذاری چهار متغیر اطلاعاتی بر متغیر ترجیح بصری به واسطه افزایش شاخص سبزی‌نگی با توجه به یکی از عوامل ساختاری معابر (عرض معابر) در یک محله مسکونی پرتراکم است، در تصویر شماره ۱ مشخص شده است.



تصویر شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

مردم به خوبی ایجاد کرد (Porteous, 2012). از جمله هرزوغ و لوریچ بر اساس مدل ماتریکس کاپلان ها و با استفاده از تعاریف استاندارد آنها (سئوالات عملکردی)، نظر ۳۵۲ دانشجوی در حال تحصیل (شامل ۱۱۹ مرد و ۲۳۳ زن) را به واسطه ۴۰ تصویر رنگی از محیط‌های جنگلی و مرغزار در خصوص ترجیح و متغیرهای اطلاعاتی به همراه سه متغیر دیگر از جمله ترکیب بندی^۱، نشانه‌ها^۲ و گشودگی^۳ در یک طیف لیکرت پنج‌مرحله‌ای جویاشدند (Herzog & Leverich, 2003). در تحقیقی دیگر هرزوغ به همراه کراپسکات، در پی بررسی برخی از مسائل حل‌نشده مدل ماتریکس ترجیحات کاپلان ها در رابطه با ترجیحات محیطی، همچون ارتباط میان ترجیح و خوانایی، ارتباط میان ترجیح، خطر و رازگونگی و همچنین تاثیر نشانه‌ها بر خوانایی، نظرسنجی خود را در قالب سئوالات کلیدی کاپلان ها از ۴۰۰ دانشجوی در حال تحصیل (۱۳۳ مرد و ۲۶۷ زن) دانشگاه میدوسترن ایالات متحده به واسطه ۷۰ تصویر رنگی از محیط‌های جنگلی انجام داد (Herzog & Kropscott, 2004). ژائو و همکاران، برای مطالعه تأثیرات دو منبع احتمالی (کیفیت زیبایی‌شناختی بصری (VAQ)^۴ و (انواع منظر) بر اجماع ترجیحات بصری، نظرات ۱۵۶ پاسخ‌دهنده مقطع کارشناسی را با نمایش ۱۰ تصویر از چهار منظر مختلف (منظر شهری، فضای سبز شهری، مزرعه و مناظر جنگلی) ارزیابی نمودند (Zhao et al., 2016) و در تحقیقی در خصوص مناظر شهری صرف، معماری و پژوهانفر برای مطالعه نماهای برتر ساختمانی از نظر ترجیحات عموم، به ارزیابی متغیرهای اطلاعاتی ماتریکس ترجیحات کاپلان ها (به عنوان متغیر مستقل، البته به جز

"سهولتی که توسط آن قطعات قابل تشخیص می‌شوند و می‌توانند در یک کلیت منسجم سازماندهی شوند" (Ewing & Clemente, 2013: p.18).

۲.۴. رازگونگی

رزم و راز درجه‌ای است که در آن یک صحنه شامل اطلاعاتی مخفی یا نیازمند اکتشاف است (مثل معماری ویکتورین که کنجکاو می‌بیند) را تحریک کرده و او را به بررسی دعوت می‌کند؛ یعنی اگر مقدار اطلاعات پنهان یک منظره باعث شود که مشاهده‌کننده برای دریافت آن اطلاعات محو در منظره شود، زیباتر است (مثل پیچش یک جاده

۳. روش تحقیق

۳.۱. روش ترجیحات بصری

ارزیابی ترجیحات مردم در کنار ارزیابی توسط متخصصان از جمله روش‌های ارزیابی کیفیت زیبایی مناظر است. در مدل‌های ارزیابی تخصصی، ارزش‌گذاری بر اساس جنبه‌های بصری و عینی و توسط ارزیاب متخصص در قالب رویکرد «زیبایی در ذات منظر است» انجام می‌گیرد و در مدل‌های ارزیابی ترجیحات مردم، رویکرد «زیبایی در چشم بیننده است» اهمیت می‌یابد و ارزش‌گذاری بر اساس احساس و ادراک افراد نسبت به منظر صورت می‌گیرد (Aminzadeh, 2010: p.5). بر خلاف روش‌های سنجش منظر که عمدتاً مربوط به متخصصان است، روش‌های ترجیح منظر اغلب داده‌های خود را از عموم مردم کسب می‌کنند. در واقع تفاوتی بنیادی میان شیوه‌های سنجش و ترجیح وجود دارد. طبق نظر پورتنوس، کاربرد روش‌های ترجیح در مقایسه با مطالعات سنجشی نسبتاً محکم‌تر است، چرا که عموم، اشخاصی هستند که برای آنها برنامه‌ریزی می‌شود. اغلب مطالعات ترجیح بصری و موضوعات وابسته، روال مشابهی دارند که توسط وهل ویل در چند گزینه از جمله انتخاب متغیرها و اندازه‌گیری آنها، نمونه‌برداری از محیط (مثل شهر، طبیعت و غیره)، انتخاب جامعه و نمونه آماری، ارائه محیط‌ها به نمونه‌ها (عموماً به شکل اسلایدهای رنگی) و در نهایت گردآوری و تحلیل پاسخ‌های دریافت‌شده طرح‌ریزی شده است (Porteous, 2012: p.190).

با اشاره به کاربردی بودن روش‌های ترجیح منظر، جالب است که استفاده بسیار اندکی در نواحی شهری از آنها شده و انبوهی از کارهایی که انجام شده، فرمایشی بوده و از خود طراحان بدون استفاده از داده رسمی از طرف عموم نشأت گرفته‌اند. اما پیشرفت علم روانشناسی زمینه را برای شکل‌گیری روش‌های رایج به منظور تشخیص ترجیح

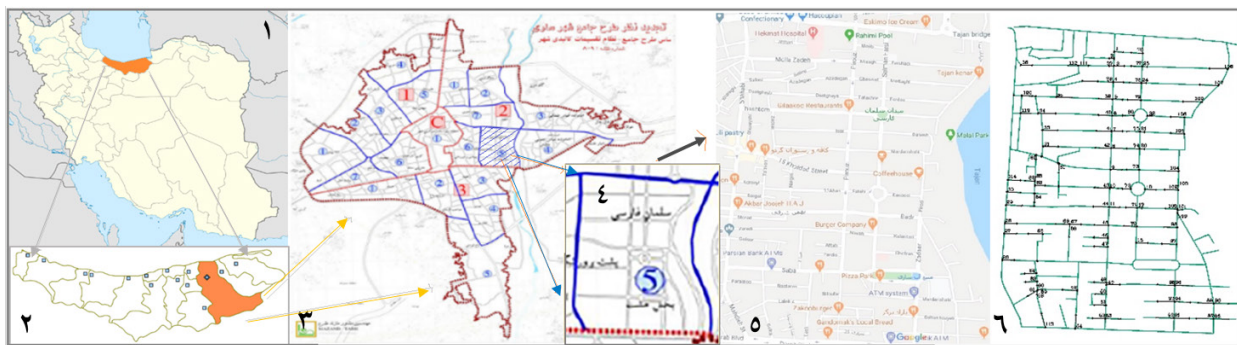
- 1 composition
- 2 visual access
- 3 openness
- 4 visual aesthetic quality

به طرح مصوب نشان می‌دهد (Ibid). تراکم بالا و تعداد طبقات بالای ساختمانی به همراه کاهش فضاهای باز و فقدان پوشش سبز مناسب در این ناحیه سبب شد تا منظر خیابان‌ها و کوچه‌های موجود، در قالب مناظری با جداره‌های به هم پیوسته ساختمانی که از فقر انسجام و هماهنگی میان بخش‌های مختلف مصنوع رنج می‌برد، نمایان شود. ویژگی‌های بیان شده سبب انتخاب این ناحیه شهری به عنوان بستر مطالعاتی این تحقیق گشت تا نقش شاخص سبزی‌نگی در یک منطقه پرتراکم بر ترجیحات بصری ساکنان آن برآورد گردد. برای انتخاب محیط مورد نظر، معابری از این ناحیه که کارکرد مسکونی داشته‌اند (غالباً کوچه‌ها) از دیگر معابری که کاربری تجاری در آنها نقش پررنگ‌تری داشته، متمایز گشته و مبنای بررسی قرار گرفتند. موقعیت منطقه مورد مطالعه از مقیاس کشور تا به معابر، در تصویر شماره ۲ مشخص گشته است.

متغیر خوانایی) بر ترجیحات نمای ساختمانی (به عنوان متغیر وابسته) از طریق ارائه پرسشنامه‌های تصویری از ۴۸ نمای ساختمانی به ۱۰۰ دانشجوی فارغ‌التحصیل و همچنین در حال تحصیل دانشگاه گلستان پرداختند (Memari & Pazhouhanfar, 2017).

۳.۲. منطقه مطالعاتی

منطقه مورد مطالعه این تحقیق، یکی از محلات قدیمی شهر ساری (مرکز استان مازندران) به نام محله بخش هشت است که طی سال‌های اخیر به همراه دو ناحیه دیگر، بالاترین تراکم ساختمانی مسکونی را به خود اختصاص داده است (Mazand Tarh Consulting Engineers, 2015). طبق شاخص تعداد طبقات موجود مازاد بر تعداد طبقات مجاز طرح تفصیلی مصوب، ناحیه بخش هشت از جمله نواحی است که بیشترین موارد را از نظر تعداد طبقات نسبت

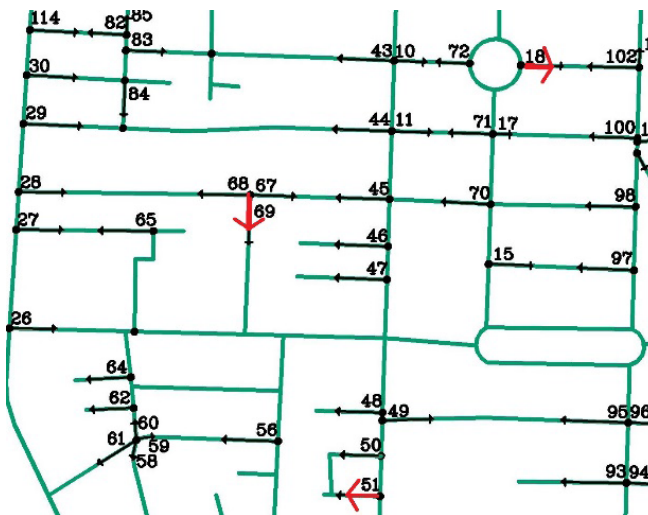


تصویر شماره ۲: ۱) موقعیت استان مازندران، ۲) موقعیت شهر ساری در استان مازندران، ۳) نظام تقسیمات کالبدی شهر ساری، ۴) بزرگنمایی منطقه مورد مطالعه، ناحیه ۵ از منطقه ۲، ۵) نقشه معابر منطقه مورد مطالعه از Google Map، ۶) موقعیت تقاطع معابر به همراه زوایای دید به دست‌آمده برای اخذ تصاویر خیابانی.

نظر، تقاطع معابر معیاری برای مشخص شدن مکان برداشت تصاویر مناظر خیابانی گشت. از طرفی تهیه تصاویر دید خیابانی از تقاطع معابر، سبب قرارگرفتن هر دو وجه ساختمانی معابر مورد نظر به میزان مساوی در قاب تصویر شده و زمینه را برای قضاوت مبنی بر جزئیات کاملتر مهیا می‌کند. تصویر شماره ۲ (۶) نشان می‌دهد ۱۴۲ نقطه از تقاطع خیابان‌ها و کوچه‌ها برای اخذ تصاویر مناظر خیابانی در محدوده ۱۰۸۳۵۹۱/۴ مترمربعی ناحیه بخش هشت به دست آمده که برخی از این نقاط به دلیل قرارگیری در تقاطع کوچه‌هایی با طول کم و بن‌بست که گاهی تراکم ساختمانی آنها نسبت به کوچه‌های دیگر بسیار کم‌تر بوده، برخی دیگر به دلیل عدم وجود بناهایی در ابتدای کوچه جهت مقایسه و یا وجود ساختمان‌های در حال ساخت در ابتدای کوچه و برخی نیز به دلیل عقب نشینی‌های عمیق در بدو کوچه و در نتیجه واضح نبودن ساختار معماری ساختمان‌های موجود در زاویه دید، از دایره مطالعاتی حذف گردیدند. بدین ترتیب نقاطی که قابلیت بررسی با اهداف مربوطه تحقیق را داشته‌اند، مربوط به تقاطع معابری با طول نسبتاً زیاد با معیار بیش از ۵ متر و داشتن ساختمان‌هایی با وضوح ساختار معمارانه بوده‌اند که شامل ۴۸ نقطه گشت. تصویر شماره ۳ بخشی از تقاطع معابر به همراه نقاط دید انتخابی را نشان می‌دهد.

۳.۳. تصاویر مناظر خیابانی

بهره‌گیری از روش پیمایشی و نظرسنجی در ترجیحات و الزام ارائه تصاویر منطقه مورد مطالعه به پاسخ‌دهندگان، مستلزم ثبت تصاویر دید خیابانی از معابر مورد نظر است. با توجه به مساحت نسبتاً زیاد محله و وجود معابر متعدد، تعیین معیاری برای انتخاب نقاط مشخص برای ثبت تصاویر لازم‌گشت. یکی از این معیارها محل تقاطع معابر است که تطبیق آنها بر روی نقشه نیز به راحتی امکان‌پذیر است. در واقع در نظرگرفتن تقاطع معابر به عنوان نقاط پایه برداشت تصاویر خیابانی، همگام با تحقیق یانگ و همکاران بوده که دلیل این انتخاب را سهولت و دقت تطبیق نقاط مورد نظر در واقعیت و بر روی نقشه دانستند (Yang et al., 2009). البته تحقیقاتی که امکان بهره‌برداری از تصاویر دید خیابانی از پیش برداشت شده، همچون تصاویر دید خیابانی گوگل (Li et al., 2015) و یا تصاویر دید خیابانی تینسنت (Long & Tang, 2018) را داشته‌اند، با توجه به مشخص بودن مختصات جغرافیایی آن تصاویر از قبل همچون طول و عرض جغرافیایی، امکان تطابق مکانی واقعیت و نقشه برای آنها به راحتی وجود داشته و استفاده از آنها با توجه به بروز شدنشان نقش مهمی در سرعت انجام تحقیقات داشته است. اما به دلیل عدم وجود چنین امکانات ساختارمندی در کشورمان ایران و منطقه مورد



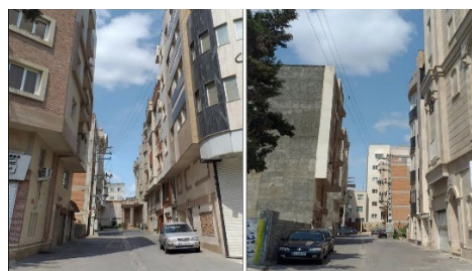
تصویر شماره ۳: بخشی از نقشه نقاط دید به دست آمده از تقاطع معابر (معیاری برای ثبت تصاویر دید خیا بانی) به همراه نقاط نهایی انتخاب شده (شماره ۵۱: معبر انتخابی ۸ متری، شماره ۶۹: معبر انتخابی ۱۰ متری و شماره ۱۸: معبر انتخابی ۲۰ متری)

متغیر بوده؛ به طوری که امتیاز کمتر به معنای تفاوت های کمتر میان مؤلفه های ساختاری و انسجام بیشتر و پیچیدگی کمتر و برعکس، امتیاز بیشتر به معنای تفاوت های بیشتر میان مؤلفه های ساختاری و در نتیجه انسجام کمتر و پیچیدگی بیشتر بوده است. تصاویر مربوطه در چهار دسته امتیازی (۲-۳)، (۳-۴)، (۴-۵) و (۵-۶) قرار گرفته و در نهایت تصاویر موجود در دسته امتیازی (۵-۶) به لحاظ دارا بودن بیشترین میزان پیچیدگی و کمترین میزان انسجام به دلیل بررسی مؤثرتر افزایش شاخص سبزیگی بر میزان ترجیح مردم به عنوان تصاویر نهایی انتخاب شدند (میانگین های به دست آمده عموماً اعدادی اعشاری بوده، بنابراین ابهامی به واسطه قرارگیری آنها در فصل مشترک دسته های امتیازی به وجود نیامد). علاوه بر میانگین بیشتر مشخصات فیزیکی، شاخص سبزیگی کمتر نیز به دلیل دارا بودن پتانسیل بیشتر برای اعمال افزایش بر میزان آن، معیار دیگر دلیل انتخاب تصاویر بود. در نهایت معابر ۱۰، ۸ و ۲۰ متری، هر کدام شامل یک تصویر با این ویژگی ها بوده که با حالت تغییر یافته هر کدام به سبب افزایش شاخص سبزیگی، جمعاً شش تصویر برای قضاوت در اختیار پاسخ دهندگان قرار گرفت. تصاویر مناظر خیابانی منتخب در تصاویر شماره ۴ تا ۶ مشخص شده است.

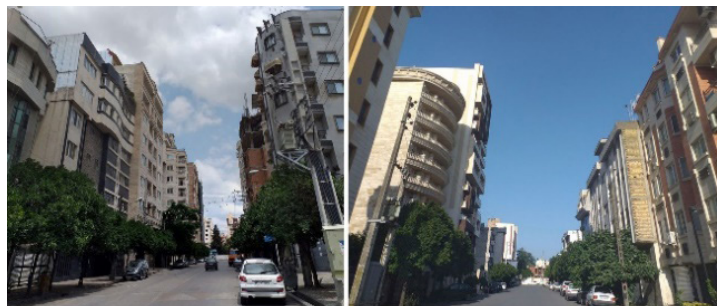
تعیین زوایای دید نیز با توجه به وجود تقاطع های چهارجهته و یا سه جهته، با معیار تمرکز بر معابر شامل ساختمان های مسکونی بوده و آن زوایای دیدی که مشرف بر خیابان های اصلی با کاربری بیشتر تجاری و خدماتی بوده اند (که بیشتر نیز گفته شد)، در زوایای دید منتخب قرار نگرفتند. به دلیل در نظر گرفتن اثرات ساختارهای معمارانه معابر به عنوان عاملی مهم در کنار شاخص سبزیگی بر میزان ترجیح بصری مردم، و همچنین در نظر گرفتن معیاری مشترک میان تصاویر با وجود اختلاف های ظاهری و صوری میان آنها، هریک از تصاویر با توجه به مشخصات فیزیکی ساختمان ها از جمله رنگ، بافت و نیمرخ ساختمانی که خود متشکل از سه مؤلفه هندسه، فرورفتگی ها و بیرون زدگی ها و تزئینات بودند، صاحب شناسنامه ای کمی گشتند؛ به طوری که امتیاز هر تصویر از میانگین جمع تفاوت های مؤلفه های ساختاری آن تصویر به دست آمد. این رویکرد در تطبیق با کارهای انجام شده محققانی چون استمپ انجام شد که برای اندازه گیری جزئیات نماهای ساختمانی و همچنین ایده هایی چون پیچیدگی شکل، انسجام نما و شدت جزئیات از روش های هندسی و عددی بهره بردند (Stamps, 2000). امتیازدهی ۴۸ تصویر به دلیل عاری بودن از سلیق شخصی محقق، توسط چهار متخصص عرصه معماری و شهرسازی به انجام رسید. امتیازها از عدد ۲۰ تا ۶



تصویر شماره ۵: نمونه ای از مناظر معابر مسکونی ۱۰ متری، (تصویر سمت چپ؛ گزینه منتخب با میانگین مشخصات فیزیکی ۵/۲ و شاخص سبزیگی ۱/۶٪)



تصویر شماره ۴: نمونه ای از مناظر معابر مسکونی ۸ متری، (تصویر سمت چپ؛ گزینه منتخب با میانگین مشخصات فیزیکی ۵/۶ و شاخص سبزیگی ۰/۸٪)

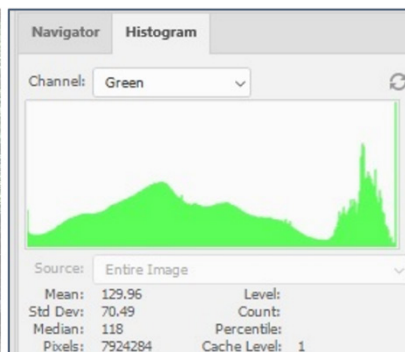
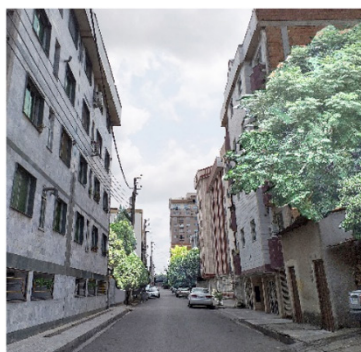


تصویر شماره ۶: نمونه ای از مناظر معابر مسکونی ۲۰ متری، (تصویر سمت راست؛ گزینه منتخب با میانگین مشخصات فیزیکی ۵/۴ و شاخص سبزیگی ۱۳٪)

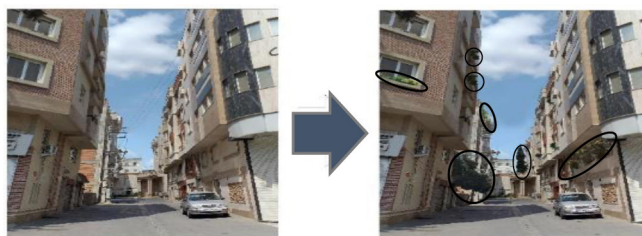
۳.۴. شاخص سبزیگی مناظر معابر مسکونی

با توجه به هدف تحقیق حاضر مبنی بر بررسی تأثیر شاخص سبزیگی بر ماتریکس ترجیحات در مناظر معابر مسکونی، مقایسه میان میزان کمترین شاخص سبزیگی در وضعیت موجود و میزان افزایش یافته آن به واسطه نرم افزار در یک تصویر مشترک، ملاک عمل گشت. ارجمندتبار و رستمی روش های مختلف ارزیابی شاخص سبزیگی را در مناظر شهری بررسی نموده اند؛ چنانچه بهترین روش به روش عینی از نگاه سه بعدی با استفاده از روش قطعه سازی نرم افزارهای هوشمند همچون Deep Lab، Image Net، Yolo، Seg net و ... اختصاص یافت (Arjmandtabar & Rostami, 2020). اما به دلیل محدودیت های موجود برای استفاده از این برنامه های خودکار در کشورمان، این تحقیق از نرم افزار فوتوشاپ (نسخه ۲۰۲۰) و عملکرد هسیتوگرام و احتساب تعداد پیکسل های متعلق به پوشش سبز (پوشش تاج درختان، بوته ها و گیاهان علفی و ...) نسبت به تعداد پیکسل های کل تصویر (Yang et al., 2009) به ارزیابی شاخص سبزیگی پرداخت (تصویر شماره ۷). از آنجا که منطقه مورد مطالعه، از پرتراکم ترین مناطق شهری بوده و ساختمان هایی غالباً بلندمرتبه بدون وجود فضاهای خالی در کنار یکدیگر به صف شده اند و از طرف دیگر هدف تحقیق حاضر بررسی متغیرهای مربوطه در زمینه ای هر چه نزدیکتر به واقعیت و به دور از دخل و تصرف های زیاد است، در نتیجه اضافه شدن پوشش های گیاهی بیشتر با الگو گرفتن از واقعیت موجود و همچنین فرصت های موجود در هر تصویر انجام شد. به عنوان مثال، در بیشتر تقاطع معابر ناحیه یادشده درختان

مرکباتی وجود دارد که متعلق به این اقلیم است، بنابراین در تصاویری که فرصت افزایش شاخص سبزیگی در فضاهای مابین ساختمانی وجود داشته و یا به دلیل قرارگیری وجود فضاهای خالی در انتهای تصاویر، افزایش آن میزان از شاخص سبزیگی تأثیر مناسبی در دید مخاطب نداشته است، درختانی از همان گونه در تقاطع آن معابر اضافه گشت. از طرف دیگر، بالکن ها با عنوان فرورفتگی ها در ساختار معماری فرصت مناسبی برای افزایش شاخص سبزیگی در قالب بوته ها و گلدان ها بوده اند. در برخی از تصاویر نیز افزایش شاخص سبزیگی به صورت قراردادن گیاهان رونده بر روی بدنه های ساختمانی اعمال شد. فضاهای گاهی خالی میان ساختمان ها در میانه و ابتدای تصویر و نزدیک به دید ناظر به دلیل اثرگذاری بیشتر، از گزینه های مهم مکانی برای این افزایش بوده اند. در معابر با عرض بیشتر و وجود ساختمان های بلندمرتبه، امکان افزایش شاخص سبزیگی، بیشتر در پیاده روهای معابر بوده است. نمونه ای از این افزایش شاخص سبزیگی در تصویر شماره ۸ مربوط به معبر ۸ متری آمده است. هر یک از تصاویر نهایی، فرصت های متفاوتی برای افزایش شاخص سبزیگی داشته اند، به طوری که میزان این شاخص در وضعیت اولیه هر یک از مناظر خیابانی با عرض های ۸، ۱۰ و ۲۰ متری به ترتیب ۸/۰ درصد، ۱۶/۱ درصد و ۱۳ درصد بوده و در وضعیت ثانویه به ترتیب به مقادیر ۴ درصد، ۱۹ درصد و ۲۸ درصد تغییر یافت. تصویر شماره ۹، تقسیم بندی شش تصویر خیابانی منتخب را در عرض های مشخص و با احتساب شاخص سبزیگی مربوط به هر کدام نشان می دهد.



تصویر شماره ۷: در تصویر سمت چپ سبزیگی پوشش گیاهی واضح و روشن گردیده است. و تصویر سمت راست تعداد پیکسل های سبز واضح شده در تصویر سمت چپ را طبق دستور هسیتوگرام در فوتوشاپ نشان می دهد. از تقسیم این تعداد پیکسلها بر تعداد کل پیکسل های تصویر، شاخص سبزیگی هر تصویر به دست می آید.



تصویر شماره ۸: استفاده از فرصت های منظر خیابانی ۸ متری برای افزایش شاخص سبزیگی از ۰/۸ درصد (حالت ۱) به ۴ درصد (حالت ۲). در این تصویر از فضای خالی میان ساختمان ها، فضای زیر کنسول ساختمانی، نقطه کانونی معبر، بالکن ها و پیش آمدگی قاب پنجره برای بالا بردن میزان شاخص سبزیگی استفاده شده است.

منظر خیابانی ۲۰ متری (۱ پ)	منظر خیابانی ۱۰ متری (۱ پ)	منظر خیابانی ۸ متری (الف)
شاخص سبزیگی: ۱۳ درصد	شاخص سبزیگی: ۱۶/۶ درصد	شاخص سبزیگی: ۰/۸ درصد
منظر خیابانی ۲۰ متری (۲ پ)	منظر خیابانی ۱۰ متری (۲ پ)	منظر خیابانی ۸ متری (الف)
شاخص سبزیگی: ۲۸ درصد	شاخص سبزیگی: ۱۹ درصد	شاخص سبزیگی: ۴ درصد

تصویر شماره ۹: سه تصویر منظر معبر مسکونی منتخب در عرض های ۸، ۱۰ و ۲۰ متری با شاخص سبزیگی پایین در قالب عناوین به ترتیب الف ۱، ۱ پ و ۱ پ و همچنین تصاویر هم گروه هر یک از آنها با عناوین به ترتیب الف ۲، ۲ پ و ۲ پ با شاخص های سبزیگی افزایش یافته.

۳.۵. جمع آوری داده

در این تحقیق پس از تعیین متغیرهای محیطی شامل ترجیح بصری و متغیرهای اطلاعاتی ماتریکس ترجیحات کاپلان ها (انسجام، خوانایی، پیچیدگی و رازگونگی)، پرسشنامه های ساختاریافته در ترکیبی از سئوال و تصاویر رنگی از مناظر خیابانی به صورت آنلاین در اختیار پاسخ دهندگان قرار گرفت. در این تحقیق نظرات ۲۸۰ نفر از جامعه آماری مورد پرسش قرار گرفت. این نمونه آماری از ساکنان منطقه مورد مطالعه یعنی ناحیه بخش هشت بوده که در بازه های سنی مختلف ۲۰ سال به بالا قرار داشته اند. از این رو با توجه به برگزاری پرسشنامه آنلاین و حضور افراد ۲۰ سال به بالا، جمعیت باسواد منطقه مورد پرسش قرار گرفتند. برای بررسی دقیق تر تأثیرات احتمالی متغیر سن بر

ترجیحات بصری، سه رده سنی شامل (۲۹-۲۰)، (۳۹-۳۰) و (۴۰) سال به بالا) در نظر گرفته شد. جمعیت نمونه آماری شامل ۱۱۷ نفر مرد و ۱۶۳ نفر زن بوده و رشته تحصیلات آنها نیز برای بررسی اثرگذاری احتمالی این متغیر بر ترجیحات بصری در دو گروه مختلف مورد بررسی واقع شد؛ گروه نخست شامل تحصیل کنندگان و دارندگان مدرک رشته معماری و گرایش های مربوطه و گروه دیگر با عنوان دیگر رشته های تحصیلی. سئوال های پرسشنامه از چارچوب نظری تحقیق و سئوالاتی که خود کاپلان ها برای متغیرهای اطلاعاتی مطرح کرده اند، وام گرفته شد و به صورت واضح تر و سلیس تر در اختیار پاسخ دهندگان قرار گرفت. عملیاتی کردن متغیرها طبق جدول زیر (جدول شماره ۲) انجام شد.

جدول شماره ۲: عملیاتی کردن متغیرها به واسطه پرسش های وام گرفته شده از تعاریف عملکردی کاپلان ها

متغیرها	پرسش ها
انسجام	به نظر شما اجزای این منظر مسکونی تا چه میزان به هم مرتبط بوده و این منظر تا چه میزان منسجم به نظر می رسد؟
پپچیدگی	جزئیات و عناصر موجود در این منظر مسکونی تا چه میزان شما را به پیمایش ادامه مسیر ترغیب می کند؟
خوانایی	اجزای منظر مسکونی پیش رو تا چه اندازه در یافتن مسیر و موقعیت مکانی شما در این نقطه از شهر مؤثر است؟
رازگویی	این منظر مسکونی تا چه اندازه شما را به پیش رفتن بیشتر درون خود برای کسب اطلاعات بیشتر ترغیب می کند؟
ترجیح	در نهایت ترجیح شما از این منظر مسکونی چقدر است؟

معابر در دو حالت شاخص سبزیبگی اولیه (۱) و حالت دوم (۲) است. همچنین این که تأثیر چهار متغیر انسجام، خوانایی، پپچیدگی و رازگویی بر ترجیح بصری که برگرفته از مدل اطلاعاتی کاپلان هاست، چگونه بوده است؟ آیا این مدل اطلاعاتی برای مناظر شهری با وجود کثرت ساختمان ها و اقلیت پوشش گیاهی تطابق دارد؟ برای ارزیابی پاسخ مربوطه، داده های به دست آمده از قضاوت های پاسخ دهندگان به کمک نرم افزار spss نسخه ۲۴ با دو آزمون مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. از آزمون ویل کاکسون برای بررسی تغییرات ترجیح بصری در دو حالت (۱) و (۲) از شاخص سبزیبگی در مناظر خیابانی مربوطه استفاده گشت و از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره نیز برای بررسی تأثیرات متغیرهای اطلاعاتی بر متغیر ترجیح بصری. در آزمون دوم برای هر عرض معبر، متغیرهای اطلاعاتی با عنوان متغیرهای مستقل و متغیر ترجیح بصری با عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. نتایج آماری مربوطه در جداول شماره ۳ تا ۶ گردآوری شده است.

سئوالات در یک درجه بندی لیکرت پنج مرحله ای از امتیاز ۱ تا ۵ (خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵)) مورد سنجش قرار گرفتند و داده های به دست آمده در روشی توصیفی-همبستگی مورد تحلیل واقع شدند. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار spss محاسبه گشت. با توجه به دامنه های تعریف شده مرتبط با ضریب آلفای کرونباخ که شامل درجه عالی به شرط مقدار بالای ۰/۹ و درجه خوب به شرط قرارگیری در حد فاصل ۰/۷ و ۰/۸ است، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ نشان می دهد که پرسشنامه از میزان پایایی بالایی برخوردار بوده و همچنین میانگین واریانس ۰/۷۱ به دست آمده از تحلیل عاملی به واسطه نرم افزار spss، نشان از بار عاملی بالای پرسشنامه و در نتیجه روایی آن دارد.

۴. بحث و یافته ها

هدف تحلیلی این نمونه، پاسخ به سؤال در زمینه اثرگذاری شاخص سبزیبگی بر ترجیح بصری و متغیرهای اطلاعاتی در سه عرض مختلف

جدول شماره ۳: مقایسه متغیر ترجیح بصری در دو حالت شاخص سبزیبگی (۱) و (۲) در مناظر خیابانی با سه عرض ۸، ۱۰ و ۲۰ متری

متغیر آزمون	مناظر خیابانی	شاخص سبزیبگی	میانگین	انحراف معیار	p-value*
ترجیح بصری	معبر ۸ متری	(۱): ۰/۸ %	۲/۲۰	۱/۰۷	۰/۰۰۲
		(۲): ۰/۴ %	۳/۰۶	۱/۱۱	
	معبر ۱۰ متری	(۱): ۱/۶ %	۱/۵۷	۱/۵۷	۰/۰۰۱
		(۲): ۱۹ %	۲/۶۰	۲/۶۰	
	معبر ۲۰ متری	(۱): ۱۳ %	۲/۴۰	۱/۰۳	۰/۰۰۱
		(۲): ۲۸ %	۳/۲۶	۰/۸۸	

*آزمون ویل کاکسون

جدول شماره ۴: ارزیابی تأثیرات چهار متغیر انسجام، پپچیدگی، خوانایی و راز بر متغیر ترجیح بصری در عرض ۸ متری با تغییر در شاخص سبزیبگی در دو حالت (۱) با شاخص سبزیبگی ۰/۸ درصد و حالت (۲) با شاخص سبزیبگی ۴ درصد

متغیرهای اطلاعاتی	ضریب بتا	CI 95% for B	p-value*	متغیرهای اطلاعاتی	ضریب بتا	CI 95% for B	p-value*
انسجام (۱)	۰/۲۵	(-۰/۱-۰/۶۱)	۰/۱۵	انسجام (۲)	۰/۳۳	(۰/۰۰۷-۰/۶۶)	۰/۰۴
پپچیدگی (۱)	۰/۰۴	(-۰/۳۱-۰/۴۱)	۰/۷۹	پپچیدگی (۲)	۰/۱۴	(-۰/۲۳-۰/۵۲)	۰/۴۴
خوانایی (۱)	-۰/۰۰۹	(-۰/۲۷-۰/۲۵)	۰/۹۴	خوانایی (۲)	۰/۳۳	(۰/۰۴-۰/۶۲)	۰/۰۲
رازگویی (۱)	۰/۷۵	(۰/۳۵-۱/۱۴)	۰/۰۰۱	رازگویی (۲)	۰/۳۰	(۰/۰۴-۰/۵۶)	۰/۰۲
متغیر وابسته: ترجیح بصری (۱)				متغیر وابسته: ترجیح بصری (۲)			

*رگرسیون خطی چندمتغیره

جدول شماره ۵: ارزیابی تأثیرات چهار متغیر انسجام، پیچیدگی، خوانایی و راز بر متغیر ترجیح بصری در عرض ۱۰ متری با تغییر در شاخص سبزیگی در دو حالت (۱) با شاخص سبزیگی ۱۶ درصد و حالت (۲) با شاخص سبزیگی ۱۹ درصد

p-value*	CI 95% for B	ضریب بتا	متغیرهای اطلاعاتی	p-value*	CI 95% for B	ضریب بتا	متغیرهای اطلاعاتی
۰/۷۵	(-۰/۲۲-۰/۲۹)	۰/۰۳	انسجام (۲)	۰/۸۸	(-۰/۳۰-۰/۲۶)	-۰/۰۲	انسجام (۱)
۰/۰۰۱	(۰/۱۹-۰/۷۰)	۰/۴۴	پیچیدگی (۲)	۰/۰۵۰	(-۰/۰۰۱-۰/۹۳)	۰/۴۶	پیچیدگی (۱)
۰/۳۵	(-۰/۱۲-۰/۳۳)	۰/۱۰	خوانایی (۲)	۰/۷۳	(-۰/۲۸-۰/۳۹)	۰/۰۵	خوانایی (۱)
۰/۰۰۲	(۰/۱۵-۰/۵۷)	۰/۳۶	رازگونی (۲)	۰/۸۸	(-۰/۴۹-۰/۴۳)	-۰/۰۳	رازگونی (۱)
متغیر وابسته: ترجیح بصری (۲)				متغیر وابسته: ترجیح بصری (۱)			

*رگرسیون خطی چندمتغیره

جدول شماره ۶: ارزیابی تأثیرات چهار متغیر انسجام، پیچیدگی، خوانایی و راز بر متغیر ترجیح بصری در عرض ۲۰ متری با تغییر در شاخص سبزیگی در دو حالت (۱) با شاخص سبزیگی ۱۳ درصد و حالت (۲) با شاخص سبزیگی ۳۲ درصد

p-value*	CI 95% for B	ضریب بتا	متغیرهای اطلاعاتی	p-value*	CI 95% for B	ضریب بتا	متغیرهای اطلاعاتی
۰/۲۶	(-۰/۲۱-۰/۵۵)	۰/۱۷	انسجام (۲)	۰/۰۶	(-۰/۰۱-۰/۷۶)	۰/۳۷	انسجام (۱)
۰/۰۳	(۰/۰۲-۰/۷۲)	۰/۳۷	پیچیدگی (۲)	۰/۱۳	(-۰/۰۷-۰/۴۹)	۰/۲۱	پیچیدگی (۱)
۰/۸۴	(-۰/۳۹-۰/۳۲)	-۰/۰۳	خوانایی (۲)	۰/۶۲	(-۰/۱۴-۰/۲۴)	۰/۰۴	خوانایی (۱)
۰/۲۷	(-۰/۱۹-۰/۶۵)	۰/۲۳	رازگونی (۲)	۰/۰۱	(۰/۰۶-۰/۶۴)	۰/۳۵	رازگونی (۱)
متغیر وابسته: ترجیح بصری (۲)				متغیر وابسته: ترجیح بصری (۱)			

*رگرسیون خطی چندمتغیره

متغیرهای اثرگذار بر ترجیح بصری با افزایش شاخص سبزیگی افزوده شده است. در ادامه، جدول شماره ۵ نشان دهنده آنست که در معبره ۱ متری، در حالت اول تنها دو متغیر پیچیدگی و خوانایی با ترجیح بصری ارتباط مستقیم داشته و از بین این دو متغیر، تنها متغیر پیچیدگی به صورت حدّ مرزی معنادار شده است. با افزایش شاخص سبزیگی در حالت دوم، میزان تأثیرپذیری متغیر ترجیح بصری از چهار متغیر مستقل یادشده افزایش صریحی یافته، به گونه‌ای که هر چهار متغیر ارتباط مستقیمی با ترجیح بصری داشته و پایین بودن میزان sig کمتر از ۰/۰۵ در دو متغیر پیچیدگی و رازگونی نشان از اثرگذاری معنادار این دو متغیر بر متغیر ترجیح بصری دارد. در معبره ۲ متری نیز (جدول شماره ۶)، ضرایب مثبت بتا در حالت اول نشان از تأثیرات مستقیم چهار متغیر مستقل بر متغیر ترجیح بصری داشته که از این میان تنها متغیر رازگونی تأثیر معناداری بر آن داشته است. از طرف دیگر، با افزایش شاخص سبزیگی در حالت دوم، تنها متغیر پیچیدگی است که اثر معناداری بر ترجیح می‌گذارد. خلاصه نتایج به دست آمده از نقش مؤثر هر یک از متغیرهای اطلاعاتی بر ترجیح بصری در مناظر خیابانی مربوطه به واسطه افزایش شاخص سبزیگی در جدول شماره ۷ گردآوری شده است. همچنین بررسی متغیرهای آمار نفوس (جنسیت، سن و رشته تحصیلی) در ارتباط با اثرگذاری متغیرهای اطلاعاتی بر متغیر ترجیح بصری، نتایج معناداری را حاصل نمود تا بتوان آن را طبق الگویی مشخص به نمونه های بزرگتر و جوامع آماری تعمیم داد.

به دلیل مقایسه متغیر ترجیح بصری در دو حالت شاخص سبزیگی (۱) و (۲) در مناظر خیابانی با سه عرض ۸، ۱۰ و ۲۰ متری، جدول شماره ۳ نشان دهنده آنست که میانگین این متغیر در هر سه معبر به طور معناداری با افزایش شاخص سبزیگی افزایش یافته است. در راستای بررسی اثرگذاری متغیرهای اطلاعاتی بر متغیر ترجیح بصری در معبر ۸ متری، جدول شماره ۴ بیانگر آنست که در حالت اول با شاخص سبزیگی کمتر که همان وضع موجود است، سه متغیر انسجام، پیچیدگی و رازگونی با ضرایب مثبت بتا تأثیر مستقیمی بر متغیر ترجیح بصری دارند، به گونه‌ای که با افزایش و یا کاهش آنها ترجیح نیز به ترتیب افزایش و یا کاهش می‌یابد، ولی تنها متغیر رازگونی با $sig < 0.05$ تأثیر معناداری بر ترجیح بصری دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش یک واحد رازگونی، ترجیح بصری به میزان ۰/۷۵ افزایش می‌یابد. خوانایی نیز در این مرحله به دلیل داشتن ضریب منفی، عامل اثرگذار بر ترجیح بصری محسوب نمی‌شود. در ادامه و در بخش دوم جدول که شامل افزایش میزان شاخص سبزیگی است، ضرایب مثبت بتا نشان دهنده اثرگذاری مستقیم چهار متغیر انسجام، پیچیدگی، خوانایی و رازگونی بر متغیر ترجیح بصری بوده و میزان $sig < 0.05$ در سه متغیر انسجام، خوانایی و رازگونی نشان از معنادار بودن تأثیرات آنها بر متغیر ترجیح بصری دارد. چنانچه می‌توان گفت افزایش شاخص سبزیگی، سبب افزایش تأثیرپذیری متغیر ترجیح بصری از سه متغیر انسجام، خوانایی و رازگونی گشته است. در واقع در قیاس دو حالت (۱) و (۲)، بر تعداد

جدول شماره ۷: نحوه اثرگذاری متغیرهای اطلاعاتی بر ترجیح بصری در مناظر معابر مسکونی ۱۰، ۸ و ۲۰ متری

متغیرهای اطلاعاتی مناظر خیابانی	ترجیح بصری			
	انسجام	پیچیدگی	خوانایی	رازگونی
عرض ۸ متری	●	-	●	●
عرض ۱۰ متری	-	●	-	●
عرض ۲۰ متری	-	●	-	-

۵. نتیجه گیری

نتایج به دست آمده در تحقیق حاضر نشان می‌دهد، میانگین متغیر ترجیح بصری در همه معابر به طور معناداری تحت تأثیر افزایش شاخص سبزی‌نگی افزایش یافته‌است. این بدان معناست که حتی در وضعیت فعلی مناظر شهری که از کمبود انسجام و هماهنگی رنج برده و ضابطه خاصی نیز برای تبعیت از اصول مشترک و مشخص در این عرصه وجود ندارد، افزایش شاخص سبزی‌نگی می‌تواند به طور مؤثری بر میزان رضایت شهروندان اثرگذار باشد. اما در خصوص اثرگذاری چارچوب کاپلان‌ها بر ترجیح بصری در مناظر مصنوع، طبق شواهد به دست آمده از یافته‌ها، تأثیرپذیری ترجیح بصری از متغیرهای اطلاعاتی (انسجام، پیچیدگی، خوانایی و رازگونگی) در معابر کم‌عرض‌تر معنادارتر بوده و این امر حساسیت توجه به معابر کم‌عرض‌تر را نشان می‌دهد که به دلیل محصوریت بیشتر، نیاز بیشتری در توجه به بالابردن شاخص‌های متغیرهای اطلاعاتی داشته و این تأثیرپذیری در شرایط موجود می‌تواند با افزایش شاخص سبزی‌نگی به راحتی کمبود ناهماهنگی‌های مصنوع را جبران نماید. با افزایش عرض معابر، گویی آنچه در ترجیح بصری شهروندان اثرگذار است، ابتدا متغیر پیچیدگی با اثرگذاری بیشتر و سپس متغیر رازگونگی است؛ در واقع متغیرهایی که با درجه اکتشاف مناظر در ارتباط هستند. به عبارت دیگر نتایج نشان داد که با عریض شدن معابر، فقدان انسجام در ساختمان‌ها کمتر به چشم آمده و آنچه در رضایت مخاطبان این مناظر مسکونی اثرگذار است، افزایش میزان پیچیدگی و رازگونگی است. هر چند نसार یافته بود که مخاطبان، مناظر خیابانی با نشانه‌هایی که به طور متوسط پیچیده هستند و انسجام بالایی دارند را ترجیح می‌دهند، اما به نظر می‌رسد توجه به عرض معابر در بررسی ترجیح بصری شهروندان عامل مؤثری بوده و می‌توان گفت در عرض‌های بیشتر معابر، مردم منطقی‌تر را ترجیح می‌دهند که دارای انسجام متوسطی بوده و پیچیدگی بالایی داشته باشند. پوشش‌های گیاهی به دلیل موجودیت زنده و تغییرپذیر خود، فی‌نفسه دارای تنوع لازم، پیچیدگی‌ها و جزئیات فراوان برای اکتشاف بوده و همچنین با ایجاد محصوریتی جذاب و مسدود کردن دید ناظر، پتانسیل کافی برای افزایش خاصیت رازگونگی را دارند و می‌توانند توقع شهروندان را در درک بیشتر پیچیدگی‌ها و رازگونگی برآورده سازند. در مورد خوانایی که آخرین عامل پیشگویی ماتریکس ترجیحات برای دستیابی به یک چشم‌انداز مناسب بوده و کمترین تحقیقات بر روی آن صورت گرفته‌است (Herzog & Leverich, 2003)، به گونه‌ای که برخی از محققان همچون پژوهانفر و معماری بدون در نظر گرفتن این متغیر، تنها به بررسی اثرگذاری سه متغیر دیگر بر ترجیح بصری نماهای مسکونی پرداخته و البته به نقش مثبت آنها دست یافتند، در تحقیق حاضر نیز متغیر خوانایی به همراه متغیر انسجام، تنها در یک معبر (۸ متری) مؤثر واقع شده و افزایش شاخص سبزی‌نگی نتوانسته در افزایش درک این متغیر تأثیر خاص و تعیین‌کننده‌ای داشته‌باشد. با توجه به قیاس خوانایی و انسجام از نظر مقیاس از دیدگاه اوینگ و کلمنته (اهمیت انسجام در مقیاس کوچک و جزئیات یک معبر همچون مبلمان خیابانی و غیره و در مقابل، اهمیت خوانایی در مقیاس بزرگ و در نشانه‌های آن معبر)، لازمست پوشش گیاهی برای افزایش میزان خوانایی از ظرفیت خاطره‌سازی به اندازه کافی بهره‌مند باشد. چنانچه توجه به مقیاس و نوع ویژه‌ای

از آنها بتواند در افزایش میزان خوانایی یک منظر مؤثر گردد. در مناظر این تحقیق، همگونی پوشش گیاهی از نظر نوع و مقیاس نتوانسته در افزایش خوانایی مخاطبان اثرگذار باشد. در مقابل، رازگونگی که پایدارترین متغیر از چهار متغیر اطلاعاتی شناخته شده‌است (Stamps, 2004) و یکی از نتایج اصلی مطالعات در خصوص ماتریکس ترجیحات، تأکید بر نقش متغیر رازگونگی به عنوان قویترین و ثابت‌قدم‌ترین متغیر از بین چهار متغیر اطلاعاتی است (Kaplan & Kaplan, 1989; Herzog & Leverich, 2003)، در تحقیق حاضر نیز ضرایب بتا بالاترین متغیر توانسته بیشترین اثرگذاری را با درجه بالاتری از معناداری به خود اختصاص دهد. به عنوان نتیجه کلی در خصوص نقش متغیرهای اطلاعاتی بر ترجیح بصری در مناظر طبیعی و مصنوع، می‌توان گفت این اثرپذیری در مناظر طبیعی با عوامل محدودکننده و تعیین‌کننده‌ای همچون آنچه که در مناظر مصنوع با آن مواجه هستیم، نیست. البته فرم گیاهان، میزان پوشش تاج آنها و دسته‌بندی آنها (خران‌پذیر و همیشه‌سبز) و غیره به عنوان عواملی مشترک در دو حوزه طبیعی و مصنوع نقش آفرینی خاص خود را دارند، که لازمست در تحقیقات آتی به اثرگذاری هر یک از آنها بر ترجیح مخاطبان پرداخته شود، اما نکاتی همچون عرض معابر، محصوریت معابر (ارتباط عرض و ارتفاع معابر)، چگونگی توزیع بافت‌ها، رنگ‌ها و فرم‌های ساختمانی در محیط‌های مصنوع، عوامل تعیین‌کننده و منحصربه‌فرد چنین مناظری هستند که توجه به این عوامل می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر اثرگذاری متغیرهای اطلاعاتی بر متغیر نهایی ترجیح بصری منجر شود. همچنین از دیگر زمینه‌های مورد نیاز برای تحقیقات مشابه، در نظر گرفتن اندازه‌هایی ثابت از میزان افزایش شاخص سبزی‌نگی است که بتوان با در نظر گرفتن آن به عنوان معیاری ثابت در همه تصاویر مناظر خیابانی، ارزیابی‌های دقیق‌تری از تأثیرات این شاخص را بر متغیرهای مربوطه انجام داد.

از سویی دیگر به منظور توجه به بستر جانمایی گیاهان برای افزایش شاخص سبزی‌نگی و ارتقای اثرگذاری متغیرهای اطلاعاتی بر متغیر ترجیح بصری، لازمست تا تمهیدات ویژه‌ای در مورد کاشت آنها در ابعاد مختلف صورت‌گیرد. همان‌طور که از تصاویر دیدهای خیابانی بر می‌آید، پیاده‌روها و فضاهای نیمه‌باز ساختمان‌های مسکونی همچون بالکن‌ها فرصت‌هایی هستند که معابر مسکونی برای پرداختن به افزایش شاخص سبزی‌نگی در اختیار شهروندان قرار می‌دهند. درختان به همراه گل‌ها، بوته‌ها و پوشش‌های چمنی از جمله پوشش‌های گیاهی موجود و مؤثر در شاخص سبزی‌نگی هستند. اما در این بین، آنچه که تأثیر بیشتری در افزایش این شاخص به جا می‌گذارد، درختان هستند. درختان به واسطه ارتفاعشان، پوشش مناسبی برای کنترل پیچیدگی‌های زیاد ساختارهای معماری حتی در ارتفاع‌های بالا هستند که باید بستر لازم برای قراگیری آنها در معابر فراهم شود، متأسفانه چنین بستری به ویژه برای معابر کم‌عرض همچون معابر ۸ متری و حتی ۱۰ متری دیده نمی‌شود. در این راستا به نظر می‌رسد حضور گل‌ها در معابر با عرض کمتر که ارتفاع‌های ساختمانی نیز به نوبه خود کمتر می‌شود، نسبت به معابر با عرض بیشتر، اهمیت بیشتری دارد. همچنین در ساخت و سازهای پرتراکم و عاری از فضاهای خالی و نیمه‌باز امروزی، کاشت درختان به صورت ممتد در پیاده‌راه‌ها و به ویژه در تقاطع‌های خیابانی راهکار مناسبی برای افزایش آن شاخص

References:

- Aminzadeh, B., (2010). Arzyabie Zibayee va Hoviate Makan [Aesthetic Assessment and Place Identity]. Hoviate Shahr, 5 (7), 3-14. [In Persian]
- Arjmandtabar, A., Rostami, R. (2020). Vakavi bar Chegonegie Toseye Raveshhaye Arzyabie Shakhese Sabzinegi dar Manazere Shahri. [Analyzing on the Development of Green Index Assessment Methods for Urban Landscapes]. Barnamehrizi va Amayeshe Faza, 24 (2), 43-84. [In Persian]
- Asgarzadeh, M., Lusk, A., Koga, T., Hirate, K., (2012). Measuring oppressiveness of streetscapes. Landscape and Urban Planning (107), 1-11.
- Badrinarayanan, V., Handa, A., & Cipolla, R. (2015). Segnet: A deep convolutional encoder-decoder architecture for robust semantic pixel-wise labelling. arXiv preprint. arXiv:1505.07293. <https://arxiv.org/abs/1505.07293>.
- Bandarabad, A., shahcheraghi, A. (2017). Mohat dar Mohit: karborde ravanshenasie mohiti dar Memari va shahrsazi [Environed in Environment: Application of Environmental Psychology in Architecture and Urban Design]. Tehran: Jahad daneshgahi [In Persian]
- Bao, Zh., Chen, Bo., Adimo, O. (2009). Assessment of aesthetic quality and multiple functions of urban green space from the users' perspective: The case of Hangzhou Flower Garden, China. Landscape and Urban Planning. 93. 76-82.
- Blackburn, S. (1994). The Oxford Dictionary of Philosophy. Oxford: Oxford University Press.
- Camacho-Cervantes, M., Schondube, J.E., Castillo, A., MacGregor-Fors, I., (2014). How do people perceive urban trees? Assessing likes and dislikes in relation to the trees of a city. Urban Ecosystems. 17(3):761-773.
- Elshestaway, Y. (1997). "Urban Complexity: Toward the Measurement of the Physical Complexity of Streetscapes." Journal of Architectural and Planning Research. 14:301-16.
- Ewing, R., Clemente, O. (2013). Measuring Urban Design: metrics for livable places. Island press.
- Gjerde, M. T., (2015). Street perceptions: A study of visual preferences for New Zealand streetscapes. (PHD Thesis). Victoria University of Wellington.
- Habibi, A. (2016). Zibaiye mohiti: Sahme shakheshaye zibaiye mohit dar shenakhte manzare shahr [Environmental Aesthetic: Contribution of environmental aesthetic indexes for understanding the

در همه معابر، به ویژه معابر عربی تر بوده و می تواند میزان پیچیدگی و رازگونگی را در آن معابر افزایش دهد. از طرفی می توان با وضع قوانینی در رابطه با عقب نشینی های ساختمانی در معابر و ضرورت قایل شدن برای کاشت پوشش گیاهی در چنین فضاها نیمه باز خلق شده در جلوی ساختمان ها، فرصت و امکان لازم را برای حضور پوشش گیاهی به طور قطعی در مناظر معابر مسکونی فراهم نمود.

پی نوشت:

۱. متغیرهای وسعت (extent)، جذابیت (fascination)، سازش پذیری (compatibility) و دوربودن (being away) برگرفته از تئوری بازسازی توجهات کاپلان ها (ART: Attention restoration theory) است.

۲. حس سرکوبگراییانه (oppressiveness)؛ عسگرزاده و همکاران به دنبال اندازه گیری حس سرکوبگراییانه مناظر خیابانی به وجود آمده از ساختمان های بلندمرتبه؛ تأثیرات درختان، ساختمان ها، آسمان و تعاملات درونی آنها را بر مسائل روانشناختی انسان از طریق شبیه سازی در اتاق آزمایشگاهی مطالعه نمودند. آنها دریافتند زمانی که درختان در جلوی ساختمان ها با ارتفاع های متفاوت کاشته می شوند، تأثیرات پویایی بر ساختمان ها دارند و این تأثیر (کنترل حس سرکوبگراییانه) در ارتفاع های بیشتر بسیار چشمگیر است (Asgarzadeh et al., 2012).

۳. تصاویر "دید خیابانی گوگل" (Google Street View) (GSV): مشابه همان دیدی است که عابران در پیاده روها به هنگام پیاده روی و یا بر روی دوچرخه ها و یا در ماشین ها دارند. با اتصال عکس ها به یکدیگر، تصاویر GSV می توانند یک تصویر ۳۶۰° پیوسته از یک چشم انداز خیابانی ایجاد کنند (Li et al., 2015).

۴. تصاویر دید خیابانی تنسنت (Tencent Street View Picture)؛ این تصاویر از وبسایت و نقشه تنسنت (<http://map.qq.com>) که پایگاه داده های مربوط به تصاویر خیابانی چین از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ است، به دست آمده است.

۵. روش قطعه سازی نرم افزارهای هوشمند (machine-learning segmentation method)؛ این روش تکنولوژی قطعه بندی تصویری بر پایه شبکه های پیچیده است. Seg Net نمونه ای بسیار قوی از آن بوده و به نظر می رسد نخستین روش هوشمند عمیق برای پیوستن عوارض با وضوح کم به گدهای معنایی باشد (Kendall, Badrinarayanan & Cipolla, 2015). معماری شبکه عصبی پیچیده Seg Net از مجموعه ای از رمزگذارها (encoder) و رمزگشاها (decoder) و به دنبال آن یک بخش کننده پیکسل-هوشمند به عنوان یک موتور هسته ای تعلیم پذیر استفاده می کند (Badrinarayanan et al., 2016). از این رو Seg Net توانایی تسهیل رویکرد محاسباتی را داشته و تفسیر منظر خیابانی را به صورت خودکار انجام می دهد (Long & Tang, 2018).

نویسندگان اعلام می دارند که در انجام این پژوهش هیچ گونه

تعارض منافع برای ایشان وجود نداشته است.

- urban landscape]. *Manzar*, 35. [in Persian]
- Heath, T., S. Smith, and B. Lim. (2000). "The Complexity of Tall Building Facades." *Journal of Architectural and Planning Research* 17 (3): 206–20.
 - Herzog, T. R., Kaplan, S., & Kaplan, R. (1982). The prediction of preference for unfamiliar urban places. *Population and Environment*, 5, 43e59.
 - Herzog, T.R., Kropscott, L.S. (2004). Legibility, Mystery, and Visual Access as Predictors of Preference and Perceived Danger in Forest Settings without Pathways. *Environment and Behavior*, Vol. 36 No. 5.
 - Herzog, T.R., Leverich, O. (2003). Searching for Legibility. *Environment and Behavior*, Vol. 35 No. 4.
 - Kaplan, R., & Kaplan, S. (1989). *The experience of nature: A psychological perspective*. New York: Cambridge University Press.
 - Kaplan, S. (1987). Aesthetics, affect, and cognition: Environmental preference from an evolutionary perspective. *Environment and Behavior*, 19(1), 3–32.
 - Kaplan, S., & Kaplan, R. (1982). *Cognition and environment - Functioning in an uncertain world*. New York: Praeger.
 - Kendall, A., Badrinarayanan, V., & Cipolla, R. (2015). Bayesian segnet: Model uncertainty in deep convolutional encoder-decoder architectures for scene understanding. arXiv preprint arXiv:1511.02680.
 - Li, X, Zhang, Ch., Li, W., Ricard, R., Meng, Q., Zhang, W., (2015). Assessing street-level urban greenery using Google Street View and a modified green view index, *Urban Forestry & Urban Greening*, 14 (2015) 675–685.
 - Lindal, P.J, Hartig, T. (2013). Architectural variation, building height, and the restorative quality of urban residential streetscapes. *Journal of Environmental Psychology*, 33 (26-36).
 - Linda, S. Van den, B., Judith I. M, G. (2012). *Environmental psychology: an introduction*. ISBN 978-0-470-97638-8 (pbk)
 - Long, Y., Tang, J., (2018). Measuring visual quality of street space and its temporal variation: Methodology and its application in the Hutong area in Beijing. *Landscape and Urban Planning*. www.elsevier.com/locate/landurbplan
 - Lynch, K. (1960). *The Image of the City* (p. 194). Cambridge: The MIT Press.
 - Mazand Tarh Consulting Engineers, (2015). *Tarhe Jame Sari [Comprehensive Planning of Sari]*. *Vezarate rah-o-shahrsazi, Modiriate Memari-o-shahrsazi*, V(4). [In Persian]
 - Memari, S., Pazhouhanfar, M. (2017). Role of Kaplan's Preference Matrix in the Assessment of Building façade, Case of Gorgan, Iran. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 10(20), 13-25.
 - Nasar, J. L. (1987). The Effect of Sign Complexity and Coherence on the Perceived Quality of Retail Scenes, *Journal of the American Planning Association*, 53:4, 499-509, DOI: 10.1080/01944368708977139.
 - Nasar, J. L. (1998). *The evaluative image of the city. Thousand Oaks, Calif. USA: Sage Publications*.
 - Naveh, Z., (2001). Ten premises for a holistic conception of multifunctional landscapes. *Landscape Urban Plan*, 57, 269–284.
 - Olaf, B., Roder, M., (1998). Assessment of landscape change by land evaluation of past and present situation. *Landscape Urban Plan*, 41, 171–182.
 - Porteous, J. D. (2012). *Environmental Aesthetics (Ideas, Politics and Planning) Environmental Design-Landscape Architecture- Site Planning- Urban Design*. (Translated by L. Aghadadashi). Tehran: Kalhor Publishing House. [In Persian]
 - Qiu, L., Nielsen, A B. (2015). Are Perceived Sensory Dimensions a Reliable Tool for Urban Green Space Assessment and planning? *Landscape Research*. DOI: 10.1080/01426397.2015.1029445
 - Rapoport, A., & Hawkes, R. (1970). The perception of urban complexity. *Journal of the American Planning Association*, 36, 106e111.
 - Sardon, R.C., (1988). Perception and aesthetics of the urban environment: review of the role of -vegetation. *Landscape Urban Plann*, 15 (1–2), 85–106. <http://dx.doi.org/10.1080/01426397.2015.1029445>
 - Stamps, A. E. (1998a). "Complexity of Architectural Silhouettes: From Vague Impressions to Definite Design Features." *Perceptual and Motor Skills*, 87 (3, pt. 2): 1407–17.
 - Stamps, A. E. (2000). *Psychology and the aesthetics of the built environment*. Dordrecht, The Netherlands: Kluwer Academic Publishers Group.
 - Stamps, A. E. (2004). Mystery, complexity, legibility and coherence: A meta-analysis. *Journal of Environmental Psychology*, (24) 1–16.
 - Yang, J., Zhao, L., McBride, J., Gong, P., (2009). Can

you see green? Assessing the visibility of urban forests in cities, *Landscape and Urban Planning*. 91 (2009) 97–104.

- Zhao, J., Wang, R., Liu, Zh., (2016). Consensus in visual preferences: The effects of aesthetic quality and landscape types, *Urban Forestry & Urban Greening*. 20 (2016) 210–217.

نحوه ارجاع به مقاله:

ارجمندتبار، آیدا، رستمی، راحله؛ (۱۴۰۱) تأثیر شاخص سبزی‌نگی بر ماتریکس ترجیحات بصری کاپلانها در مناظر معابر مسکونی (نمونه مورد مطالعه: محله بخش هشت ساری)، *مطالعات شهری*، 12 (45)، 43-56. doi: 10.34785/J011.2023.010/Jms.2023.108

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



بررسی نقش محرک‌های مدیریتی-اقتصادی در کاهش دوره بهره‌وری ابنیه نمونه مورد مطالعه: شهر تهران

امیرحسین پورجوهری^۱ - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۷ آبان ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

چکیده

امروزه موضوع مدیریت تقاضای تخریب و ساخت به عنوان چالشی برای چگونگی حفاظت از ساختمان‌های بادوامی که همچنان قابل استفاده برای زندگی و فعالیت هستند، تبدیل گردیده است. اهمیت این موضوع از آنجایی است که بر بهره‌وری شهری مؤثر است. بهره‌وری شهری، مفهومی کلی است که شهر و تمامی کارکردهایش را در برمی‌گیرد. ساختمان از جمله عناصر کلیدی در ساختار اقتصادی و همچنین فضایی شهرهاست و نقش تعیین کننده‌ای در مدیریت و توسعه شهری دارد و بهره‌وری آنها در مفهوم مدیریت تقاضای تخریب و نوسازی به معنای بهره‌برداری از تمام ظرفیت‌های سازه‌ای و کالبدی آنها تعریف می‌شود.

ساختمان همواره یکی از اولویت‌های سرمایه‌گذاری در شهر تهران بوده است. این در حالی است که الگوهای مدیریتی و نظام حقوقی حاکم، فاقد ضوابطی برای مدیریت تخریب و ساخت است. این مهم از آنجایی نشأت می‌گیرد که فواید سریع الوصول حاصل از تخریب و نوسازی، هزینه‌های بلندمدت ناشی از آن را پنهان نموده است. براین اساس، در این پژوهش با اتکا بر چند پیش فرض و بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای، چهار هزار و ۵۲۶ نمونه در سطح مناطق شهر تهران انتخاب و تحلیل روند تغییرات آن را با توجه به مبانی حقوقی و اقتصادی کلان، مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از این تحلیل نشان می‌دهد که غلبه ارزش زمین بر ساختمان، اصلی‌ترین محرک تخریب و نوسازی ساختمان‌ها در شهر تهران است؛ به گونه‌ای که مناطق برخوردار از بافت فرسوده، لزوماً سهم بیشتری از صدور پروانه تخریب و نوسازی نداشته‌اند. همچنین دوام و سن ساختمان، مانعی از سوی ضوابط حقوقی مدیریت شهری به منظور جلوگیری از تخریب ایجاد نمی‌کند. این در حالی است که تخریب ساختمان‌های واجد ظرفیت نگهداشت الزاماً برای مدیریت شهری منفعتی ایجاد نمی‌کند. بنابراین ایجاد تغییر در تعاریف و ضوابط در ایجاد ارزش افزوده و افزایش تمایل به نگهداشت ساختمان از سوی مالک ضروری است.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، مدیریت تقاضای تخریب و نوسازی، توسعه پایدار، بهره‌وری شهری.

نکات برجسته

- سهم بالای بخش ساختمان در تشکیل سرمایه ملی، یکی از وجوه بسیار پراهمیت در دستیابی به سطح مطلوبی از بهره‌وری شهری، عملاً رسیدن به بهره‌وری مطلوب در بخش تولید ساختمان‌های شهری است.
- تخریب ابنیه‌ای که همچنان امکان بهره‌برداری از آنها وجود دارد، در تعارض با اصول مصرف بهینه سرمایه است.
- تخریب و ساخت و ساز بدون ضابطه مانع از زمینه‌سازی بهبود کیفیت زندگی می‌گردد.

۱. مقدمه

موضوع مدیریت تقاضای ساخت‌وساز، یکی از وجوه مدیریت شهری است که به فراخور زمان و نوع قوانین، رویکردهای متفاوتی در قبال آن اتخاذ می‌گردد. اتخاذ رویکرد مناسب در قبال تخریب بناهای موجود نیز بخشی از این مدیریت است که لازم است موضع آگاهانه‌ای در ارتباط با آن گرفته شود. بدیهی است که ساختمان‌ها نیز دارای عمر مفیدی هستند که مبتنی بر مصالح، شیوه ساخت و تکنولوژی به‌کاررفته و ... تعیین می‌گردد و بر این اساس موضوع تخریب ساختمان نیز امری غیرقابل اجتناب خواهد بود. البته در اینجا منظور از موضوع ساختمان در معنای عام بوده و بدیهی است در ارتباط با استثنائاتی که در ارتباط با معماری‌های ویژه و ارزشمند تاریخی برقرار است، رویکردهای خاصی وجود دارد اما به‌طور کلی در این پژوهش، عمدتاً ساختمان با مفهوم عام آن مدنظر است. بر این اساس پژوهش حاضر به‌طور خاص مبتنی بر این دغدغه شکل یافته است که اساساً تخریب و نوسازی ساختمان‌های برخوردار از دوام، متأثر از چه محرک‌هایی است. ضمن آن که مدیریت تخریب و ساخت‌وساز نیز به لحاظ مدیریتی، حقوقی و اجرایی دارای برخی کاستی‌ها و ناکارآمدی‌هاست که می‌تواند حفظ و نگهداری ساختمان‌های بادوام را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان جلوگیری از تخریب ساختمان‌های بادوام، دغدغه‌ای است که ریشه در پارادایم‌های نوین شهرسازی در خصوص توسعه پایدار شهری دارد که اصول و مبانی آن در حال حاضر مورد توافق همگان است. با توجه به تعریف پذیرفته‌شده برانتلند در گزارش "آینده مشترک ما"، توسعه پایدار، توسعه‌ای است که بتواند نیازهای فعلی را بدون خدشه‌دار کردن توانایی نسل‌های آینده در برآورده ساختن نیازهایشان پاسخ گوید. موضوع توسعه شهری از آن جهت با موضوع این مطالعه ارتباط می‌یابد که معضل اساسی در موضوع تخریب ابنیه واجد ظرفیت نگهداشت^۱ پیش از هر چیز، هدر رفت سرمایه‌های ملی ناشی از آن است و این هدر رفت هم از بعد اقتصادی، هم اجتماعی و هم زیست‌محیطی، مخالف اصول توسعه پایدار است. مضاف بر آن که:

- باتوجه به سهم بالای بخش ساختمان در تشکیل سرمایه ملی، یکی از وجوه بسیار پراهمیت در دستیابی به سطح مطلوبی از بهره‌وری شهری، عملاً رسیدن به بهره‌وری مطلوب در بخش تولید ساختمان‌های شهری است. این امر، هم به سبب سهمی است که از سرمایه‌های ملی در اختیار دارد و هم نقشی که در کالبد و پیکره شهر در مفهوم کلی خود دارد.

- تخریب ابنیه‌ای که همچنان امکان بهره‌برداری از آنها وجود دارد، به معنی دورریختن بخشی از مصالح و سرمایه‌ای است که همچنان امکان استفاده از آن برای مدت زمان طولانی‌تر امکان پذیر بوده است. در واقع تخریب این ساختمان‌ها مخالف اصول مصرف بهینه سرمایه است.

- تخریب و ساخت و ساز بدون ضابطه می‌تواند سرمایه‌ای را که می‌توانست صرف بهبود کیفیت زندگی نماید، به مصرف تخریب و نوسازی‌های پیاپی برساند. بنابراین این معضل مانع از زمینه‌سازی بهبود کیفیت زندگی می‌گردد.

بنابراین توسعه پایدار شهری بیش از هر چیز مبتنی بر بهینگی مصرف

۱ به عنوان ساختمان بادوام تعبیر می‌شود.

شکل خواهد یافت و بر این اساس تخریب بناهای بادوام که ناقص بهینگی مصرف است، با اهداف توسعه پایدار در تضاد خواهد بود. به عبارت دیگر بر این موضوع که تخریب بنای بادوام امری غیرقابل قبول و نامطلوب است، اتفاق نظر جمعی وجود دارد. در این میان راهکاری که توسعه پایدار در این خصوص مطرح می‌کند، بهره‌گیری از قابلیت استفاده مجدد انطباقی و تبیین شرایط و بسترهای لازم در کاربرد آن است. مدل قابلیت استفاده مجدد انطباقی^۲ به وسیله کریگ لانگستون مطرح گردید که برای نخستین بار در لوی سنگ چان^۳ در منطقه مونگ کوک^۴ در هنگ کنگ به وسیله لانگستون و شن مورد استفاده قرار گرفت (Langston & Chen, 2007). باوجود این مهم، حوزه ساختمان که موضوع تخریب و نوسازی ذیل آن مطرح می‌گردد، موضوعی بسیار پیچیده است که عوامل و نیروهای بسیاری بر آن تأثیرگذارند و خود نیز منشأ انواع نیروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و ... در جامعه است که این جامعه بنا بر مقیاس مورد نظر در مطالعات می‌تواند یک کشور، شهر و یا حتی یک خانوار باشد. بنابراین توافق بر این موضوع که تخریب ساختمان بادوام امری نامطلوب است، به خودی خود نمی‌تواند منشأ اثر بوده و همچنان جریان تخریب و نوسازی متأثر از سایر عوامل و نیروها به راه خود ادامه می‌دهد. ضمن آن که همچنان مبانی حقوقی جذابی برای بهره‌گیری از مدل تغییر کاربری انطباقی در کشور وجود ندارد. بنابراین می‌توان این چنین استدلال نمود که موضوع تخریب ساختمان‌های واجد ظرفیت بهره‌برداری، تنها دستاورد کاستی‌های قانونی و مدیریتی نبوده و بخشی از آن تحت تأثیر عوامل بیرونی از جمله الگوها و گرایش‌های اجتماعی است. مضاف بر آن که تخریب و نوسازی ساختمان‌ها برای مالکان و سرمایه‌گذاران دارای انتفاع است. بنابراین باین که منطقیاً تخریب ساختمان باید زمانی صورت پذیرد که بنای موجود فرسوده، غیرقابل نگهداری و یا غیرقابل استفاده باشد، اما متأثر از مجموعه‌ای از محرک‌ها، تخریب می‌تواند جنبه‌های جدیدی یافته و بناهای بادوام با انگیزه‌هایی به جز شرایط کالبدی آن، تخریب گردند. در این میان، این پرسش مطرح می‌شود که چه راهکارهایی می‌تواند در مدیریت تقاضای تخریب و ساخت مؤثر واقع گردد و آن را به نفع ارتقای بهره‌وری شهری و همچنین انتفاع عمومی سوق دهد؟ این پژوهش با اتکا بر داده‌های آماری و همچنین مبانی حقوقی و نظری موجود، قصد دارد ضمن شناسایی محرک‌ها و عوامل بیرونی، به ارائه مبانی مؤثر بر حفاظت ساختمان به عنوان یک ارزش سرمایه‌ای بپردازد.

۲. چارچوب نظری

به‌طور کلی مطالعات صورت گرفته در حوزه حفاظت از ساختمان‌های واجد ظرفیت نگهداشت (ساختمان‌های بادوام)، حیطة وسیعی را به خود اختصاص نمی‌دهد. مضاف بر آن که موضوع ساختمان و تأثیرگذاری آن بر ارتقای بهره‌وری شهری، به‌طور منحصر مورد توجه نبوده است. با این وجود در حوزه ساختمان، اثرگذاری و اثرپذیری آن بر اقتصاد ملی و مسکن،

2 Adaptive Reuse Possibility

3 Luis Seng Chun

4 Mung kook

تولید ناخالص داخلی بسیار سریع‌تر از دو منطقه دیگر رشد می‌کند، بالاتر است (Ibid). لیونگ در مطالعه خود در کشور هنگ کنگ به ارتباط اقتصاد کلان و بازار مسکن پی برده است (Leung, 2004). در این مطالعه، قیمت مسکن به وسیله رشد جمعیت، تغییرات درآمد، هزینه ساخت و نرخ بهره تحت تأثیر قرار می‌گیرد. پلاکوسکی در مقاله‌ای با عنوان "کنترل اجاره و سرمایه‌گذاری مسکن"، طی دوره زمانی ۱۹۹۴-۱۹۷۱ در کمبریج، ماساچوست، ارائه می‌کند. محقق بیان می‌دارد، براساس تجزیه و تحلیل سنتی اقتصاد، وقتی مقررات اجاره بر بخش مسکن اعمال می‌شود، در طول زمان کیفیت مسکن کاهش می‌یابد، زیرا صاحبخانه‌ها قادر به جبران سرمایه‌گذاری و هزینه‌های تعمیر و نگهداری نیستند (Pollakowski, 2003). در مقابل مقررات زایی (عدم کنترل اجاره مسکن) می‌تواند به سرمایه‌گذاری جدید در بخش مسکن منجر شود. نتایج مطالعه نشان می‌دهد، در صورت عدم کنترل اجاره مسکن، سرمایه‌گذاری در کمبریج تقریباً ۲۰ درصد بیشتر از زمانی است که کنترل اجاره اعمال می‌شد. افزایش سرمایه‌گذاری در طیف گسترده‌ای هم در محله‌های ثروتمند و هم درآمدها اتفاق افتاده است. این نتایج مشاهده شده در کمبریج، در شهرهایی همچون نیویورک نیز مشاهده می‌شود. آنچه از بررسی مطالعات صورت گرفته برمی‌آید، تأکید بر اهمیت مسکن و همچنین اثرگذاری آن بر اقتصاد شهری است (Ibid).

پیشینه پژوهی نشان می‌دهد، اساساً ساختمان به عنوان یک موضوع مستقل و فارغ از عملکردش بررسی نگردیده است. ضمن آن که مدیریت تخریب و ساخت مورد توجه نبوده و به محرک‌های بیرونی مؤثر بر گرایش بر تخریب و نوسازی ساختمان (اعم از مسکن) توجهی نگردیده است. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد، با اتکا بر مبانی آماری و نظری موجود به تبیین محرک‌های اقتصادی و مدیریتی در کاهش بهره‌وری ابنیه در شهر تهران بپردازد.

۲.۱. حفاظت از ساختمان دارای ظرفیت نگهداشت در مبانی توسعه پایدار

ردپای الزام و ضرورت حفاظت از ساختمان‌های بادوام را می‌توان در توسعه درون‌زا به عنوان یکی از رویکردهای نظری ذیل توسعه پایدار یافت نمود. در این نوع توسعه شهری، توسعه قطعه زمین‌های خالی و ساختمان‌های غیرقابل استفاده در محدوده مرکزی شهرها مورد توجه است (C.P.P.C, 2004). توسعه درون‌زا، شامل سه فعالیت اصلی است که حوزه ساختمان‌های بادوام را در برمی‌گیرد.

(۱) احداث ساختمان‌های جدید بر روی زمین‌هایی که در شرایط موجود توسعه نیافته و یا کمتر توسعه یافته‌اند.

(۲) احیای کالبدی ساختمان‌های غیرقابل استفاده کنونی.

(۳) "استفاده مجدد و سازگار با فرم و عملکرد قبلی این ساختمان‌ها". (Felt, 2006:48)

موضوع "باز استفاده از ساختمان‌ها" که به عنوان یکی از فعالیت‌های اصلی توسعه درون‌زا تعریف می‌شود، به معنای بازگرداندن دوباره بنا به چرخه حیات با تعریف عملکرد جدید مطرح می‌شود. این الگو، به وسیله لانگستون به ادبیات شهرسازی پایدار وارد شد و در مطالعات و پروژه‌های متعددی از آن بهره برده شد. این مدل از صفر

مطالعات گسترده‌ای صورت پذیرفته است که به عنوان پژوهش‌های مرتبط و مشابه بررسی گردیده‌اند. در این خصوص می‌توان به پژوهشی با عنوان "ارزیابی تأثیر شوک ارزی بر سطح فعالیت‌های بخش ساختمان و ارائه دلالت‌های آن برای درآمدهای شهرداری تهران" به وسیله داوودی اشاره نمود که به بررسی روند و تغییر تحولات سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان تحت تأثیر نوسانات ارزی می‌پردازد. این پژوهش براساس تحلیل اطلاعات فصلی ۲۰ سال اخیر ۲۵ متغیر بخش ساختمان، صنعت و اقتصاد کلان در چارچوب مدل FAVAR انجام شده است. وابستگی بودجه‌ای شهرداری تهران به فعالیت بخش ساختمان و لزوم تخمین واقع بینانه از منابع درآمدی، از ضرورت‌های تهیه و تدوین این پژوهش بوده است (Davoudi, 2019).

همچنین صاحبی و اعتضادی فرد در مقاله‌ای با عنوان "معرفی شاخص عمر مفید باقی‌مانده ساختمان برای ارزیابی آسیب‌پذیری لرزه‌ای سازه‌ها"، سعی نموده‌اند تا با تعریف یک شاخص جدید با نام عمر مفید باقی‌مانده ساختمان که متأثر از دو عامل سطح خطر و عملکرد مورد انتظار از سازه است، آسیب‌پذیری ساختمان در عمر مفید ۵۰ ساله مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس نزدیکی به گسل‌ها و نوع طراحی در کاهش عمر مفید ساختمان و سطح خطر مورد توجه بوده است (Sahebi & Etezadi, 2014). از سوی دیگر، مهرگان و تارتار در مقاله‌ای با عنوان "بررسی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت هزینه‌ها بر قیمت مسکن تهران"، اثرات هزینه‌ها بر قیمت مسکن را به روش ARDL مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج این تحقیق، در بلندمدت متغیرهای قیمت زمین و شاخص قیمت مصالح ساختمانی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر هزینه تمام‌شده مسکن بوده، در حالی که گاه در کوتاه‌مدت، متغیرهای قیمت مسکن در سال قبل، قیمت زمین و شاخص قیمت مصالح ساختمانی، از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار هزینه بر قیمت مسکن در شهر تهران هستند (Mehregan & Tatar, 2014). در پژوهش‌های خارجی نیز چن و زو در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بلندمدت و کوتاه‌مدت بین سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و رشد اقتصادی در چین در سطح کل کشور و در مناطق میانی، غربی و شرقی طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۹ پرداخته‌اند (Chen & Zho, 2008). نتایج مطالعه حاکی از آنست که اثرات سرمایه‌گذاری مسکن بر روی تولید ناخالص داخلی در سه منطقه چین کاملاً متفاوت رفتار می‌کند. در تمام استان‌ها، نرخ رشد سرمایه‌گذاری بیشتر از نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در طول دوره مطالعه است و اختلاف بین دو نرخ رشد برای استان‌های مرکزی و غربی در این کشور بیشتر است. نسبت سرمایه‌گذاری مسکن از تولید ناخالص داخلی در استان‌های شرقی به‌طور قابل توجهی پایین‌تر از استان‌های غربی و مرکزی است. نکته حائز اهمیت آن است که برای بیشتر استان‌ها، انحراف استاندارد نرخ رشد سرمایه‌گذاری مسکن بسیار کمتر از نرخ رشد سرمایه‌گذاری بر روی غیر مسکن است. همچنین نتایج نشان می‌دهد، رابطه‌ای بلندمدت پایدار بین تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری بر مسکن و سرمایه‌گذاری غیرمسکن هم برای کل کشور و هم سه زیر منطقه برقرار است. در کل کشور سرمایه‌گذاری مسکن با توجه به تولید ناخالص داخلی بیشتر از سرمایه‌گذاری بر روی غیرمسکن است. کشش سرمایه‌گذاری در مناطق میانه هنگامی که سطح سرمایه‌گذاری مسکن به‌عنوان درصدی از

۲.۲. ساختمان و بهره‌وری شهری

در اوایل دهه ۹۰ میلادی، برخی مطالعات انجام شده در بانک جهانی، واژه بهره‌وری شهری را مطرح کردند. تلاش این مطالعات، شناسایی کلیه عواملی بود که بهره‌وری شهرها را افزایش می‌دادند. همه این مطالعات به دنبال یافتن پاسخ این سؤال هستند که ساز و کار و نحوه اثرگذاری شهرها و کارکردهای آن بر رشد و توسعه اقتصاد چگونه است؟ در پاسخ به این سؤال، مباحث و نظریات مختلفی عنوان شد که برخی از آنها بر این باور استوار هستند که عمده کارکردهای اقتصادی منجر به تجمع اقتصادی می‌شوند که خود می‌تواند به افزایش بهره‌وری بینجامد. هرچند این مهم زمانی دست‌یافتنی است که از تمام ظرفیت‌های موجود از یک عملکرد و یا فضای شهری بهره‌برداری گردد (Cohen & Simet, 2018). سازمان ملل در برنامه بهبود مدیریت شهری خود، بهره‌وری شهری را جست و جوی راه‌هایی برای توسعه همه جانبه ناحیه شهری به عنوان نوعی هویت فیزیکی، به همراه رشد و رونق فعالیت‌های اقتصادی آن دانسته است؛ به گونه‌ای که رفاه و بهبود وضعیت همه ساکنان شهر را تأمین نماید (Glaeser & Xiong, 2017). از منظر دیگر، شهرها با وجود این که کلیتی فراتر از اجزای تشکیل دهنده‌شان تلقی می‌شوند، اما موضوع بهره‌وری در شهر لزوماً باید در یک کلیت جست و جو شود. موضوع بهره‌وری در هر یک از اجزای شکل دهنده شهر که مستقلاً و خارج از این هویت کلی شهر نیز معنی دارند، باید دنبال شود. یعنی بهره‌وری می‌تواند در کیفیت کارکرد هر یک از این اجزا جست و جو شود و اصولاً بهره‌وری کامل صرفاً در شرایطی دست‌یافتنی تلقی می‌گردد که همه اجزای شکل دهنده شهر در سطح مطلوبی از بهره‌وری شناخته شوند. پنج حوزه تعیین‌کننده برنامه مدیریت شهری که بر آن تأکید می‌کنند (از جمله بهبود شرایط کار و زندگی، تشویق توسعه پایدار اقتصادی-اجتماعی و حفاظت از فضای کالبدی و محیط شهری) و در بهره‌وری شهری چهره می‌نمایند، بدین شرح است:

- ۱- موضوع زمین شهری،
- ۲- زیرساخت‌ها و خدمات شهری،
- ۳- حمل و نقل و شبکه دسترسی،
- ۴- منابع مالی و
- ۵- ساختار سازمانی (Spiliotopoulou & Roseland, 2021).

در این میان توجه به زمین شهری به عنوان بستر شکل‌گیری ساختمان اهمیت می‌یابد. زمین بنا نقش تعیین‌کننده در مدیریت و توسعه شهری دارد و به سبب همین ویژگی نقش عمده و بارزی را در دستیابی به مفهوم بهره‌وری شهری از طریق نقشی که در اقتصاد بخش ساختمان دارد، ایفا می‌کند. شهر و کلیه کارکردهایش بر روی زمین و کاربری‌های متنوعی که در آن شکل می‌گیرد، مفهوم می‌یابد.

۳. روش

با توجه به این که بخشی از مطالعات به تحلیل اقتصادی، اجتماعی و ... می‌پردازد، بهره‌گیری از روش‌هایی در جهت تدقیق موضوعی و محتوایی اهمیت می‌یابد. در این ارتباط با بررسی انواع روش‌های

تا بالاترین شاخص خود در نقطه عمر مفید بالا می‌رود و بعد دوباره به سمت صفر، هنگامی که به عمر کالبدی خود نزدیک می‌شود، نزول می‌کند (Langston, 2011). ابزار مناسبی برای مدل قابلیت استفاده مجدد انطباقی کمک به تصمیم‌گیری در مدیریت و استفاده دوباره از ساختمان‌های موجود و در خطر تخریب را فراهم می‌کند. واژه قابلیت در اینجا به معنای این است که در صورت پیاده‌سازی استفاده مجدد انطباقی، پروژه برای تحقق مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارای زمینه مناسب است (Chen & Zhu, 2008:8).

همچنین استفاده مجدد انطباقی، از طریق تعیین یک کاربری منطبق بر ظرفیت‌ها و ویژگی‌های بنا صورت می‌پذیرد. این رویکرد از فرآیند تخریب اجتناب می‌کند و سبب حفظ مصالح و انرژی در برگرفته ساختمان، کاهش پسماندهای ساختمانی، صرفه‌جویی زمان، صرفه‌جویی اقتصادی، احیای بافت‌های شهری و حفظ منابع و اراضی برای نسل‌های آینده می‌شود. به این ترتیب استفاده دوباره از ساختمان‌های موجود، بخش‌های مهمی از توسعه پایدار را در حوزه معماری و ساختمان شکل می‌دهد (Douglas, 2006). تخصیص کاربری جدید، غالباً با توجه به شرایط زمینه‌ای، نیازها و میزان سازگاری صورت می‌پذیرد. در این میان ساختمانی که همچنان واجد بهیمنگی در بهره‌برداری است اما به تبع تغییر در نگرش‌های اجتماعی و مصرف‌گرایی، متروک شده و یا برای تخریب و نوسازی آن اقدام می‌شود، در اولویت اول بهره‌برداری مجدد در راستای توسعه پایدار شهری است. در این خصوص، تبیین ظرفیت ساختمان برای تعریف عملکرد جدید می‌بایست در نظر گرفته شود (Langston et al, 2013). بولن به این نکته تأکید می‌کند که توانایی برای متحمل شدن استفاده مجدد انطباقی و رسیدن به نتیجه‌ای که پایدارتر از تخریب و ساخت جدید باشد یک کیفیت ذاتی برای تمام ساختمان‌ها نیست (Bullen, 2007). بنابراین تعیین ظرفیت ساختمان برای استفاده مجدد و نیز تعیین عمر مفید بنا به منظور تدقیق زمان مناسب برای اعمال این رویکرد نیاز به بررسی و مطالعه دارد (Tan et al, 2014:67).

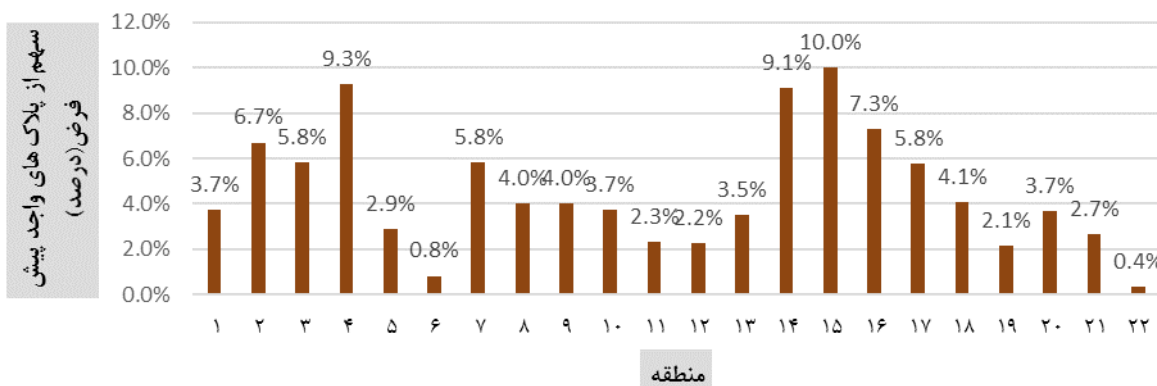
در این مفهوم و در مفهوم توسعه پایدار، ساختمان بادوام (ساختمانی که واجد ظرفیت بهره‌برداری مجدد) باشد، ساختمانی است که از سه مؤلفه به شرح زیر برخوردار باشد (Celadyn, 2014). در این صورت این ساختمان می‌تواند امکان بهره‌برداری مجدد را فراهم نماید.

- دوام تکنیکال یا فنی ساختمان: ۱ دوام ساختمان به لحاظ نوع ساخت و مصالح.
- دوام عملکردی ساختمان: ۲ دوام ساختمان به لحاظ پذیرش و امنیت اجتماعی و اقتصادی.
- دوام زیست‌محیطی ساختمان: ۳ دوام ساختمان در بهیمنگی مصرف انرژی.

- 1 Technical Durability
- 2 Functional Durability
- 3 Environmental Durability

- ۱- **ضرورت انتخاب روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای**
 - گستره شهر تهران و تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم در هر منطقه،
 - امکان دستیابی به اطلاعات مرتبط با دلایل تقاضای تخریب و صدور پروانه،
 - صرف جویی در مدت زمان انتخاب نمونه‌های موردی و
 - ضرورت دقت نمونه‌گیری.

- ۲- **پیش فرض انتخاب نمونه‌های آماری**
 - "بناهایی که درخواست تخریب و نوسازی آنها در بیست سال اخیر اتفاق افتاده است اما فاصله بین درخواست تخریب و نوسازی آنها و گواهی پایان کار ارائه شده برای آنها کمتر از ۳۰ سال^۴ بوده است".
 - انتخاب پلاک‌ها فارغ از نوع کاربری، مساحت زیربنا و همچنین منطقه شهرداری و ... صورت پذیرفته است.
 - این پیش فرض به منظور تحلیل گرایش‌ها و ترجیحات تخریب و نوسازی، وضعیت پلاک‌های هدف، در هنگام صدور پایان کار و پس از صدور پروانه تخریب و نوسازی تعریف گردیده است. توزیع فراوانی پراکنش نمونه‌های انتخابی در شهر تهران مطابق نمودار زیر (نمودار شماره ۱) ارائه گردیده است.
 - سه پیش فرض "نوع سازه" و "زمینه استقرار بنا" و "سن بنا پیش از تخریب (با اتکا بر سه مؤلفه دوام فنی، دوام عملکردی و دوام زیست محیطی)"، ارکان اصلی انتخاب پلاک‌هایی بوده که با وجود برخورداری از دوام (مبتنی بر تعاریف در ضوابط و مقررات موجود)، پروانه تخریب و نوسازی در خصوص آنها صادر گردیده است. فراوانی توزیع این گروه از نمونه‌ها، به تفکیک مناطق شهر تهران به شرح نمودار شماره ۲ ارائه گردیده است.



نمودار شماره ۱: فراوانی توزیع نمونه‌ها به تفکیک مناطق شهر تهران (C.O.T.2020)

۴ براساس مطالعات انجام شده در سطح شهر تهران، عمر مفید ساختمان برابر با ۲۹ سال تعریف گردیده است. براین اساس ۳۰ سال فاصله زمانی برای درخواست تخریب و نوسازی و صدور گواهی پایان کار در نظر گرفته شد.

موجود تحلیل کیفی و همچنین مدنظر قرار دادن هدف، بهره‌گیری از تکنیکی ترکیبی از روش‌های موجود مدنظر قرار گرفت. لازم به توضیح است، هدف از مطالعات تحلیلی پژوهش، الزاماً تبدیل محتوای کیفی به کمی نیست. آنچه مورد تأکید است، روند نگاری و استخراج محتوایی از متون حقوقی و نظری در این موضوع است. در این خصوص تأکید بر دو روش تحلیل محدوده و تحلیل محتوا به عنوان روش‌های تحلیل کیفی مدنظر بوده است.

- تحلیل محدوده^۱: تحلیل موقعیت‌ها، الگوها و محدوده و یا حوزه‌های مختلف. با هدف انتخاب ارتباطات معنایی، انتخاب نمونه‌ای یادداشت‌ها و داده‌ها، جست‌وجو برای جملات کلی و خاص، ساخت سئوال‌ات درباره ارتباطات و تکرار سئوال و جواب و در نهایت فهرست کردن تمام حوزه‌های کشف شده.

- تحلیل محتوا^۲: با توجه به مستندات و متون، موضوع مشخص می‌شود. در جهت پاسخگویی به این پرسش‌ها که در مورد چه چیزی صحبت می‌شود؟ مطالب چگونه به هم ارتباط پیدا می‌کند؟ عبارات و مطالب پنهان و آشکار کدامند؟ (Hajilo, 2004)

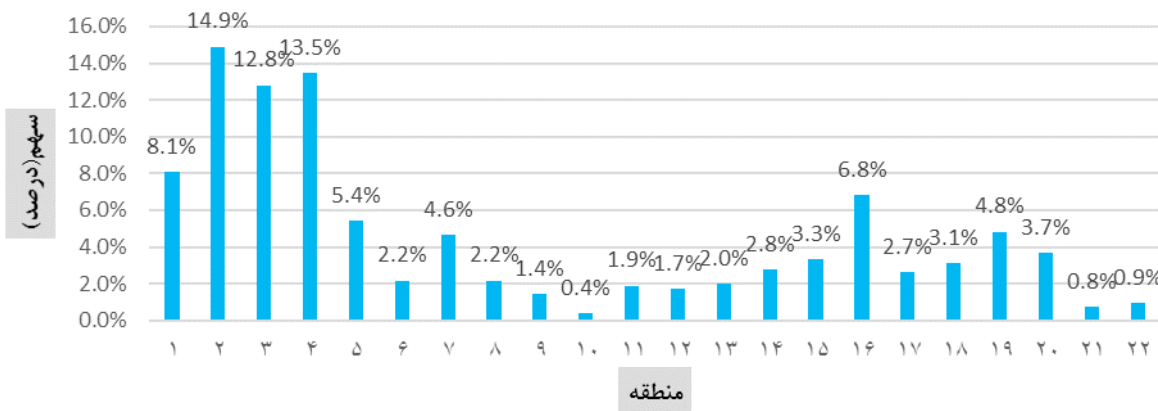
در این خصوص، داده‌های مرتبط با صدور پروانه تخریب و نوسازی در شهر تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۹^۲، مبنای عمل قرار گرفت. علاوه بر این که در تحلیل محتوا بر مبنای حقوقی و نظری موجود اتکا گردیده است.

به منظور تحلیل گرایش‌ها و ترجیحات تخریب و نوسازی، با اتکا بر روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای، چهار هزار و ۵۲۶ پلاک شناسایی گردید. از این تعداد، هزار و ۵۴ مورد، براساس پیش فرض تعریف شده به عنوان ساختمان واجد ظرفیت سکونت و فعالیت تعریف گردیدند. در این فرایند مبنایی به شرح زیر مبنای عمل قرار گرفته است:

1 Domain Analysis

2 Content Analysis

۳ آرشيو نگاری داده‌های آماری صدور پروانه تخریب و نوسازی از سال ۱۳۷۱ آغاز گردید. با این وجود داده‌های موجود تا سال ۱۳۷۷ از انسجام کافی برخوردار نبوده است. ضمن آن که به لحاظ اطلاعاتی کامل نیست. بنابراین غیر قابل استناد بوده است. براین اساس داده‌ها از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۹، مبنای مطالعه قرار گرفته است.



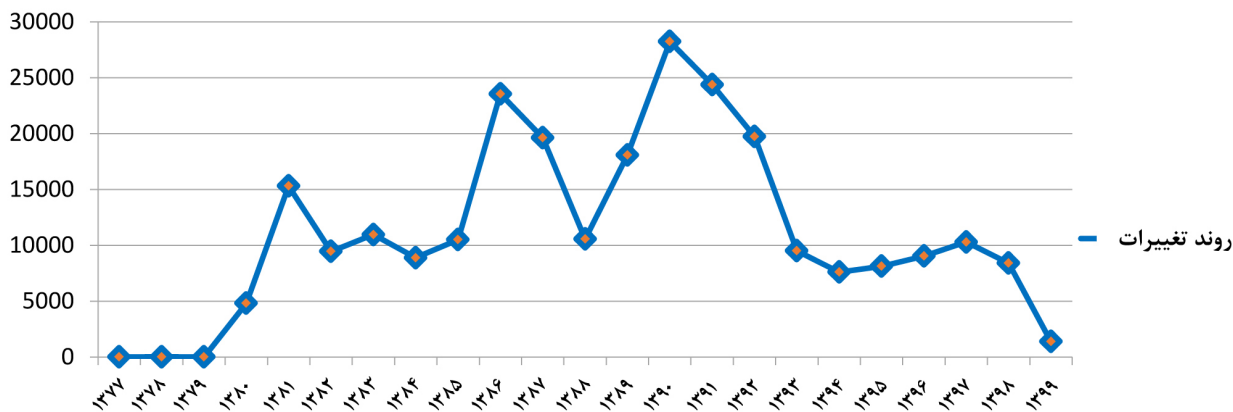
نمودار شماره ۲: فراوانی توزیع پلاک های انتخابی به عنوان بنای بادوام در مناطق شهر تهران (D.P.A.T,2020)

تفصیلی در خصوص صدور پروانه تخریب و نوسازی بوده است، این چنین استدلال می شود که مالکان، سرمایه گذران و یا توسعه گران با بهره گیری از این ضوابط برای دریافت اضافه تراکم اقدام نموده اند. این مهم بدون توجه به عمر بنا بوده و منجر به تخریب آپارتمان های کم عمر و به منظور دریافت یک تا دو طبقه تراکم بیشتر گردید. این آمار از آنجا قابل تأمل است که عمده تخریب های ساختمانی در تهران مربوط به آپارتمان های نه چندان سالخورده است (نمودار شماره ۴) و در محله هایی انجام می شود که سطح قیمت مسکن در آنجا بالاست.

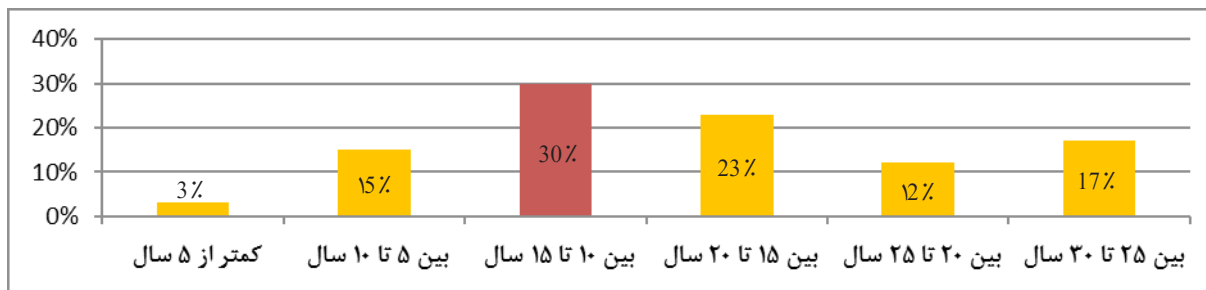
۴. بحث و یافته ها

۴.۱. روند نگاری صدور پروانه تخریب و نوسازی در شهر تهران

روند نگاری نشان می دهد که صدور پروانه تخریب و نوسازی در شهر تهران در این بازه زمانی ۲۰ ساله، به طور متوسط در حدود ۸۰ درصد از کل پروانه های ساختمانی صادر شده در این شهر بوده است. هم چنین طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳، صدور پروانه تخریب و نوسازی به بیشترین میزان خود می رسد (نمودار شماره ۳). از آنجایی که این سال ها، مصادف با گشایش های به وجود آمده در ضوابط طرح



نمودار شماره ۳: روند تغییرات صدور پروانه تخریب و نوسازی طی سال های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۹ (D.P.A.T,2020)



نمودار شماره ۴: سن اینبیه در هنگام درخواست صدور پروانه تخریب و نوسازی (D.P.A.T,2020)

این تحلیل بوده است. بررسی وضعیت این ساختمان ها، پیش و پس از صدور پروانه تخریب و نوسازی حاکی از آن بوده است که "موضوع سن بنا" و یا ظرفیت آن برای بارگذاری عملکردی و بهره برداری، اساساً از سوی مدیریت شهری به عنوان محدودیت مطرح نبوده است. علاوه

همچنین در این ارزیابی، وضعیت ساختمان های نمونه مطابق با وضعیت درج شده آنها در گواهی پایان کار و پس از صدور پروانه تخریب و نوسازی مورد توجه قرار گرفت. وضعیت پهنه بندی، استقرار، تطابق با طرح تفصیلی، مساحت زیربنا و... از جمله موضوعات مورد توجه در

آن دارای اهمیت فراوانی است. هر قطعه زمین به دلیل انحصاری و استثنایی بودن آن نسبت به سایر قطعات و به طور کلی به علت محدودیت عرضه‌ای که دارد، بسیار ارزشمند است. مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که نقش قیمت زمین بر بازار ساخت و ساز بسیار حائز اهمیت است، خصوصاً در بلندمدت که عملاً تولید را کاهش می‌دهد. به طور کلی زمین، کالایی با ماهیت خصوصی و عمومی است که واجد خصوصیات زیر است:

- زمین یکی از سه عنصر شناخته شده در تولید کالا (نیروی کار، سرمایه و زمین) است.
- ارزش زمین خصوصاً در شهرها تا حد زیادی با پدیده اجتماعی شهرنشینی مرتبط می‌شود.
- مالکیت به عنوان یکی از وجوه مهم در سرمایه‌گذاری ساخت و ساز است.

در شرح وابستگی و تأثیرگذاری ارزش اقتصادی زمین بر ساخت و ساز در ساختار اقتصادی کشور می‌توان به این مهم اشاره نمود که با افزایش قیمت زمین، بهای تمام شده احداث ساختمان به شدت افزایش یافته و توجیه‌پذیری فعالیت در بخش ساختمان را کاهش می‌دهد. هرچند در ساختار اقتصادی کشور، افزایش قیمت زمین در بالا رفتن هزینه تمام شده ساخت مؤثر خواهد بود اما به دلیل سودآوری ناشی از فروش تعدد واحدهای ساختمانی، ارزش اقتصادی زمین در افزایش رونق ساخت و ساز اثرگذار است. به عبارت دیگر، با وجود این مهم که تغییرات قیمتی هر مترمربع زمین با قیمت یک مترمربع واحد مسکونی، نزدیک به یکدیگر است و با توجه به این که تعداد واحدهای مسکونی غالباً بعد از ساخت مجدد افزایش می‌یابد، ارزش افزوده قابل توجهی ناشی از تخریب و نوسازی متوجه مالک و یا سرمایه‌گذار می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، تمایل به ساخت و ساز در مناطق با ارزش بالاتر زمین، نسبت به مناطق نیازمند توسعه و بهسازی کالبدی بیشتر است (نمودار شماره ۵).

• **بازدهی:** از جمله عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان (مشمول بر تخریب و نوسازی)، میزان بازدهی ساخت و ساز است. میزان بازدهی ساخت نیز تابع عوامل مختلفی از جمله قیمت تمام شده ساختمان، قیمت ساختمان در بازار و همچنین طول دوره ساخت و فروش (مدت زمان خواب سرمایه) است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، در سال‌هایی که بخش معاملاتی ساختمان با رونق مواجه بوده است، از یک طرف طول دوره ساخت و فروش نیز کاهش می‌یابد و از طرف دیگر قیمت ساختمان نیز در بازار با افزایش مواجه می‌گردد، این در حالی است که قیمت تمام شده به خصوص هزینه ساخت که بخش قابل توجهی از قیمت تمام شده را به خود اختصاص می‌دهد، متناسب با افزایش قیمت ساختمان افزایش نمی‌یابد. بنابراین بازدهی سالانه سرمایه‌گذاری در بخش ساخت و ساز در دوره‌های رونق معاملاتی افزایش می‌یابد. بررسی متغیرهای تأثیرگذار در بازدهی ساخت و ساز مسکن در شهر تهران نشان می‌دهد، متوسط بازدهی کل سرمایه‌گذاری در بخش ساخت و ساز همواره بالاتر از ۵۰ درصد بوده است (Farahzadi et al, 2018). از سوی دیگر فعالیت‌های ساختمانی در کشور همواره به عنوان یکی از مناسب‌ترین فعالیت‌های اقتصادی

بر این که صدور پروانه تخریب و نوسازی منجر به افزایش طبقات و زیربنا گردیده است که منفعت اقتصادی را برای بهره‌بردار به همراه خواهد داشت. در این میان پهنه مسکونی (R) و مشخصاً زیرپهنه R_{122} ، بیشترین سهم را در میان پلاک‌های انتخابی داشته است که با در نظر گرفتن گستره این زیرپهنه در شهر تهران و همچنین اجازه ساخت آن تا پنج طبقه، تمایل به بهره‌برداری از آن، از سوی مالکان و سرمایه‌گذاران توجیه پذیر است. مضاف بر آن که به دلیل تأثیرگذاری ارزش زمین بر ارزش ساختمان داخل آن، هزینه بهینه و حاشیه سود مطلوب ناشی از ساخت و ساز، در تمایل به ساخت در پهنه مسکونی مؤثر بوده است. از سوی دیگر پلاک‌هایی که مطابق با پیش فرض تعریف شده، ساختمان‌های واجد ظرفیت بهره‌برداری تعریف می‌شوند، به لحاظ بهره‌برداری از ضوابط تعیین شده هم تراز با سایر ابنیه هستند. این بدین معناست که موضوع بهره‌وری کارکردهای شهری و لزوم حفاظت از آن در الگوی مدیریت شهری، مبنای عمل و برنامه ریزی نبوده است. در این خصوص می‌توان به ضوابط طرح تفصیلی استناد نمود که به عنوان مبنای عمل تخریب و نوسازی، هیچ گونه تمایزی (تشویقی و یا بازدارنده) در خصوص ساختمان‌های بادوام و سایر پلاک‌ها قائل نشده است. بدین معنا که سهم بهره‌برداری از ضوابط تراکمی (مازاد تراکم و طبقات)، برای این گروه از ساختمان‌ها در قیاس با پلاک‌هایی که لزوماً از سازه بادوام برخوردار نبوده‌اند، یکسان و حتی در مواردی بیشتر است.

۴.۲. تحلیل عوامل کلان (حقوقی، مدیریتی و اقتصادی) مؤثر بر افزایش تقاضای تخریب ابنیه

عوامل محرک تمایل به تخریب و بازساخت ابنیه در شهر تهران را می‌توان در وجوهی به شرح زیر تشریح نمود:

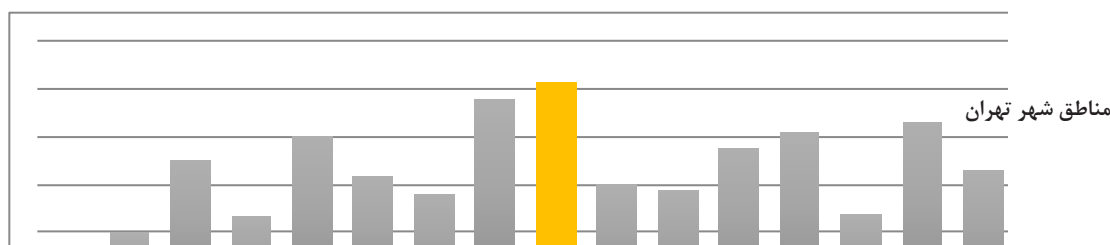
- **ایجاد ارزش افزوده:** تخریب ساختمان فارغ از سن و نوع کیفیت ساخت (دوام) دارای ارزش افزوده است و تا زمانی که این ارزش افزوده برای مالک/سازنده وجود نداشته باشد می‌تواند مانع از در نظر گرفتن هزینه‌های ناشی از تخریب گردد. ضمن آن که هزینه‌های ملموس تخریب ساختمان‌های بادوام مشخصاً متوجه مالک و سازنده می‌شود و سایر هزینه‌ها از جمله هزینه‌های زیست‌محیطی^۱ و یا اقتصادی^۲، "بلندمدت" و "غیرمستقیم" بوده و از آنجایی که در الگوی مدیریتی کشور و همچنین شهر تهران از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده، مورد توجه نیست. از سوی دیگر ارزش افزوده ناشی از تخریب ساختمان را می‌توان متأثر از "وابستگی ارزش اقتصادی ساختمان به زمین" تشریح نمود:

زمین به عنوان نقطه شروع هرگونه توسعه شهری اعم از ساختمان، صنعت، خدمات اجتماعی، ارتباطات، تأسیسات زیربنایی و نظایر

۱ هزار و ۵۴ نمونه که ۲۳ درصد از کل پلاک‌های انتخابی را شامل می‌شوند.

۲ هزینه‌های زیست محیطی مشتمل بر هزینه‌های ناشی از تولید نخاله‌های ساختمانی که بخشی از آن نیز قابل بازیافت نیست.

۳ هزینه‌های اقتصادی، به هزینه ناشی از هدررفت ساختمان به عنوان یک ارزش ملی اطلاق می‌شود. هشت درصد از درآمد ناخالص کشور در بخش ساختمان هزینه می‌شود که در مقایسه با کشورهایی که عمر مفید بهره‌برداری از ساختمان در آن‌ها بالاست، این عدد سهم بالایی است.



نمودار شماره ۵: صدور پروانه تخریب و نوسازی در شهر تهران (D.P.A.T.2020)

● **اشتغال:** یکی از وجوه ساخت و ساز موضوع اشتغال و تأییدپذیری آن از بخش ساختمان است. تعداد شاغلان در بخش ساختمان و فعالیت‌های وابسته به آن از جمله فعالیت‌های املاک و مستغلات، فعالیت‌های مالی و بیمه، آبرسانی و ... توزیع می‌گردد. در این میان شاغلان در بخش ساختمان که مشتمل بر کارکنان بخش خصوصی و عمومی هستند، بعد از شاغلان در بخش‌های کشاورزی و تولید صنعتی، بیشترین سهم از اشتغال را در کشور به خود اختصاص می‌دهند (جدول شماره ۱). براین اساس این چنین استدلال می‌شود که فعالیت‌های ساختمانی سهم بالایی در ایجاد اشتغال در کشور و همچنین شهر تهران ایفا می‌کنند. براین اساس تحرک چرخه ساخت و ساز از عوامل مهم و تأثیرگذار بر اشتغال است و هرگونه رکود در آن می‌تواند میزان اشتغال را تحت تأثیر قرار دهد.

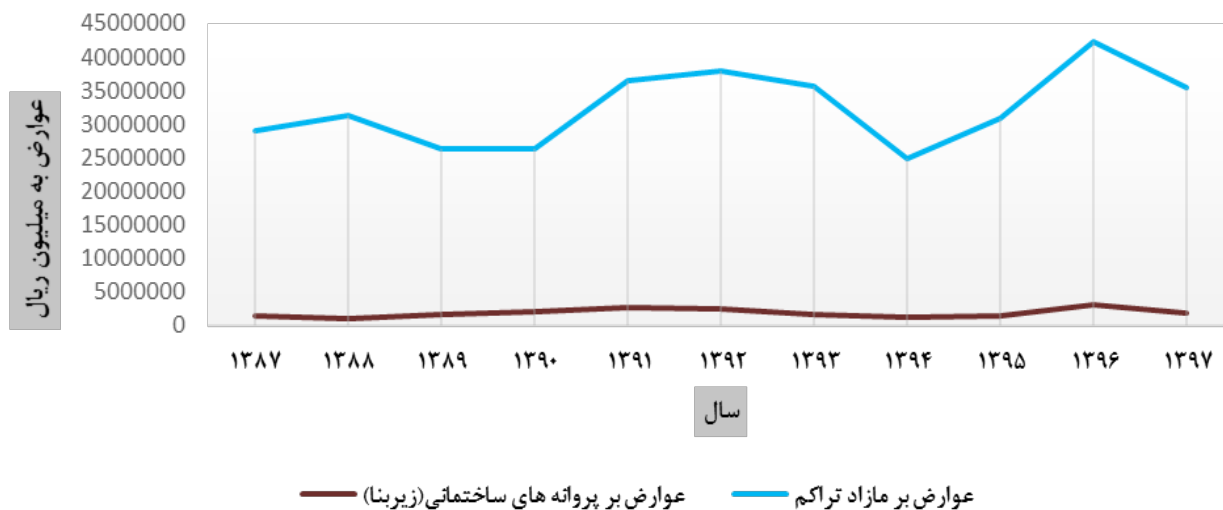
برای کسانی بوده است که به دنبال فعالیت‌های سودآور اقتصادی هستند. مقایسه ارقام سرمایه‌گذاری ملی در بخش‌های گوناگون برنامه‌های عمرانی نشان می‌دهد که سهم عظیمی از این سرمایه‌ها در پروژه‌های ساختمانی و صنایع وابسته به آن به کار گرفته می‌شوند. به عقیده برخی از تحلیل‌گران اقتصادی، طی سه دهه گذشته، ۳۰ تا ۴۰ درصد از درآمدهای ارزی دولت در قالب بودجه‌های عمرانی برای انجام طرح‌های مهندسی و ساختمانی صرف شده است. اگر سرمایه‌های ملی به کار گرفته شده در صدها رشته از صنایع و خدمات غیرساختمانی که در خدمت بخش ساخت و ساز قرار می‌گیرند، به این میزان اضافه شود، بزرگی حجم ثروت ملی در این بخش بیشتر روشن می‌شود (Mokhtarpour, 2020).

جدول شماره ۱: میزان اشتغال در گروه‌های عمده‌های شغلی براساس آمار سال ۱۳۹۷

کل	جنس و گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی
4,213,157	کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری
195,531	استخراج معدن
4,127,572	تولید صنعتی (ساخت)
170,836	تأمین برق، گاز، بخار و تهویه هوا
133,434	آبرسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و تصفیه
3,000,285	ساختمان
3,734,496	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر و وسایل نقلیه
2,241,280	حمل و نقل و انبارداری
370,848	فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جاذبه
213,521	اطلاعات و ارتباطات
327,482	فعالیت‌های مالی و بیمه
166,345	فعالیت‌های املاک و مستغلات
328,230	فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
308,399	فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
1,354,367	اداره امور عمومی و دفاع، تأمین اجتماعی اجباری
1,422,061	آموزش
739,609	فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی
144,966	هنر، سرگرمی و تفریح
575,443	سایر فعالیت‌های خدماتی
40,118	فعالیت‌های خانوار به عنوان کارفرما، خودمصرفی
1,193	فعالیت‌های سازمان‌ها و هیئت‌های برون مرزی
3,860	فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده

(Iran Amar Organization, 2016)

بر مازاد تراکم از جمله کدهای درآمدی هستند که از تخریب و نوسازی ساختمان متأثرند. عملکرد شهرداری تهران طی ده سال (۱۳۹۷-۱۳۸۷) در بهره‌برداری از این کدهای درآمدی به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است (نمودار شماره ۶).



نمودار شماره ۶: روند تغییرات عملکرد شهرداری در دریافت عوارض مازاد تراکم و زیربنا (به میلیون ریال) (C.O.T, 2020).

۵. نتیجه‌گیری

وجه تمایز مطالعه حاضر با مطالعات صورت گرفته در این خصوص، بر تأکید آن بر مبانی حقوقی در مدیریت عرضه و تقاضای تخریب است. موضوعی که به نظر می‌رسد به لحاظ پیشینه مطالعاتی محدودیت داشته است. مضاف بر آن که روند نگاری‌ها و مطالعات مبتنی بر تبیین گرایش‌ها برای تخریب و نوسازی حاکی از آن بوده است که حوزه ساختمان به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی اقتصاد کلان، به شدت تحت تأثیر رویکردها و سیاست‌گذاری‌های کلان است و در این خصوص مبانی حقوقی و ضابطه‌ای مدیریت شهری نمی‌تواند راهگشا باشد. علاوه بر این که ضعف اجرایی و نظارتی و تأثیرگذاری و همچنین ناهماهنگی مدیریتی و اجرایی قوانین و مقررات، از مهم‌ترین مسائلی هستند که منجر به تخریب ساختمان‌هایی می‌شود که همچنان از ظرفیت نگهداشت برخوردارند. یکی از کاستی‌های نظام حقوقی ساختمانی، "تخلفات ساختمانی" از منظر ضوابط و مقررات مربوطه است. به گونه‌ای که "حدود تعریف تخلفات ساختمانی" در یک بازه محدود مشتمل بر نداشتن پروانه ساختمانی یا عدم رعایت ضوابط و مقررات ملی ساختمان تعریف گردیده است. این در صورتی است که نظارت بر نحوه ساخت به لحاظ قانونی و اجرایی همچنان دچار ضعف است و مدیریت تقاضا برای تخریب ساختمان فاقد ابزارهای کارآمد است. به طور کلی، گرایش به تخریب و نوسازی را می‌توان در سطوح زیرتدقیق نمود.

• سطح عمومی

این سطح می‌تواند عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر تقاضای تخریب و نوسازی را شامل شود:

— به تبع عدم تعادل در اقتصاد شهر و در نبود مجاری مطمئن سرمایه‌گذاری و جذب آن در بخش‌های تولیدی (کالای مولد) در

• منبع درآمد برای مدیریت شهری: در این میان بخش قابل توجهی از درآمد شهرداری‌ها از منابع درآمدی ناپایدار است که عموماً کدهای درآمدی مبتنی بر دریافت عوارض ساختمانی را شامل می‌شوند. عوارض بر پروانه‌های ساختمانی (زیربنا) و همچنین عوارض

روند نگاری حاصل از عملکرد شهرداری در تأمین منابع درآمدی ناپایدار^۱ از جمله عوارض بر مازاد تراکم و همچنین عوارض بر پروانه‌های ساختمانی (زیربنا) نشان می‌دهد که عوارض مازاد بر تراکم روند متغیری داشته و از سال ۱۳۹۶، رو به تنزل بوده است، به گونه‌ای که می‌توان اثر این روند کاهشی را در روند صدور پروانه تخریب و نوسازی مشاهده نمود. هرچند به طور کلی دریافت عوارض مازاد بر تراکم روندی صعودی داشته است. ضمن آن که بررسی روند تغییرات عوارض مازاد تراکم، بیشترین سهم از کدهای درآمدی شهرداری‌ها (مشخصاً کدهای درآمدی شهرسازی) را طی ۱۰ سال (طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷) در اختیار داشته است. بدین معنا که وابستگی درآمدی مدیریت شهری به عوارض مازاد تراکم، خود عامل محرکی در جهت تشویق به تخریب و نوسازی است. بنابراین این چنین استدلال می‌شود که بخش قابل توجهی از درآمد شهرداری‌ها وابسته به چرخه تخریب و ساخت و همچنین فروش تراکم است. بر این اساس مشخصاً هزینه‌های ناشی از تخریب ساختمان فارغ از کیفیت ساخت، ارزش تاریخی و فرهنگی و همچنین عملکرد نمی‌تواند عواید ناشی از آن را به دلایلی به شرح زیر برای مالک و یا سرمایه‌گذار تحت تأثیر قرار دهد:

- زمان بر بودن مشخص شدن اثرات ناشی از تخریب و نوسازی،
- وجه عمومی هزینه‌ها و
- اثرگذاری غیرمستقیم هزینه‌ها بر اشخاص.

۱ منابع درآمدی که از آنها می‌توان به عنوان منابع درآمدی غیرثابت که از محل‌های غیراساسی و پایه‌ای تأمین می‌شوند، نام برد.

سال‌های اخیر و با توجه به ارزش افزوده زمین و مسکن در شهر تهران، سوددهی ساخت‌وساز یکی از جذاب‌ترین عرصه‌ها برای سرمایه‌گذاری گردیده است.

– ضمن آن که تحلیل جامعه آماری با در نظر گرفتن پیش فرض بازه زمانی ۲۰ ساله برای صدور پایان کار و درخواست تخریب و نوسازی نشان می‌دهد که ۹۷ درصد از پلاک‌ها، متقاضی افزایش طبقات و یا واحدها بوده‌اند و قریب به اتفاق از مازاد تراکم ساخت بهره‌برده‌اند. براین اساس، پرداخت هزینه‌های ناشی از این فرایند برای مالکان و همچنین سرمایه‌گذاران، قابل چشم‌پوشی و تخریب و نوسازی برای بهره‌برداران با سود و انتفاع توأمان بوده است.

– در مبانی و رویه‌های قانونی موجود از جمله ضوابط طرح تفصیلی شهر تهران، هیچ‌گونه تمایزی برای تخریب و نوسازی ساختمان‌های بادوام با سایر ساختمان‌ها اعمال نگردیده است. بدین معنا که تمامی ساختمان‌ها اعم از بادوام و مستهلک حق بهره‌برداری از یک ضابطه تشویقی دارند و مبانی دریافت عوارض نیز برای آنها یکسان است.

• سطح قانونی

در سطح قانونی، مبانی به شرح زیر استخراج گردیده است.

الف- بسترهای طرح تفصیلی در افزایش گرایش‌ها به تخریب و نوسازی: طرح تفصیلی موجود براساس مصلحت‌اندیشی و با رویکرد تراکم فروشی تنظیم شده است. به‌گونه‌ای که به خصوص در پهنه‌های مسکونی، فروش تراکم ساختمانی و اعمال ظرفیت برای طبقات تشویقی، نه تنها مشکلاتی را برای منظر شهری ایجاد نموده، بلکه به واسطه سودآوری، موجب عدم تعادل در تخریب و نوسازی در شهر گردیده است. به‌گونه‌ای که تعداد واحدهای مسکونی تأمین شده ناشی از صدور پروانه تخریب و نوسازی در شهر تهران در سال پایه تعیین شده بیشتر از تعداد واحدهای مسکونی برآورد شده در طرح جامع مسکن استان تهران بوده است. از سوی دیگر اصولاً تعریف مشخصی از ساختمان بادوام و الزام به حفاظت از آن به عنوان یک ارزش ملی در طرح تفصیلی شهر تهران، در نظر گرفته نشده است. این مهم را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین خلأ در موضوع مدیریت تقاضای تخریب و نوسازی ساختمان‌های بادوام مطرح نمود.

ب- سیاست‌های کلان: افزایش و نوسانات نرخ ارز، هزینه تولید ساختمان را از طریق شاخصه‌هایی چون قیمت زمین، بهای خدمات و همچنین قیمت مصالح ساختمانی طی سال‌های اخیر تحت تأثیر قرار داده است. براین اساس عملاً گرایش به سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان با رکود نسبی مواجه گردید. بنابراین دولت به منظور خروج از رکود و بدون در نظر گرفتن تبعات حاصل از رونق ساخت و ساز، بدون توجه به شرایط حاکم بر کیفیت شهر و نیازهای نظارتی در ساخت، با اعمال سیاست‌هایی چون کاهش سود سپرده‌های بانکی و همچنین پرداخت تسهیلات، مسیر سرمایه‌گذاری به سمت ساخت را هموار نموده است. در نتیجه با توجه به منافع حاصل از تخریب و نوسازی برای سرمایه‌گذاران و مالکان، سرمایه‌گذاری در بخش مسکن تداوم یافته است.

ج- وجوه قانونی منابع درآمدی ناپایدار مدیریت شهری: با توجه به کاستی‌های قانونی موجود در تأمین منابع درآمدی پایدار شهرداری، از جمله ضعف در دریافت بهای خدمات شهری و همچنین عوارض سالیانه نوسازی، عوارض مازاد تراکم، اصلی‌ترین منبع درآمدی شهرداری‌ها گردیده است که لازم است در این موضوع اصلاحاتی اعمال گردد. ضمن آن که در ارتباط با موضوع تخریب و نوسازی ساختمان‌های بادوام، عملاً مصوبه‌ای که بتواند مبنای عمل قرار گیرد، تعریف نگردیده است.

بنابراین محورهای اصلی در اولویت بخشی به حفاظت از ساختمان‌های واجد ظرفیت بهره‌برداری را می‌توان به شرح زیر برشمرد.

محور اول- فرهنگ حاکم در اولویت بخشی به منافع عمومی یا خصوصی این موضوع را می‌توان در دو وجه فرهنگی و قانونی مورد بررسی قرار داد:

وجه فرهنگی: مهم‌ترین مشکل اجتماعی کشور، تعارض منافع یا ترجیح منافع فردی به منافع عمومی است که در واقع ریشه فرهنگی دارد. منافع شخصی برای افراد، منفعت کوتاه مدت دارد و منافع اجتماعی، در بلندمدت نتیجه می‌دهد. تعارض منافع به این معناست که فرد یا سازمان در جایگاهی قرار می‌گیرد که در آن، بین منافع شخصی و منافع اجتماعی تعارضی ایجاد می‌شود. اگر در این موقعیت‌ها انتخاب شخص یا سازمان به سمت منافع خودشان باشد، فساد ایجاد می‌شود. هرچند نمی‌توان این چنین ادعا نمود که تعارض منافع به خودی خود و یا در تمامی موضوعات به معنای فساد است. ضمن آن که نمی‌تواند در یک جامعه این انتظار وجود داشته باشد که تمامی شهروندان منافع عمومی را ارجح بر منافع شخصی تعریف می‌کنند. "نگاه کوتاه مدت" به مسائل یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های جامعه ایرانی است و همین نگاه کوتاه مدت سبب می‌شود، افراد به جای این که منافع ملی و عمومی را در نظر داشته باشند، منافع شخصی را در نظر بگیرند. از منظر صاحب‌نظران، ارجحیت منافع شخصی به عمومی در ایران ریشه تاریخی دارد و نمی‌توان راهکاری ساده و یک خطی برای آن ارائه دارد و این موضوع نیازمند فرهنگ سازی است (Ravanbakhsh, 2019).

وجه قانونی: علاوه بر وجه فرهنگی و تاریخی ارجحیت منافع شخصی به عمومی در کشور، وجه قانونی این ارجحیت است که در سطح کلان (سازمان فضایی شهر) و در سطح خرد (تخریب و نوسازی ساختمان) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حق مالکانه، حق مشروع افراد در قانون و شرع است که در قانون اساسی کشور نیز بر آن تأکید گردیده است. هرچند در مواردی از جمله ماده ۱۳۲ قانون مدنی^۱، در صورت ضرر به غیر، محدود می‌شود، اما به نظر می‌رسد همچنان نقش تحدیدکننده‌ای در بهره‌برداری از این حق نداشته است. بنابراین این چنین استنتاج می‌شود که

الف. وجه قانونی ارجحیت بخشی به حقوق مالکانه (به عنوان یک حق خصوصی) و

ب. ریشه فرهنگی حاکم بر نگرش عمومی جامعه گرایش عمومی در راستای اولویت‌دهی به منافع عمومی را در جامعه تحت تأثیر قرار داده است.

۱ کسی نمی‌تواند در ملک تصرفی کند که مستلزم ضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت و رفع ضرر از خود باشد.

References:

- Bullen A. P. (2007). Adaptive reuse and sustainability of commercial buildings, Facilities, Vol. 25 No. 1/2.
- Celadyn, W. (2014). Durability of Buildings and Sustainable Architecture, Technical Transactions. 7-A.
- Chen, J. & Zhu, A (2008). The Relationship between Housing Investment and Economic Growth in China: A panel Analysis Using Quarterly Provincial Data. Working Paper. Department of Economics. Uppsala: Uppsala University, Department of Economics.
- City-Parish Planning Commission(CPPC). (2004). Infill Development. Louisiana: Information Bulletin, No. 43.
- Civilization Office of Tehran Municipality (C. O. T). (2020). Amalkard e Radifha-ye shahrsazi [Urban Planning Codes' Function]. Tehran: Tehran Municipality. [in Persian]
- Cohen, M. & Simet, L. (2018). Macroeconomy and Urban Productivity, Chapter 6; Dynamic Urban Planet. Cambridge: Cambridge University Press.
- Department of Planning and Architecture Tehran Municipality (D.P.A). (2020), Parvaneha-ye Sadereh az Sal e 1371 ta Nimeh Khordad e 1399 [Licenses issued to Construct during 20 years]. Tehran: Tehran Municipality. [in Persian].
- Douglas, J. (2006). Building Adaptation, 2nd edn, London: Butterworth- Heinemann.
- Farahzadi, M. (2018). Barressi va Tahlil e Amarha-ye Makan va Sakhteman [Evaluation & Analysis of Housing and building], Tehran: Statistical Centre of Iran. Retrieved from <https://www.amar.org.ir/news/ID/>. [in Persian]
- Felt, E. (2006). Patching the Fabric of the Neighborhood: The Practical Challenges of Infill Housing Development for CDCs, Cambridge, MA and Washington, DC: Harvard Joint Center for Housing Studies and Neighbor Works America.
- Glaeser, L. E., & Xiang, W (2017). Urban Productivity in the developing world, Oxford Review of Economic Policy, 33(3), 373-404.
- Hajilo, H. (2004). Moarefi Ravashha-ye Tahlil e Dadehha-ye Keifi ba Taakid bar Ravashha-ye Tahlil e Mohtava [Introduction of Methods to Qualitative Data Analysis with focus on qualitative content analysis]. Etelae Resani, Amouzeshe va Pazhoheshi, (2)7-8, 55-62. [in Persian]
- Iran Amar Organization (2016), Sarshomari-

بر این اساس موضوع حفظ و نگهداشت ساختمان بادوام با تأکید بر فرهنگ سازی و جلب مشارکت‌های مردمی می‌بایست با در نظر گرفتن موارد زیر به ارائه راهکار بپردازد:

- شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه،
- تأمین منفعت اختصاصی برای شهروندان،
- حفظ منافع عمومی شهرو
- آگاهی بخشی و اطلاع رسانی عمومی در ارتباط با اهمیت موضوع حفاظت از ساختمان‌های پایا.

محور دوم- تأمین منفعت خصوصی شهروندان

بر اساس آنچه از مطالعات استنتاج می‌شود، لزوم ایجاد ارزش افزوده، ناشی از تخریب ساختمان‌های بادوام برای مالکان و سرمایه‌گذاران است. در این موضوع معادل سازی ارزش افزوده تخریب و نوسازی از طریق اقدامات مکمل مورد پیشنهاد است.

• **اتصال سرنوشت بناها به جریان زندگی عمومی از طریق تسهیل تزریق عملکرد:** بهره‌گیری از رویکرد تزریق کاربری انطباقی به بناهای تاریخی می‌تواند راهکاری مؤثر به منظور افزایش تمایل به حفظ ساختمان‌هایی باشد که به لحاظ کالبدی و محیط زیست (معیارهای مدنظر در تعریف ساختمان بادوام) پایا هستند. در این رویکرد، به مالک اجازه داده می‌شود با در نظر گرفتن مفاهیمی چون تجانس (همخوانی در کالبد، زمینه و عملکرد) و همچنین تراحم (حداقل تراحم عملکرد با زمینه و نظام فعالیتی همجوار)، به تزریق عملکرد جدید در ساختمان بپردازد. بهره‌گیری از این رویکرد به صورت توأمان در راستای اتصال بنا به جریان زندگی عمومی و همچنین تأمین منافع خصوصی مالک مؤثر است. ضمن آن که منفعت عمومی حاصل از حفاظت ساختمان بادوام رانیز حفظ نموده است. در این خصوص اتکا بر عملکردهای مدنظر بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها می‌تواند در تسهیل حقوقی تزریق عملکرد مؤثر واقع گردد.

• **سودآور شدن حفظ بنا برای مالک:** ارزش افزوده ناشی از حفظ بنا برای مالک می‌بایست به گونه‌ای تعریف شود که معادل و یا حتی ارجح بر ارزش افزوده ناشی از تخریب و نوسازی باشد. با توجه به این که این مهم مبتنی بر نظام اقتصادی کشور است، می‌بایست با بسترهای حمایتی حقوقی و قانونی صورت پذیرد. بدین معنا که لازم است مدیریت شهری به عنوان یکی از ارکان اصلی در حوزه تخریب و نوسازی ساختمان، زمینه‌های حقوقی را در این ارتباط ایجاد نماید که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ارائه تسهیلات،
- بهره‌گیری از ابزارهای کنترلی و نظارتی از جمله وضع و یا تخفیف در عوارض و
- اصلاح روند صدور پروانه‌های تخریب و نوسازی با تأکید بر مفاهیم نظارتی و کنترلی ساخت، تخریب و نوسازی.

- ye Nofous va Maskan e sal e 1395 [Detailed census information of 2016 in Iran], [in Persian].
- Langston, C., & Chen L.Y. (2007). Application of the adaptive reuse potential model in Hong Kong: A case study of Lui Seng Chun, International Journal of Strategic Property Management, 11(4).193-207.
 - Langston, C. (2011). The Sustainability Implications of Building Adaptive Reuse, this research is funded by an Australian Research Council Linkage Project grant 2007-2010 in collaboration with The Uniting Church in Australia and Williams Boag Architects.
 - Langston, C., Yung, E. H-K., & Chan, E. HW. (2013). The application of ARP modelling to adaptive reuse projects in Hong Kong, Habitat International 40 (2013) 233-243.
 - Leung, Ch. (2004). Macroeconomics and Housing: A Review of the Literature. Journal of Housing Economics, 13 (4) .249- 267.
 - Mehregan,N, & Tatar,M(2014). Barresi e Asarat Kotah Modat va Bolanad Modat e Hazineha bar Gheimat e Maskan e Tehran [Evaluation of short and long effects of Expenses on the price of housing in Tehran], Eghtesad e Maskan,50.48-68. [in Persian].
 - Mokhtarpour, R. (2020). Sakht va Saz ha-ye Shahri [Urban Construction], Tehran: Iran's Municipalities and village administrators. [in Persian].
 - Pollakowski,H (2003). Rent Control and Housing Investment: Evidence from Deregulation in Cambridge, Massachusetts, Journal of Housing Economics. No.36.55-70.
 - Ravanbakhsh,M(2019).Farhang[Culture],Retrieved fromhttp://www.tansimnews.com. [in Persian]
 - Sahebi, M. & Etezadifar, H. (2014). Moarefi e Shakhesha-ye Omr e Mofid e Baghimandeh Sakhteman Baraye Arzayabi Asibpaziri e Larzei Sazeha [Presentation of efficiency age of Building to Evaluate Earthquake Vulnerability], Sazeh va Foulad,10(15),55-66. [in Persian]
 - Spiliotopoulou,M & Roseland,M (2021). Urban sustainability via urban productivity? A conceptual review and framework proposal, Environment & Sustainability Journal.No.2.177-196.
 - Tehran Municipality ICT Organization (2020). Amarnameh-ye Shahr e Tehran [Statistical Yearbook of Tehran in 2019]. Tehran: Tehran Municipality. [in Persian].
 - Tan, Y., Chen L., & Langston, C. (2014). A fuzzy approach for adaptive reuse selection of industrial building in Hong Kong, international journal of strategic property management, 18(1). 66–76.

نحوه ارجاع به مقاله:

پورجوهری، امیرحسین؛ (۱۴۰۱) بررسی نقش محرک‌های مدیریتی-اقتصادی در کاهش دوره بهره‌وری ابنیه (نمونه مورد مطالعه: شهر تهران)، مطالعات شهری، ۱۲ (۴۵)، ۵۷-۶۸. doi: 10.34785/J011.2022.008/Jms.2023.108

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



بررسی نقش سازمانهای مردم نهاد در بهبود تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر پاندمی کووید-۱۹

مجتبی آراسته^۱ - استادیار، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
محمدحسین پورحسن زاده - دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
مریم بقایی - دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری، شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۰ دی ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۲۹ خرداد ۱۴۰۱

چکیده

آسیب های ناشی از بحران جهانی بیماری کرونا، شهرها و مدیریت شهری را با وضعیت دشواری روبه رو کرده است. درجه و شدت این آسیب ها در اسکان های غیررسمی به دلیل خصوصیات و ویژگی های کمی و کیفی پایین این مناطق بیشتر است. هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی نقش سازمان های مردم نهاد در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر پاندمی کووید-۱۹ است. روش تحقیق پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه سازمان های مردم نهاد فعال در شهر ارومیه با زمینه فعالیتی مقابله با کووید-۱۹ بوده است. شیوه نمونه گیری تحقیق نیز به صورت تصادفی ساده و به روش قرعه کشی است. داده ها و اطلاعات گردآوری شده در این پژوهش، با استفاده از آمار توصیفی میانگین و آزمون های کولموگروف-اسمیرنوف و فریدمن در نرم افزار Spss تجزیه و تحلیل شده اند. نتایج نشان می دهد که میزان نقش و فعالیت سازمان های مردم نهاد برای ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر کووید-۱۹ در مؤلفه اجتماعی-فرهنگی با میانگین ۳/۶۶ متوسط رو به بالا، در مؤلفه اقتصادی-معیشتی با میانگین ۲/۹۵ متوسط رو به پایین و در مؤلفه کالبدی-محیطی با میانگین ۳/۱۱ در حد متوسط بوده است. بدین منظور پیشنهاد می شود با توجه به تأثیری که بیماری فراگیر کووید-۱۹ بر اقتصاد و گسست سرمایه اجتماعی شهروندان ساکن در سکونتگاه های غیررسمی می گذارد، سازمان های مردم نهاد تمرکز خود را بر روی جذب حمایت های اقتصادی و اجتماعی بخش های دولتی، عمومی و خصوصی قرار دهند. همچنین لازم است توجه ویژه ای به ارائه مشوق ها و بسته های حمایت مالی برای حفاظت از سلامت و امنیت اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن در این سکونتگاه ها شود.

واژگان کلیدی: تاب آوری، سکونتگاه های غیررسمی، سازمان های مردم نهاد (NGOs)، کووید-۱۹، شهر ارومیه.

نکات برجسته

- بیماری کووید-۱۹ خلأهای قابل توجهی را در مدیریت بهداشتی و نرخ بالای گسترش بیماری های واگیردار در سکونتگاه های غیررسمی آشکار نموده است.
- ما در این پژوهش روی سه مؤلفه و هشت شاخص تاب آوری متمرکز شدیم تا عملکرد سازمان های مردم نهاد را در زمینه کنترل شیوع گسترده بیماری کووید-۱۹ ارزیابی کنیم.
- آسیب پذیری سکونتگاه های غیررسمی در ارومیه در مواجهه با بیماری کووید-۱۹ بیشتر مبتنی بر مؤلفه های اقتصادی-معیشتی بود.

۱. مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی عواقب و پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و با آسیب های شهری متعددی همراه شده است؛ نارسایی های تأسیساتی، آسیب اقتصادی و زیست محیطی، نارسایی های خدماتی در حوزه های شهری و به دنبال آن ایجاد سکونتگاه های غیررسمی از جمله پیامدهای شهرنشینی شتابان به شمار می رود (Veisi, 2017). اسکان غیررسمی نوعی سکونت در فضای شهری است که در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی با سایر انواع سکونتگاه های موجود در شهر تفاوت های اساسی را نشان می دهد (Abbasi Fallah et al., 2017: 110). این سکونتگاه ها همواره با مسائل و مشکلاتی از قبیل فقر و بیکاری، نبود امنیت و وجود انواع آسیب های اجتماعی، بی عدالتی های اجتماعی-اقتصادی، مشکلات بهداشتی-محیطی و عدم رسیدگی شهرداری درگیر هستند. در عین حال افراد ساکن در این سکونتگاه ها، به دلیل تراکم بالای جمعیت، مدیریت نامناسب زباله و سیستم های زهکشی ضعیف، وضعیت بهداشتی بسیار نامناسب (Van Welie & Romijn, 2018: 250) و نرخ بالای انتقال بیماری های عفونی (Von Seidlein et al., 2021: 3) با خطرهای بیشتری مواجه هستند. بررسی ها نشان می دهد پس از فراگیر شدن بیماری کرونا در جهان، سرایت این بیماری در محلات فقیرتر و همچنین سکونتگاه های غیررسمی به دلیل تراکم جمعیت بالا، مسکن ناکافی و امکانات محدود آب و فاضلاب بیشتر بوده است (Shupler et al, 2021: 2). بنابراین شیوه مقابله و میزان تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی در برابر بیماری پاندمیک کووید-۱۹ یکی از مهمترین چالش های شهری است. در کنار لزوم توجه مدیریت شهری به مسائل سکونتگاه های غیررسمی در زمان شیوع کووید-۱۹ برای کاستن از مشکلات بُعرج ساکنان آنها و ارتقای تاب آوری این مناطق در برابر کووید-۱۹، از نقش بسزای سازمان های مردم نهاد نیز نایستی غافل شد؛ چرا که این سازمان ها بازیگران مهمی در زمینه مدیریت بحران هستند (Moroto et al., 2018: 248). به دلیل برخورداری از نقاط قوتی همچون توان ایجاد پیوندهای عمیق محلی، آگاه سازی عمومی، انعطاف پذیری و پاسخگویی سریع، می توانند نقش پررنگی در چرخه مدیریت بحران ایفا کنند و در حوزه هایی مانند نگه داری بازماندگان، معلولان، سرپرستی افراد، جمع آوری کمک های مالی، آموزش همگانی به منظور افزایش آمادگی، اطلاع رسانی به مردم و ایجاد شبکه اطلاع رسانی، تشکیل تیم های عملیاتی در مراحل گوناگون مدیریت بحران، انجام تحقیقات مرتبط، همکاری با سازمان های مسئول دولتی مثل آتش نشانی در امر آموزش، ارائه خدمات حمایتی و امثال آن، به بهبود مدیریت بحران کمک کنند (Habibpour Gatabi & Kari Jafari, 2019).

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش سازمان های مردم نهاد در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر بیماری کووید-۱۹ است. بر اساس آمار و بررسی های به عمل آمده، بالغ بر ۲۳ سکونتگاه غیررسمی در شهر ارومیه وجود دارد. از جمله مهمترین سکونتگاه های غیررسمی در این شهر می توان به محله های وکیل آباد، اسلام آباد ۲، کشتارگاه و طریزولو اشاره کرد که بیشترین سطح شهر را به خود اختصاص داده اند. ضمن این که در حال حاضر حدود ۲۰۰ سازمان

فعال مردم نهاد در شهر ارومیه وجود دارد که به صورت خودجوش و داوطلبانه در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به فعالیت می پردازند. درآمد پایین ساکنان، بیکاری، قیمت پایین زمین، خدمات رسانی ضعیف شهری، تراکم جمعیتی بسیار بالا و پایین بودن سطح سواد، از اصلی ترین و مهم ترین مشکلات سکونتگاه های غیررسمی در شهر ارومیه است که معضلات و مشکلات ثانویه عدیده ای در ابعاد مختلف اجتماعی (جرم و جنایت، سرقت و ...)، اقتصادی (اشتغال افراد در شغل های کاذب، سوداگری و ...)، کالبدی (ساخت و ساز غیرمجاز، کیفیت پایین مسکن و ...) و زیست محیطی (بروز انواع آلودگی ها، بیماری و ...) را در پی داشته است. بنابراین توجه به حفظ تاب آوری این سکونتگاه ها، امری مهم و ضروری به شمار می رود. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اصلی است که فعالیت ها و اقدامات سازمان های مردم نهاد در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر کووید-۱۹ به چه میزان بوده است؟ و در ادامه این سئوالات مطرح می گردد که نقش سازمان های مردم نهاد در شاخص های مربوط به هریک از ابعاد مختلف فرهنگی-آموزشی، اقتصادی و ... چگونه بوده است؟ و مشکلات و موانع پیش روی سازمان های مردم نهاد در حوزه اقدامات مقابله ای در برابر کرونا در سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه کدامند؟

۲. چارچوب نظری

تاب آوری شهری به طور گسترده، توانایی یک سیستم شهری برای مقاومت، جذب، بازیابی و سازگاری موفق تر با رویدادهای نامطلوب به شیوه ای به موقع و کارآمد را توصیف می کند. سیستم شهر تاب آور پویا و تغییرپذیر است؛ در زمان وقوع خطر، تغییرات را جذب می کند و باز هم به حالت تعادل باز می گردد. این شهر توانایی برگشت به عقب و پذیرش تهدید را دارد. این ویژگی ها منجر به این می شوند که شهر تاب آور پایدار و پویا باشد (Pourhasanzadeh & Ahmadi, 2020: 3). بحران های غیرمترقبه و بی سابقه اخیر، مانند رکوردشکنی طوفان ها و موج گرما، همه گیری کووید-۱۹ و اعتراضات ضد نژادپرستی، توانایی شهرها را برای عبور از چالش های پیچیده اجتماعی و تغییرات سریع آزمایش می کند (Munoz-Erickson et al., 2021: 2). کرونا ویروس یک ویروس جدید عفونی است که پس از ظهور در استان ووهان چین در مدت کوتاهی در سراسر جهان گسترش یافت. اگرچه تأثیر و پیامدهای بیماری همه گیر کووید-۱۹ بر مردم، مکان ها و اقتصادها در سراسر جهان بسیار زیاد بوده است، اما برای افراد و کسانی که در کشورهای کم درآمد و متوسط در تلاش برای نجات از شیوع همه گیر هستند، بسیار شدیدتر بوده است (Moawad & Andres, 2020: 2). مروری بر پیشینه مطالعات صورت گرفته پیرامون مفهوم تاب آوری در برابر بیماری کووید-۱۹ نشان می دهد که سرعت گسترش این بیماری در سکونتگاه های غیررسمی، به دلیل ریزدانی ساختمان ها، تراکم جمعیتی و ساختمانی بالا، کمبود خدمات عمومی و بهداشتی و آلودگی بیشتر فضاهای خصوصی و عمومی بیشتر بوده است (Von Seidlein et al., 2021; Akter et al., 2021). همین موضوع موجب شده است که در این سکونتگاه ها علاوه بر تبعات مستقیم ابتلا به این بیماری برای ساکنان که منجر به خانه نشینی، ازیافتادگی، بستری شدن و

جسمی و روحی رخ داده و این موضوع ارتباطی با توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی کشورها ندارد. به عنوان مثال تجربه موفق کشورهای آفریقایی در مواجهه با بیماری پاندمیک ابولا باعث شد که تلفات ویروس کرونا در این کشورها برخلاف بسیاری از کشورهای توسعه یافته اروپایی و آمریکایی، بسیار کمتر باشد (Afolabi et al., 2021).

در این میان می‌توان به نقش سازمان‌های مردم نهاد در مدیریت بحران اذعان نمود که با پر کردن فاصله بین مسئولان و نهادهای دولتی-عمومی و مردم عادی، می‌توانند با کاربست فرایندهای مؤثری همچون آموزش مستمر شهروندی، ترویج مشارکت‌های اجتماعی و اقتصادی، زمینه لازم را برای کنترل و مدیریت هوشمندانه بحران مهیا نمایند. مطالعات صورت گرفته بر این نکته مهم تأکید دارند که عملکرد ضعیف مدیران اصلی و میانی در مدیریت بحران در شهرهای ایران، به عدم تقویت و ضعف نهادهای مردم نهاد برمی‌گردد. در واقع باید گفت در کشور ایران سازمان‌های مردم نهاد نقش و جایگاه مؤثری در سیاست‌گذاری مسئولان در فرایند پیش از وقوع بحران ندارند و اغلب این نهادها تا حد زیادی به مؤسساتی با ماهیت خیریه‌ای و آموزشی تقلیل یافته اند (Habibpour Gatabi & Kari Jafari, 2019). به همین دلیل اغلب سازمان‌های مردم نهاد در زمان وقوع بحران و پس از بحران آنگونه که باید نمی‌توانند به مردم در تاب‌آوری بیشتر و کاستن از آلام و مشکلات متعدد ناشی از بحران رخ داده، کمک شایانی نمایند. این معضلات به خصوص در مناطق محروم شهرها همچون سکونتگاه‌های غیررسمی بیشتر رخ می‌نمایند؛ چون در اغلب این سکونتگاه‌ها مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به طور همزمان دیده می‌شود و وقوع یک بحران جدید می‌تواند آسیب‌های روحی و جسمی جبران ناپذیری را برای شهروندان ساکن در این سکونتگاه‌ها به همراه داشته باشد.

در ادامه و به طور خلاصه، به شاخص‌های ارتقای تاب‌آوری اجتماعی اشاره می‌شود که سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند به عنوان معیار و راه‌حلی تدافعی یا تهاجمی در برابر مصائب و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، محیطی و بهداشتی در سکونتگاه‌های غیررسمی اعمال کنند. در این میان، برای تدقیق شاخص‌ها، به گویه‌هایی تأکید شده که سازمان‌های مردم‌نهاد، بر اساس تجارب پژوهشی داخلی و خارجی، طی دو سال اخیر در زمینه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در برابر بیماری فراگیر کرونا مدنظر قرار داده‌اند. با قرار دادن این شاخص‌ها و گویه‌ها در کنار هم و تحلیل محتوای کیفی پژوهش‌های مرتبط، می‌توان در مجموع سه مؤلفه اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-معیشتی و محیطی-کالبدی را در این زمینه مطرح نمود (جدول شماره ۱).

۱- **رفع ترس و هراس ناشی از مصائب و مشکلات:** یکی از مهمترین وظایف سازمان‌های مردم‌نهاد، ایجاد آرامش روانی و اقدامات حمایتی در سکونتگاه‌های غیررسمی و فرسوده است. در حقیقت، زمانی که ساکنان این سکونتگاه‌ها حس کنند که تنها نیستند و نهادهای دولتی، غیردولتی و عمومی در زمان وقوع مصائب و مشکلات در کنار آنها هستند، می‌تواند نقش مهمی بر فائق آمدن ساکنان بر مشکلات و ارتقای سرمایه و امنیت اجتماعی در میان آنها باشد (Corburn et al., 2020:350).

مرگ اعضای یک خانواده و تعداد قابل توجهی از اهالی یک محله شده، تبعات غیرمستقیمی همچون از دست دادن فرصت‌های شغلی، گسترش فقر و تهدید امنیت اقتصادی و غذایی را موجب شود (Smit, 2021; Pongutta et al., 2021; Shupler et al., 2021). به علاوه این موضوع تبعات اجتماعی متعددی همچون خشونت رفتاری، کاهش امنیت اجتماعی و روانی زنان و کودکان، از بین رفتن آسایش و آرامش روانی اعضای خانواده و سایر تبعات اجتماعی همچون طلاق، مشاجره، نزاع، خودکشی و سایر فسادهای اخلاقی-اجتماعی را هم به همراه داشته است (Islam et al., 2020; Vertigans et al., 2021). در میانه بحران جهانی ناشی از فراگیری بیماری کووید-۱۹، علاوه بر نقش مهم نهادهای بهداشتی و درمانی کشورها در مدیریت و کنترل شیوع این بیماری و درمان آن، نقش آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتقای تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی در برابر این بیماری، بسیار حائز اهمیت است. سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد بنا به ماهیت شکل‌گیری و نحوه تعامل مستقیم با مردم می‌توانند نقش مؤثرتری در ارائه خدمات دست اول، امدادسانی، توانمندسازی و ارائه کمک‌های معیشتی به ساکنان و کاهش اثرات و آسیب‌پذیری آنها در برابر بحران‌ها ایفا کنند (Smit, 2020; Corburn et al., 2020). این در حالی است که به دلیل نبود یک سیاست واحد، ضعف ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و نظام مدیریتی ناکارآمد و همچنین اخذ تصمیم‌ها و راهکارهای دستوری و گاه متناقض میان دولت‌های محلی و ملی همچون تراکم‌زدایی و کوچاندن اجباری ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی به سکونتگاه‌های دورتر، آسیب‌پذیری ساکنان این سکونتگاه‌ها در برابر چنین بحران‌هایی افزون‌تر می‌شود (Smit, 2020). در عین حال در اغلب مطالعات پیشنهاد شده است که بحران‌زایی این سکونتگاه‌ها بیشتر مورد توجه دولت‌های ملی و محلی قرار گیرد و در عین حال بر راهکارهایی همچون مدیریت یکپارچه و هماهنگ نهادهای دولتی و مردمی، توانمندسازی و حمایت اقتصادی، پشتیبانی خدماتی کوتاه‌مدت و بلندمدت از ساکنان این سکونتگاه‌ها، افزایش سطح اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد و حضور رسانه‌های محلی برای مسئله‌یابی و کمک به ساکنان و ارتقای سطح دانش محلی ساکنان در برابر بحران‌های مختلف کالبدی و بهداشتی تأکید شده است (Smit, 2020; Vertigans et al., 2021; Pongutta et al., 2021; Akter et al., 2021).

در مجموع اگر بخواهیم پیشینه مطالعات صورت گرفته در زمینه تاب‌آوری سکونتگاه‌ها در برابر بیماری پاندمیک کرونا را با نگاهی انتقادی مورد ارزیابی قرار دهیم، باید گفت که در اغلب مطالعات صورت گرفته اگرچه ابعاد تاب‌آوری از جوانب مختلف مورد بررسی قرار گرفته اما آنچه که در پژوهش‌ها مورد تأکید پژوهشگران قرار گرفته این است که مدیران و مسئولان ذی‌ربط در زمان وقوع هرگونه بحرانی از جمله بیماری‌های پاندمیک و دنیاگیر، باید به سرعت شرایط لازم را برای مواجهه شهروندان با بحران مورد نظر آماده کنند. هرچند ابعاد مدیریت بحران بسیار گسترده و قابل تعمق است اما مفهوم تاب‌آوری نیز در مدیریت هدفمند و صحیح بحران چه از سمت مسئولان و چه از سمت شهروندان نهفته است. در واقع می‌توان گفت در کشورهایی که تجارب و زمینه‌های مدیریت بحران چه در صورت وقوع بحران‌های غیرمترقبه و چه بحران‌های پاندمیک همچون کرونا فراهم بوده، حداقل تلفات

جدول شماره ۱۵: مؤلفه ها، شاخص ها و گویه های منتخب پژوهش

مؤلفه ها	شاخص ها	گویه های میدانی پژوهش
اجتماعی-فرهنگی	رفع ترس و هراس ناشی از مصائب و مشکلات	ایجاد مراکز مشاوره و ارائه خدمات روانشناختی در مورد بیماری فراگیر کرونا
	ارتقای سطح آگاهی و دانش	تقویت درک ساکنان نسبت به ضرر و زیان کرونا
	ارائه آموزش	آگاه سازی تصمیم گیرندگان نسبت به مشکلات سکونتگاه های غیررسمی
	ارتقای مشارکت پذیری	آموزش مهارت های مقابله ای در برابر کرونا
	ایجاد ارتباط و افزایش هماهنگی بین مردم و دستگاه های اجرایی	ارائه برنامه های تشویقی برای جلب مشارکت ساکنان به منظور اجرای پروتکل های بهداشتی
اقتصادی-معیشتی	کمک های مالی و معیشتی	شناسایی و اولویت بندی نیازمندان
		تهیه و توزیع بسته های غذایی
		رایزنی با بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای جلب نمودن توجه آنها برای توجه به اقشار آسیب پذیر
	اشتغال زایی	تأمین مالی تهیه اقلام بهداشتی (توزیع ماسک و دستکش، تأمین هزینه های درمان، بیمه و ...)
		تشویق جامعه و طبقه ثروتمند و خیر برای کمک به اقشار ضعیف
		مشارکت در امور اقتصادی درآمدزا برای کمک به نیازمندان
		تأمین و در اختیار گذاشتن ابزار و تجهیزات تولیدی
محیطی-کالبدی	بهبود وضعیت بهداشت عمومی و محیط	ارائه آموزش های مهارتی و فنی لازم به بیکارانی که شغل خود را به دلیل شیوع کرونا از دست داده اند
		ترغیب ساکنان برای مشارکت در پاکیزگی و تمیز نگه داشتن محله خود
	بهبود وضعیت سکونت	شست و شو و ضد عفونی کردن محیط
		شناسایی نیازمندان به مسکن
		تهیه و تأمین سرپناه حداقلی

اساسی يك سازمان مردم نهاد در توسعه فرهنگی و اجتماعی به شمار آید (Farmani, 2017: 62).

۶- **کمک های مالی و معیشتی:** در بسیاری مواقع، شدت و عمق بحران های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و بهداشتی در سکونتگاه های غیررسمی و فرسوده به حدی می رسد که بسیاری از خانوارهای ساکن در این سکونتگاه ها نیازمند کمک های مالی و معیشتی مستقیم می شوند (Corburn et al., 2020: 350).

۷- **اشتغال زایی:** سازمان های مردم نهاد به عنوان بازوی کمکی و مغز متفکر دستگاه های اجرایی، متولیان مناسبی برای اجرای طرح آماده سازی شغلی، حرفه آموزی، کارآفرینی، بازاریابی و ایجاد فضای کسب و کار به حساب می آیند (Geravand, 2017: 16).

۸- **بهبود وضعیت بهداشت عمومی و محیط:** آلودگی زیست محیطی در سکونتگاه های غیررسمی گاه به حدی می رسد که شیوع بیماری های میکروبی و عفونی در آنها به سرعت رخ می دهد. به خصوص این که تراکم جمعیتی در این مناطق معمولاً به میزان غیرعادی زیاد است و همین موضوع می تواند سرعت انتشار بیماری های واگیر و پاندمیک را افزایش دهد (Simiyu et al., 2017: 1).

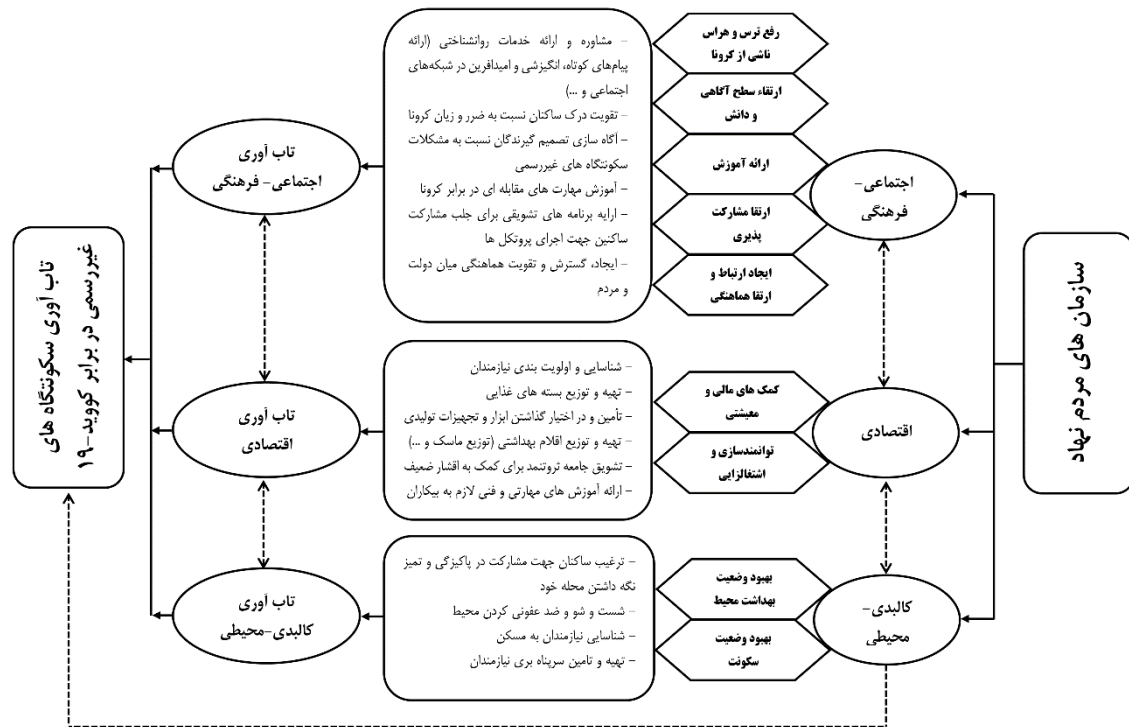
۹- **بهبود وضعیت سکونت:** مطالعات بسیاری بر این موضوع مهم اذعان دارند که کیفیت محیط مسکونی در سکونتگاه های غیررسمی اغلب بسیار پایین است و بسیاری از شهروندان ساکن در این مناطق دسترسی مناسبی به خدمات، تأسیسات، زیرساخت ها و فضاهای عمومی مناسب ندارند (Satterthwaite, 2020: 143).

۲- **ارتقای سطح آگاهی و دانش:** یکی از نقش های مهم سازمان های مردم نهاد، ارتقا و مدیریت دانش و نحوه آگاهی رسانی هدفمند به شهروندان آن جامعه است (Yousif et al., 2020: 92). این سازمان ها در جهت آشنا ساختن جامعه با حقوق اساسی خود و همچنین اطلاع رسانی نیازهای جامعه به دولت ایفای نقش می نمایند.

۳- **ارائه آموزش:** یادگیری در انسان فرایندی روانشناختی و فطری است که در تمام سنین و زمان ها و مکان ها روی می دهد (Karimi et al., 2009: 42). ارائه برنامه های آموزشی توسط سمن ها در سکونتگاه های غیررسمی امر حیاتی است؛ زیرا اغلب ساکنان این مناطق از سطح سواد عمومی و آکادمیک پایین تری برخوردارند و در بسیاری مواقع به خصوص در هنگام بروز بحران های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و بهداشتی، از دانش و الگوی مناسب برای چگونگی مواجهه با این بحران ها برخوردار نیستند.

۴- **ارتقای مشارکت پذیری:** از دستاوردهای مهم سازمان های مردم نهاد، تقویت مشارکت مردمی و افزایش سرمایه اجتماعی است که مهمترین کارکرد آن، پیوند قوی تر جامعه با حکومت است. این نوع سرمایه با افزایش اعتماد، مشارکت و آگاهی در سطح جامعه موجب تقویت شبکه های اجتماعی و تقویت همبستگی و تعهدات شهروندان با نظام سیاسی می شود (Salehi et al., 2015: 36).

۵- **ایجاد ارتباط و افزایش هماهنگی بین مردم و دستگاه های اجرایی:** کسب اطلاعات از دولت و انتقال آن به شاخه های پایین تر، یعنی تک تک افراد جامعه و یا برعکس آن به شاخه های بالاتر و ارائه آن به دولت می تواند به صورت یک تعامل چندسویه و از کارکردهای



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳. روش

۳.۱. ابزار و روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی است. داده ها و اطلاعات در این پژوهش با استفاده از داورش کتابخانه ای، اسنادی و میدانی به دست آمده است. به منظور تدوین مبانی نظری و ادبیات تحقیق و استخراج مؤلفه ها و شاخص ها از مطالعات کتابخانه ای اسنادی شامل کتب، مقالات و پایان نامه های مرتبط بهره گرفته شده و داده های مربوط به مورد مطالعاتی پژوهش از طریق برداشت های میدانی در قالب پرسشنامه به دست آمده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه سازمان های مردم نهاد فعال در شهر ارومیه به تعداد ۲۰۵ مورد است که لیست همه آنها از سازمان های مربوطه (استانداری، بهزیستی و فرمانداری) اخذ شده است. برای تعیین حجم نمونه، ابتدا با در نظرگیری موضوع پژوهش، تعداد سازمان های مردم نهادی که با توجه به اهداف و زمینه فعالیتشان می توانستند در رابطه مقابله با کووید-۱۹ به شهروندان خدمات رسانی کنند، شناسایی شد (۵۸ سازمان). سپس با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و قبول خطای ۵ درصد، تعداد ۵۱ سازمان به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است (جدول شماره ۲). شیوه نمونه گیری تحقیق نیز با توجه به در اختیار داشتن لیست اعضای جامعه آماری (سازمان های مردم نهاد) به صورت تصادفی ساده به روش قرعه کشی بوده و بر این اساس پرسشنامه های تدوین شده بین مدیران سازمان های مردم نهاد توزیع شده است. پرسشنامه ها بر اساس مؤلفه ها و شاخص های پژوهش (جدول شماره ۱) در قالب طیف لیکرت طراحی شده که شامل شش سؤال در مؤلفه اجتماعی-فرهنگی، هشت سؤال در مؤلفه اقتصادی-معیشتی و چهار سؤال در

مؤلفه محیطی-کالبدی است.

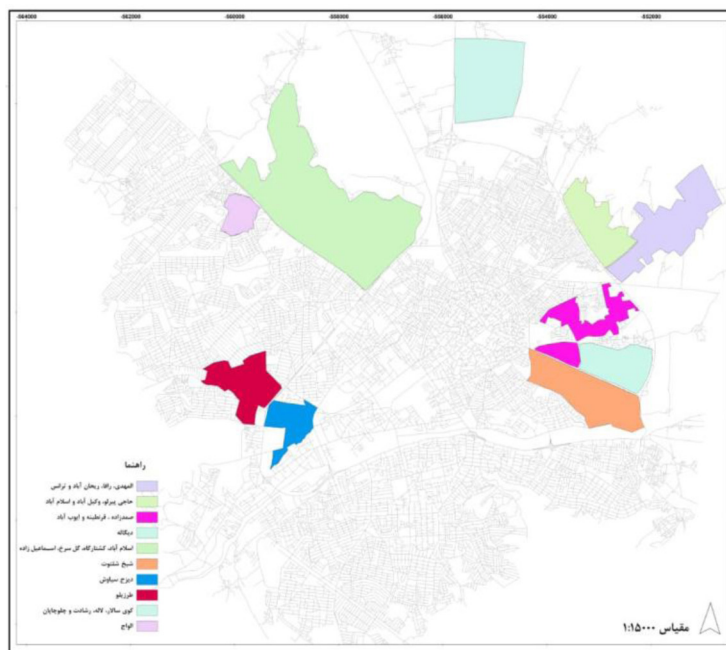
روایی پرسشنامه طراحی شده به صورت محتوایی انجام و به تأیید تعدادی از اساتید دانشگاه و پژوهشگران مرتبط با این حوزه پژوهشی رسیده است. برای سنجش پایایی پرسشنامه های پژوهش از روش آلفای کرونباخ در نرم افزار Spss استفاده شد؛ ضریب آلفای کرونباخ در مؤلفه های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-معیشتی و محیطی-کالبدی به ترتیب برابر با ۰/۸۴۵، ۰/۹۷۰ و ۰/۷۶۴ به دست آمده که گویای اطمینان بالا از ابزار جمع آوری داده هاست. تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات به دست آمده در این پژوهش با استفاده از آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی شامل آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف (برای بررسی نرمال یا غیرنرمال بودن داده ها) و آزمون فریدمن در نرم افزار Spss انجام شده است.

۳.۲. محدوده مورد بررسی

شهر ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی است که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ با ۷۳۶ هزار و ۲۲۴ نفر جمعیت، دهمین شهر پرجمعیت ایران و دومین شهر پر جمعیت منطقه شمال غرب ایران به شمار می آید. شهر ارومیه مانند دیگر شهرهای ایران از مشکل سکونتگاه های غیررسمی دور نبوده و طبق شواهد موجود در مجموع ۲۳ محله اسکان غیررسمی در شهر ارومیه شناسایی شده است (Abedini, 2015:55). کل مساحت سکونتگاه های غیررسمی ارومیه حدود ۵۶۵ هکتار است که ۱۷ درصد از مساحت شهر را به خود اختصاص داده و جمعیتی بالغ بر ۲۷۰ هزار نفر را در خود جا داده است. در این پژوهش با توجه به هدف و فرضیات تعیین شده تمامی سکونتگاه های غیررسمی موجود در شهر ارومیه (۲۳ محله اسکان غیررسمی) به عنوان محدوده مورد مطالعه پژوهش انتخاب شده است (تصویر شماره ۱).

جدول شماره ۲: مشخصات سازمان های مردم نهاد (نمونه انتخاب شده)

ردیف	نام سمن	سال تأسیس	زمینه فعالیت
۱	سفیران راه مهر	۱۳۹۷	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۲	مسیرفتاک	۱۳۹۹	اجتماعی، هدایت شغلی / کارآفرینی، کسب و کارهای نوپا
۳	کانون باران رحمت الهی	۱۳۹۴	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۴	اروم محقق پرور جهان	۱۳۹۲	اجتماعی، سلامت اجتماعی و روانی
۵	کارآفرینان فردای روشن	۱۳۹۴	اجتماعی، کسب و کار / کارآفرینی اجتماعی، کسب و کار اجتماعی
۶	رویش زندگی نو	۱۳۹۷	اجتماعی، سلامت اجتماعی و روانی
۷	مؤسسه خیریه نفس آذربایجان غربی	۱۳۹۲	نیکوکاری و امور خیریه، مشاوره و مددکاری، آسیب های اجتماعی
۸	تهیه و تأمین سریناه	۱۳۹۷	اجتماعی، آسیب های اجتماعی، کودکان بی سرپرست
۹	ندای معلولان	۱۳۹۵	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۱۰	ندای افق روشن	۱۳۹۴	اجتماعی، کسب و کار / کارآفرینی اجتماعی، کسب و کار اجتماعی
۱۱	علم اندیشان برتر	۱۳۹۴	اجتماعی، آموزشی
۱۲	مؤسسه خیریه راه آسایش	۱۳۹۲	نیکوکاری و امور خیریه، آسیب های اجتماعی
۱۳	فرزانگان عدل آفرین	۱۳۹۴	اجتماعی، حقوق شهروندی، فرهنگ شهروندی
۱۴	بذر مهر	۱۳۹۷	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۱۵	طنین نقش ترنج	۱۳۹۹	اجتماعی، فرهنگی، هنری ادبی، صنایع دستی
۱۶	رجحان	۱۳۹۵	اجتماعی، حقوق شهروندی، فرهنگ شهروندی
۱۷	مؤسسه خیریه فجر صادق کوثر	۱۳۹۶	نیکوکاری و امور خیریه
۱۸	کارآفرینان سرزمین من	۱۳۹۵	اجتماعی، کسب و کار / کارآفرینی اجتماعی، کسب و کار اجتماعی
۱۹	مسیر آینده نوین	۱۳۹۹	اجتماعی، فضای مجازی، آموزش در فضای مجازی
۲۰	آب بانان نواندیش	۱۳۹۸	اجتماعی، محیط زیست، بحران آب و خشکسالی
۲۱	مؤسسه خیریه عاشقان کرپلا	۱۳۹۰	نیکوکاری و امور خیریه
۲۲	آروند برنا	۱۳۹۵	اجتماعی، کسب و کار / کارآفرینی اجتماعی، کسب و کار اجتماعی
۲۳	مؤسسه خیریه بیمارستان رازی	۱۳۹۸	نیکوکاری و امور خیریه، بهداشت و سلامت
۲۴	مؤسسه آسمان آبی فکوران	۱۳۸۹	اجتماعی فرهنگی
۲۵	دستان امید بخش	۱۳۹۵	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۲۶	طلوع مهر چی چست	۱۳۹۸	اجتماعی، سلامت اجتماعی و روانی
۲۷	مؤسسه خیریه اینبار عاطفه ها	۱۳۹۳	نیکوکاری و امور خیریه، مذهبی، اشتغال و کارآفرینی
۲۸	دیده بانان بیژاک شهروندی	۱۳۹۶	اجتماعی، حقوق شهروندی، فرهنگ شهروندی
۲۹	فرشتگان مهربانی چی چست	۱۳۹۸	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۳۰	یارگیران زندگی بهتر	۱۳۹۹	اجتماعی، آسیب های اجتماعی، مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر
۳۱	مؤسسه خیریه نوای آسایش	۱۳۹۷	نیکوکاری و امور خیریه
۳۲	کاراندیشان برنا	۱۳۹۸	اجتماعی، هدایت شغلی / کارآفرینی، کسب و کارهای نوپا
۳۳	پژوهشگران توسعه پایدار	۱۳۹۴	اجتماعی، محیط زیست، بحران آب و خشکسالی
۳۴	طلوعی برای فردا	۱۳۹۷	اجتماعی، آسیب های اجتماعی، آسیب های رفتاری
۳۵	حامی مهربان من	۱۳۹۶	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۳۶	جوانان راه خوشبختی	۱۳۹۸	اجتماعی، سلامت اجتماعی و روانی
۳۷	شهروندان آینده ساز آذربایگان	۱۳۹۹	اجتماعی، حقوق شهروندی، فرهنگ شهروندی
۳۸	مؤسسه خیریه یاوران مهر	۱۳۹۶	نیکوکاری و امور خیریه
۳۹	قاصدان نویدبخش زندگی	۱۳۹۹	اجتماعی، آسیب های اجتماعی، مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر
۴۰	نوای مهربانی چی چست	۱۳۹۸	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۴۱	انجمن آذربایجان مدنیت اوجافی	۱۳۹۶	امور اجتماعی- فرهنگی
۴۲	آینده سازان جوان چی چست	۱۳۹۹	اجتماعی، فعالیت های جهادی، آبادانی مناطق محروم
۴۳	پیام یاسین	۱۳۹۴	امور اجتماعی- فرهنگی
۴۴	بانیان راه مهربانی	۱۳۹۹	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۴۵	شمیم آرامش آذربایگان	۱۳۹۹	اجتماعی، امور بانوان و دختران، توانمندسازی دختران حاشیه نشین
۴۶	اندیشه سازان پویای ریما	۱۳۹۶	اجتماعی، آسیب های اجتماعی، آسیب های رفتاری
۴۷	انجمن خیریه نیکوکاران جوان	۱۳۹۶	نیکوکاری و امور خیریه
۴۸	گفتمان شرق اندیشه	۱۳۹۴	اجتماعی، حقوق شهروندی، فرهنگ شهروندی
۴۹	نواندیشان فردای روشن	۱۳۹۹	اجتماعی، فعالیت های جهادی، سبک زندگی جهادی و اسلامی
۵۰	بانی مهر	۱۳۹۸	اجتماعی، عدالت و رفاه اجتماعی، فعالیت های بشردوستانه
۵۱	کارآفرینان چی چست	۱۳۹۹	اجتماعی، هدایت شغلی / کارآفرینی، کسب و کارهای نوپا



تصویر شماره ۱: پراکنش سکونتگاه های غیررسمی در پهنه شهر ارومیه

۴. بحث و یافته‌ها

داری (sig) برای کلیه گویه‌های پژوهش پایین تر از ۰/۰۵ به دست آمده، فرض H_0 مبتنی بر نرمال بودن داده‌ها رد و فرض H_1 تأیید می‌گردد. با توجه به غیرنرمال بودن داده‌های تحقیق از آزمون ناپارامتریک فریدمن برای اولویت بندی گویه‌ها در هر یک از مؤلفه‌ها و بررسی میزان نقش سازمان های مردم نهاد در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر کووید-۱۹ استفاده شده است.

به منظور به کارگیری آزمون مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در کنار آمار توصیفی، ابتدا نرمال و یا غیرنرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شده است. فرضیه های این آزمون بدین صورت طرح شده است: H_0 : داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند؛ H_1 : داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند. براساس نتایج حاصله از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (جدول شماره ۳) از آنجایی که سطح معنی

جدول شماره ۳: نتایج بررسی نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

ردیف	گویه‌ها	میانگین	آماره آزمون	سطح معناداری
۱	مشاوره و ارائه خدمات روانشناختی (ارائه پیام‌های کوتاه، انگیزشی و امیدآفرین)	۳/۱۶	۰/۱۷۴	۰/۰۰۱
۲	تقویت درک ساکنان نسبت به ضرر و زیان کرونا	۴/۰۴	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰
۳	آگاه سازی تصمیم گیرندگان نسبت به مشکلات سکونتگاه های غیررسمی	۳/۴۷	۰/۳۱۲	۰/۰۰۰
۴	آموزش مهارت های مقابله ای در برابر کرونا	۴/۴۷	۰/۳۶۳	۰/۰۰۰
۵	ارائه برنامه های تشویقی برای جلب مشارکت ساکنان به منظور اجرای پروتکل ها	۴/۰۴	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
۶	ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی میان دولت و مردم	۲/۹۰	۰/۱۵۹	۰/۰۰۰
۷	شناسایی و اولویت بندی نیازمندان	۳/۷۵	۰/۲۴۶	۰/۰۰۰
۸	تهیه و توزیع بسته های غذایی	۳/۶۷	۰/۲۱۴	۰/۰۰۰
۹	رایزنی با بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای جلب نمودن توجه آنها برای توجه به افسار آسب پذیر	۱/۵۱	۰/۳۸۳	۰/۰۰۰
۱۰	تأمین مالی تهیه اقلام بهداشتی	۳/۸۶	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰
۱۱	تشویق جامعه و طبقه ثروتمند و خیر برای کمک به افسار ضعیف	۳/۷۶	۰/۲۰۳	۰/۰۰۰
۱۲	مشارکت در امور اقتصادی درآمدزا برای کمک به نیازمندان	۲/۶۷	۰/۲۴۸	۰/۰۰۰
۱۳	تأمین و در اختیار گذاشتن ابزار و تجهیزات تولیدی	۲/۵۱	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰
۱۴	ارائه آموزش های مهارتی و فنی لازم به بیکاران	۲/۹۰	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰
۱۵	ترغیب ساکنان برای مشارکت در پاکیزگی و تمیز نگه داشتن محله خود	۳/۹۴	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰
۱۶	شست و شو و ضد عفونی کردن محیط	۴/۲۷	۰/۳۷۶	۰/۰۰۰
۱۷	شناسایی نیازمندان به مسکن	۲/۴۵	۰/۳۱۶	۰/۰۰۰
۱۸	تهیه و تأمین سرپناه	۱/۸۲	۰/۳۲۱	۰/۰۰۰

۴٫۱٫۱. مؤلفه اجتماعی-فرهنگی

۴٫۱٫۱. یافته های توصیفی

و «ارتقای سطح آگاهی و دانش» به ترتیب با میانگین های ۴/۰۴ و ۳/۷۵ بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده اند و میزان نقش سازمان های مردم نهاد در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر کووید-۱۹ در این شاخص ها در حد بالایی بوده است (تصویر شماره ۲). کمترین نقش و فعالیت سازمان های مردم نهاد در زمینه «ارتقای هماهنگی ها» با میانگین ۲/۹۰ است. در مجموع می توان اظهار نمود که میزان فعالیت سازمان های مردم نهاد به منظور ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر کووید-۱۹ در مؤلفه فرهنگی-آموزشی متوسط رو به بالا بوده است.

نقش سازمان های مردم نهاد در مؤلفه اجتماعی-فرهنگی با استفاده از پنج شاخص و شش گویه مورد بررسی قرار گرفته است. براساس محاسبات توصیفی انجام شده (جدول شماره ۴) بالاترین میانگین حاصله مربوط به شاخص «ارائه آموزش مهارت های مقابله ای در برابر کرونا» با میانگین ۴/۴۷ (نزدیک به عدد ۵؛ خیلی زیاد در طیف لیکرت) است که حاکی از فعالیت بالای سازمان های مردم نهاد شهر ارومیه در این شاخص است. پس از آن شاخص های «ارتقای مشارکت پذیری»



تصویر شماره ۲: برگزاری جلسات میان اعضای سمن ها به منظور برنامه ریزی برای ارتقای مشارکت پذیری و افزایش سطح آگاهی و دانش شهروندان

جدول شماره ۴: شاخص های اجتماعی-فرهنگی سازمان های مردم نهاد در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی ارومیه در برابر کووید-۱۹

مؤلفه	شاخص ها	گویه ها	میانگین گویه	میانگین شاخص	میانگین کل
اجتماعی-فرهنگی	رفع ترس و هراس ناشی از شیوع کرونا	مشاوره و ارائه خدمات روانشناختی (ارائه پیام های کوتاه، انگیزشی و امیدآفرین)	۳/۱۶	۳/۱۶	۳/۶۶
	ارتقای سطح آگاهی و دانش	تقویت درک ساکنان نسبت به ضرر و زیان کرونا	۴/۰۴	۳/۷۵	
	ارائه آموزش	آگاه سازی تصمیم گیرندگان نسبت به مشکلات سکونتگاه های غیررسمی	۳/۴۷		
	ارتقای مشارکت پذیری	آموزش مهارت های مقابله ای در برابر کرونا	۴/۴۷	۴/۴۷	
	ارتقای هماهنگی ها	ارائه برنامه های تشویقی برای جلب مشارکت ساکنان به منظور اجرای پروتکل ها	۴/۰۴	۴/۰۴	
		ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی میان دولت و مردم	۲/۹۰	۲/۹۰	

برنامه های تشویقی برای جلب مشارکت ساکنان به منظور اجرای پروتکل ها» و «تقویت درک ساکنان نسبت به ضرر و زیان کرونا» با میانگین رتبه های ۴/۷۱، ۴/۱۸ و ۳/۹۲، رتبه های اول تا سوم را به خود اختصاص داده اند و بیشترین فعالیت سازمان های مردم نهاد در این زمینه ها بوده است. کمترین نقش سازمان های مردم نهاد به ترتیب در زمینه «ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی میان دولت و مردم» و «مشاوره و ارائه خدمات روانشناختی (ارائه پیام های کوتاه، انگیزشی و امیدآفرین)» بوده است (جدول شماره ۵).

۴٫۱٫۲. یافته های استنباطی

مطابق با آماره های آزمون فریدمن مربوط به گویه های مؤلفه اجتماعی-فرهنگی، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است ($P < 0/05$) بنابراین آزمون فریدمن معنا دار بوده و رتبه های گویه های مؤلفه فرهنگی-آموزشی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند؛ در نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید می گردد و نتایج حاکی از متفاوت بودن نقش و میزان فعالیت سازمان های مردم نهاد در هر یک از گویه های مؤلفه اجتماعی-فرهنگی است. به گونه ای که طبق میانگین رتبه گویه ها به ترتیب گویه های «آموزش مهارت های مقابله ای در برابر کرونا»، «ارائه

جدول شماره ۵: نتایج اولویت بندی آزمون فریدمن (مؤلفه اجتماعی-فرهنگی)

مؤلفه	گویه ها	میانگین رتبه	اولویت بندی
فرهنگی-آموزشی	مشاوره و ارائه خدمات روانشناختی (ارائه پیام های کوتاه، انگیزشی و امیدآفرین)	۲/۷۲	۵
	تقویت درک ساکنان نسبت به ضرر و زیان کرونا	۳/۹۲	۳
	آگاه سازی تصمیم گیرندگان نسبت به مشکلات سکونتگاه های غیررسمی	۳/۰۷	۴
	آموزش مهارت های مقابله ای در برابر کرونا	۴/۷۱	۱
	ارائه برنامه های تشویقی برای جلب مشارکت ساکنان به منظور اجرای پروتکل ها	۴/۱۸	۲
	ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی میان دولت و مردم	۲/۴۱	۶

۴٫۲. مؤلفه اقتصادی-معیشتی

۴٫۲٫۱. یافته های توصیفی

«تأمین مالی تهیه اقلام بهداشتی (توزیع ماسک و دستکش، تأمین هزینه های درمان، بیمه و ...)» (تصویر شماره ۳)، «تشویق جامعه و طبقه ثروتمند و خیر برای کمک به اقشار ضعیف»، «شناسایی و اولویت بندی نیازمندان» و «تهیه و توزیع بسته های غذایی» نقش مطلوبی ایفا کرده اند اما در مواردی از قبیل «رایزنی با بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای جلب نمودن توجه آنها برای توجه به اقشار آسیب پذیر» و «مشارکت در امور اقتصادی درآمدزا برای کمک به نیازمندان» فعالیت کمتری داشته اند. میانگین حاصله در شاخص دوم یعنی «توانمندسازی و اشتغال زایی» برابر با ۲/۷۰ است که پایین تر از حد متوسط ۳ در طیف لیکرت بوده و نشان از فعالیت اندک و ناچیز سازمان های مردم نهاد در این زمینه است.

یافته های پژوهش نشان می دهد، سازمان های مردم نهاد در شهر ارومیه در زمینه فعالیت های اقتصادی-معیشتی نقش کم رنگی در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی در برابر کووید-۱۹ داشته اند. میانگین کل به دست آمده در این مؤلفه ۲/۹۵ است که نزدیک به حد متوسط ۳ در طیف لیکرت است (جدول شماره ۶). ارزیابی ها در این مؤلفه در دو شاخص «کمک های مالی و معیشتی» و «توانمندسازی و اشتغال زایی» انجام شده است. فعالیت این سازمان ها در شاخص «کمک های مالی و معیشتی» به صورت کلی در حد متوسط بوده است. این سازمان ها در راستای این شاخص و در زمینه هایی همچون

جدول شماره ۶: شاخص های اقتصادی-معیشتی سازمان های مردم نهاد در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی ارومیه در برابر کووید-۱۹

مؤلفه	شاخص ها	گویه ها	میانگین گویه	میانگین شاخص	میانگین کل
اقتصادی-معیشتی	کمک های مالی و معیشتی	شناسایی و اولویت بندی نیازمندان	۳/۷۵	۳/۲۰	۲/۹۵
		تهیه و توزیع بسته های غذایی	۳/۶۷		
		رایزنی با بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای جلب نمودن توجه آنها برای توجه به اقشار آسیب پذیر	۱/۵۱		
		تأمین مالی تهیه اقلام بهداشتی	۳/۸۶		
		تشویق جامعه و طبقه ثروتمند و خیر برای کمک به اقشار ضعیف	۳/۷۶		
		مشارکت در امور اقتصادی درآمدزا برای کمک به نیازمندان	۲/۶۷		
توانمندسازی و اشتغالزایی	توانمندسازی و اشتغالزایی	تأمین و در اختیار گذاشتن ابزار و تجهیزات تولیدی	۲/۵۱	۲/۷۰	
		ارائه آموزش های مهارتی و فنی لازم به بیکاران	۲/۹۰		



تصویر شماره ۳: توزیع ماسک رایگان توسط اعضای سمن ها در میان ساکنان سکونتگاه های غیررسمی

و بیمه»، «شناسایی و اولویت بندی نیازمندان» و «تشویق جامعه و طبقه ثروتمند و خیر برای کمک به اقشار ضعیف» بوده است. گویه های «رایزنی با بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای جلب نمودن توجه آنها برای توجه به اقشار آسیب پذیر»، «تأمین و در اختیار گذاشتن ابزار و تجهیزات تولیدی» و «مشارکت در امور اقتصادی درآمدزا برای کمک به نیازمندان» در رتبه های آخر اولویت بندی یعنی ۷، ۸ و ۶ قرار گرفته اند که نشان از فعالیت بسیار پایین سازمان های مردم نهاد در این شاخص هاست (جدول شماره ۷).

۴٫۲٫۲. یافته های استنباطی

سطح معناداری به دست آمده بر اساس نتایج آزمون فریدمن کمتر از ۰/۰۵ است ($P < ۰/۰۵$) که تأییدی بر معنا دار بودن این آزمون و حاکی از تفاوت معنادار نقش سازمان های مردم نهاد در هر یک از گویه های مؤلفه اقتصادی است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می گردد. در این مؤلفه بر اساس رتبه های حاصله بیشترین فعالیت سازمان های مردم نهاد به ترتیب در زمینه های «تأمین مالی تهیه اقلام بهداشتی (مواردی همچون توزیع ماسک و دستکش، تأمین هزینه های درمان

جدول شماره ۷: نتایج اولویت بندی آزمون فریدمن (مؤلفه اقتصادی-معیشتی)

اولویت بندی	میانگین رتبه	گویه ها	مؤلفه
۲	۶/۲۲	شناسایی و اولویت بندی نیازمندان	اقتصادی-معیشتی
۴	۵/۹۰	تهیه و توزیع بسته های غذایی	
۸	۱/۶۳	رایزنی با بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای جلب نمودن توجه آنها برای توجه به اقشار آسیب پذیر	
۱	۶/۳۹	تأمین مالی تهیه اقلام بهداشتی	
۳	۶/۱۰	تشویق جامعه و طبقه ثروتمند و خیر برای کمک به اقشار ضعیف	
۶	۳/۱۸	مشارکت در امور اقتصادی درآمدزا برای کمک به نیازمندان	
۷	۲/۹۶	تأمین و در اختیار گذاشتن ابزار و تجهیزات تولیدی	
۵	۳/۶۳	ارائه آموزش های مهارتی و فنی لازم به بیکاران	

۴/۳. مؤلفه محیطی-کالبدی

۴/۳/۱. یافته های توصیفی

مردم نهاد در زمینه «بهبود وضعیت بهداشت محیط» با انجام اقداماتی مانند ترغیب ساکنان برای مشارکت در پاکیزگی و تمیز نگه داشتن محله خود (تصویر شماره ۴) و شست و شو و ضد عفونی کردن محیط نقش مهمی در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی در برابر کووید-۱۹ ایفا کرده اند اما در زمینه «بهبود وضعیت سکونت» کمترین فعالیت را داشته اند.

میزان فعالیت های سازمان های مردم نهاد در زمینه ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر کووید-۱۹ در مؤلفه محیطی با میانگین ۳/۱۱ (نزدیک به حد متوسط ۳ در طیف لیکرت) در حد متوسط بوده است (جدول شماره ۸). در این مؤلفه سازمان های

جدول شماره ۸: شاخص های محیطی-کالبدی سازمان های مردم نهاد در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی ارومیه در برابر کووید-۱۹

میانگین کل	میانگین شاخص	میانگین گویه	گویه ها	شاخص ها	مؤلفه
۳/۱۱	۴/۱۰	۳/۹۴	ترغیب ساکنان برای مشارکت در پاکیزگی و تمیز نگه داشتن محله خود	بهبود وضعیت بهداشت عمومی و محیط	محیطی-کالبدی
		۴/۲۷	شست و شو و ضد عفونی کردن محیط		
	۲/۱۳	۲/۴۵	شناسایی نیازمندان به مسکن	بهبود وضعیت سکونت	
		۱/۸۲	تهیه و تأمین سرپناه		



تصویر شماره ۴: ترغیب ساکنان برای مشارکت در پاکیزگی و تمیز نگه داشتن محله خود

۴/۳/۲. یافته های استنباطی

ساکنان برای مشارکت در پاکیزگی و تمیز نگه داشتن محله خود» با میانگین رتبه های ۳/۵۵ و ۳/۲۲ است و نشان دهنده فعالیت مطلوب سازمان های مردم نهاد در این دو شاخص به منظور ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی در برابر کووید-۱۹ است. گویه های «تهیه و تأمین سرپناه» و «شناسایی نیازمندان به مسکن» در رتبه های ۴ و ۳ قرار گرفته اند که حاکی از فعالیت بسیار کم سازمان های مردم نهاد در این گویه هاست.

نتایج حاصل از آزمون رتبه بندی فریدمن در مؤلفه محیطی-کالبدی از معنادار بودن این آزمون و وجود تفاوت بین میزان فعالیت های سازمان های مردم نهاد در هر یک از شاخص ها در این زمینه داشته اند، حکایت دارد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید می گردد. مطابق با نتایج اولویت بندی گویه ها (جدول شماره ۹) رتبه اول و دوم به ترتیب مربوط به گویه های «شست و شو و ضد عفونی کردن محیط» و «ترغیب

جدول شماره ۹: نتایج اولویت بندی آزمون فریدمن (مؤلفه محیطی-کالبدی)

مؤلفه	گویه ها	میانگین رتبه	اولویت بندی
محیطی-کالبدی	ترغیب ساکنان برای مشارکت در پاکیزگی و تمیزنگه داشتن محله خود	۳/۲۲	۲
	شست و شو و ضد عفونی کردن محیط	۳/۵۵	۱
	شناسایی نیازمندان به مسکن	۱/۸۱	۳
	تهیه و تأمین سرپناه	۱/۴۲	۴

۴.۴. بحث

در تفسیر یافته های این پژوهش می توان گفت که سازمان های مردم نهاد در شهر ارومیه به دلیل عدم انسجام و مدیریت یکپارچه در مواجهه با بحران های غیرمترقبه همچون بیماری کووید-۱۹، نتوانسته اند رویکردی هماهنگ و عادلانه نسبت به مؤلفه های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-معیشتی و محیطی-کالبدی داشته باشند. با نگاهی به سه مؤلفه منتخب در این پژوهش می توان دریافت که گستره فعالیت های مطلوب و مورد رضایت نسبی ساکنان سکونتگاه های غیررسمی از سازمان های مردم نهاد در رابطه با مقابله با بیماری کووید-۱۹ و کمک به ارتقای تاب آوری ساکنان در برابر این بیماری، اغلب معطوف به فعالیت های اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی-معیشتی بوده در حالی که در مؤلفه کالبدی-محیطی رضایت مطلوبی حاصل نشده است. این عدم رضایت را می توان به بودجه محدود این سازمان ها و عدم حمایت اقتصادی نهادهای دولتی ملی و محلی از این سازمان ها نسبت داد. در عین حال نباید از یاد برد که بر مبنای شواهد و شرایط موجود، این سازمان ها غالباً نهادهایی غیرانتفاعی بوده و از منبع درآمد ثابت و پایداری برای اجرای برنامه ها و کمک به شهروندان آسیب پذیر برخوردار نیستند. همین موضوع می تواند توازن فعالیت های این سازمان ها را بر هم زند و تمرکز غالب فعالیت ها را به سمت فعالیت های نرم و کمتر هزینه بری همچون آموزش مهارت های مقابله ای در برابر کرونا، ارائه برنامه های تشویقی برای جلب مشارکت ساکنان برای اجرای پروتکل ها، تأمین مالی تهیه اقلام بهداشتی، شناسایی و اولویت بندی نیازمندان و تشویق طبقه دارا و خیرین برای کمک به اقل ضعیف ساکن در این سکونتگاه ها سوق دهد.

مطالعات سایر پژوهشگران نیز دارای وجوه اشتراک و افتراقی با این پژوهش است که در ادامه در مورد آنها بحث می شود. وجه افتراق این پژوهش با اغلب پژوهش های مشابه در این است که تمرکز این پژوهش بر روی تاب آوری شهروندان سکونتگاه های غیررسمی در ایران در برابر بحران فراگیری بیماری کووید-۱۹ و بررسی نقش سازمان های مردم نهاد در کمک به شهروندان و ارتقای تاب آوری آنها در برابر این بیماری بوده است؛ موضوعی که تاکنون مورد توجه پژوهشگر داخلی قرار نگرفته است. در عین حال می توان وجوه اشتراک این پژوهش با یافته های پژوهش های مشابه را به صورت کلی در قالب چند نکته بیان نمود. یافته های اغلب این پژوهش ها بر لزوم مدیریت واحد، یکپارچه و هماهنگ نهادهای دولتی و محلی در زمان بروز بحران اشاره دارند و در عین حال بر افزایش اختیارات مدیریتی و اجتماعی سازمان های مردم نهاد تأکید می کنند. وجه اشتراک بعدی در نتایج اغلب مطالعات صورت گرفته در این حوزه، این است که سازمان های مردم نهاد برای این که

بتوانند سطح تاب آوری ساکنان سکونتگاه ها در برابر بحران ها را افزایش دهند، لازم است علاوه بر ابزارهای آموزشی، به ابزارهای مالی و حمایتی مؤثری مجهز شوند و نقش آنها باید به نهادهای واسطه یا تسهیل گر در ارائه خدمات مالی، توانمندی سازی اقتصادی و اشتغال زایی تقویت شود. یکی از نقاط قوت این پژوهش نیز تأکید بر گویه های اقتصادی-معیشتی همچون مشارکت در امور اقتصادی درآمدزا برای کمک به نیازمندان، تأمین و در اختیار گذاشتن ابزار و تجهیزات تولیدی و ارائه آموزش های مهارتی و فنی لازم به بیکاران است. در واقع این گویه ها نشان می دهند در صورتی که نهادهای دولتی و مردم نهاد تمرکز خود را بر آموزش مهارت های فنی و توسعه بنگاه های اقتصادی زودبازده در این سکونتگاه ها قرار دهند، می توانند بخش مهمی از آلام و نگرانی های معیشتی شهروندان را پوشش دهند و ساکنان این سکونتگاه ها را از کمک های ناپایدار و مقطعی نهادهای خیریه بی نیاز کنند. در کنار نقاط قوت این پژوهش لازم است به محدودیت ها و نقاط ضعف آن نیز اشاره نمود.

دامنه این پژوهش می توانست بر روی گروه ها و طبقات مختلف اجتماعی ساکن در این سکونتگاه ها گسترش یابد و فراتر از رتبه بندی کمی گویه ها با بهره مندی از فنون نمونه گیری و روش های شناخته شده کیفی، نگاه عمیق تری به مسائل و درد و رنج های شهروندان متأثر از بیماری کووید-۱۹ در این سکونتگاه ها بپردازد. همانگونه که در بخش مقدمه این مقاله بیان شد، هدف اصلی این پژوهش، معطوف به بررسی نقش سازمان های مردم نهاد در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر بیماری کووید-۱۹ بود. بر اساس این هدف، سه فرضیه تعریف شد و یافته های پژوهش نشان داد که سازمان های مردم نهاد در شهر ارومیه توانسته اند نقش مؤثر و مطلوبی در ارتقای تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر کووید-۱۹ در مجموع و به طور نسبی، در هر سه مؤلفه اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-معیشتی و کالبدی-محیطی داشته باشند. یکی از ابعاد مهم این پژوهش، انتخاب شهر ارومیه به عنوان نمونه موردی پژوهش بود. یافته ها نشان می دهد سکونتگاه های غیررسمی در این شهر حدود یک چهارم از پهنه این شهر را در بر گرفته اند و تقریباً به همین میزان نیز از جمعیت این شهر در این سکونتگاه ها ساکن هستند. اغلب این سکونتگاه ها به دلیل این که از پدیده «غیررسمی بودن» رنج می برند، از زیرساخت های مناسب محیطی و خدماتی برخوردار نیستند. به همین دلیل بررسی و ارزیابی تجارب سازمان های مردم نهاد در این سکونتگاه ها و نقش آنها در کاهش آلام شهروندان می تواند یافته ها و تجربه های مشابهی را برای سایر سکونتگاه های غیررسمی در ایران رقم بزند. عدم توجه و تمرکز مدیران بر شناسایی مسائل

و «ترغیب ساکنان برای مشارکت در پاکیزگی و تمیز نگه داشتن محله خود» عملکرد موفق داشته‌اند و کمترین فعالیتشان در زمینه «تهیه و تأمین سرپناه» و «شناسایی نیازمندان به مسکن» بوده است. در ادامه دو بسته پیشنهادات کلان و اجرایی ارائه می‌شود تا به عنوان یک چارچوب اجرایی و به عنوان دستاورد این پژوهش، مدنظر نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در بهبود عملکردشان در برابر بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ قرار گیرد.

• پیشنهادات کلان معطوف به نهادهای دولتی

- ۱- تقویت بیش از پیش جایگاه حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام اداری و مدیریتی کشور،
- ۲- اختصاص بودجه مستقل دولتی به سازمان‌های مردم‌نهاد با عنوان «بودجه بحران» و تلاش سازمان‌های مردم‌نهاد در هدایت و جذب بودجه‌های بخش‌های دولتی، شبه دولتی و بخش خصوصی،
- ۳- تسهیل صدور مجوز تأسیس شبکه‌های آموزشی در بستر زیرساخت‌های ارتباطی در فضای مجازی و
- ۴- ارائه مشوق‌ها و بسته‌های حمایت مالی بی‌قید و شرط و فوری برای حفاظت از سلامت و امنیت اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن در این سکونتگاه‌ها.

• پیشنهادات اجرایی معطوف به سازمان‌های مردم‌نهاد

- ۱- همکاری مستمر با ساکنان محلی که دانش بی نظیری از زیرساخت‌های فضایی و اجتماعی مربوطه دارند،
- ۲- عضوگیری مجازی و واقعی از طیف‌های مختلف و غیرشاغل (شامل نوجوانان، دانشجویان، زن‌ها و بازنشسته‌ها و حتی افراد ریش سفید و سالمند) از ساکنان همان سکونتگاه‌های غیررسمی و سایر سکونتگاه‌های مشابه،
- ۳- نصب دکه‌های خدمات بهداشتی، آموزشی و فرهنگ سازی در نقاط مختلف سکونتگاه و
- ۴- سرعت عمل و داشتن اختیار در مواجهه با موارد خاص بهداشتی و بهره بردن از تجارب عملی و علمی سکونتگاه‌های مشابه حتی در کشورهای دیگر و آمادگی برای مواجهه با بدترین سناریوها.

References:

- Abbasi Fallah, V., Razavi Parizi, S.M.R. & Mihankhah, M. (2017). Spatial patterns of delinquency in informal settlements (case study: Varamin), *Journal of Police Geography*, 5(18), 109-134. [in Persian]
- Abedini A. (2015). Comparative Analysis of Housing Indicators in Informal Settlements (Case Study: Eslam Abade Koshtargah of Urmia). *Journal of Housing and Rural Environment*, 34 (149), 51-66. [in Persian]
- Afolabi, M. O., Folayan, M. O., Munung, N. S.,

و مشکلات ناشی از رخداد بحران‌ها در این مناطق می‌تواند زمینه رخداد بحران‌های اجتماعی و آشوب‌های شهری را فراهم کند و گستره بحران‌های بهداشتی، امنیتی و اجتماعی را به کل شهر تعمیم دهد. در انتها می‌توان گفت کماکان فرضیه‌های پنهان و سئوال‌های بی‌پاسخی در این پژوهش قابل طرح است که هر یک از آنها می‌تواند زمینه ساز پژوهش‌های آتی باشد: ۱- مشکلات روحی و روانی ناشی از بحران‌های مختلف از جمله همه‌گیری بیماری کرونا میان ساکنان این سکونتگاه‌ها چه نقشی در افزایش تنش‌ها دارد و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه چه می‌تواند باشد؟ ۲- الگوهای حمایت مالی، توانمندسازی اقتصادی و اشتغال‌زایی در این سکونتگاه‌ها به چه صورت باشد که بتواند در کنار تحمیل بار مالی کمتر به نهادهای ملی و محلی، زمینه ساز افزایش تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی این سکونتگاه‌ها شود؟ ۳- ایده‌های مدیران محلی، متخصصان و در عین حال ساکنان این سکونتگاه‌ها در مواجهه شهروندان با بحران‌های جدید بهداشتی، کالبدی و اقتصادی چیست و چه راهکارهایی برای افزایش کیفیت محیط سکونت و کاهش رنج‌ها و تلفات ناشی از این بحران‌ها می‌توان پیشنهاد داد؟

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که سازمان‌های مردم‌نهاد در مجموع در ارتقای تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر ارومیه در برابر بیماری کووید-۱۹ عملکرد قابل قبولی را داشته‌اند. هرچند این عملکرد با تعمق میان مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌ها متفاوت بوده است. نتایج حاصل از تحلیل انجام شده نشان داد که میزان فعالیت این سازمان‌ها در مؤلفه اجتماعی-فرهنگی با میانگین ۳/۶۶ متوسط رو به بالا بوده است. نتایج آزمون فریدمن نشان داد این سازمان‌ها در زمینه «آموزش مهارت‌های مقابله‌ای در برابر کرونا» با میانگین رتبه ۴/۷۱ بیشترین فعالیت و در زمینه «ایجاد، گسترش و تقویت هماهنگی میان دولت و مردم» با میانگین رتبه ۲/۴۱ کمترین فعالیت داشته‌اند.

از سوی دیگر، میانگین به دست آمده در مؤلفه اقتصادی-معیشتی ۲/۹۵ بوده است که عملکرد مناسبی نسبت به دو مؤلفه دیگر به شمار نمی‌رود. نتایج آزمون فریدمن در این مؤلفه نشان داد، درحالی که سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه «تأمین مالی تهیه اقلام بهداشتی (توزیع ماسک و دستکش، تأمین هزینه‌های درمان و بیمه)»، «شناسایی و اولویت بندی نیازمندان» و «تشویق جامعه و طبقه ثروتمند و خیر برای کمک به افشار ضعیف» به ترتیب با میانگین رتبه‌های ۶/۲۲، ۶/۳۹ و ۶/۱۰ نقش بارزی ایفا کرده‌اند اما در زمینه‌های اقتصادی-معیشتی همچون «رایزنی با بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری برای جلب نمودن توجه آنها برای توجه به افشار آسیب پذیر»، «تأمین و در اختیار گذاشتن ابزار و تجهیزات تولیدی» و «مشارکت در امور اقتصادی درآمدزا برای کمک به نیازمندان» نقش کم‌رنگی ایفا نموده‌اند. در نهایت، میزان فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در مؤلفه محیطی-کالبدی برای ارتقای تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ارومیه در برابر کووید-۱۹ با میانگین ۳/۱۱ در حد متوسط بوده است. نتایج آزمون فریدمن در این مؤلفه نشان می‌دهد، سازمان‌های مردم‌نهاد به ترتیب در زمینه «شست و شو و ضد عفونی کردن محیط»

- Yakubu, A., Ndow, G., Jegede, A., Ambe, J. & Kombe, F. (2021). Lessons from the Ebola epidemics and their applications for COVID-19 pandemic response in sub-Saharan Africa. *Developing World Bioethics*, 21(1), 25-30.
- Akter, S., Hakim, S. S., & Rahman, M. S. (2021). Planning for Pandemic Resilience: COVID-19 experience from urban slums in Khulna, Bangladesh. *Journal of Urban Management*, 10(4), 325-344.
 - Corburn, J., Vlahov, D., Mberu, B., Riley, L., Caiaffa, W. T., Rashid, S. F., Ko, A., Patel, S., Jukur, S., Martínez-Herrera, E., Jayasinghe, S., Agarwal, S., Nguendo-Yongsi, B., Weru, J., Ouma, S., Edmundo, K., Oni, T. & Ayad, H. (2020). Slum health: arresting COVID-19 and improving well-being in urban informal settlements. *Journal of urban health*, 97(3), 348-357.
 - Farmani, M. (2017). Examining the experience NGOs in solving Iran's social problems - a case study of NGOs active in the field of child labor, Master's thesis (unpublished), University of Science and Culture, Iran. [in Persian]
 - Geravand, O. (2017). The role of non-governmental organizations in entrepreneurship and creating employment, public relations of Iran, 103, 16-17. [in Persian]
 - Habibpour Gatabi, K., & Kari Jafari, B. (2019). Situation of Non-Governmental Organizations in Tehran's Crisis Management. *Journal of Iranian Social Studies*, 13(2), 29-54. [in Persian]
 - Islam, S. D. U., Bodrud-Doza, M., Khan, R. M., Haque, M. A., & Mamun, M. A. (2020). Exploring COVID-19 stress and its factors in Bangladesh: a perception-based study. *Heliyon*, 6(7), e04399.
 - Karimi, S., Ahmadreza Nasr, A. & Boghratian, K. (2009). Lifelong Learning: The Approach of University in 21st Century, Tehran: Samt. [in Persian]
 - Moawad, P. & Andres, L. (2020), Tackling COVID-19 in informal tented settlements (Lebanon): An assessment of preparedness and response plans and their impact on the health vulnerabilities of Syrian refugees, *Journal of Migration and Health*, 1-2, 1-7.
 - Moroto, H., Sakamoto, M., & Ahmed, T. (2018). Possible factors influencing NGOs' project locations for disaster management in Bangladesh. *International journal of disaster risk reduction*, 27, 248-264.
 - Munoz-Erickson, T.A., Meerow, S., Hobbins, R., Cook, E., Iwaniec, D.M., Berbes-Blazquez, M., Grimm, N.B., Barnett, A., Cordero, J., Gim, Ch., Miller, T.R., Tandazo-Bustamante, F. & Robles-Morua, A. (2021), Beyond bouncing back? Comparing and contesting urban resilience frames in US and Latin American contexts, *Landscape and Urban Planning*, 214, 1-13.
 - Pongutta, S., Kantamaturapoj, K., Phakdeesettakun, K. & Phonsuk, P. (2021), The social impact of the COVID-19 outbreak on urban slums and the response of civil society organisations: A case study in Bangkok Thailand, *Heliyon*, 7, 1-8.
 - Pourhasanzadeh, M. H., & Ahmadi, G. (2020). Evaluation and Assessment of the Amount of Resiliency of Shiraz city with a risk-reducing against Natural Hazards. *Geography (Regional Planning)*, 10(1), 1-14. [in Persian]
 - Salehi, S.H., Khalaji, A. & Baseri, A. (2015). The effect of non-governmental organizations on security components, *Journal of Crisis and Emergency Management*, 7(26), 31-56. [in Persian]
 - Satterthwaite, D., Archer, D., Colenbrander, S., Dodman, D., Hardoy, J., Mitlin, D., & Patel, S. (2020). Building resilience to climate change in informal settlements. *One Earth*, 2(2), pp.143-156.
 - Shupler, M., Mwitari, J., Gohole, A., Cuevas, R.A., Puzzolo, E., Cuki, J., Nix, E. & Pope, D. (2021), COVID-19 impacts on household energy & food security in a Kenyan informal settlement: The need for integrated approaches to the SDGs, *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 144, 1-16.
 - Simiyu, S., Swilling, M., Cairncross, S., & Rheingans, R. (2017). Determinants of quality of shared sanitation facilities in informal settlements: case study of Kisumu, Kenya. *BMC public health*, 17(1), 1-13 .
 - Smit, W. (2020). The challenge of COVID-19 in African cities: An urgent call for informal settlement upgrading. *Cities & Health*, 1-3.
 - Van Welie, M.J. & Romijn, H.A. (2018), NGOs fostering transitions towards sustainable urban sanitation in lowincome countries: Insights from Transition Management and Development Studies, *Environmental Science and Policy*, 84, 250-260.
 - Veisi, F. (2017). Comparative Analysis of the Patterns of Informal Settlements Case study: Marivan city. *Geography and Development*, 15(46), 207-224. [in Persian]
 - Vertigans, S., Mueller-Hirth, N., & Okinda, F. (2021). Resilience in a Kenyan informal settlement during

- the COVID-19 Pandemic. *Acta Academica: Critical views on society, culture and politics*, 53(2), 122-142.
- Von Seidlein, L., Alabaster, G., Deen, J. & Knudsen, J. (2021), Crowding has consequences: Prevention and management of COVID-19 in informal urban settlements, *Building and Environment*, 188, 1-9.
 - Yousif, N. B. A., Grondys, K., Gad, S., & Elsayed, W. (2020). Knowledge management in non-governmental organizations (NGOs). *Administratie si Management Public*, (35), 90-108.

نحوه ارجاع به مقاله:

آراسته، مجتبی؛ پورحسن زاده، محمدحسین؛ بقایی، مریم؛ (۱۴۰۱) بررسی نقش سازمانهای مردم نهاد در بهبود تاب آوری سکونتگاه های غیررسمی شهر ارومیه در برابر پاندمی کووید-۱۹، مطالعات شهری، ۱۲ (۴۵)، ۶۹-۸۲. doi: 10.34785/J011.2023.011/Jms.2023.108

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



شناسایی مناطق مستعد توسعه میان‌افزا با استفاده از دورسنجی

نمونه مورد مطالعه: کلانشهر اهواز

علی شجاعیان - دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
 عامر نیک‌پور - دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
 ناصر علیقلی‌زاده فیروزجایی - استادیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
 محمد سلیمانی لامیانی - دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۲ خرداد ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۰۸ تیر ۱۴۰۱

چکیده

زمانی که در یک محدوده زیستی، پدیده پراکنده‌رویی کالبدی پدیدار شود، می‌توان گفت که درون شهر فضاهای بلااستفاده، رها شده، ناکارآمد و فرسوده شکل می‌گیرد؛ از این روست که توجه و برنامه‌ریزی برای استفاده از این فضاها اهمیت پیدا می‌کند. در واقع رشد هوشمند شهری یکی از راهکارهای اساسی در پاسخ به پراکنده‌رویی است. بنابراین توجه به اصول توسعه میان‌افزا در محدوده‌های دارای ظرفیت شهر مانند بافت‌های فرسوده، مخروطه‌ها، اراضی بایر و بافت‌های ناکارآمد شهری می‌تواند به عنوان یکی از راهبرد های اساسی برای دستیابی به رشد هوشمند شهری کمک نماید. هدف پژوهش حاضر نیز شناسایی محدوده‌های با قابلیت توسعه درون‌زا با تأکید بر شاخص‌های قابل دستیابی از داده‌های دورسنجی شامل بخش‌های فرسوده و زمین‌های بایر در محدوده قانونی شهر اهواز است. برای این منظور پس از تهیه و استانداردسازی تصاویر ماهواره‌ای لندست (سنجنده ETM) و IRS (سنجنده ID)، با استفاده از مدل‌های WS (تقسیم حوزه‌ای) و MLC (بیشترین همانندی) به طبقه‌بندی و استخراج بافت‌های مورد نظر پرداخته و سپس در GIS با ترکیب خروجی‌های پیشین، نقشه کلاسه‌بندی مناطق قابل پیشنهاد توسعه میان‌افزا ارائه گردیده است. نتایج تحقیق نشان داد که از مساحت ۱۸ هزار و ۶۵۰ هکتار محدود قانونی شهر اهواز، بیش از شش هزار و ۷۲۶ هکتار (شامل مناطق شناسایی شده بایر و بافت فرسوده) قابلیت توسعه میان‌افزا را دارند. این مقدار ۳۶٫۲ درصد از مساحت شهر را شامل می‌شود. همچنین از کل پهنه پیشنهادی برای توسعه میان‌افزای اهواز، در بافت‌های فرسوده و اراضی بایر، بیشترین مساحت متعلق به اراضی بایر با بیش از پنج هزار و ۷۶۸ هکتار و کمترین مقادیر مربوط به قطعات بافت فرسوده با بیش از ۹۵۸ هکتار، به ترتیب با ۸۵٫۷ و ۱۴٫۳ درصد از کل مناطق اختصاص یافته به توسعه میان‌افزای منطقه مورد پژوهش بوده است.

واژگان کلیدی: توسعه میان‌افزا، اراضی بایر، بافت فرسوده، داده‌های دورسنجی، شهر اهواز.

نکات برجسته

- زمانی که در یک محدوده پدیده پراکنده‌رویی پدیدار شود، می‌توان گفت که درون شهر، فضاهای بلااستفاده و ناکارآمد شکل می‌گیرد.
- از مساحت ۱۸۶۵۰ هکتار محدود قانونی شهر اهواز، بیش از ۶۷۲۶ هکتار قابلیت توسعه میان‌افزا را دارا می‌باشند.
- توسعه میان‌افزا با یک طراحی مناسب می‌تواند یک نوع جدید توسعه با ساختار مختلط سکونتی و ساکنانی با سطوح مختلف درآمدی باشد.

۱. مقدمه

رشد شهرنشینی و متعاقب آن توسعه شهری یکی از معضلاتی است که جهان، اکنون با آن مواجه است (Serag et al, 2012:86). به این گونه که مناطق شهری به دلیل افزایش مداوم جمعیت ناشی از فرآیند شهرنشینی در حال افزایش هستند (Wegener, 2013:277). به تدریج با افزایش تراکم جمعیت و فعالیت در این مناطق، جمعیت و فعالیت از شهرهای بزرگ خارج می‌شود که منجر به شکل‌گیری مراکز فعالیت و اسکان در الگوهای مختلف ساختار فضایی شده است (Dadashpoor & Alidadi, 2017:52). براین اساس رشد شهری با تغییر کاربری اراضی و افزایش فعالیت شهر همراه است (Abedini & Khalili, 2019:317). از این رو پدیده پراکنده‌رویی شهری با روند، علل و پیامدهای متفاوت، به تدریج به یکی از الگوهای توسعه فضایی شهری در سراسر جهان تبدیل شده است (Mosammam et al, 2006:104). در کشورهای در حال توسعه نیز رشد بی سابقه شهرنشینی، محدودیت‌های فیزیکی شهر را گسترش داده و توسعه کیفی را تضعیف کرده است (Lotfi et al, 2011:232). در کشورهای در حال توسعه، این پدیده اغلب نتیجه سبقت شهرنشینی از برنامه‌ریزی شهری، سیاست‌های دولتی زمین و مسکن نامناسب، مهاجرت‌های شهری و روستایی و تلاش‌های خانوارهای متوسط و کم‌درآمد برای یافتن مسکن ارزان قیمت در حاشیه شهری است (Deng et al, 2004:211). چنین توسعه‌ای که اصولاً در اراضی آماده‌سازی نشده اتفاق می‌افتد، نتایج بسیاری (از جمله افزایش زمین‌های بلا استفاده، افزایش سهم فضاهای باز، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش‌های شهری و جدایی‌گرایی اجتماعی) را به همراه دارد (Hess, 2002:2). توسعه درون‌زا فرایند توسعه قسمت‌های خالی یا ساخته شده موجود درون نواحی شهری است و میان افزای شهری به توسعه جدید در اراضی خالی یا توسعه نیافته درون شهر گفته می‌شود که توسط اراضی توسعه یافته محصور شده است (Cooper, 2012:1). در کانون بحث توسعه میان‌افزا، زمین‌های رها شده اخیراً به کانون توجه دولت‌ها، جوامع، طرفداران محیط زیست، محققان و دانشمندان سراسر جهان تبدیل شده است (Zhua et al, 2015:187). مرکز جوامع زیست‌پذیر، چند دلیل در جواب به این که چرا باید در مناطق شهری موجود (مناطق میانی) ساخت و ساز کرد، عنوان می‌کند: وابستگی بیشتر به اتومبیل و ناکارآمدی زیاد اثرات مالی بر دولت‌ها به واسطه برنامه‌ریزی نامناسب (Connie, 2005:5). در کشور ایران تا زمانی که الگوی رشد و توسعه فضایی شهرها از گانیک و تعیین‌کننده عوامل درون‌زا و محلی بود، محدوده شهری نیز کفایت کاربری‌های سنتی شهری را می‌داده و یک نوع تعادل میان محیط زیست و شهر برقرار بود؛ اما از زمانی که مبنای توسعه و گسترش شهرها به واسطه تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ماهیتی برون‌زا به خود گرفت، با موتوریزه شدن شهرها، درآمدهای حاصل از فروش نفت در اقتصاد شهری تزیق شد و شهرهای کشور در نظام اقتصاد جهانی و تحت تأثیر آن قرار گرفته و به دنبال آن الگوی توسعه بسیاری از شهرهای ایران روندی شتابان و بی‌رویه به خود گرفت (Arvin et al, 2017:164). شهر اهواز نیز به دلیل افزایش جمعیت، توسعه صنایع نفتی، مرکزیت استان، استقرار خدمات شهری و جذب جمعیت شهرها و روستاهای

استان در دهه‌های گذشته، تحولات کالبدی-فضایی وسیعی داشته که سبب گسترش ناموزون شهر و ظهور پدیده پراکنده‌رویی در شهر شده است. در برشمردن عناصر شاخص کالبدی محرک توسعه در شهر اهواز می‌توان به شهرک‌های صنعتی، اراضی نظامی، مجموعه فرودگاه و تأسیسات آن، عملکردهای آموزشی و دانشگاهی شهر اهواز و شریان‌های ارتباطی اصلی و راسته بازار در شرق رودخانه، ادغام مناطق حاشیه‌ای و غیررسمی و روستاها اشاره کرد. این عوامل سبب بلااستفاده ماندن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های داخلی فراوان مانند اراضی فرسوده و کمتر توسعه یافته و اراضی توسعه نیافته در شهر شده است. از این رو، به کارگیری این ظرفیت و پتانسیل‌ها در بطن برنامه‌ریزی توسعه میان‌افزا می‌تواند دلیلی بر کاهش تخریب محیط زیست پیرامون، عدم توجه به الگوی سنتی بافت اصلی شهر، عدم توجه به هویت شهری و ... باشد. بنابراین با توجه به شرایط کنونی شهر اهواز آگاهی از نواحی و مناطقی که مستعد توسعه میان‌افزا هستند، نوعی ضرورت برای ارائه طرح‌ها و برنامه‌ها به منظور جلوگیری از پدیده پراکنده‌رویی و تحقق توسعه میان‌افزا است.

توسعه میان‌افزا، توسعه‌ای معمولاً مسکونی بر روی قطعه زمینی است که در میان ساختمان‌ها باقی مانده است. به عبارت دیگر، توسعه میان‌افزا بازیافت اراضی خالی داخل نواحی شهری است که خدمات زیرساختی مختلفی مانند جاده، دسترسی، آب، برق و ... دارد و از آن برای نیازهای شهر بهره گرفته می‌شود (Dadashpoor et al, 2017:94). در پژوهشی با عنوان "رویکرد توسعه میان‌افزا: یک راه انتقال هوشمند به توسعه پایدار شهری آینده" که به وسیله مهین و همکاران انجام شده، به چارچوبی سه مرحله‌ای برای شناسایی مناطق مستعد توسعه میان‌افزا در منطقه شماره یک شهرداری اصفهان بر اساس زیرساخت‌های آب شهری پرداخته‌اند. در ادامه با محاسبه وزن هر یک از پهنه‌های موجود در مناطق با استفاده از مدل AHP همسایگی‌های محدوده مورد مطالعه برای توسعه آبی شهری رتبه‌بندی شدند. در انتهای پژوهش آنها به این نتیجه رسیدند که نه تنها دسترسی به زیرساخت‌های آب شهری نباید تنها معیار تصمیم‌گیری در مورد توسعه آینده در نظر گرفته شود، بلکه ظرفیت مازاد در این زیرساخت‌ها و مکانیابی آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است (Mahin et al, 2021). عابدینی و خلیلی در پژوهشی با عنوان "تعیین ظرفیت توسعه درون‌زا در رشد کلانشهر ارومیه" با استفاده از نه شاخص به تحلیل فضایی در سطح شهر ارومیه پرداخته‌اند. سپس برای همپوشانی هر یک از لایه‌ها از روش AHP استفاده نموده‌اند. نتایج حاصل از سناریوسازی پژوهش آنها نشان داده است که منطقه وسیعی از شهر ارومیه برای توسعه میان‌افزا مناسب است و بخش‌های عمده‌ای از منطقه ۳ و ۱ در شهر، از پتانسیل توسعه میان‌افزا برخوردار است. همچنین منطقه ۴ این شهر از نظر دسترسی به شاخص‌های مورد بررسی شده در سطح مناسبی قرار دارد (Abedini & Khalili, 2019).

رضویان و صمدی در پژوهشی با عنوان "ارزیابی پتانسیل توسعه میان‌افزا در منطقه ۸ تبریز با روش تحلیل شبکه" با رویکرد توسعه میان‌افزا، توسعه آبی منطقه ۸ تبریز را مورد بررسی قرار دادند. برای سنجش توانمندی‌های توسعه میان‌افزا این منطقه، چندین شاخص از

جمله کیفیت ساختمان‌ها، دسترسی‌ها، فشرده سازی و دانه‌بندی را مورد استفاده قرار دادند. به منظور تعیین ظرفیت نهایی توسعه و تأثیر هر شاخص، شاخص‌ها با استفاده از تجزیه و تحلیل فرایند شبکه مدل تصمیم‌گیری تحلیل شبکه‌ای^۱ وزن دهی شدند. نتایج نشان داد که ۱۲ درصد از سطوح منطقه ۸ تبریز، توان بالایی برای توسعه میان‌افزا دارند که نیازمند یک برنامه‌ریزی مبتنی بر اصول توسعه هوشمند است (Razavian & Samadi, 2016).

آروین و زنگانه در پژوهشی با عنوان تحلیل موانع بهره‌گیری از رویکرد توسعه میان‌افزا مطالعه موردی: شهر اهواز به این نتیجه رسیدند که مدیران و کارشناسان معتقدند که عوامل قانونی-اداری بیشترین تأثیر را بر عدم تحقق و اجرای رویکرد توسعه میان‌افزا در شهر اهواز دارند و بعد از آن متغیر اقتصادی با ضریب ۰/۹۴، متغیر اجتماعی با ضریب ۰/۶۶ و متغیر کالبدی با ضریب ۰/۵۵ به ترتیب بیشترین تا کمتر تأثیر را بر عدم تحقق اجرای توسعه میان‌افزا در شهر اهواز دارند (Arvin & Zanganeh, 2020).

حکمت‌نیا در پژوهشی با عنوان "اولویت بندی نقش مؤلفه‌های توسعه میان‌افزا (درون‌زا) در توسعه فیزیکی شهر با رویکرد تحقق شهر هوشمند (مطالعه موردی: شهر یزد)" به این نتیجه رسید که چنانچه طی سال‌های آینده در این شهر هیچ‌گونه رشد و توسعه‌ای در محدوده‌های بیرونی و اطراف شهر صورت نگیرد و تمامی رشد و گسترش فیزیکی آینده شهر محدود به استفاده از زمین‌های خالی داخل شهر شود، در ۲۵ سال آینده شهر یزد نیاز به افزایش مساحت و وسعت نخواهد داشت و محدوده موجود شهر پاسخگوی نیازهای مسکونی و غیر مسکونی شهروندان خواهد بود (Hekmatnia, 2019).

در این پژوهش برای نخستین بار از مدل ws برای مطالعه و شناسایی فرسودگی بافت‌های شهری استفاده شده است. استفاده از این مدل در واقع به کارگیری یکی از منطق‌های جاری در طبیعت برای واکاو و تحلیل فعالیت‌های انسانی است. از طرفی از تلفیق داده‌های حاصل از مدل یادشده، با خروجی‌های حاصل از طبقه‌بندی تصاویر لندست (به منظور شناسایی محدوده‌های بایر و خالی)، بخش‌های قابل پیشنهاد برای توسعه میان‌افزا، استخراج شده است. بنابراین با استفاده از مجموعه روش‌های خودکار و نیمه خودکار با دقت و سرعتی بالا اهداف پژوهش محقق شده است.

۲. چارچوب نظری

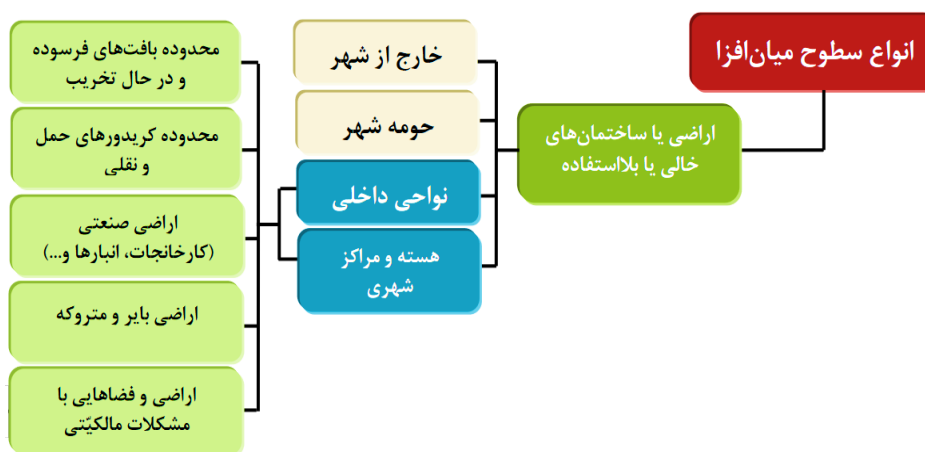
مفهوم توسعه میان‌افزا برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ توسط انجمن املاک و مستغلات آمریکا تعریف و در راستای اهداف اقتصادی به کار گرفته شد (Hudnu, 2001:1). کوان نیز در بیان مفهومی شهری، infill را در قالب development infill (توسعه درون‌زا) و به عنوان ساختمانی در سایت کوچک مرتبط با ساختمان‌های موجود می‌داند (Cowan, 2005:195). به عبارتی توسعه میان‌افزا به استفاده بهتر و مؤثرتر تسهیلات و خدمات موجود در نواحی هدف منجر خواهد شد که در اکثر مواقع ارزش مالکیت‌ها را افزایش می‌دهد و هزینه‌های خدمات عمومی مانند آب، فاضلاب، پیاده‌روها و تأمین امنیت

عمومی کاهش خواهد یافت. همچنین می‌تواند برای رسیدن به آستانه جمعیتی لازم برای تأمین نیازهایی مانند فضای سبز و پارک و خدمات از این دست کمک کند (A comprehensive recipe for middleware development, 2015). بنابراین برای توصیف توسعه میان‌افزا، طیف گسترده‌ای از تعاریف وجود دارد. توسعه میان‌افزا، استفاده مجدد و باززنده سازی ساختارهای موجود و به دنبال آن ساخت‌وسازهای نیاز به تخریب ساختارهای موجود و به دنبال آن ساخت‌وسازهای جدید متفاوت است (Felt, 2007:48). بنابراین از میان تعاریف مختلف، رایج‌ترین تعریف توسعه میان‌افزا، توسعه‌ای است که در قطعات تحت استفاده در مناطق قبلاً توسعه یافته و بخش‌های شهری رخ می‌دهد. با توجه به این که شهرنشینی اغلب در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد (Kramer et al, 2001:3)، در سال‌های اخیر بسیاری از مناطق شهری این کشورها رشد چشمگیری را تجربه کرده‌اند که در این زمینه بهره‌گیری از اصول توسعه میان‌افزا می‌تواند بسیار کارآمد باشد (Cohen, 2006:71). در واقع این نوع از توسعه به عنوان تاکتیکی از راهبرد رشد هوشمند منطقه‌ای به حساب می‌آید و شامل سه فعالیت اصلی می‌شود: ۱- احداث ساختمان‌های جدید بر روی زمینی که در شرایط موجود توسعه نیافته و یا کمتر توسعه یافته است، ۲- احیای کالبدی ساختمان‌های غیرقابل استفاده کنونی و ۳- استفاده مجدد و سازگار با فرم و عملکرد قبلی این ساختمان‌ها (Connie, 2005:258). بنابراین توسعه میان‌افزا با یک طراحی مناسب می‌تواند یک نوع جدید توسعه با ساختار مختلط سکونت و ساکنانی با سطوح مختلف درآمدی باشد؛ چرا که این نوع توسعه سعی دارد تا فاصله‌های موجود بین محلات را از طریق رعایت عدالت اجتماعی بکاهد (Malekshahi et al, 2018:134). (جدول شماره ۱)

از جنبه کالبدی توسعه بین بافتی، بهسازی ساختمان‌های تاریخی و حفاظت از عناصر نشانه‌ای و یا میدان‌های عمومی شاخص را نیز در بر می‌گیرد و اینها به منظور حفظ و ارتقای خصوصیات محله انجام می‌شوند (American Planning Association, 2006:22). از آنجایی که زمین‌های خالی در هر مکانی می‌تواند باشد، اما با احتمال زیاد در طول محورهای حمل‌ونقل (حمل و نقل عمومی یا خودرو محور) یا مناطق کاربری انتقالی (به عنوان مثال کاربری صنعتی یا تجاری سابق)، در مناطق انتقال بین الگوهای مختلف مورفولوژیکی مثل حاشیه شهرها و حومه‌ها یا در مناطقی از شهر که در آن زیرساخت‌های اساسی، محل‌های کار و دیگر امکاناتی که قبلاً مکان‌گزینی شده‌اند، قرار دارند (Chris Chua, 2012:187). با به کارگیری توسعه میان‌افزا در این مناطق می‌توان موجبات توسعه را فراهم آورد (Nemeth and Lang, 2014:144). بنابراین آنچه که گفته شد، این الگوی رشد شهری مزایایی مانند افزایش درآمدی خانوار، کاهش هزینه حمل‌ونقل از طریق کاربری مختلط و حفظ اراضی حومه شهری دارد. همچنین توسعه میان‌افزا از طریق افزایش ارتفاع ساختمان با افزایش تراکم نیز رابطه مستقیم دارد و جمعیت لازم را برای ارائه خدمات فرام می‌سازد (Oye And Lee, 2013: 858).

جدول شماره ۱: رویکردهای نظری مرتبط با توسعه میان افزا

اصول و ابعاد مرتبط با توسعه میان افزا	رویکردهای نظری	
افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری، کاهش پراکندگی شهری، پر کردن بافت موجود شهر، افزایش متعادل تراکم، نوسازی و بازسازی مناطق متروک و فرسوده، احیا و تغییر کاربری بناهای قدیمی، کاهش فاصله محل کار و زندگی، کاهش استفاده از اتومبیل و کاهش آلودگی های محیطی (Nikpour & et al, 2018: 80-82)	توسعه پایدار	رویکردهای نظری سطح کلان
پیاده مداری، کاربری مختلط و متنوع، مسکن مختلط، افزایش تراکم، حمل و نقل هوشمند و پایداری (Ligmann et al, 2005)	جنبش شهرسازی نوین	
تراکم بالا، کاربری مختلط شهری و استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی کارا و همچنین تشویق پیاده روی و دوچرخه سواری (Seifoddini & et al, 2012: 160)	شهر فشرده	رویکردهای نظری همسو
اختلاط کاربری، خلق گستره ای از فرصت ها و گزینه های مسکونی، خلق محله های قابل پیاده روی، تقویت و هدایت توسعه به سوی جوامع موجود، فراهم کردن تنوعی از گزینه های حمل و نقل، تشویق جامعه و سرمایه داران به مشارکت در تصمیمات توسعه (SGN, 2002)	رشد هوشمند	
ترکیب انواع کاربری تجاری، فرهنگی، تفریحی، اداری و ... با کاربری مسکونی به صورت عمودی یا افقی در کنار یکدیگر (TGM Program Staff, 2001)	توسعه بارویکرد کاربری مختلط	رویکردهای نظری مکمل
ترویج حمل و نقل عمومی، پیاده محوری و نیز استفاده ترکیبی از کاربری ها (APA, 2006: 404)	توسعه بر مبنای شبکه حمل و نقل عمومی	



نمودار شماره ۱: انواع سطوح مورد استفاده برای توسعه میان افزا

تصاویر تهیه شده در این تحقیق دارای مختصات بوده اند، اولین مرحله از پیش پردازش (تصحیح هندسی) شامل هماهنگ سازی مختصاتی آنان است. برای این منظور ۲۵ نقطه کنترل مورد استفاده قرار گرفت. برای تمایز بهتر فضاهای کالبدی از سایه، در ادامه بر روی تصاویر مربوطه عملیات برابر سازی هیس توگرام نیز انجام گرفت. سپس با اعمال مدل WS با استخراج نقشه بافت فرسوده اقدام گردید. از فاکتورهای مهم در استفاده از الگوریتم WS، زاویه تابش و نوردهی هنگام تصویر برداری است. بدین منظور که در داده های دورسنجی معمولاً زاویه تابش ثبت نمی شود، با استفاده از نرم افزار StarryNight زاویه تابش در روز و ساعت تصویر برداری برای مکانی با مختصات جغرافیایی منطقه مورد مطالعه استخراج گردید. در ادامه برای بناهای انتخاب شده یک به یک مرزهای وکتوری استخراج گردید و سپس برای هر ساختمان لبه های سایه دار مشخص شدند. سپس با استفاده از WS یک حریم در امتداد لبه های سایه ایجاد گردید. به منظور ارائه و تولید نقشه زمین های خالی و بایر احواز از طبقه بندی MLC تصاویر استفاده شده است (تصویر شماره ۱). برای این منظور و قبل از طبقه بندی، با عملیات ادغام تصاویر، باندهای مختلف دو نوع داده با یکدیگر ادغام (فیوژن) گردید تا بهترین ترکیب باندهای برای طبقه بندی به دست آید.

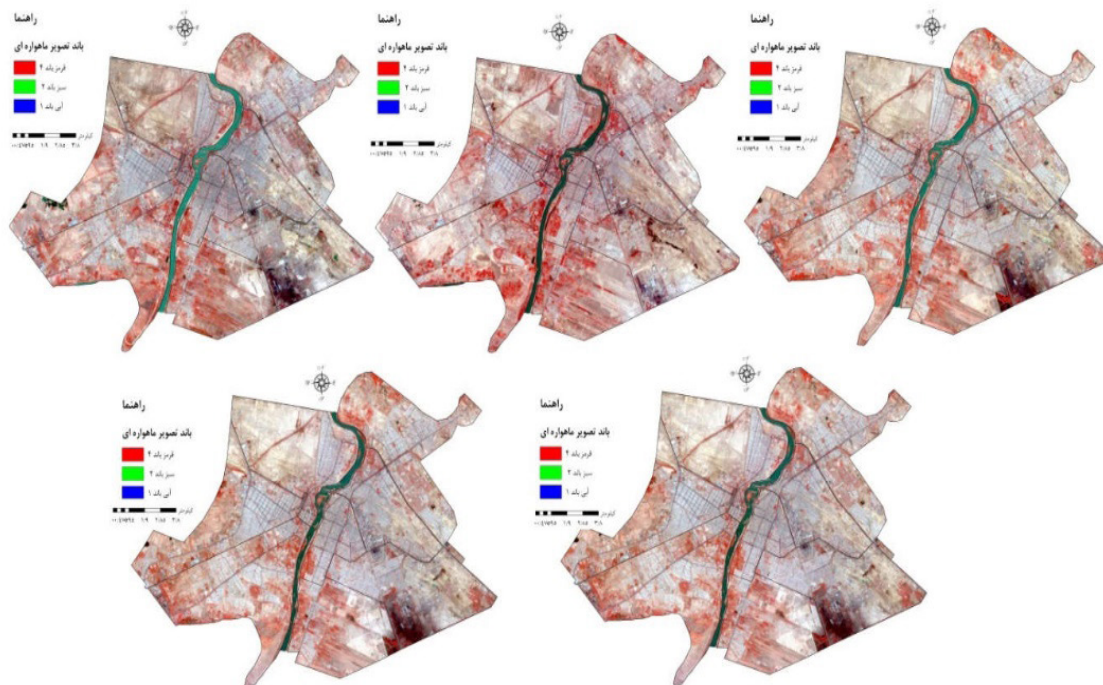
۳. روش پژوهش

داده های مورد استفاده در این تحقیق شامل تصاویر ماهواره ای لندست و IRS است. جدول شماره ۲ ویژگی های تصاویر مورد استفاده را نشان می دهد.

جدول شماره ۲: جزئیات تصاویر ماهواره ای مورد استفاده

منبع	تاریخ اخذ	سنجنده	نوع داده
سایت USGS	جولای ۲۰۲۰	ETM	Landsat
سایت spaceimaging	می ۲۰۲۰	1D	IRS

به طور کلی داده های به دست آمده از فرایند سنسجش از دور، قبل از هر نوع استفاده ای نیازمند عملیات پیش پردازش هستند. نوع و مراحل این عملیات نیز بسته به هدف مورد نظر، تا حدودی متفاوت خواهد بود. پردازش تصاویر در محیط PCI Geomatica استفاده شد. از آنجا که



تصویر شماره ۱: باندهای تصویر لندست شهر اهواز

(Gothandaraman, 2001). (رابطه شماره ۱) نمایش پارامترهای ریاضی مدل عمومی WS را نشان می‌دهد. رابطه شماره (۱):

$$F = \left\{ \bigcup_{i=1}^N R_i \right\} \cup \left\{ \bigcup_{j=1}^M R'_j / \eta(R'_j) < \tau \right\}$$

که در این رابطه:

M و N : مناطق منتخب از تصاویر A و C

$\eta(R'_j)$: تعداد پیکسل‌های تصویر در محدوده R'_j

T : مقادیر آستانه هستند.

رویکرد توپوگرافی این مدل می‌تواند مبنای محاسبه و استخراج بناهای موجود در بافت فرسوده شهری گردد (Shojaeian, 2007). نمودار شماره ۲ چارچوب‌های رویکرد توپوگرافی مدل قطعه‌بندی حوزه در این تحقیق را نشان می‌دهد.

۳.۳. مدل بیشترین همانندی (Maximum Likelihood MLC Classification)

روش بیشترین همانندی (حداکثر احتمال) از سایر روش‌های موجود برای طبقه‌بندی تصاویر ماهواره‌ای دقیق‌تر است (Beucher, 2019). میزان اندک واریانس و همبستگی ارزش‌های طیفی باندهای مختلف برای مناطق نمونه محاسبه می‌شود و از همین خاصیت برای ارتباط یک پیکسل طبقه‌بندی نشده به یکی از گروه‌ها یا نمونه‌های طیفی نیز استفاده می‌شود. به بیان دیگر برای بررسی نحوه توزیع ارزش‌های طیفی و احتمال آماری ارتباط یک پیکسل با یکی از گروه‌های نمونه

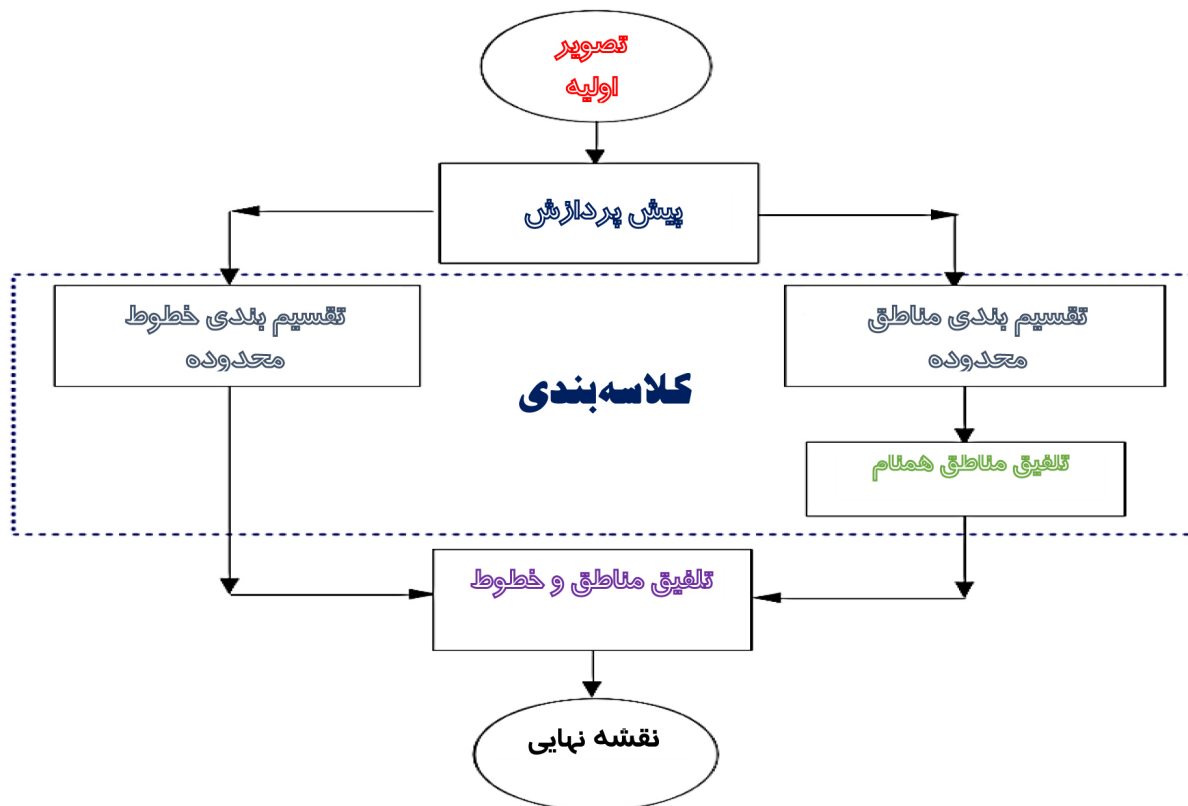
متداول‌ترین متد طبقه‌بندی پارامتریک، روش بیشترین احتمال (MLC) است (Shojaeian et al, 2015). در این روش پیکسل مجهول A را به رده‌ای که محتمل‌ترین رده برای آن پیکسل باشد، اختصاص می‌دهد. این روش فرض را بر آن می‌گذارد که توزیع داده‌های آموزشی هر رده، به صورت نرمال است. در روش رده‌بندی بیشترین احتمال، پس از جمع‌آوری داده‌های آموزشی و تعیین میانگین‌ها و انحراف معیارهای رده‌های تعریف شده تصویر، احتمال تعلق هر کدام از پیکسل‌های تصویر به تمام رده‌های تعریف شده آن تصویر، محاسبه شده و هر کدام از پیکسل‌ها به رده‌ای اختصاص داده می‌شوند. در ادامه و به منظور تعیین محدوده‌های قابل توصیه برای توسعه میان‌افزا، در محیط ArcGIS به تلفیق نقشه و خروجی‌های طبقه‌بندی MLC و الگوریتم WS اقدام گردید.

۳.۱. مدل‌های مورد استفاده

به منظور دستیابی به اهداف این پژوهش نیازمند استفاده از مدل‌های تقسیم‌حوزه‌ای برای استخراج عوارض ارتفاعی و همچنین بیشترین همانندی برای طبقه‌بندی تصاویر مورد استفاده هستیم.

۳.۲. مدل تقسیم‌حوزه‌ای (watershed segmentation) WS

یکی از روش‌های استخراج عوارض و طبقه‌بندی در تفسیر و پردازش داده‌های دورسنجی، مدل تقسیم‌حوزه‌ای براساس شبیه‌سازی حوزه‌بندی آبریز در علوم طبیعی است. الگوریتم و مدل قطعه‌بندی تصویر براساس مدل تقسیم‌حوزه‌ای (WS) به طور عمده در زمینه کلاسه‌بندی داده‌های هوایی و ماهواره‌ای استفاده می‌شود (Wang, 2008). در این مدل از سه رویکرد کلاسه‌بندی مبتنی بر شبیه‌سازی مرفولوژی، خطی و سطحی استفاده می‌شود



نمودار شماره ۲: نمودار رویکرد توپوگرافی در مدل WS

شهر اهواز ۱۳۹۶: ۶). جمعیت کلانشهر اهواز در نخستین سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۳۵) برابر با ۱۲۰ هزار و ۹۸ نفر و در آخرین سرشماری یعنی (۱۳۹۵) برابر با یک میلیون و ۱۸۴ هزار و ۷۸۸ نفر بوده است. از نظر مقطع زمانی، هسته اولیه شهر اهواز تا قبل از سال ۱۳۳۵ شامل خرموشک، اهواز قدیم، منطقه مرکزی (شامل محلات خزعلیه، خیابان‌های امام و طالقانی کنونی، نادری، باغ شیخ و باغ معین) بوده است (تصویر شماره ۲). تغییرات وسعت شهر اهواز را این طور می‌توان بیان کرد که شهر اهواز در سال ۱۳۳۵ (یک دهه قبل از تهیه اولین طرح جامع) ۲۵۰۰ هکتار وسعت داشت و در سال ۱۳۴۵، ۲۰۰ هکتار به محدوده شهر افزوده شد.

در سال ۱۳۵۵ وسعت شهر به سه هزار و ۷۰۰ هکتار رسید. بعد از یک دهه و در بحبوحه دفاع مقدس وسعت شهر به شش هزار و ۹۰۰ هکتار رسید. در سال ۱۳۷۰ وسعت شهر در افق طرح جامع (۱۳۴۷) به ۱۰ هزار و ۶۱۵ هکتار رسید. در سال ۱۳۷۵، با تغییر محدوده طرح جامع وسعت شهر به ۲۰ هزار و ۶۱۵ هکتار تغییر کرد و طبق داده‌های سالنامه‌های آماری هر وسعت شهر در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۲۱ هزار و ۲۵۷ و ۲۱ هزار و ۲۶۶ هکتار بوده و در سال ۱۳۹۱ با توجه به جدا کردن منطقه ۵ از محدوده شهر وسعت شهر به ۱۸۷۰۹/۸۷ هکتار کاهش پیدا کرد (Arvin & Zanganeh, 2020: 78). (تصویر شماره ۳) نمودار تغییرات مساحت شهر اهواز در فاصله زمانی ۱۳۳۵-۱۳۹۶ را نشان می‌دهد.

از ماتریکس واریانس و بردار میانگین که خود واریانس و همبستگی ارزش‌های طیفی را تعریف می‌کنند، استفاده می‌شود. با استفاده از عامل شدت احتمال، هر یک از پیکسل‌های تصویر پس از آزمون آماری و محاسبه احتمال تعلق آنها به گروه‌های طیفی نمونه، به گروه مربوطه تعلق می‌گیرد.

(رابطه شماره ۲) پارامترهای ریاضی در محاسبه این روش طبقه‌بندی را نشان می‌دهد (Romero et al, 2020).
رابطه شماره (۲):

$$L_k = P\left(\frac{k}{X}\right) = \frac{P(K) * P(X/k)}{\sum P(i) * P(X/i)}$$

که در آن:

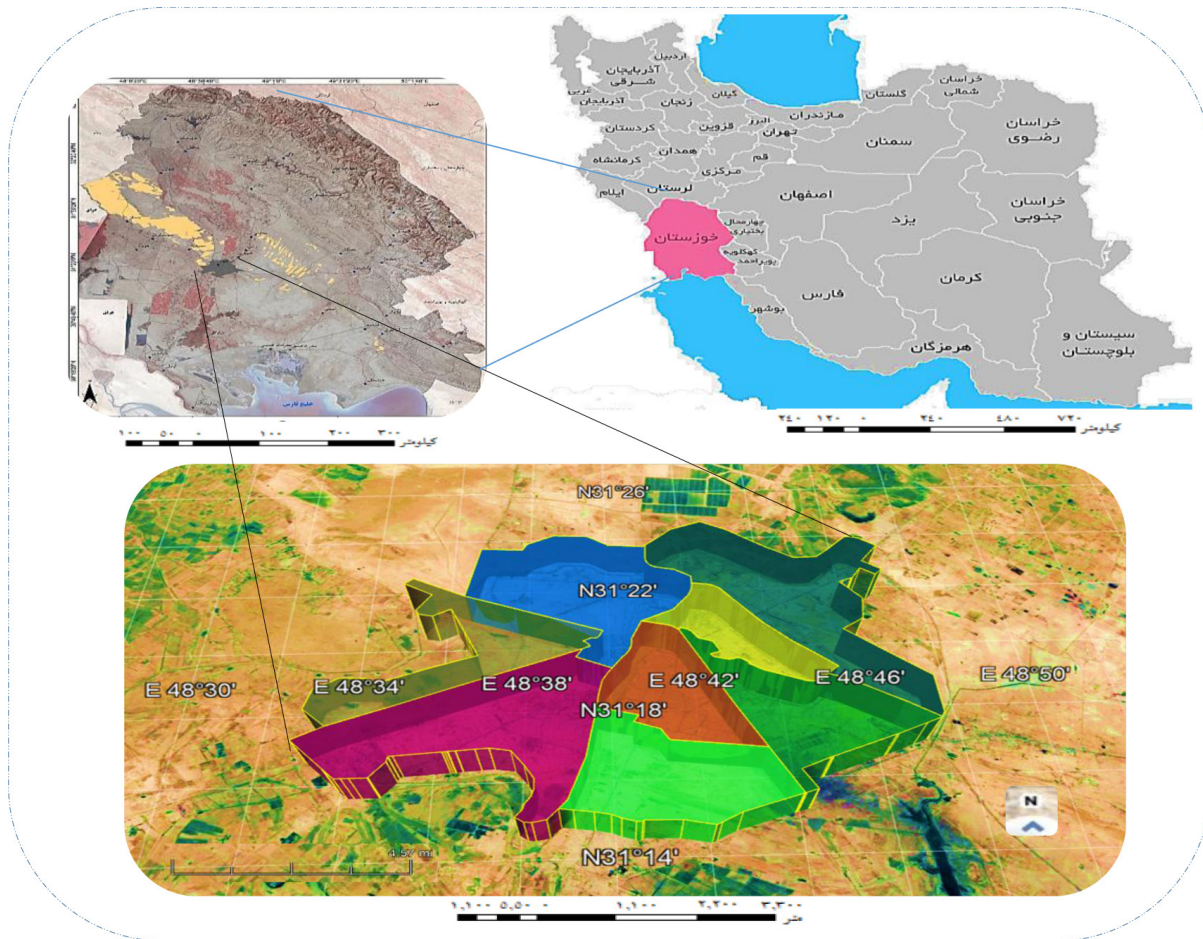
P: احتمال قبلی کلاس k

P(k/x): احتمال شرط مشاهده X از کلاس k

i: پیکسل در شماره درایه

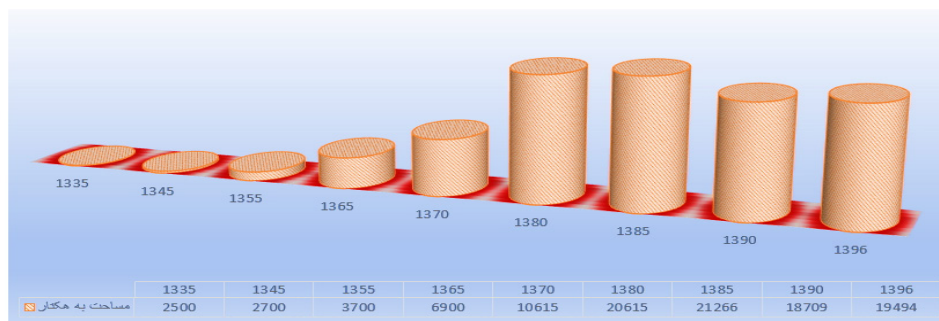
۳.۴. محدوده پژوهش

شهر اهواز مرکز استان خوزستان است که در حال حاضر با مساحت ۱۹۴۹۴/۰۱ هکتار وسیع‌ترین شهر استان است. شهر اهواز از نظر جغرافیایی در ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته و ارتفاع از سطح دریا ۱۸ متر است (شهرداری



تصویر شماره ۲: موقعیت و فتومپ شهری اهواز

مساحت شهر اهواز در ادوار مختلف



تصویر شماره ۳: نمودار تغییرات مساحت شهر اهواز در فاصله زمانی ۱۳۳۵-۱۳۹۶

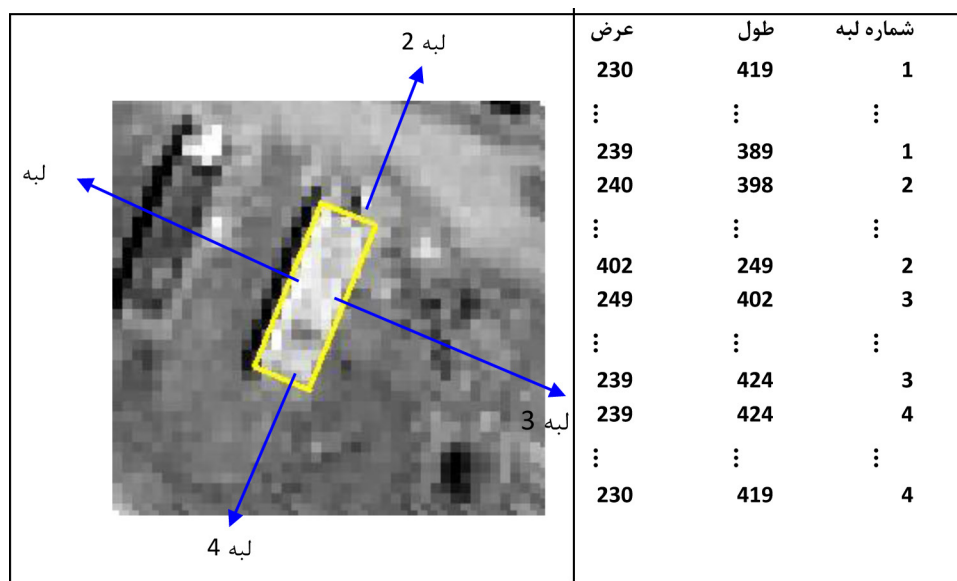
۴. بحث و یافته‌ها

به منظور بررسی وضعیت هر بنا لازم است مرزها و حدود آن مشخص شده و از محدوده سایه بنا (در لبه هایی که به دلیل جهت تابش نور، سایه وجود دارد) تفکیک شود. این کار در محیط وکتوری به سهولت قابل انجام است به همین دلیل به شکل انفرادی به هر یک از بناها یک کد منحصر به فرد تعلق گرفت. برای مشخص نمودن لبه‌های چهارگانه هر بنا نیز ابتدا مختصات و موقعیت چهار گوشه هر بنا استخراج و پس آن این گوشه‌ها به هم وصل شده و مرز و حدود بناها تعیین گردید. سپس هر یک از لبه‌ها نیز با عدد شماره گذاری گردیدند. در (تصویر شماره ۴) مختصات چهار گوشه یک ساختمان (سه رقم انتهایی در مختصات

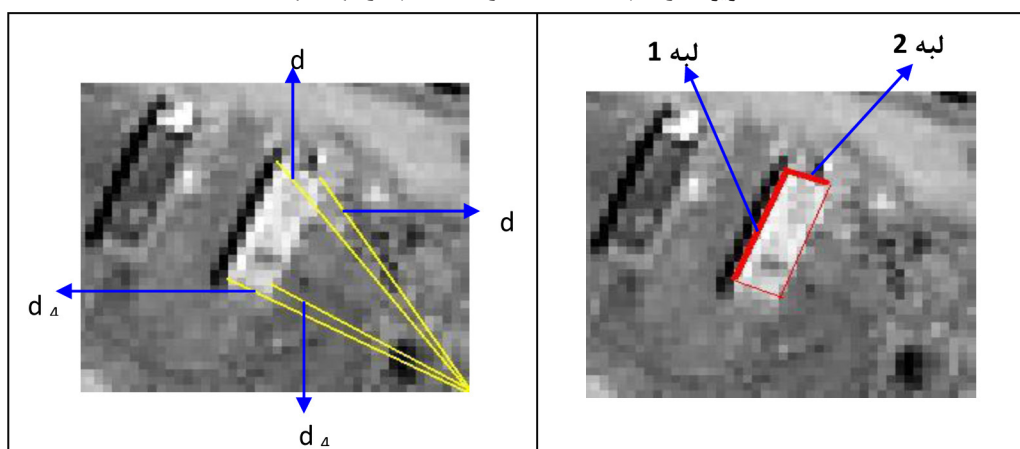
UTM) و لبه‌های محاسبه شده توسط آنها آمده است.

۴.۱ مدل WS

در ادامه توسط یک الگوریتم ساده می توان ابتدا، لبه‌های سایه‌دار بنا و سپس حدود مناطق سایه را نیز مشخص کرد. بدین ترتیب که برای هر بنا حداقل می توان چهار گوشه را تصور نمود که به صورت دو به دو، مختصات ابتدایی و انتهایی یکسانی دارند (تصویر شماره ۵). این کنج‌ها با توجه به فواصل اقلیدسی (d1, d2, d3 و d4) از زاویه تابش محاسبه می‌شوند (تصویر شماره ۵).



(تصویر شماره ۴: لبه‌های ساختمان و مختصات ابتدا و انتهای آنها)

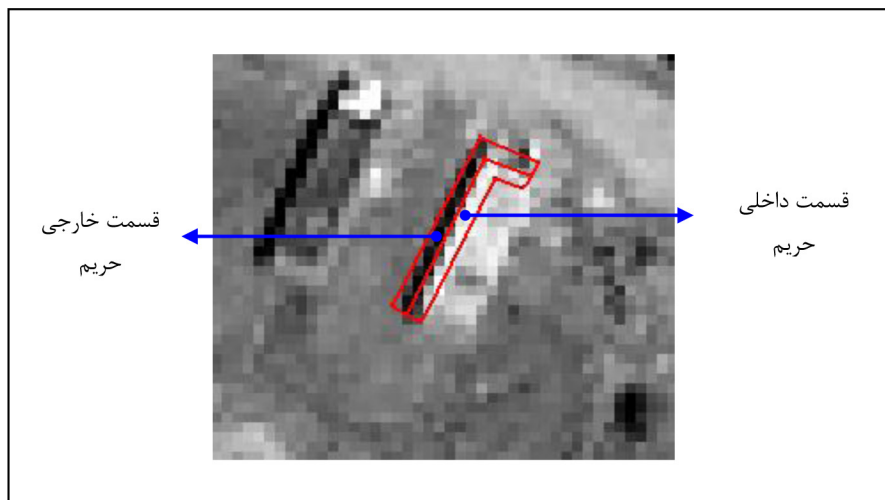


(تصویر شماره ۵: فاصله اقلیدسی از زاویه تابش (سمت چپ) و لبه‌های سایه دار (سمت راست))

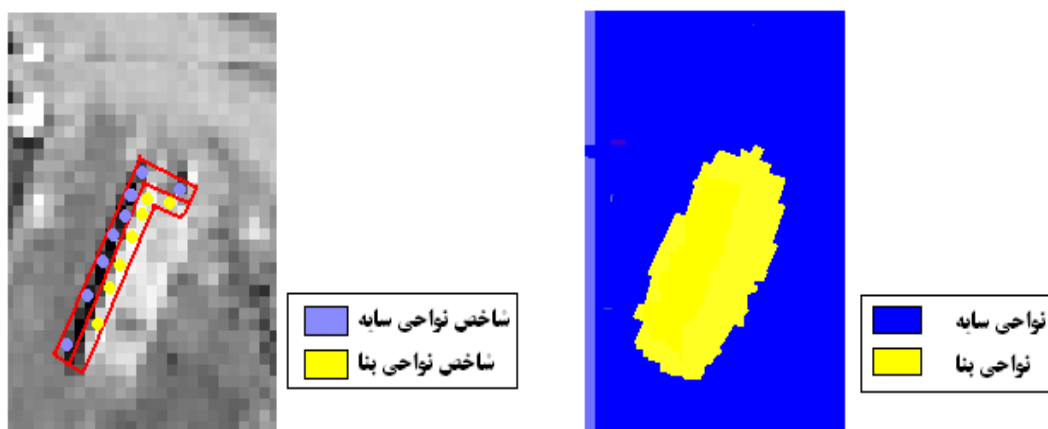
الگوریتم WS مبتنی بر ایده جریان از منابع انتخابی است. این منابع شاخص‌ها را نشان می‌دهند. در این تحقیق دو مجموعه از این شاخص‌ها نیاز است؛ یکی برای نواحی سایه و دیگری مناطق بنا. پس از یافتن شیب تصویر، شاخص‌های بنا و سایه به ترتیب برای ناحیه داخلی و بیرونی حریم انتخاب گردیدند. موقعیت شاخص‌ها تصادفی و غیر منظم انتخاب شدند. تصویر شماره ۷ چگونگی انتخاب شاخص‌های سایه و بنا را نشان می‌دهد. پس از مرحله انتخاب شاخص و اعمال WS، تصویری وجود دارد که دو منطقه روی آن قابل تشخیص خواهد بود، یکی نواحی سایه و دیگری فضاهای کالبدی (تصویر شماره ۷، سمت راست).

پس از مشخص کردن نواحی سایه و بنا برای هر ساختمان، به یک اندازه نسبی (به عنوان مرز بنا و سایه) در حریم لبه‌های سایه دار، بین پیکسل‌های سایه و ساختمان نیاز خواهد بود. برای رسیدن به هدف یادشده پیکسل‌های حریم داخلی و خارجی محاسبه و به عنوان سلول‌های سایه یا بنا دسته بندی می‌شوند. سپس نسبت پیکسل‌های مشخص شده به عنوان بنا، به کل پیکسل‌های حریم داخلی و همچنین نسبت سلول‌های مشخص شده به عنوان سایه به کل سلول‌های حریم خارجی محاسبه گردید. به عنوان نمونه برای بنای

عملکرد الگوریتم یادشده به این ترتیب است که اگر در میان فواصل اقلیدسی زاویه تابش، یک فاصله حداکثر وجود داشته باشد، لبه‌هایی که به نقطه انتهایی (گوشه) آن فاصله ختم می‌شوند، لبه‌های سایه دار خواهند بود. در حالتی دیگر اگر دو فاصله حداکثر وجود داشته باشد، مرز و لبه‌ای که شامل آن دو نقاط گوشه باشد، لبه سایه است. برای مثال، چنانچه $\{d1 > d4 > d2 > d3\}$ (یعنی یک فاصله حداکثر وجود داشته باشد) لبه‌های سایه، شماره‌های (۱) و (۲) هستند. اگر $\{d1 = d4 > d2 > d3\}$ ، بنابراین لبه (۱) به عنوان لبه سایه دار انتخاب می‌شود، چرا که تنها لبه‌ای است که مشتمل بر بیشترین فواصل از زاویه تابش ($d4$ و $d1$) است. پس از مشخص نمودن لبه‌های سایه، یک حریم با پهنای شش پیکسل اطراف لبه‌های سایه دار برای هر بنا ایجاد گردید، به شکلی که سه پیکسل از آن به سمت داخل و سه پیکسل به سمت خارج بنا امتداد یابند. قسمت داخلی برای تحلیل بنا و قسمت خارجی برای تحلیل مناطق سایه مورد استفاده قرار گرفت. هدف از ایجاد این حریم بررسی و اندازه‌گیری مقادیر هر یک از نواحی بنا و سایه در محدوده لبه‌های سایه دار بود (تصویر شماره ۶). این نواحی را می‌توان مهمترین قسمت‌ها برای ارزیابی فرسودگی بنا نامید (Yongfa, et al, 2020).



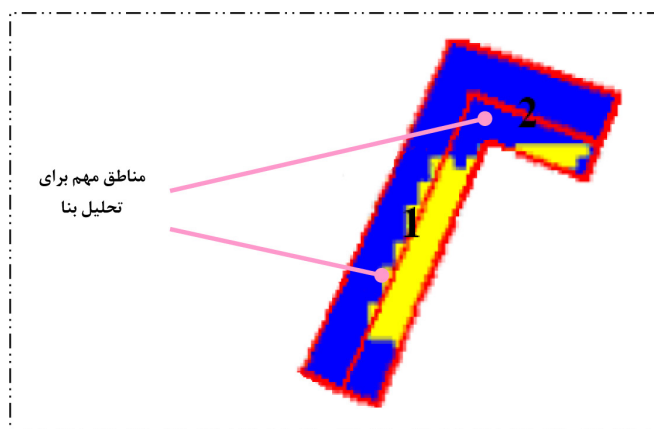
(تصویر شماره ۶: ایجاد حریم در محدوده مرزهای سایه دار بنا)



(تصویر شماره ۷: معرفی شاخص برای تصویر (سمت چپ) و تصویر حاصله پس از اعمال WS (سمت راست))

از آنجا که درصد های فوق برای تك تك فضاهای کالبدی تصویر محاسبه می شود، باید معیار و ملاکی وجود داشته باشد که براساس آن و با توجه به وضعیت و درصد سلول های هر بنا آن را فرسوده و یا غیرفرسوده در نظر گرفت. به همین دلیل نیاز به تعریف يك آستانه برای شناسایی نهایی وضعیت فضاهای کالبدی است. چنانچه نسبت بنا و سایه کمتر از آستانه یادشده باشد، می توان نتیجه گیری کرد که بنا فرسوده است و اگر نسبت های یادشده بالاتر از حد آستانه باشند، بنا

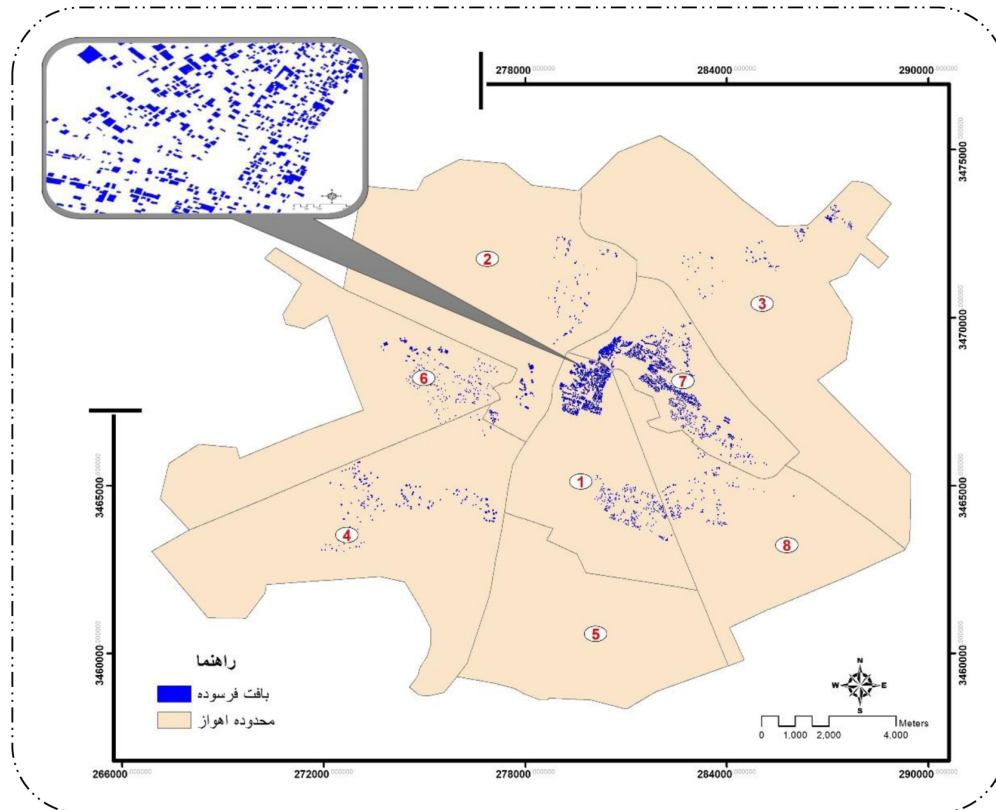
واقع در (تصویر شماره ۸) که دولبه سایه دار دارد، همه سلول های درون حریم در امتداد لبه های یادشده برابر با ۹۹ عدد برای حریم خارجی (سایه) و ۹۹ سلول برای حریم داخلی (ساختمان) محاسبه گردید. از مجموع سلول های حریم خارجی ۹۱ مورد مربوط به سایه و از مجموع سلول های حریم داخلی ۶۶ مورد متعلق به بنا بود. بدین ترتیب برای ساختمان مذکور درصد بنا و سایه به ترتیب برابر با $\frac{6}{9} = 66.67\%$ و $\frac{91}{9} = 91.99\%$ به دست آمد (تصویر شماره ۸).



(تصویر شماره ۸: محدوده های مهم برای تحلیل بنا (حریم داخلی و قسمت هایی از حریم خارجی که جزو سلول های بنا قرار گرفته اند))

شهر اهواز را شامل می‌شود. محدوده‌های شناسایی شده بیشتر بر بخش‌های مرکزی شهر (حد فاصل خیابان سلمان فارسی و طالقانی) و همچنین بافت قدیمی اطراف مرقد علی مهزیار منطبق است. علاوه بر اینها تقریباً در تمام مناطق هشتگانه شهر، کم و بیش بخش‌هایی پراکنده به عنوان بافت فرسوده شناسایی شده است.

غیرفرسوده خواهد بود. پس از اعمال مدل بر تصاویر مورد استفاده، نقشه پراکنش و توزیع بافت‌های فرسوده شهر اهواز با تأکید بر قدمت بنا مشخص و با استفاده از ابزار کارتوگرافیک محیط ArcGIS نقشه مربوطه تهیه گردید (تصویر شماره ۹). بررسی‌های آماری نشان داد از مجموع مساحت ۱۸ هزار و ۶۵۰ هکتاری شهر اهواز، ۹۵۸٫۲ هکتار به عنوان محدوده بافت فرسوده شناسایی شدند که ۵٫۱۳ درصد از



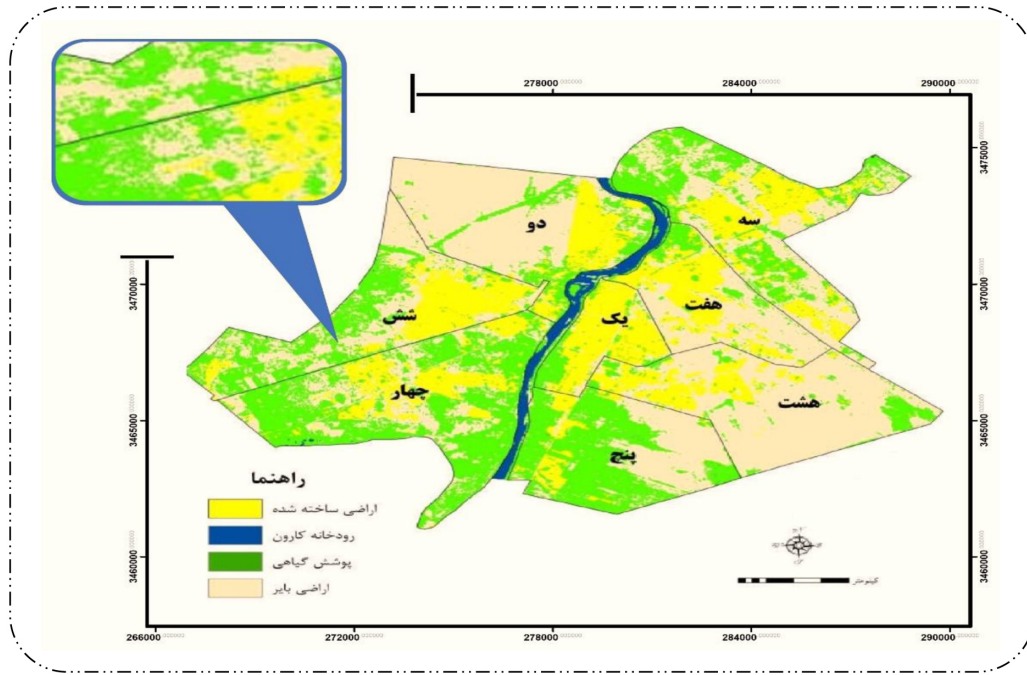
(تصویر شماره ۹: نقشه پراکنش بناهای فرسوده در شهر اهواز، مستخرج از تصاویر ماهواره‌ای)

(جدول شماره ۳: مساحت و تعداد قطعات بافت فرسوده (استخراجی از مدل WS) شهر اهواز)

منطقه شهری	مساحت (مترمربع)	تعداد	درصد
۱	۳۱۹۷۳۶۰	۱۹۱۴۰	۳۳٫۳۶
۲	۷۶۶۶۱۰	۱۷۳۰	۸٫۰۰
۳	۳۵۲۴۲۰	۱۳۵۰	۳٫۶۷
۴	۹۴۴۱۹۰	۱۹۳۰	۹٫۸۵
۵	۵۸۵۰	۳۰	۰٫۰۶
۶	۷۰۴۸۶۰	۲۲۹۰	۷٫۳۵
۷	۳۲۳۱۱۰	۲۸۷۸۰	۳۳٫۷۵
۸	۳۸۰۰۸	۱۶۹۰	۳٫۹۶
مجموع	۹۵۸۲۴۸۰	۵۶۹۴۰	۱۰۰

می‌کنند، استفاده می‌شود. با استفاده از عامل شدت احتمال، هر یک از پیکسل‌های تصویر پس از آزمون آماری و محاسبه احتمال تعلق آنها به گروه‌های طیفی نمونه، به گروه مربوطه تعلق می‌گیرد (Shojaeeian et al, 2015). برای تهیه نقشه توزیع و پراکنش اراضی بایر شهر اهواز بر روی تصاویر مورد استفاده عملیات طبقه‌بندی حداکثر احتمال اعمال گردید و نقشه ذیل استخراج شد (تصویر شماره ۱۰). مساحت زمین‌های بایر مورد محاسبه در (جدول شماره ۴) آمده است.

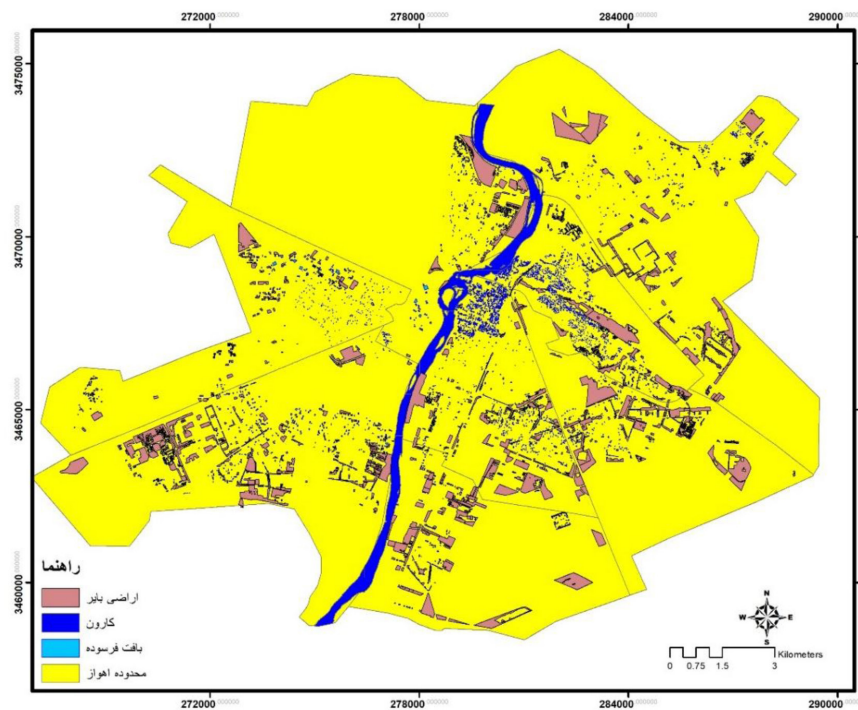
در این روش که از سایر روش‌های موجود برای طبقه‌بندی دقیق‌تر است (Ahmadpour et al, 2014)، میزان کمی واریانس و همبستگی ارزش‌های طیفی باندهای مختلف برای مناطق نمونه محاسبه می‌شود و از همین خاصیت برای ارتباط یک پیکسل طبقه‌بندی نشده به یکی از گروه‌ها یا نمونه‌های طیفی نیز استفاده می‌شود. به بیان دیگر برای بررسی نحوه توزیع ارزش‌های طیفی و احتمال آماری ارتباط یک پیکسل با یکی از گروه‌های نمونه از ماتریکس واریانس و بردار میانگین که خود واریانس و همبستگی ارزش‌های طیفی را تعریف



تصویر شماره ۱۰: نقشه توزیع و پراکنش زمین‌های بایر شهر اهواز، مستخرج از تصاویر ماهواره‌ای

جدول شماره ۴: مساحت و تعداد قطعات اراضی بایر (استخراجی از مدل MLC) شهر اهواز

درصد	تعداد	مساحت (هکتار)	منطقه شهری
۰,۳	۴۰۰	۸۰,۷۰	۱
۲۸,۵	۲۷۷	۱۷۲۰,۹۸	۲
۱۲,۸	۳۷۸۰	۷۳۹,۰۰	۳
۱۴,۵	۷۲۵	۸۳۸,۳۰	۴
۱۹,۲	۳۰۵	۱۱۰۵,۲۶	۵
۳,۵	۳۷۲	۱۳۸,۴۵	۶
۱۵,۹	۳۹۰	۹۲۰,۴۰	۷
۱۴,۴	۱۶۴	۱۸۰,۰۰	۸
۱۰۰	۳۰۱۳	۵۷۶۸,۴۰	مجموع



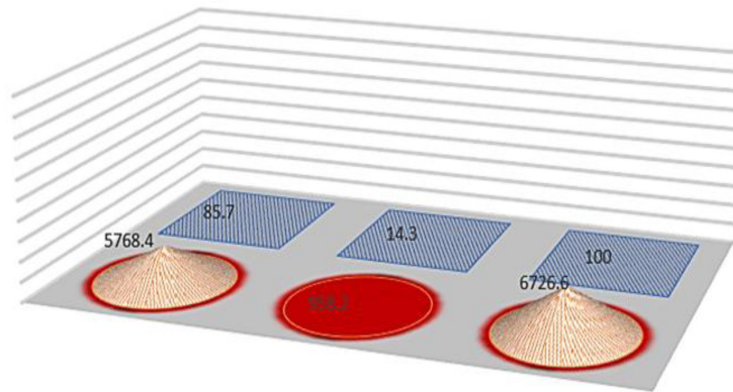
تصویر شماره ۱۱: نقشه نهایی مناطق پیشنهادی توسعه میان‌افزا (تلفیقی بافت فرسوده و اراضی بایر) شهر اهواز

بافت فرسوده و همچنین اراضی بایر پیشنهادی برای توسعه میان افزای شهر اهواز را نشان می‌دهد.

در ادامه با تلفیق نقشه اراضی بایر و بافت‌های فرسوده اهواز، نقشه ترکیبی برای توسعه میان افزای شهر با توجه به این دو عامل تهیه گردید (تصویر شماره ۱۲)، (جدول شماره ۵) مساحت و درصد محدوده‌های

جدول شماره ۵: مساحت و درصد بافت فرسوده و اراضی بایر پیشنهادی توسعه میان افزای اهواز

عامل	مساحت (هکتار)	درصد (از مساحت شهر)	درصد (از فضای پیشنهادی)
بافت فرسوده	۹۵۸,۲	۵,۳	۱۴,۳
اراضی بایر	۵۷۶۸,۴	۳۰,۹	۸۵,۷
مجموع	۶۷۲۶,۶	۳۶,۲	۱۰۰



	اراضی بایر	بافت فرسوده	مجموع
مساحت (هکتار)	5768.4	958.2	6726.6
درصد (از فضای پیشنهادی)	85.7	14.3	100

تصویر شماره ۱۲: نمودار مقایسه‌ای مساحت و درصد مناطق پیشنهادی توسعه میان افزای اهواز به تفکیک اراضی بایر و بافت فرسوده

را دارند. شناسایی مناطق یادشده با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای با قدرت تفکیک مکانی بالا و با استفاده از مدل‌های WS و MIC انجام شد. از کل مناطق شناسایی شده دارای بافت فرسوده، نتایج تحقیق نشان داد که از مساحت ۱۸ هزار و ۶۵۰ هکتاری محدوده قانونی شهر اهواز، بیش از شش هزار و ۷۲۶ هکتار شامل مناطق شناسایی شده بایر و بافت فرسوده (قابلیت توسعه میان افزا را دارند). این مقدار ۳۶,۲ درصد از مساحت شهر را شامل می‌شود که عدد نسبتاً بزرگی محسوب می‌گردد. همچنین از کل پهنه پیشنهادی برای توسعه میان افزای اهواز، در بافت‌های فرسوده و اراضی بایر، بیشترین مساحت متعلق به اراضی بایر با بیش از پنج هزار و ۷۶۸ هکتار و کمترین مقادیر مربوط به قطعات بافت فرسوده با بیش از ۹۵۸ هکتار، به ترتیب ۸۵,۷ و ۱۴,۳ درصد، از کل مناطق اختصاص یافته به توسعه میان افزای منطقه مورد پژوهش بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در ارتباط با توزیع و پراکنش بافت فرسوده مشخص شده در این پژوهش، مناطق یک و هفت شهرداری با سه میلیون و ۱۹۷ هزار و ۳۶۰ و سه میلیون و ۲۳۱ هزار و ۱۱۰ متر مربع و با به ترتیب ۳۳,۳۶ و ۳۳,۷۵ درصد از کل بافت فرسوده اهواز، بیشترین و همچنین منطقه پنج با پنج هزار و ۸۵۰ متر مربع و ۰,۰۶ درصد کمترین مقادیر را به خود اختصاص داده‌اند. این آمار با داده‌های میدانی انطباق بالایی دارد چرا که مناطق هفت و یک جزو اهواز قدیم محسوب شده و عمدتاً بافت‌های تاریخی و قدیمی شهر را در خود جا داده‌اند. از سوی دیگر منطقه دو شهرداری با کمی بیش از یک هزار و ۷۲۰ هکتار و منطقه یک با حدود ۸۰ هکتار، به ترتیب با ۲۸,۵ و ۰,۳ درصد بیشترین و کمترین اراضی بایر و زمین‌های خالی را به خود اختصاص داده‌اند. داده‌های این بخش منطقی به نظر می‌رسد چرا که منطقه یک (اهواز قدیم) جزو بافت تاریخی و هسته اولیه و مرکزی اهواز محسوب می‌شود، بنابراین

۵. نتیجه‌گیری

توسعه میان افزا که بخش اساسی رشد هوشمند شهری است، در واقع راهکاری عملی برای جلوگیری از گسترش کالبدی شهر در زمین‌های توسعه نیافته پیرامون شهری و نواحی سبز روستایی و توسعه زمین‌های خالی و متروکه داخل مناطق شهری است و به نوعی حمایت‌کننده احیا و تجدید حیات شهری است. این توسعه با توجه به این که در بافت‌های درونی شهر صورت می‌گیرد، متفاوت با طرح‌هایی مانند آماده‌سازی حاشیه شهر و شهرهای جدید است. شهر اهواز تا قبل از دهه ۱۳۴۰ مجموعه‌ای نیمه ارگانیک با یک هسته مرکزی در قسمت شرقی رودخانه کارون و تعدادی تأسیسات نظامی و ایستگاه راه‌آهن و مساکن وابسته به آن بوده است. در واقع بخش اصلی شهر هنوز پوسته تاریخی خود را باز نکرده بود و در حصار قدیمی خود به حیات خویش ادامه می‌داد. به علاوه تا آن زمان اهواز در شبکه شهری استان به عنوان یک شهر با سایر شهرها عمل می‌کرده است. اما پس از انتخاب آن به عنوان یک شهر صنعتی، توأم با مرکزیت اداری سیاسی و متعاقب آن وقوع جنگ تحمیلی که موجب تخریب شهرهای ممتاز گردید، به شهر بی‌رقیب تبدیل شد؛ بنابراین انسجام شهری از هم گسیخته و شهر به صورت ناهمگون و غیرمنطقی رشد و گسترش پیدا نمود. از طرف دیگر، وجود قوانین و مقررات، طرح‌های جامع شهری، وجود اراضی صنعتی و نظامی و ... باعث بلااستفاده ماندن زمین‌های خالی در شهر اهواز شده است. که توجه به این زمین‌ها تأثیر بسزایی در ارتقای کیفیت زندگی و کاهش اثرات ناشی از وجود این زمین‌ها در شهر دارد. بنابراین شناسایی این زمین‌ها اولویت قدم در توسعه آنهاست. به همین دلیل هدف پژوهش حاضر شناسایی بخش‌هایی از شهر اهواز است که در قالب محدوده‌های فرسوده و زمین‌های بایر، قابلیت پیشنهاد برای توسعه میان افزا (درون‌زا)

- Connie, A., Lora, R., & Randy, B., (2005). Infill Development: Barriers and Incentives, Truckee Meadows Regional Planning Agency.
- Cooper, M (2012). Urban infill & brownfields, redevelopment program. American planning association, sustainable cities institute. Sustainable cities institute. org.
- Dadashpoor, H. & Alidadi, M. (2017). Towards decentralization: Spatial changes of employment and population in tehran metropolitan region, Iran. Applied Geography, 85, 51-61. [in Persian]
- Deng, F. F. & Huang, Y. (2004). Uneven land reform and urban sprawl in China: the case of Beijing, Progress in Planning, 61 (3), 211-236.
- EPA (Environment Protecting Agency), (1999), "Parking Alternative: Making Way for Urban Infill and Brownfield Redevelopment", Wahington DC: Urban and Economic development division.
- Felt, E. (2007). Patching the Fabric of the Neighborhood: The Practical Challenges of Infill Housing Development for CDCs. Cambridge, MA and Washington, DC: Harvard Joint Center for Housing Studies and Neighbor Works America
- Ghodsi N., Nastaran M., Izadi A. (2021). Infill development approach: A smart transition way to the sustainable future urban development, Sustainable computing, Informatics and Systems, 35, 1-20.
- Hekmatnia, H. (2019). Prioritizing the Role of Infill Development Components in Physical Expansion of the City with Smart City Realization Approach (Case Study: Yazd), Journal of Physical Social Planing, 6 (3), 123-133. [in Persian]
- Hess, Gorge, (2001) just what is sprawl anyway? North California state university.
- Hudnu, William H., III, (2001). Comment on J. Terrence Farris's "The barriers to using urban infill development to achieve smart growth." Housing Policy Debate 12 (1), 31-40.
- Joseph T.L.Ooi, Thao T.T.Le, (2013). The spillover effects of infill developments on local housing prices. Regional Science and Urban Economics, 43, 850-861.
- Kramer, A., Hossain Khan, M., Kraas, F., (2011). Health in Megacities and Urban Areas, Springer Heidelberg Dordrecht London New York, DOI 10.1007/978-3-7908-2733-0.
- Ligmann et al (2005). Sustainable Urban Land Use AI-location with Spatial Optimization, <http://www.geo-computation.org>.
- Lotfi, S., Faraji, A., Hataminejad, H., & Pourahmad, A. (2011). A Study of Urban Quality of Life in a وجود کمترین زمین های رها شده، بایرو خالی در این منطقه محسوس تر است. در مقابل بیش از نیمی از منطقه دوشهرداری زمین های خالی است که در برنامه های آتی شهری نیز به عنوان محدوده های قابل توسعه دیده شده است. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش می توان گفت که پژوهش حاضر از حیث این که اکثر مناطق مرکزی شهرداری قابلیت توسعه میان افزا را دارند، با پژوهش عابدینی و خلیلی و رضویان و صمدی همخوانی و تطابق بیشتری را نشان می دهد (Abedini & Khalili, 2019; Razavian & Samadi, 2016).

References:

- Abedini, A., Khalili, A. (2019). Determining the capacity infill development in growing metropolitans: A case study of Urmia city. Journal of Management, 8, 316-327. [in Persian]
- Ahmadpour, A., Solaimani, Karim, Shokri, M., Ghorbani, J. (2014). Comparison of three common methods in supervised classification of satellite data for vegetation studies, Journal of RS and GIS for Natural Resources, 5 (3), 77-89. [in Persian]
- Ahvaz Municipality Website 2020. [in Persian]
- American Planning Association (APA) (2006). Planning and Urban Design Standards, John Wiley and Sons, Inc, New York.
- American planning association. (2008). Planning and Urban Design Standards, Planning and Urban Design Standards, (G. Etemad, & Bhzadfar, M. & Rafeian, M. & Kazemian, Trans.), Tehran: Iranian Society of Consulting Engineers.
- Arvin, M, Pourahmad, A, Zanganeh Shahraki, S. (2017). Evaluation of vacant lands for infill development by used of hybrid decision-making techniques and ARCGIS (case study: Ahvaz city), Geographical Planning of Space Quarterly Journal, 7 (26), 163-182. [in Persian]
- Arvin, M, Zanganeh, S. (2020). Investigation barriers infill development approach (case study: Ahvaz City), Journal Sustainable city, 3 (1), 71-87. [in Persian]
- Beucher, S. Meyer, F. (2019) The morphological approach to segmentation: the watershed transformation. mathematical morphology in image processing. Opt. Eng. 34, 433-481.
- Chrysochooua, M. Browna, K., Dahala, G., Granda-Carvajalb, C., Segersonb, K., Garricka, N., Bagtzoglou, A (2012). A GIS and endexing scheme to screen brownfields for erea-wide redevelopment planning. Landscape and Urban Planing, pp.187-198.
- Cohen, B., (2006), Urbanization in developing countries: Current trends, future projections, and key challenges for sustainability, 28, 63-80.

- Developing Country. *Journal of Social Sciences*, 232-240. [in Persian]
- Malekshahi, Gh R, Ghadami, M, Bagheri Hojat, M. (2018). Assessing the capacity of infill development in the main domains and constructed textures in Ahvaz (zone 2), *Journal of Urban Structure and function studies*, 5 (16), 129-152. [in Persian].
 - McConnell, V. & Wiley, K. (2010) Infill development: Perspectives and evidence from economics and planning, *Resources for the Future*, 10, 1-13.
 - Mosammam, H. M. & Nia, J. T. & Khani, H. & Teymouri, A. & Kazemi, M. (2017). Monitoring land use change and measuring urban sprawl based on its spatial forms: The case of Qom city, *The Egyptian Journal of Remote Sensing and Space Science*, 20 (1), 103-116. [in Persian]
 - Nemeth, J., Langhorst, J (2014). Rethinking urban transformation: Temporary uses for vacant land, *Cities* 40, 143-150. www.elsevier.com/locate/cities.
 - Nikpour, A., Rezazadeh, M., Allahgholitabar, F., (2018) Capacity assessment of city neighborhoods form based on compact city model: case of Babolsar
 - *Journal of Sustainable City*, 1 (2), 79-95
 - Razavian, M., & Samadi, R (2016). Evaluation of Infill Development Potential in Zone 8 of Tabriz by Analysis Network Process Method. *Journal of Current urban studies*, (4), 125-139. [in Persian]
 - Romero, R., and J.F. Reinoso-Gordo. (2020). An Updated Review on Watershed Algorithms, Springer International Publishing AG, 18-21.
 - Seifoddini, F., Ziari, F., Purahmd, A., Nikpour, A. (2012), Explanation of Dispersion and Compactness of Urban Form In Amol City, Considering Sustainable Urban Form , *Human Geography Research*, 80, 155-176.
 - Serag El Din, H., Shalaby, A., Elsayed Farouh H.A., & Elariane, S. (2012). Principles of urban quality of life for a neighborhood. *Housing and Building National Research Center Journal*, 86-92.
 - Shojaeian, A., Mokhtari Chelche, S., Keshtkar, L., Soleymani Rad, E. (2015), Comparing the performance of parametric and nonparametric methods of land cover classification by using of Landsat satellite images (Case study: a part of Dezfoul township), *Journal of Geographic Information Quarterly (Sephr)*, 93, 53-64. . [in Persian]
 - Shojaeian, A. (2007). Investigating the amount of destruction of buildings in earthquake affected urban areas using telemetry and GIS data, *The 5th International Conference on Seismology and Earthquake Engineering*. [in Persian]
 - Smart Growth Network (SGN) (2002), About smart growth, www.smartgrowth.org/about.
 - Statistics Center of Iran (2016).
 - TGM Program Staff (2001), Commercial and mixed-use development Code Handbook. Web site address - <http://www2.cr.nps.gov/tps/secstan1.htm>.
 - Wegener, M., (2013). The future of mobility in cities: Challenges for urban modeling. *Transport policy* 29, 275-282.
 - Yongfa, Y., Siyuan W., Yuanxu M., Guangsheng Ch., and Weihua Liu. (2020). Building Detection from VHR Remote Sensing Imagery Based on the Morphological Building Index, *Journal of Remote Sensing, Remote Sens.* 2020, 12(18), 2952; <https://doi.org/10.3390/rs12182952>
 - Zhua, Y. W. Hipelb, K. Y. Kec, G. & Chend, Y. (2015). Establishment and optimization of an evaluation index system for brownfield redevelopment projects: An empirical study. *Environmental Modeling & software*, 173-182.

نحوه ارجاع به مقاله:

شجاعیان، علی؛ نیک‌پور، عامر؛ علیقلی‌زاده فیروزجایی، ناصر؛ سلیمانی لامیانی، محمد؛ (۱۴۰۱) شناسایی مناطق مستعد توسعه میان‌افزا با استفاده از دورسنجی (نمونه مورد مطالعه: کلانشهر اهواز)، *مطالعات شهری*، 12 (45)، 83-96. doi: 10.34785/J011.2023.009/ .83-96. Jms.2023.108

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



پدیده فضا در اسکان غیررسمی؛ تجربه زیسته گروه‌های اجتماعی-معیشتی

(نمونه مورد مطالعه: بازار امام حسن مجتبی، نسیم شهر، استان تهران؛ ۱۳۹۵-۱۳۶۵)^۱

زهرا اسکندری دورباطی - دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
مهرداد جواهری پور^۲ - استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
فرح ترکمان - استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۷ مرداد ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

چکیده

هدف این مقاله ادراک پویایی گروه‌های اجتماعی-معیشتی در سکونتگاه‌های غیررسمی در پیوند متقابل با فضای اجتماعی-کالبدی آنهاست. در پژوهش‌های انجام شده در باره این محدوده‌ها رویکرد آسیب‌شناسی اجتماعی و روش‌های پیمایشی-کمی غلبه دارد. از این رو آگاهی از توان‌ها و چگونگی عاملیت ساکنان در مواجهه با موانع ساختاری اندک است. در طی چهارده گذشته، این گروه‌های اجتماعی پس از مهاجرت به این سکونتگاه‌ها، به سامان دادن زندگی روزمره خود پرداخته و فضای محروم از امکانات اولیه را به فرصتی برای ارتباط با بازار و ارتقای معیشت خود تبدیل کرده‌اند. محدوده مکانی این پژوهش هسته مرکزی نسیم شهر است که در سال ۱۳۷۵ با نام شهر اکبرآباد در سرشماری ثبت شده است. این شهر که با دسترسی مناسب در ۱۵ کیلومتری غرب کلانشهر تهران واقع است، به دلیل متوسط نرخ رشد جمعیت بیش از ۴۱ درصد در ۱۳۵۵-۱۳۷۵ و داشتن پیشینه مطالعاتی در مقایسه با ۱۱ سکونتگاه غیررسمی در منطقه شهری تهران برای مورد پژوهی انتخاب شد. این بررسی با رویکرد نظری پدیدارشناسی و طرح ریزی تجربی مبتنی بر تلفیقی از روش‌های کیفی شامل مشاهده، مصاحبه‌های عمیق و بررسی‌های اسنادی انجام شد. داده‌های ثانویه برای تدقیق بررسی‌های انجام شده، شامل عکس‌های هوایی از مراحل گسترش اکبرآباد و فضاهای شهری مردم ساخت طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۱، مصاحبه با مطلعین کلیدی در باره تاریخ مالکیت و آمار سرشماری کارگاه‌های سال ۱۳۸۱ مرکز آمار ایران و ۱۴۰۰ اتاق اصناف شهرستان بهارستان است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های معیشتی بازارهای متمایز و مستقلی را در ارتباط با فضای اجتماعی-کالبدی اکبرآباد شکل داده‌اند. از جمله این بازارها تولید و دوزندگی لباس مرتبط با صنعت پوشاک است که از ابتدای دهه ۱۳۷۰ از تفکیک واحدهای مسکونی در اطراف معابر و استفاده از فضای سرپناه شکل گرفت. در سال ۱۴۰۰ حدود پنج هزار و ۸۰۰ نفر در ۸۰۰ کارگاه رسمی ثبت شده و در حال ثبت فعالند که با احتساب بخش غیررسمی نزدیک به ۱۵ تا ۱۸ هزار نفر را در بر می‌گیرد. درک پدیده فضا در نسیم شهر (اکبرآباد) بدون شناخت ساز و کار معیشت امکان‌پذیر نیست. پویایی اجتماعی نسیم شهر (اکبرآباد) حاصل درهم تنیدگی و ارتباط متقابل گروه‌های اجتماعی-معیشتی ساکن با فضای منعطف غیررسمی در اکبرآباد است. این ارتباط و تعامل با بازار تهران امید دستیابی گروه اجتماعی-معیشتی تولید لباس را به پایداری درون‌گروهی تقویت کرده است.

واژگان کلیدی: اسکان غیررسمی، گروه‌های اجتماعی-معیشتی، پویایی اجتماعی، روستای اکبرآباد، نسیم شهر، تجربه زیسته، فضای اجتماعی-کالبدی.

نکات برجسته

- ایجاد زمینه‌های مشارکت اجتماعی مستلزم ادراک توانایی‌های این جوامع است.
- رویکرد نظری پژوهش پدیدارشناختی و طرح ریزی تجربی آن کیفی است.
- فضا از منظر تجربه زیسته گروه اجتماعی مورد بررسی تا آنجا گسترش پیدا میکند که معیشت را تأمین کند.
- ساخت‌یابی فضای منعطف برای پاسخگویی به نیازهای روزمره.

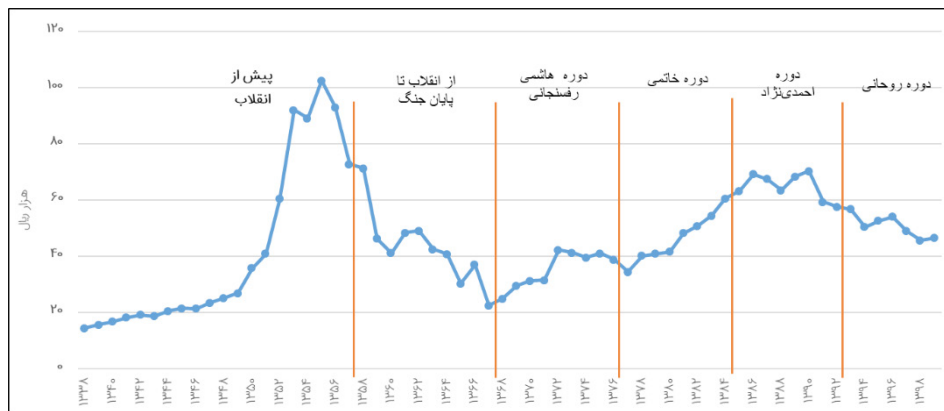
۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی با عنوان « بررسی پویایی اجتماعی بین نسلی در سکونتگاه‌های غیررسمی تهران، مورد پژوهی: بررسی پویایی اجتماعی بین نسلی در شهر نسیم شهر (اکبرآباد) » که توسط نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه به تصویب رسیده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: mehrdadjavaheri@yahoo.com

۱. مقدمه

به ۱۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۲ است (UDRC, 2014). از سوی دیگر، روند رو به گسترش فقر و افزایش قیمت مسکن نیز بیانگر باز تولید و رشد سکونتگاه‌های غیررسمی در آینده است. نسبت جمعیت شهری زیرخط فقر مطلق در سال ۱۳۷۸ حدود ۱۳ درصد است (Athari, 2005). این نسبت در سال‌های اخیر روند افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۸ به حدود ۳۲ درصد رسیده است (MCLS, 2020). «بالاترین میزان درآمد سرانه سال ۱۳۵۵ است که به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ به رقم ۱۰۲ هزار ریال رسیده است. پایین‌ترین میزان درآمد سرانه در سال ۱۳۶۷ همزمان با پایان یافتن جنگ تحمیلی، با رقم ۲۲ هزار ریال برآورد شده و بالاترین نسبت در سال‌های پس از انقلاب در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۹۰ با ارقام ۶۹ و ۷۰ هزار ریال برآورد می‌شود» (Salari, 2021). این تغییر با توجه به افزایش تغییر ساختار جمعیت بیانگر روند فزاینده فقر است که با توجه به افزایش سهم جمعیت شهری، فقر شهری در ایران را آشکار می‌کند (نمودار شماره ۱).

جمعیت ایران در شش دهه از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ به بیش از چهار برابر و جمعیت شهری آن نزدیک به ۱۰ برابر شده است. تغییر الگوی سکونت از روستایی به شهری همزمان با تغییرات ساختاری این کشور شامل وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، نرخ رشد بالای جمعیت و خشکسالی و بحران آب مواجه بوده است. این دگرگونی‌ها، توسعه ناپایدار و تخریب محیط زیست، منجر به مهاجرت‌های اجباری و تغییر الگوی توزیع فضایی جمعیت شده است. افزون بر این، تنش‌های شدید مانند کاهش درآمد سرانه به قیمت‌های ثابت، ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های ناهمسو و متناقض اجتماعی-اقتصادی، فقدان برنامه مشخص برای مدیریت زمین و فساد نیز مسائل را پیچیده‌تر کرده است. پیامد این ناکارآمدی، تشدید فقر شهری و رشد نابرابری اجتماعی در این کشور و افزایش دو برابری جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی از ۴٫۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۲



نمودار شماره ۱: مقایسه تغییرات درآمد سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (۱۳۳۸-۱۳۹۸) منبع: سالاری، ۱۴۰۰

پرداخته‌اند. هر چند بسیاری از این تحقیقات با تکیه بر نظریه‌های موجود و پیش‌داوری انجام شده، اما برآیند این تلاش‌ها چهره‌نمایی از مسائل مبتلا به سکونتگاه‌های غیررسمی و جلب توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به این موضوع است. تحقیقات بنیادی اگرچه محدود اما با طرح کاستی‌های نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌های اجتماعی، ضعف ساختار نهادی و همچنین ویژگی‌های جامعه‌شناختی این الگوی سکونت در ایران را مطرح کرده‌اند (Athari & Javaheripour, 1995). این مجموعه از یافته‌ها نقطه عزیمت این پژوهش است.

براین اساس هدف این مطالعه ادراک پویایی گروه‌های اجتماعی ساکن در ارتباط متقابل با فضای غیررسمی شهری در این سکونتگاه‌هاست. این هدف با توجه به کاستی روش‌شناسی تحقیقات از یک سو و آگاهی یافتن از توانایی ساکنان در غلبه به تله فقر شهری و سامان دادن به زندگی روزمره‌شان دنبال می‌شود. «زندگی روزمره جایی است که آرزوها برآورده می‌شود و معرفت عامیانه به عنوان عنصری تکامل‌یابنده با آن عجین شده است» (Athari, 2011).

رویکرد نظری پژوهش، پدیدارشناختی و طرح ریزی تجربی آن کیفی است. در نتیجه این رویکرد امکان ادراک پدیده مورد بررسی را از منظر تجربه‌زیسته ساکنان فراهم ساخت و ابزار جمع‌آوری داده‌ها مشاهده، مصاحبه، تحلیل روایت‌ها و استخراج مضامین بود. داده‌های حاصل از

بررسی اسکان غیررسمی در ایران از دهه ۴۰ آغاز شده است (Haji Usefi, 2003). از این رو می‌توان گفت این موضوع با قدمتی حدود ۶۰ سال، از با سابقه‌ترین پدیده‌های اجتماعی مورد مطالعه در ایران است که پس از انقلاب اسلامی به عنوان مسئله در اولویت مورد توجه قرار گرفت. مرور این مطالعات بیانگر «رویکردهای مختلف و متضاد از پاکسازی و نادیده‌انگاری تا توانمندسازی و پذیرش» (Piran, 2008: 15) را در بر می‌گیرد. در برخی از پژوهش‌ها این پدیده چند وجهی و پیچیده توصیف و مدیریت آن مستلزم مشارکت و حضور همه جانبه ساکنان برای حل مسائل مبتلا به این الگوی سکونتی پیشنهاد می‌شود (Pira Sarafi & Irandoost, 2003), (n, 1988), (Javaheripour & Davarpanah, 2003), (Sarafif & Irandoost, 2008), (Sarafif, 2008), (007) و به عنوان بخشی از سرمایه اقتصادی و اجتماعی شهرها معرفی شده که نباید فقط آن را به مثابه مشکل نگریست. ایجاد زمینه‌های مشارکت اجتماعی مستلزم ادراک توانایی‌های این جوامع است اما فقدان آگاهی از توان‌ها و امکانات موجود در این سکونتگاه‌ها و نیز خلأ دانش و سرمایه نهادی برای مواجهه با این الگوی سکونت نکته‌ای است که نیاز به بررسی و مطالعات جدید دارد (Piran, 2005).

تمرکز بر مطالعات دو دهه اخیر نشان داد که این پژوهش‌ها با روش کمی و به صورت محدود کیفی، به بیان علل و عوامل شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها، بررسی آسیب‌های اجتماعی و نیازسنجی خدمات

بالا مجموعاً با نام اکبرآباد نقطه شهری به شمار آمده است» (ibid:40) و در آمار سرشماری سال ۱۳۷۵ نیز با عنوان نقطه شهری ثبت شده که ابتدا به نام مهاجر شهری و سپس با نسیم شهر به تصویب هیئت دولت رسیده است (Nasim Shahr Municipal, 2021). این شهر پس از انقلاب اسلامی در اراضی وقفی روستای وجه آباد گسترش شتابگونی را به صورت غیررسمی تجربه کرده است. وجه تسمیه اکبرآباد به نام مباشر و امین مالکان، اکبرحداد است که در ابتدا اراضی را به نیابت از آنها تفکیک و می فروخته است. مشتریان اصلی اکبرحداد را در سال های نخست، آذری زبان ها از نقاط مختلف شهری و روستایی استان های غربی کشور، زنجان و شهر تهران تشکیل می داده اند. محدوده هدف این پژوهش سکونتگاه غیررسمی اکبرآباد با محدوده سال ۱۳۷۵ است. این سکونتگاه از روستایی با جمعیت ۲۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ (با متوسط نرخ رشد جمعیت بیش از ۴ درصد طی دو دهه) به شهری با ۸۵ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ بدل می شود. در این مقاله بنا به فضای مورد بررسی نام نسیم شهر یا اکبرآباد به کار رفته است (نقشه شماره ۲).

در اکبرآباد فضاهای شهری متفاوتی توسط ساکنان و گروه های مختلف اجتماعی- معیشتی سازماندهی و تولید شده است. خیابان های اول (آیه... مدنی)، دوم (آیه... طالقانی، سوم (شهدا) و بازار امام حسن مجتبی از جمله این فضاها هستند (نقشه شماره ۳).

برای بررسی ارتباط متقابل ساکنان با فضای شهری بازار امام حسن مجتبی انتخاب شده است. دلیل این انتخاب ارتباط این فضا با گروه اجتماعی- معیشتی تولید کنندگان لباس است. تولید لباس و دوزندگی یکی از فعالیت های مهم اقتصاد شهری در نسیم شهر محسوب می شود. این فعالیت از همان ابتدا در کوچه تولیدی اکبرآباد پایه گذاشته شده و به مرور زمان گسترش یافته است. انتخاب این گروه اجتماعی- معیشتی به عنوان واحد تحلیل از میان سایر گروه های فعالیتی و معیشتی مانند دستفروشان، شاغلان بخش بازیافت و کارکنان بخش حمل و نقل و ساختمان و مسکن به دلیل دربرگیرندگی این فعالیت است. شاغلان در فعالیت اقتصادی تولید لباس به عنوان زیر مجموعه صنعت پوشاک را معلولان، زنان،

تجربه زیسته ساکنان با داده های ثانویه تلفیق و یافته های چندسونگر به دست آمده است. سکونت مقطعی یکساله در محدوده تحقیق، امکان نزدیک شدن به گروه های اجتماعی و مشاهده فضاهای شهری را ایجاد و باعث شده است تا فهمی متفاوت از پیش فرض ها پیرامون موضوع حاصل شود.

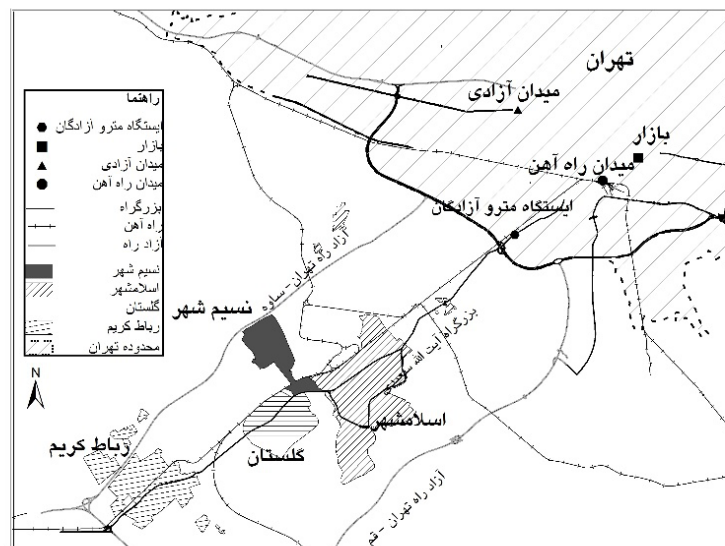
مورد پژوهی به لحاظ مکانی در سه سطح انجام شده است. نسیم شهر به عنوان سطح اول، محدوده سال ۱۳۷۵ این شهر با نام اکبرآباد به عنوان سطح میانی و فضای شهری بازار امام حسن مجتبی (معروف به کوچه تولیدی) به عنوان محدوده اصلی، سطح خرد این پژوهش را تشکیل می دهند. واحد تحلیل، گروه اجتماعی- معیشتی تولیدکنندگان لباس است.

یافته های این پژوهش نشان می دهد که فضا از منظر تجربه زیسته گروه اجتماعی مورد بررسی، تا آنجا گسترش پیدا میکند که معیشت را تأمین کند. بازار امام حسن مجتبی فضای شهری است که تجربه اکبرآباد را در ساخت یابی فضای منعطف برای پاسخگویی به نیازهای روزمره مردم انعکاس می دهد. این فضا نه تنها احساس تعلق ایجاد میکند بلکه فضای مبادله تجربه و آموزش نیز بوده و در حال حاضر به الگوی ایجاد فضای شهری در نسیم شهر تبدیل شده است.

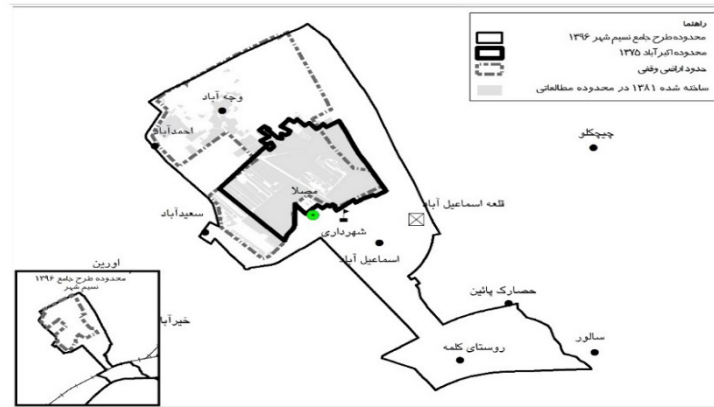
۲. محدوده پژوهش

نسیم شهر در جنوب غربی کلانشهر تهران و در ۱۵ کیلومتری آن قرار دارد. مساحت این شهر در سال ۱۳۷۲ در طرح هادی ۷۰۷ هکتار و در سال ۱۳۹۰ در طرح جامع یک هزار و ۱۰۷ هکتار و با حریم به دو هزار و ۸۴۹٫۱ هکتار افزایش یافته است (ParsBoom, 2020). ارتباط نسیم شهر با کلانشهر تهران به دلیل احداث بزرگراه آزادگان تسهیل شده و دسترسی به آن از طریق خط ۴ مترو و تاکسی و اتوبوس امکان پذیر است (نقشه شماره ۱۵).

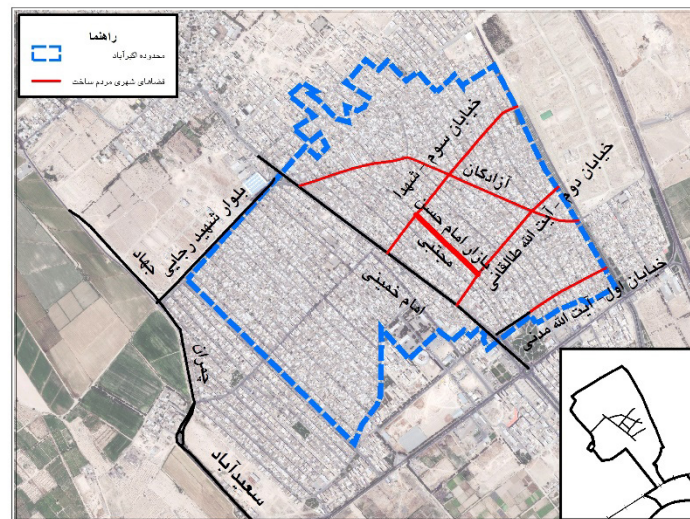
اکبرآباد در سال ۱۳۶۵ در نتایج سرشماری کشور، آبادی منظور شده و از نقاط روستایی شهرستان رباط کریم است. «در سرشماری سال ۱۳۶۵ روستاهای اکبرآباد، وجه آباد، احمدآباد جانشینار، سعیدآباد و حصارک



نقشه شماره ۱۵: موقعیت نسیم شهر نسبت به شهر تهران و سکونتگاه های اطراف آن



نقشه شماره ۲: محدوده اکبرآباد در شهر نسیم شهر در سال ۱۳۷۵



نقشه شماره ۳: فضاهای شهری مردم ساخت و موقعیت بازار امام حسن اکبرآباد سال ۱۳۷۵

بازار منتقل شده و بازار امام حسن مجتبی عمدتاً به مرکز فروش و عرضه لباس اختصاص می‌یابد. لازم به توضیح است که در حال حاضر قیمت اجاره و تملک ملک در راسته امام حسن مجتبی بالاست و این منطقه یکی از گران‌ترین بخش‌های نسیم شهر است.

پس از حدود ۳۰ سال از شکل‌گیری تدریجی این بازار، در مردادماه ۱۳۹۰ کمیسیون نامگذاری شورای اسلامی شهر نسیم شهر محدوده‌ای را که به بازار امام حسن شناخته می‌شد، به‌عنوان «خیابان» امام حسن مجتبی به رسمیت شناخته و به تصویب رساند. با این حال مردم اکبرآباد همچنان این محدوده را به‌عنوان بازار امام حسن مجتبی یا کوچه تولیدی شناخته و می‌نامند.

۳. چارچوب نظری

نظریه‌ها به‌عنوان ابزار تحلیل یافته‌های این پژوهش محسوب و پشتیبانی از روایت‌ها را برای ادراک و انعکاس پویایی گروه‌های اجتماعی-معیشتی در ارتباط متقابل با فضای غیررسمی شهری اکبرآباد به‌عهد دارند. در پیوند با این رویکرد فراتر رفتن از هندسه یا جغرافیای یک مکان و به سیاق زیسته، به معانی نمادین و اهمیت مکان‌ها روی آوردن که در نظریه‌های متفکران نیز تأکید شده است (Messy, 1994). بر

افغانستانی‌ها و گروه‌های مختلف سنی تشکیل می‌دهند. این فعالیت به دلیل انعطاف و سازگاری با فضای زندگی ساکنان و همچنین نیاز به سرمایه محدود و تنوع مهارتی با فضای اجتماعی اکبرآباد و هم‌اکنون نسیم شهر سازگار است.

بر اساس روایت‌های ساکنان ابتدا کهنه‌فروشان و دستفروشان سیار در حاشیه بازار امام حسن که به کوچه ۱۰ متری معروف بوده، مستقر می‌شوند. این استقرار اولیه را می‌توان شروع ایفای نقش اقتصادی این معبر قلمداد کرد. در اواخر دهه ۶۰ مالکان سه واحد مسکونی در معبر یادشده اعلام می‌کنند که بخشی از خانه خود را به فعالیت‌های تجاری اختصاص داده و حاضر به اجاره آن به صاحبان کسب‌وکار هستند. در پی این اعلام، سه نفر که دارای مهارت در تولید پوشاک بوده‌اند، فضاهای یادشده را اجاره کرده و مشغول به کار می‌شوند. حضور این تولیدی‌ها و افزایش آنها دلیل نامگذاری این معبر ۱۰ متری از سوی ساکنان به نام کوچه تولیدی است.

به تدریج مهاجران تازه‌رسیده به این حرفه جذب می‌شوند و واحدهای بیشتری در کوچه تولیدی به کار تولید و فروش لباس اختصاص یافته و افزایش تقاضا برای این فضا، قیمت اجاره و ملک را افزایش می‌دهد. با گران شدن فضا، واحدهای تولیدی به منازل واقع در کوچه‌های اطراف

اقتصادی-اجتماعی این الگوی سکونت تجربه شده است. از جمله این پژوهش‌ها طرح مطالعاتی حاشیه‌نشینان بندرعباس است (Tofigh, 1972). یافته‌های این تحقیق پیش‌فرض‌های موجود درباره این الگوی سکونت را به چالش کشیده است: «وسعت حاشیه‌نشینی حدود ۲۷ درصدی جمعیت ساکن در بندرعباس در سال ۱۳۵۱، ناشی از جاذبه‌های اقتصادی شهر نبوده، زیرا اکثریت حاشیه‌نشینان شهر متولدین همین شهر بوده‌اند و این مسئله ناشی از مشکلات مسکن است و چندان ارتباطی با مهاجرت روستائیان به شهر ندارد و کمتر از چهاردرصد به امید تصرف زمین و تصاحب آن در این مناطق ساکن شده‌اند» (همان). پژوهش دیگر بر اساس بررسی مشخصه‌های این الگوی سکونت در شهر تهران انجام شده و پیشنهاداتی را برای مدیریت این پدیده «با تأکید بر تدوین استراتژی بلند مدت درون‌زا و تکیه بر ظرفیت‌های درونی و ایجاد تشکل برای بهبود وضعیت زندگی در این اجتماعات» ارائه داده است (Piran, 1988). پژوهش دیگری نیز در ۱۳۷۴ با شناخت ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی اکبرآباد و با تلفیق رویکرد خرد و کلان به ارائه نظریات جامعه‌شناختی و سیاست‌گذاری شهری-اجتماعی در این زمینه پرداخته است. از جمله یافته‌ها «تحلیل نیروی کار و ارتباط آن با صنایع منطقه تهران، الگوی مهاجرت که بر اساس نتایج بررسی با خانواده و بیش از ۷۰ درصد از تهران است. همچنین فرایند ساختیابی و ساخت‌زدایی در طی زمان در اکبرآباد به عنوان مکان مشخص تحلیل شده است. این پژوهش سیاست‌های شهری-اجتماعی، تأثیر ضوابط و مقررات شهرسازی و برنامه‌های کلان توسعه منطقه‌ای و مسکن را بررسی و تأثیر آن بر اسکان کم‌درآمدها را نقد کرده است. بر اساس این تحقیق فرایند برنامه‌ریزی و توسعه، زمینه حذف کم‌درآمدها را از فرصت‌های توسعه فراهم می‌سازد و شهروند دانستن کم‌درآمدها و اصلاحات ساختاری توأم با توانمندسازی به عنوان راه حل ارائه شده است» (Athari & Javaheripour, 1995).

در مرور پیشینه پژوهش، رجوع به واقعیت اجتماعی اسکان غیررسمی و تحلیل یافته‌ها با نقد دیدگاه‌های گوناگون انجام شد. این رویکردها به تنهایی امکان آشکار نمودن وجوه متفاوت این پدیده را ندارند. تفسیر چندبعدی دورین مسی از مفهوم فضا، ارتباط متقابل گروه‌های اجتماعی-معیشتی با فضای شهری اکبرآباد را پشتیبانی کرده است. همچنین تأکید او بر ساخته شدن فضا به صورت اجتماعی، رویکرد این پژوهش در ادراک فضای اکبرآباد از منظر تجربه زیسته ساکنان را به لحاظ نظری تأیید و تقویت می‌کند. گات دینر فضا را بازتابی از کنش ساکنان تفسیر نموده است. این رویکرد ارتباط پویا و متقابل گروه اجتماعی هدف با فضای کالبدی اکبرآباد و ظرفیت یادگیری اجتماعی در آن را پشتیبانی کرده است. گیلبرت به اهمیت حکمروایی تأکید و محققان را از دیدگاه‌های افراطی قطب‌بندی شده بر حذر می‌دارد. در جمع‌بندی پژوهش تأثیر این بی‌توجهی در کاهش قدرت ساکنان در سامان دادن به فضا آشکار شده است. سیمون و دانیل بر ظرفیت‌های اقتصاد غیررسمی تأکید و پویایی بخش غیررسمی را مستلزم ارتباط متقابل با بخش رسمی اقتصاد می‌دانند. این رویکرد بازار متمایز اکبرآباد که توسط گروه‌های اجتماعی-معیشتی در ارتباط با بازار تهران سامان یافته را تفسیر می‌کند. ضمن این که در تلفیق با نظریه گات دینر حضور دستگاه‌های مسئول را برای سامان دادن به این بخش یادآور می‌شود.

این اساس، کنش متقابل فضای کالبدی، فضای اجتماعی و عاملیت کنشگران در «تعامل فضاهای تصور شده، زیسته و ادراک شده با یکدیگر ظهور می‌یابد و فضاهای زیسته و ادراک شده به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند» (ibid). این شیوه مفهوم‌سازی از فضا، در نظر گرفتن مکان/فضا را با هم امکان‌پذیر می‌کند و از آنجایی که «روابط فضایی روابط اجتماعی هستند که در ارتباطی دوسویه، هم محصول و هم تولیدکننده یکدیگرند» (Gottdiener, 2018:7). در اکبرآباد این ارتباط متقابل آگاهانه با هدف تأمین معیشت ساختیابی شده و شامل مجموعه «روابطی است که اقتصاد و فضاها را به هم مرتبط و ارزش‌های فضایی را تولید و مدیریت می‌کنند» (Roy, 2019:3).

اگرچه اقتصاد رسمی و غیررسمی در کلانشهرها بدیهی تلقی می‌شوند و متون پژوهشی بیشتر بر ویژگی‌ها و مشکلات بخش غیررسمی متمرکز شده، اما فعالیت‌هایی که معمولاً اقتصاد غیررسمی به شمار می‌آیند اغلب با فعالیت‌های اقتصاد رسمی مرتبط هستند. دلایل بسیاری نیز در این باره بیان شده اما شاید کلید خط‌مشی توسعه، به رسمیت شناختن پیوند نسبی درونی بین این دو بخش است که با استعداد کارآفرینی خواهان استفاده حداکثری از ظرفیت‌های منابع انسانی هستند» (Daniels, P.W. 2004: PP 501-511). «در چند دهه گذشته شاهد تغییرات قابل توجهی در ماهیت اقتصاد شهری خصوصاً در ارتباط با محدوده‌های اسکان غیررسمی بوده‌ایم که به تغییراتی اساسی در نقش و عملکرد بخش‌های عمومی، توزیع مجدد منابع و اولویت‌ها برای تأمین معیشت انجامیده‌اند. همراه با این تغییرات، حرکت قابل توجهی در ساختار انجمن‌های محلی رخ داده و نقش تازه‌ای برای سازمان‌دهی غیردولتی و نهادهای محلی در مناطق اسکان غیررسمی شکل گرفته‌اند» (Simone, A. 2001).

ارزش فضا در اکبرآباد به دلیل عاملیت ساکنان و امکان اعمال قدرت در تولید فضا بوده است. اما در طی زمان فضاهای شهری مردم‌ساخت با مسائل زیرساختی و مشکلات بهداشتی مواجه می‌شوند که پویایی فعالیت اقتصادی را در آنها محدود می‌کند. بنابراین ارزش‌ها برای بقا به پشتیبانی نهادهای رسمی مسئول نیاز دارند. در واقع «هیچ‌کدام از دو خط فکری اخیر در مورد سکونتگاه‌های غیررسمی، چه خوشبینانه که این نوع زندگی را فرصتی برای تهی‌دستان محسوب می‌کند (دستوتو) و یا دیدگاه‌هایی که این مناطق را به عنوان جهان آخرالزمانی هشدار می‌دهند (دیویس) کاملاً اشتباه نیست. اما باید توجه کرد که هیچ یک تعمیم‌پذیر نیست و بدون اجرای سیاست‌های مناسب، رشد محله‌های فقیرنشین ادامه داشته و یک اتفاق اجتناب‌ناپذیر است» (Gilbert, 2009:38).

شیوه زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی «راهی تازه برای زندگی در دنیای شهری امروز» (Alsayad, 2012:3) است. این الگوی زندگی پایه‌گذار تئوری‌های جدید شهری است و همان‌طور که نیویورک و لندن مبنای تئوری‌های قرن ۲۰ قرار گرفت و بحث‌های تجربی در باب مدرنیته را فراهم کرد، الگوی زندگی تهی‌دستان شهری نیز می‌تواند مبنای تئوری جدید در مطالعات شهری باشد. تدوین این رویکردهای نظری فارغ از تئوری‌های موجود می‌بایست اتفاق بیفتد (Rao & Roy, 2012).

در ایران نظریه‌پردازی بر اساس شیوه زندگی و مشخصه‌های

در گام چهارم به پیروی از رویکرد ون مانن «برای تحلیل آنچه از تجربه زیسته به پژوهش داده شد، ابتدا مصاحبه‌ها مرور و ادراکی کلی از متن به دست آمد. سپس سطر به سطر و عبارت به عبارت در هر مصاحبه به عنوان یک واحد مستقل تحلیل در نظر گرفته شد. بر این اساس کدگذاری، طبقه‌بندی، استخراج مضامین و اعتبار و روایی خطی نیست، بلکه به صورت چرخشی و در هم تنیده در فرایند پژوهش انجام شده است» (van Manen, 2016: 53-54). هر مصاحبه (به طور متوسط ۹۰ دقیقه) کلمه به کلمه پیاده سازی و مفاهیمی که در لحن راوی بر آنها تأکید می‌شد، به عنوان کد زنده محسوب و برای ادراک عمیق‌تر به پرسش‌های مصاحبه شونده بعدی اضافه می‌شد. بنابراین نوع کدگذاری به نوع روایت وابسته و به صورت زنده، توصیفی یا واقعی استخراج شده است. طبقه‌بندی کدها شامل چهار بخش « فضای زیسته، رابطه انسانی زیسته، زمان زیسته» (همان: ۱۰۱) و پویایی اجتماعی زیسته است که از ۹۸ کد ادراک شده است. حاصل این مرحله نزدیک شدن به جوهر تجربه‌زیسته گروه معیشتی-اجتماعی تولیدکنندگان لباس بوده است. یافته‌ها با «روش صوری» و بر اساس نظر محقق اعتبار سنجی شده است» (Neuman, 2014: 218). اعتبار نه تنها حاصل تجربه مشترک زیسته شرکت‌کنندگان در تحقیق بلکه از طریق داده‌های مکمل اسنادی و هماهنگی با مصاحبه‌شوندگان نیز به دست آمده است. «هر چند در روش کیفی اعتبار و روایی به دلیل مواجه بودن با تجربه انسانی که دائم در حال تغییر است، به معنای اعتبار دقیق سنجیده نیست» (همان). در این بخش از نرم افزار تحلیل کیفی (Atal-as-t) نیز استفاده شده است. (جدول شماره ۱). در مرحله پنجم آن بخش از روایت‌ها که به پشتیبانی نیاز داشت، گزینش و داده‌های ثانویه از طریق مصاحبه با مطلعین کلیدی و بررسی اسنادی جمع‌آوری و تحلیل شده است (تصویر شماره ۱).

آناتیا روی، الصیاد و رائو بر پذیرش این پدیده به عنوان حاصل جامعه مدرن تأکید و آن را منشأ ادراکی تازه از شهر و مبنای نظریه‌پردازی معرفی می‌کنند. بررسی پژوهش‌ها در ایران در سه محدوده متفاوت بندرعباس، شهر تهران و منطقه کلانشهری تهران این رویکرد و نیاز به تراکم دانش در این زمینه را تأیید می‌کند.

۴. روش

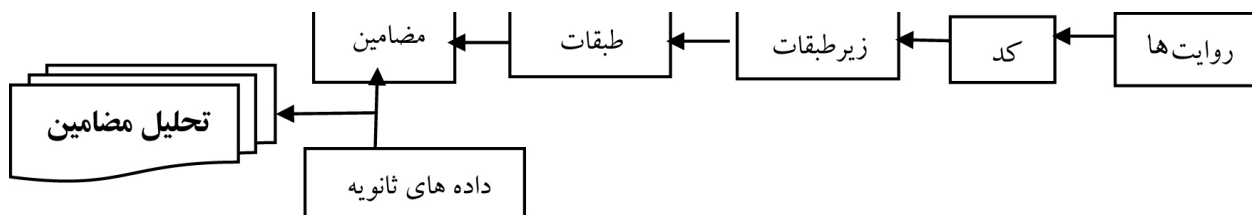
این مطالعه با رویکرد نظری پدیدارشناسی و طرح ریزی تجربی بر مبنای تلفیق ابزارها و روش‌های کیفی جمع‌آوری داده‌ها در پنج مرحله انجام شده است. در گام نخست نسیم شهر، برای مورد پژوهی و ادراک پدیده سکونتگاه غیررسمی از بین ۱۱ سکونتگاه با رشد غیررسمی در حریم و محدوده کلانشهر تهران انتخاب شده است. این انتخاب با توجه به شاخص‌های رشد جمعیت، سابقه شکل‌گیری، دسترسی به میدان تحقیق و همچنین پیشینه تحقیقات شهری و جامعه‌شناختی در دهه اول شکل‌گیری این سکونتگاه انجام شده است.

گام دوم استقرار در محیط تحقیق به صورت مقطعی در یک سال و انجام مشاهدات و گفت‌وگوهای هدفمند و آزاد با ساکنان است. حاصل این اقدام یافتن ادراک جدید از سکونتگاه غیررسمی مورد بررسی و انتخاب فضای شهری و گروه اجتماعی تولیدکنندگان لباس برای انجام مرحله بعدی تحقیق است.

در گام سوم نمونه‌گیری هدفمند و گزینشی از بین گروه اجتماعی-معیشتی مورد بررسی انجام و مصاحبه‌های عمیق با شرکت‌کنندگان در پژوهش صورت گرفت. مصاحبه‌ها پیاده سازی و پرسش‌ها در حین پژوهش تکمیل و بازنگری می‌شد. با توجه به مشاهدات و داده‌های مرحله اول پس از مصاحبه با ۲۰ شرکت‌کننده در تحقیق (۱۶ نمونه مرد و ۴ نمونه زن) اشباع نظری حاصل شده است.

جدول شماره ۱: مضامین و طبقات ادراک شده از داده‌ها

ردیف	مضمون‌ها	طبقات
۱	ارتباط متقابل فضای اجتماعی-کالبدی و معیشت	ارتباطات با بازار بیرونی ارتباط آگاهانه و متقابل فضا و معیشت انعطاف فضا و تولید بازار متمایز
۲	آگاهی از فضای اجتماعی	تناسب فضا با نیروی کار فضای یادگیری مهارت
۳	سازمان یابی معیشت و فضای اجتماعی-کالبدی	نظام حمایتی و سازمان یافتگی در معیشت و فضا تقسیم کار معیشتی فضا



تصویر شماره ۱: فرایند تحلیل داده‌ها

تقسیم کار معیشتی برقرار است. ساختن فضایی که اختصاص به یک گروه معیشتی داشته باشد، در پرتو حرکت جمعی گروه‌های اجتماعی- معیشتی امکان پذیر بوده است. بازار امام حسن الگوی تولید فضا و اعمال قدرت بر آن برای ساکنان است که سایر فضاهای در حال شکل‌گیری سعی می‌کنند که از روابط اجتماعی حاکم به آن، الگو گرفته و آن را تکرار کنند. در حافظه جمعی مصاحبه‌شوندگان تغییرات فضاهای شهری با جزئیات روایت می‌شد. یکی از ساکنان که در زمان مهاجرت به اکبرآباد مرد جوانی بوده و در زمان مصاحبه ۶۲ ساله بود، تقسیم‌کار بین فضاها و اهمیت بازار امام حسن را اینگونه روایت کرد: «معراج در صنف عمده فروشی مواد غذایی، شهید داوودی هم تو صنف موبایل فروشی چند سالی است راه افتاده. اما همکاری نمیتونن بکنن مثل کوچه تولیدی. در کوچه تولیدی اون کاسبای قدیم همکاری کردن، خوب راه انداختن، خوب نقشه کشیدن، الحمداله نقشه‌شون گرفت. ولی سلمان فارسی و معراج مثل اون نشده... سعی کردن، ولی نتونستن مثل کوچه تولیدی بشن». در این روایت عبارت‌های «نقشه کشیدن» و «میدانستنن چکار می‌کنند» آگاهی از سازمان دادن به فضا تعبیر شد. مصاحبه شونده، از تولیدکنندگان لباس کار با مراکز مهم صنعتی و خدماتی از جمله سازمان هواپیمایی همکاری و قرارداد داشته است.

ب: انعطاف فضا و تولید بازار متمایز: اکبرآباد شرایط مناسب راه‌انداختن کسب‌وکار را داشته و با وضعیت معیشتی خانوارها سازگار بوده است. ساکنان از این فرصت آگاه و برای ارتقای معیشت خود استفاده کرده اند. مرد جوان ۲۹ ساله متولد اکبرآباد در توصیف این ویژگی می‌گوید: «طرف میخواد تو هر قسمت تهران به میوه فروشی راه بندازه به سرمایه عظیمی میخواد... اما اینجا اینطوری نیست، میرن تو کوچه‌ها به مغازه کوچولو را میگیرن، دوتا کارتن میوه تنها سرمایه‌ای است که نیاز دارند که اونم نسبه میشه جور کرد. برای همین که اکثر جلولی خونه را به مغازه تبدیل میکنن.» ویژگی دیگری که در فضاهای تولید شده توسط گروه‌های اقتصادی و معیشتی به خصوص در بازار امام حسن وجود دارد و در روابط اقتصادی و اجتماعی بارز بوده، نشان‌دهنده انعطاف فعالیت، فضا و قواعد خاص آن در این شهر است که امکان ایجاد بازار متمایز ارزان قیمت را فراهم کرده است. امکان تغییر نوع فعالیت‌های اقتصادی در فصول مختلف سال و قیمت‌گذاری در استطاعت از ویژگی‌های این بازار است. زن ۵۹ ساله که در زمان مهاجرت به اکبرآباد ۲۳ بوده و سه فرزندش را در اکبرآباد وقتی آب نبوده به دنیا آورده، در باره این بازار می‌گوید: «ما اون موقع بهش می‌گفتیم شهر امام زمان. می‌رفتیم نیم کیلو گوشت در تهران بخریم نمیدادن به کیلو کمتر نمیدادن اینجا قصابا صد گرم گوشت میدادن چون که مردم ضعیف بودن، هنوز هم همینطوره» در طی دو سال از شروع انجام این پژوهش (۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰) فضای شهری آزادگان به فروش پارچه‌های ارزان کیلویی و تکه‌فروشی از پارچه‌های ته‌قواره یا اضافه از کارگاه‌های تولید لباس تبدیل و حوزه نفوذ آن در منطقه تهران و برخی نقاط کشور گسترش یافته است.

از دیگر مشخصه‌های انعطاف فضا، ارتباط خانه به‌عنوان فضای خصوصی با معیشت است که امکان سامان دادن به وضعیت معیشتی خانواده و پویایی اجتماعی در کار را فراهم کرده است. مصاحبه شونده ۳۳ ساله که از ۱۲ سالگی در کارگاه‌های اکبرآباد کار خود را شروع کرده،

همین جا باید دونکنه را خاطر نشان کرد. نخست این‌که این پژوهش به دلیل بهره‌مندی از رویکرد نظری پدیدارشناسی بر تجربه‌زیسته استوار بوده است. بنابراین در مصاحبه‌ها بر پرسش تحقیق تمرکز می‌شد و مصاحبه‌شوندگان نیز به همین دلیل، روایت‌ها را با اشاره به زمان و مکان مشخص بیان می‌کردند. مصاحبه‌ها بسته به نیاز روایت تکرار می‌شد. علاوه بر این در مرحله نخست پژوهش، زمان مناسبی برای مشاهده و گفت‌وگوهای آزاد صرف شده بود. حاصل این فرایند اشباع نظری است.

در بین تولیدکنندگان لباس زنان سهم کمتری دارند که باعث شد تا این گروه اجتماعی سهم کمتری را در نمونه‌ها داشته باشند. هر چند نیروی کار اصلی در واحدهای تولیدی لباس را زنان تشکیل می‌دهند. از آنجا که در گفت‌وگوهای آزاد مرحله اول زنان سهم بیشتری داشتند، این کاستی تا حدودی رفع شده است. از دیگر محدودیت‌ها که بر زمان‌بندی تحقیق تأثیر داشت، حوادث آبان سال ۱۳۹۸ و بیماری همه‌گیر کرونا بود. حادثه آبان در اولویت گفت‌وگوها قرار می‌گرفت و امکان تمرکز بر پرسش‌های تحقیق را سلب می‌کرد. به همین دلیل مصاحبه‌ها باید تکرار می‌شدند. بیماری کرونا نیز باعث وقفه و تغییر مکرر زمان‌بندی مصاحبه‌ها شده بود. کوچک بودن فضای کارگاه‌ها و نبود فضای عمومی مناسب برای گفت‌وگو این مسئله را تشدید می‌کرد.

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. تحلیل مفهوم‌ها

ادراک پویایی گروه‌های اجتماعی در ارتباط متقابل با فضای غیررسمی شهری در این سکونتگاه‌ها به عنوان هدف پژوهش، محور تمرکز برای دریافت و تحلیل مضامین است. فهم پدیده فضا در نسیم‌شهر بدون فهم سازوکار معیشت امکان‌پذیر نیست و معیشت با فرصت‌های فضای منقطع شهر ارتباط متقابل داشته است. در پرتو این ارتباط پویا، حرکت‌های جمعی برای سامان دادن به فضای عمومی از جمله کوچه تولیدی شکل‌گرفته است. در این مسیر اکبرآبادی‌ها از یکدیگر آموخته‌اند و در مسیری ناهموار ارتباط خود با بازار تهران را سامان داده و با آن به تعامل رسیده‌اند. روایت شکل‌گیری کوچه تولیدی تا بازار امام حسن و آرزوی تکرار آن در محورهای جدید شهر این نکته را آشکار می‌کند که بده بستان فضا و معیشت، موضوع مهمی در فهم فضا است. معیشت با کمک فضا متبلور می‌شود. ارتباط متقابل فضا و معیشت از خانه آغاز، به کل نسیم‌شهر و فضای شهری آن پیوند خورده و به تهران گسترش یافته است. ساکنان از طریق فعالیت در گروه معیشتی با همه سرمایه‌ها پیوند برقرار می‌کنند و از طریق گروه معیشتی است که نه تنها به تثبیت سکونت، بلکه به ایجاد شبکه حمایتی، کسب اطلاعات و اعتبار برای ارتباط با بازار و رشد فعالیت در حوزه معیشتی و در نهایت تغییر زندگی خود پرداخته‌اند. معنای سکونتگاه اکبرآباد برای تولیدکنندگان لباس با مهارت خودشان عجین شده و تولیدکنندگان را به تعامل و ارتباط اجتماعی با اکبرآباد و بازار آن، با تهران و سطح ملی قادر کرده است. و در نهایت، گروه معیشتی به همراه شبکه و روابط خانوادگی و همسایگی، به هنگام بروز مسائل اقتصادی و اجتماعی تاب‌آوری را امکان‌پذیر کرده است.

الف: تقسیم کار معیشتی فضا: بین محورهای مختلف شهری نوعی

در توصیف این امکان اینگونه روایت کرده است: «خانه اول مان دوتا خواب داشت... اون موقع ما یک اتاق را اجاره دادیم و چرخ ها را گذاشتیم در اتاق های پشتی... اینقدر جایمان تنگ بود که شب جا برای خواب نداشتیم آرام آرام که وضعمان بهتر شد... چرخ ها را بردیم اتاق جلو و اتاق پشتی را برشکاری کردیم»

پ: ارتباط آگاهانه و متقابل فضا و معیشت: آگاهی از کمبودها و روابط ناعادلانه بازار نسیم شهر با تهران و ظرفیت های معیشتی این بازار، درهم تنیده و توأم است. توصیفات مصاحبه شوندهگان از اکبرآباد که «شبیبه به جزیره» و «در حالت عبور» و «در مرحله پادوست» نشان از همین امر دارد. تولیدکنندگان لباس با آگاهی در مورد اهمیت ارتباط با بازار تهران تعامل متقابل با این بازار را شکل داده و تلاش کرده اند که خود را با آن تنظیم کنند. سوبه دیگر آگاهی از فرصت ها در مقایسه با سکونتگاه های اطراف مانند گلستان و رباط کریم و ارتقای کیفیت کار و کسب تخصص در تولید لباس آشکاری شود.

ت: فضای یادگیری مهارت: تجربه بازار امام حسن گویای این است که فضا فرصت یادگیری در راستای معیشت را ایجاد کرده است. هیچ یک از مصاحبه شوندهگان برای آموزش به مراکز رسمی دسترسی نداشته اند و با تبادل تجربه با بازار کار ارتباط خود را سامان داده اند. فضای یادگیری برای راه انداختن کسب و کار مرتبط با معیشت است و به استعداد و تخصص سکونتگاه تعبیر می شود. امکان اعمال قدرت بر فضای شهری در سکونتگاه غیررسمی اکبرآباد به ایجاد این فرصت کمک کرده است. مصاحبه شونده مرد که یکی از سه تولید کننده لباس در کوچه تولیدی بوده، این امکان را اینگونه توصیف می کند: «اولین کارگاه در کوچه تولیدی را من زدم. همزمان که ما چرخ خریدیم آوردیم گذاشتیم تو کوچه تولیدی... اون موقع خیلی ها از شهرستان اومده بودند. هر از گاهی نگاه می کردند ببینند ما چکار می کنیم. چرخ ها را نگاه می کردند، میز برش را نگاه می کردند... اون موقع ما کار را می بردیم می دادیم تحویل بازار تهران. منتها یه عده بعد از ما آمدند. ما با سه تا چرخ شروع کردیم اونها با یک یا دو چرخ شروع کردند به کار کردن»

ث: نظام حمایتی و سازمان یافتگی در معیشت و فضا: تولیدکنندگان لباس در کوچه تولیدی بر کیفیت کار کنترل دارند و کیفیت تولیدشان را با بازار تهران متناسب می کنند. قیمت گذاری محصولات نیز به صورت جمعی هماهنگ می شود. پشتیبانی از یکدیگر در مشکلاتی مانند ورشکستگی در دوران کرونا مبتنی بر نوعی نظام حمایتی سازمان یافته است. در سازماندهی فضای امام حسن مجتبی ایجاد امنیت و بهداشت با کسبه است. این بازار گروهی از معتمدین را برای هماهنگی های امور با شهرداری و سایر سازمان های دولتی انتخاب کرده است. معتمدین از کاسبان قدیمی اند و امور رفاهی و بهداشتی بازار و کوچه تولیدی را سامان می دهند. مرد ۴۶ ساله که به دلیل ارزانی محل و نیروی کار حدود سه سال پیش به نسیم شهر مهاجرت کرده، در توصیف حمایت تولید کنندگان از یکدیگر می گوید: «یکی از همکاران در این راسته به مشکل خورده بود... از لحاظ مالی دیدیم که این ضعیف کار می کنه و رو به ورشکستگیه. ما ساعت کاری که مغازه مون ساعت ۸ صبح باز میکردیم، یه هماهنگی کردیم با همسایه ها گفتیم مثلاً ما ساعت ۱۰ صبح بیایم در مغازه تا این دو ساعت این بنده خدا بتونه دوتا مشتری گیر بیاره تا از این بحران بیاد بیرون»

ج: ارتباطات با بازار بیرونی: نسیم شهر (اکبرآباد) با بازار تهران ارتباط تنگاتنگی دارد. برخلاف نظریاتی که سکونتگاه های غیررسمی را به خصوص در حوزه اقتصادی حاشیه ای و اقماری شهر بزرگ قلمداد می کنند، همکاری اکبرآباد با بازار تهران و مناطق اطراف به ایجاد فرصت شغلی و درآمد ارتقا یافته است. نسیم شهر کارهای خود را به تهران برون سپاری می کند و مزدی دوزی و بیرون بری کار به تهران یا سایر مناطق رویه معمول کار است. براساس یافته های این پژوهش تولیدکنندگان پوشاک در نسیم شهر در سطوح مختلف با بازار ارتباط دارند. نخست بازار درونی شهر است. پوشاک چینی یا هندی در این شهر بسیار اندک است. در ایام خاص مانند عاشورا بازار لباس کاملاً در انحصار تولیدکنندگان داخلی نسیم شهر است. سطح دوم، ارتباط با بازار منطقه بهارستان و رباط کریم و اسلامشهر و دیگر نقاط نزدیک به آن است که خریدار محصول تولید شده در این شهر هستند. سطح سوم بازار تهران است. مصاحبه شونده زن ۲۷ ساله که از پنج سالگی در اکبرآباد زندگی می کند و کار تولید و دوخت و دوز را به صورت خانوادگی پیش برده و اکنون مستقل کار می کند، در توصیف این بازار می گوید: «به نظر من ۸۰ درصد در اینجا در کار خیاطین. در اکبرآباد لباس چینی نداریم اینجا کلا همه چیزش در خودش تولید میشه... و خودکفاست. اگه مواد اولیه برسه دستشون یه حالتیه که نیازی ندارن به اینکه از خارج از شهر خودشون نیرو بگیرن. صنف خیاطا تو تلگرام یه گروه خیاطی دارند که من تو اون عضو. فکر کنم حدود شش هزار نفر عضو داره... تولید لباس یه داستانیه تو اکبرآباد تو هر کوچه که قدم بزارید یه دونه زیرزمین یا پارکینگ خالی نمی بینید... با تهران و بقیه جاها کار می کنند یا سفارش می گیرند یا مزدی دوزی می کنند».

ج: تناسب فضا با نیروی کار: زنان سهم بالایی از نیروی کار تولید لباس را تشکیل می دهند. معیشت زنان بسیار به فضا مرتبط است و از آنجا که زنان نیروی کار ارزان و در دسترس به ویژه در تولید لباس هستند، استفاده از این بخش نیروی کار، بر مکانیابی کارگاه های دوزندگی مؤثر است. صاحب تولیدی، متولد اکبرآباد که جوانی ۲۹ ساله است و کار را به صورت خانوادگی سازماندهی و پیش برده، در باره مکانیابی کارگاه خود اینگونه روایت کرده است: «به ما خیلی گفتند آقا بیا برو شهرک صنعتی و فلان و اینا... اولاً این که بُعد فرهنگی اینجا یه جوریه که هر کسی اجازه نمیده خواهر، خانمش و اینا بیشتر از یه مسافتی دور بشن از این منطقه دوم... یعنی وقتی دور میشیم ریزش پیدامی کنیم».

فضای شهری بازار امام حسن (کوچه تولیدی) با گروه های اجتماعی- معیشتی متنوعی ارتباط متقابل دارد. دستفروشان سیار و ثابت مواد غذایی، میوه و سبزیجات و حتی لباس فروشی در کنار مغازه داران کار می کنند و سد معبر و مزاحم کسب آنها محسوب نمی شوند. این بازار تیپ آرمانی تولید فضا و انعکاس فهم ساکنان از فضا است. تولیدکنندگان لباس در تلاش برای ایجاد ارتباط پویای گروه معیشتی خود با تهران و استفاده از فرصت های نسیم شهر هستند و امید دارند که این شهر به قطب پوشاک کشور تبدیل و با آن معرفی و آدرس داده شود.

۵.۲. تحلیل مطالعات اسنادی

روایتهای حاصل از تجربه زیسته مصاحبه شوندهگان اعتبار درونی دارند. بنابراین هدف از بررسی اسنادی راستی آزمایی روایتهای نیست

بهارستان در سال ۱۴۰۰ به دست آمده است. بررسی تصاویر هوایی از مراحل رشد و شکل‌گیری فضاهای شهری، نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از بازار امام حسن مجتبی در سال ۱۳۶۳ شکل گرفته است (نقشه شماره ۴). این در حالیست که خیابان معراج به موازات آن، در همین سال به طور کامل وجود داشته و نقش دسترسی بین خیابانهای دوم و سوم را ایفا می‌کرده است. این نکته بیانگر ارتباط متقابل فضا و معیشت در تبدیل معبر ۱۰ متری به کوچه تولیدی و ارتقای این کوچه به فضای شهری است.

بلکه به منظور پشتیبانی و مستندسازی روایت‌ها برای تأکید بر پویایی درونی گروه اجتماعی-معیشتی تولید لباس در ارتباط متقابل با فضای غیررسمی شهری بازار امام حسن مجتبی است. اسناد بررسی شده دو قسمت است: نخست ارتباط فضا و معیشت که در تاریخ شکل‌گیری فضای شهری بازار امام حسن مجتبی در اکبرآباد آشکار شده و دوم مستندسازی بازار متمایز پایدار گروه شغلی تولیدکنندگان لباس در نسیم‌شهر که از طریق مقایسه آمار سرشماری ۱۳۸۱ کارگاه‌ها (Statistical Center Of Iran, 2002) و اطلاعات اتاق اصناف شهرستان

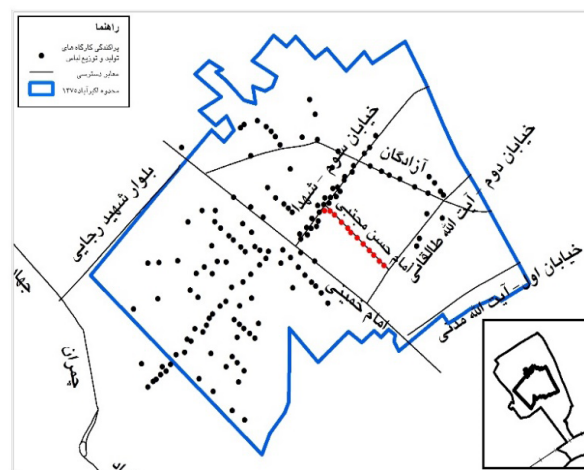


نقشه شماره ۴: مقایسه تغییرات فضاهای شهری در اکبرآباد از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۱

در سال ۱۴۰۰ کل کارگاه‌های ثبت شده یا در حال ثبت خیاطان در این شهرستان یک هزار و ۹۹۶ واحد اعلام شده که ۸۰۰ واحد در نسیم‌شهر فعال است که در مقایسه با سال ۱۳۸۱ تنها کارگاه‌های ثبت شده یا در حال ثبت نزدیک به سه برابر شده است. در این آمار نیز کارگاه‌ها و دوزندگان غیررسمی و فردی شمارش نشده است. براساس مشاهدات، فروش لباس از مهمترین فعالیت‌های جاری در بازار امام حسن مجتبی است. بنابراین هویت فضایی بازار امام حسن (کوچه تولیدی) را فعالیت تولید لباس شکل داده است.

بر اساس آمار سرشماری کارگاه‌ها در سال ۱۳۸۱ از ۸۱۸ واحد تولیدی در نسیم‌شهر ۳۳۱ واحد به تولیدی لباس و فعالیت‌های مرتبط با خیاطی اختصاص دارند که ۴۰٫۵ درصد از فعالیت‌های تولیدی را در بر می‌گیرند. هر چند اشتغال خانگی و مزدی دوزی فردی در این اطلاعات موجود نیست. در همین سال در بازار امام حسن مجتبی تعداد کارگاه‌های فعال فروش و خدمات و تولیدی ۳۵ مورد است که ۱۲ مورد آن همه به تولید لباس اختصاص دارند؛ دو مورد بیش از ۱۰ سال سابقه فعالیت دارند (نقشه شماره ۵).

همچنین بر اساس آمار اتاق اصناف و اداره صمت شهرستان بهارستان



نقشه شماره ۵: توزیع فضایی کارگاه‌های زنجیره تولید لباس و موقعیت بازار امام حسن (۱۳۸۱)

Spring, pp. 35-48.

- Gottdiener, M. (2018). The social production of space. (Translated by T. Tarkame). Retrieved from <http://dialectalspace.com/>. [in Persian].
- Haji Usefi, A. (2003). Hashye neshynie shahri va farayande tahavole an (ghabl az enghelabe eslami). [Urban marginal settlement before Islamic republic of Iran]. Haft Shahr; (8) :12-24 [in Persian].
- Iran National Cartographic Center (1968-2002).
- Javaheripour, M. (2016). Mahalehay forodaste shahri va haghe be shahr: Mored pazhouhi mahale khak sefid-e shahr Tehran. [Urban Slums and Right to the City A Case Study of Khak-e Sefid Neighborhood in Tehran]. Iranian Journal of Anthropological Research (IJAR); (2) :163-182 [in Persian].
- Javaheripour, M & Davarpanah, B. (2003). Sokoonathaye Napayedar Aghshare Kam Daramad (Bazbini-e syasatgozarihaye dorane akhir dar zamane eskane ghyre rasmi ya nabesaman). [Unsustainable urban development on low income groups: Review of brief policy making recent]. Haft Shahr; (8) :82-97 [in Persian].
- Javaheripour, M. (2002). Syasate Ejtemaei Va Faghr: Barnamehaye tadile saktari ta rahbodhaye kahesh faghr. [Social policy and poverty (from structural adjustment program to functions reducing poverty)]. Social Welfare Quarterly; (6) :84-96 [in Persian].
- Javaheripour, M & Davarpanah, B. (2003). Sokoonathaye Napayedar Aghshare Kam Daramad (Bazbini-e syasatgozarihaye dorane akhir dar zamane eskane ghyre rasmi ya nabesaman). [Hope and despair in in formal settlements: Case study of Iran-Kermanshah]. Haft Shahr; (8) :82-97 [in Persian].
- Massey, D. (1994) Space, Place, and Gender. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Ministry of Cooperatives Labour and Social Welfare All Rights Reserved, (2020). Gozareshe payeshe Faghr. [Poverty Monitoring Report]. [in Persian]. Retrieved from <https://sb.mcls.gov.ir/fa/article/1858>.
- Neuman, W. L. (2014). Social research methods: Qualitative and quantitative approaches: Pearson new international edition. Pearson Education Limited.
- Pars Boom & Aban.Co. (2011). Tarhe Jame Nasim Shahr. [Master Plan of Nasim Shahr]. [in Persian].
- Piran, P. (2008). Az eskane ghyre rasmi ta eskan

۶. بحث و نتیجه‌گیری

فهم پدیده فضا در نسیم شهر (اکبرآباد) بدون ادراک ساز و کار معیشت امکان پذیر نیست. ارتباط بین فضا و معیشت توالی مرحله‌ای نداشته و به صورت درهم تنیده آشکار می‌شوند. ارتباط بین فضا و اقتصاد در این الگوی سکونتی یکپارچه است و تعاملات متعدد و خلاقانه‌ای بین گروه‌های مختلف معیشتی و فضای شهری وجود دارد. مفهوم معیشت برای توصیف فعالیت‌های اقتصادی در سکونتگاه‌های غیررسمی دربرگیرنده‌تر، ملموس‌تر و کارآمدتر از مفهوم کلی اقتصاد است. ظرفیت این الگوی سکونت، ادراک نظریه پایه در حوزه شهری است. مفاهیم موجود و روش‌های مرسوم، دام کلان‌روایت را برای توصیف و توضیح الگوی سکونتی باز می‌کند که برای پرهیز از این تله نظری، نیاز به فهم پدیدارشناختی و زمینه‌مند ضروری است.

در دهه شصت در دوره‌ای که الگوی زیست غیررسمی برگسترش کالبدی شهر اکبرآباد حاکم بود، عاملیت ساکنان با حمایت خانوادگی و شبکه خویشاوندی در ساخت و استفاده از فضای خصوصی (خانه) و تلفیق آن با معیشت نقش اساسی داشت. پس از آن تا اواخر دهه هفتاد، حرکت جمعی در قالب گروه معیشتی به واسطه کار، مهارت و شبکه حمایتی شغلی بر فضا احاطه یافته و بازار امام‌حسن مجتبی (کوچه تولیدی) را شکل می‌دهد. پس از نیمه نخست دهه هشتاد، سرمایه نسبت به مهارت و شبکه اجتماعی معیشتی اهمیت بیشتری پیدا کرده و فضا به ساکنان احاطه یافت و عاملیت ساکنان را درسازماندهی به فضای دراستطاعت در تعامل با معیشت محدود کرده است.

References:

- Al Sayyad, N., & Roy, A. (Eds.). (2003). Urban Informality: Transnational Perspectives from the Middle East, Latin America, and South Asia. Lexington Books.
- Athari, K. (2011). Nazarie Henri Lefebvre dar bare haghe ensanha be shahr. anjomane jame shennasi Review of votes of Henri Lefebvre: Right to the city]. [in Persian]. Retrieved from :<http://www.isa.org.ir>.
- Athari, K. (2005). Faghre-maskan dar Iran: faghre siasate ejtemaei [Housing Poverty in Iran: Poor Social Policy]. Social Welfare Quarterly; 5 (18) :173-195 [in Persian].
- Athari, K., Javaheripour, M. (1995). Tarhe pazhooheshi ellal va pyamadhaye hashye-neshini dar Iran. [Research project on the causes and consequences of marginalization in Iran]. [in Persian].
- Daniels, P.W. (2004). Urban challenges: the formal and informal economies in mega-cities," Cities,21(6), pp. 501-511.
- Gilbert, A (2009). Extreme Thinking About Slums and Slum Dwellers: A Critique, SAIS Review of International Affairs, Volume 29, Number 1, Winter-

- nayabi: Dar josto-jooye rahe hal. [From Informal Settlement to Non-Housing; In Search at Solution]. Haft Shahr; 2 (23) :14-29 [in Persian].
- Piran, P. (2005). Faghr va jonbeshhaye ejtemaei dar Iran. [Poverty and Social Movements]. Social Welfare Quarterly; 5 (18) :17-62 [in Persian].
 - Piran, P. (1988). Aloonak neshini dar Tehran. [Informal settlement in Tehran]. Etelate Siasi; (1) :34-37 [in Persian].
 - Rao, V. (2012). Slum as theory: Mega-cities and urban models.
 - Roy, A. (2012) Urban Informality: production of space and practice of planning the Oxford handbook of urban planning. https://scholar.google.com/scholar?hl=en&as_sdt.
 - Sarafi. M (2008). Samandehi sokoonathaye ghyre rasmi keshvar dar parto-e hokmrani-e khoob-e shahri. [Regulation Iran's Informal Settlements in connection with good urban governance]. Haft Shahr ; (23,24) :4-13 [in Persian].
 - Simone, A. (2001). "Straddling the divides: Remaking associational life in the informal African city," International Journal of Urban and Regional Research, 25(1), pp. 102-117.
 - Statistical Center of Iran, (2002). Sarshomarie kargahaye tolid, tozi va masraf. [Census of production, distribution and consumption workshops]. [in Persian]. <https://amar.org.ir>.
 - Tofigh, F. (1972). Hashye neshinan-e bandar Abbas. [Marginal settlements of Bandar Abbas City of Iran]. Institute of Social Studies and Research, University of Tehran [in Persian].
 - Urban Regeneration Corporation of Iran (2014). Tarhe Jame Maskan- Vezarate raho shahr sazi.
 - van Manen, M. (2016). Researching Lived Experience Second Edition. Routledge Taylor & Francis Group.

نحوه ارجاع به مقاله:

اسکندری دورباطی، زهرا؛ جواهری پور، مهرداد؛ ترکمان، فرح؛ (۱۴۰۱) پدیده فضا در اسکان غیررسمی؛ تجربه زیسته گروه‌های اجتماعی-معیشتی (نمونه مورد مطالعه: بازار امام حسن مجتبی، نسیم‌شهر، استان تهران؛ ۱۳۹۵-۱۳۶۵)، مطالعات شهری، ۱۲ (۴۵)، ۱۰۸-۹۷. doi: 10.34785/ .97-108 .J011.2022.006/Jms.2023.108

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Citation: Eskandari Dorbati, Z., Javaheripour, M., Torkaman, F. (2022) The phenomenon of space in informal settlements (Case Study: the lived experience of Imam Hassan mojtaba Bazaar in Nasimshahr (1986- 2016)), *Motaleate Shahri*, 12(45), 97–108. doi: 10.34785/J011.2022.006/Jms.2023.108.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



such as Massey (1994). Accordingly, the reciprocal interaction between the built environment, social space, and actors' agency, with imagined, lived, and perceived spaces, results in the construction of new lived and perceived spaces.

Methodology

Most of the previous studies have been conducted through survey questionnaires and are not profound enough to identify the relationship between residents and where they live. Therefore, based on the phenomenological theoretical framework on informal settlements, the research design involved qualitative methods of data collection, including in-depth semi-structured interviews, participatory observation, and purposeful sampling. The subject of the case study was Nasimshahr (Akbarabad), 15 km southeast of Tehran. The researcher lived in this city for a while and came to a general understanding of the relationship between space and the inhabitants' lives. The observations, interviews, and sampling were carried out at three spatial levels. These included Nasimshahr as the first level, the area within this city named Akbarabad as the middle level, and the urban space of Imam Hassan Mojtaba Bazaar (known as kooche toliidi ('manufacturers' alley')) as the micro level. The socio-economic group of clothing producers was chosen as the unit of analysis. The data obtained on the residents' lived experience were combined with available census data. A one-year intermittent residency within the scope of the study area provided the researcher with an opportunity to get closer to the social group of interest, and a different understanding of the presuppositions concerning the subject was formed through participatory observation.

Results and Discussion

In this research, it was found that understanding the phenomenon of space in Nasimshahr is not possible without an understanding of the interaction between socio-livelihood groups with socio-physical space. At the beginning of the formation of these settlements in the 1980s, individual agency along with the support of family and kinship networks played a key role in the generation of a private space (home) incorporating any means of livelihood. After that, until the late 1990s, the collective movement that is crystallized in the livelihood group—which is the focus of this study—took shape through labor, skills, and employment networks. Imam Hassan Mojtaba Bazaar resulted from the events in this period. For twenty years, capital has become more important than availability of labor, skills, and social networks, and physical space is dominating, and limiting, residents' agency in the organization of the space they can afford to interact with livelihoods. The space of Imam Hassan Bazaar is the pinnacle of residents' understanding and shaping of space. In this informal market space, clothing manufacturers try to establish a dynamic connection between Tehran and their livelihood and social group and hope that this city will turn into and be recognized as the clothing hub of the country using the opportunities in Nasimshahr. This study contributed to the phenomenological method of understanding space, and the findings are limited to the researcher's understanding of the participants' lived experience and life in Nasimshahr.

Conclusion

The preliminary results showed that although economic activities grow in Nasimshahr, as in any other urban region within a metropolitan area, some activities to earn income such as those of brokers, recyclers, street vendors, and producers and sellers of garments assume a particular position. The socio-livelihood group of clothing manufacturers was selected as a research unit for this study due to characteristics such as inclusivity, entrepreneurship, and the ability to move the activity between the living environment (home) and the general environment of the market place. Therefore, Imam Hassan Mojtaba Bazaar, which was formed over time in the interaction with this income and employment generation activity, was studied as the subject of a case study on informal urban spaces.

Keywords:

informal settlement, socio-livelihood group, social dynamics, village of Akbarabad, city of Nasimshahr, lived experience, social and physical space.

The phenomenon of space in informal settlements

(Case Study: the lived experience of Imam Hassan mojtaba Bazaar in Nasimshahr (1986- 2016))

Zahra Eskandari Dorbati - Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mehrdad Javaheripour¹ - Department of Social Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Farah Torkaman - Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 08 August 2021 Accepted: 01 May 2022

Highlights

- Creation of fields of social participation requires an understanding of the capabilities of these communities.
- The theoretical approach of phenomenological research and its experimental planning is qualitative.
- From the point of view of the lived experience of the studied social group, the space expands until it provides livelihood.
- Construction of flexible spaces is required to meet daily needs

Extended abstract

Introduction

According to official documents, the population of informal settlements in the country has increased to more than twice as much in the ten years between 2003 and 2013, from 4.5 million to 12 million. There have been many studies on this urban phenomenon in the country that have influenced government policies and plans, ranging from destruction of the settlements to their reorganization. These studies have investigated the causes and factors concerning the formation of these settlements mainly with quantitative and sometimes with qualitative research methods, indicating social harms and assessing the needs for services. However, many of these studies have relied on outdated existing theories and inherent pre-judgements. This research attempts to understand the dynamics of resident social groups with respect to the informal urban spaces of these settlements. This aim is pursued through attempts to learn about the residents' ability to overcome urban poverty and the ways they organize their daily lives, given the shortcomings of the research methodology.

The purpose of this study is to understand the phenomenon of space from the perspective of the lived experience of the inhabitants of informal settlements and to answer the central question of how this has shaped the lives of those who live there.

Theoretical Framework

The theoretical approach of this phenomenological research and its empirical planning are qualitative. This approach has made it possible to understand the phenomenon under investigation from the perspective of the lived experience of the residents and has helped develop the methods of observation, enquiry, narrative analysis, and theme extraction. Theories are considered as a tool for analysis of the findings of this research and support the narratives for understanding and reflecting the dynamics of social-livelihood groups with respect to the informal urban space of Akbar Abad, Iran. In line with this approach, beyond the physical geography of the place, this research investigates the lived fabric considering the symbolic meanings and importance of places, as reflected in the theoretical writings of human geographers and urbanists

1 Responsible author: mehrdadjavaheeri@yahoo.com

rehabilitation of the current unusable buildings, and 3- compatibility with the forms and functions of these buildings.

Methodology

The data used in this research includes Landsat and IRS satellite images, which were processed in the PCI Geomatica environment. The first stage of pre-processing (geometric correction) in this research includes integration of the coordinates of the prepared images. For this purpose, 25 control points were used. In order to better distinguish body spaces from shadows, the histogram equalization operation was also performed on the corresponding images. Then, the distressed fabric map was extracted using the WS model. MLC classification was applied to the images in order to generate and present a map of empty and barren lands in Ahvaz. For this purpose, different bands of two types of data were merged (fused) with image-merging operations to obtain the best combination of bands for classification.

Results and Discussion

The statistical investigations showed that of the total 18,650-hectare area of Ahvaz, 958.2 hectares was identified as distressed fabric, which makes up 5.13% of the city. The identified areas mostly correspond to the central parts of the city (the border between Salman Farsi and Taleghani Streets) and the old fabric around the Ali Mahziar Shrine. Moreover, in almost all the eight districts of the city, more or less scattered parts were identified as distressed fabric.

Conclusion

The results of the research showed that of the 18650-hectare legal area of Ahvaz, more than 6726 hectares (including the identified barren areas and distressed fabric) have the potentials for infill development. This value represents 36.2% of the city's area, which is a relatively large ratio. Furthermore, over the entire area prone to infill development in Ahvaz, including distressed fabric and barren lands, the largest area concerns barren lands, with more than 5768 hectares, and the lowest values pertain to parts of the distressed fabric, with more than 958 hectares, representing 85.7% and 14.3%, respectively, of the entire area studied as prone to infill development. The results concerning the distribution of distressed fabric as identified in this research show that Municipal Districts One and Seven exhibit the largest values, with 3197360 and 3231110 square meters, representing 33.36% and 33.75% of the total distressed fabric of Ahvaz, respectively, and District Five has the smallest values, with 5850 square meters, making up 0.06%. These statistics are highly consistent with the field data, because Districts Seven and One of Ahvaz are considered as the old parts of the city and mainly contain the historic fabric. On the other hand, District Two, with a little more than 1720 hectares, and District One, with about 80 hectares, representing 28.5% and 0.3%, respectively, are known as the most and least severely barren and empty lands. The data in this section seem logical because District One (Old Ahvaz) is considered as part of the historic fabric and the primary, central core of Ahvaz, so the least severely abandoned, barren, and empty land occurs in this area.

Key words:

Infill development, Barren lands, Distressed fabric, Remote sensing data, City of Ahvaz

Citation: Shojaeian, A., Nikpour, A. Aligholizadeh Firouz jaei, N. Soleymani lamiani, M. (2022) Identifying potential areas for infill development using Remote Sensing (Case Study: Ahvaz metropolis), , Motaleate Shahri, 12(45), 83–96. doi: 10.34785/J011.2023.009/Jms.2023.108.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Identifying potential areas for infill development using Remote Sensing

(Case Study: Ahvaz metropolis)

Ali Shojaeian - Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities and social sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Amer Nikpour¹ - Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities and social sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Naser Aligholizadeh Firouz jaei - Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities and social sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Mohamad Soleymani lamiani - Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities and social sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Received: 12 June 2021 Accepted: 29 June 2022

Highlights

- When infill occurs in a scattered pad area, it can be said that an unused, inefficient space is formed in the city.
- Of the 18,650-hectare legal area of the city of Ahvaz, more than 6,726 hectares has the possibility of infill development.
- Infill development with a suitable design can be a new type of development with a mixed residential structure and residents with different income levels.

Extended abstract

Introduction

In the country of Iran, while the growth and development patterns of towns were determined by local, endogenous parameters, there was some balance between life and the growth of urban economy. As exogenous factors began to play a role, however, some cities grew extremely and irregularly. The city of Ahvaz has undergone extensive physical-spatial changes due to the increase in population, the development of oil industries, the centrality of the province, the establishment of urban services, and the attraction of the residents of the cities and villages of the province in the past decades. This caused the uneven expansion of the city and the emergence of the phenomenon of dispersion therein. The physical parameters that trigger development in Ahvaz include industrial towns, military lands, the airport complex and its facilities, the academic functions of the city, its role as the main communication pathway, the market line to the east of the river, and the integration of suburban areas. These factors have caused many domestic capacities and potentials to remain unused, such as distressed and less developed or undeveloped lands in the city. Therefore, according to the current conditions in Ahvaz, it is a necessity to know about the areas and regions that are prone to infill development, in order to present plans to prevent the phenomenon of dispersion and realization of infill development.

Theoretical Framework

To describe the notion of infill development, a large number of definitions have been proposed. The most common cause in the world is people's residence in less wild areas of the city. Given that civilization has often happened in developing countries, and that many of the urban districts in these countries have undergone enormous growth that could be efficient in regard to the key principles of development, a three-dimensional strategy could be adopted for the development of a vast area, involving: 1- new construction on a land that has not been developed, or, at least, cultivated, 2- physical

1 Responsible author: a.nikpour@umz.ac.ir

health and economic and social security of people living in these settlements.

Key words:

Resilience, Informal Settlement, Non-Governmental Organization (NGO), COVID-19, Urmia.

Citation: Arasteh, M., Pourhasanzadeh, M. H., Baghaei, M. (2022) Investigating the Role of Non-Governmental Organizations in the Resilience of Informal Settlements against the Covid-19 Pandemic, Urmia , Motaleate Shahri, 12(45), 69–82. doi: 10.34785/J011.2023.011/Jms.2023.108.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Increase in the level of knowledge. Through a rise in the level of knowledge and information of the residents of informal settlements, appropriate conditions can be provided to control crises and increase their resilience.

Provision of education to everyone. In many cases, the conditions required for facing a crisis can be provided with inclusive, targeted education, especially upon social, economic, physical, and health crises.

Enhancement of participation. An important achievement of NGOs is to enhance public participation and increase social capital, which can establish a powerful link between the society and government.

Enhancement of coordination between people and executive institutions. A specific effective role of NGOs is to function as an intermediary between the government and society.

Financial and subsistence aid. The social, economic, physical, and health crises that occur in an informal settlement often lead to severer poverty and deprivation, where many families need direct financial and subsistence aid.

Employment. Assisting administrative bodies, NGOs are considered as appropriate trustees for the implementation of job preparation, vocational training, entrepreneurship, and marketing and creation of a business environment.

Public health. Through improvement of public health in an informal settlement, the quality of the environment can be raised, and the spread of infectious and pandemic diseases can be reduced.

The quality of the environment. The quality of the residential environments in these settlements is often low, and many citizens living in these areas do not have proper access to services, facilities, infrastructures, and public spaces.

Methodology

This is a descriptive-analytical study with a quantitative approach. The research population includes all NGOs in the city of Urmia, Iran that are active in the field of countering COVID-19. The simple random sampling method was adopted using a lottery. The data were analyzed using descriptive mean statistics and the Kolmogorov-Smirnov and Friedman tests in SPSS.

Results and discussion

The results demonstrate that the activity of NGOs to improve the resilience of informal settlements in Urmia against COVID-19 in the socio-cultural component is above average, with a score of 3.66. Moreover, the economic-livelihood component exhibits an average of 2.95, which is equivalent to average and below, and the environmental-physical component shows an average of 3.11, which is evaluated as a moderate score.

Hence, it can be stated that the NGOs in Urmia have failed to provide a balanced, coordinated, fair approach with respect to the socio-cultural, economic-livelihood, and environmental-physical components due to the lack of coherence and integrated management in the face of unexpected crises such as the COVID-19 disease. The similarity of this research to others lies in the unified, integrated, coordinated management of government and local institutions upon crisis. Moreover, most researchers emphasize the management authority and social power of NGOs. Generally, it should be stated that NGOs must be equipped with effective financial, support, and educational tools in order to increase the resilience level of the residents of the settlements against crises. They should be strengthened to facilitate institutions' provision of financial services, economic empowerment, and job creation.

Conclusion

Overall, we conclude that NGOs have performed appropriate activities to improve the resilience of informal settlements in Urmia against the COVID-19 disease. However, their performance has been different in a comparative analysis of components and indicators. The results of the Friedman test on the indicators demonstrates that the NGOs in the informal settlements of Urmia have exhibited effective activities on most socio-cultural and environmental-physical indicators (such as essential skills against COVID-19, provision of sanitary products, prioritization of disadvantaged people, encouragement of the benefactors to help the poor, disinfection of the environment, and encouragement of residents to help clean their neighborhoods). However, most economic indicators have failed to function effectively. Finally, we suggest that NGOs focus on attraction of financial and economic support from the governmental institutions, because this study shows that this pandemic disease has the most tangible impact on the economy of residents of informal settlements. It is also necessary to pay particular attention to provision of incentives and financial support packages to protect the

Investigating the Role of Non-Governmental Organizations in the Resilience of Informal Settlements against the Covid-19 Pandemic, Urmia

Mojtaba Arasteh¹ - Department of Urban planning and Design, Faculty of Art & Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Mohammad Hosein Pourhasanzadeh - Department of Urban & Regional Planning, Faculty of Architecture & Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Maryam Baghaei - Department of Urban planning, Faculty of Architecture, Urban Planning and Art, Urmia University, Urmia, Iran.

Received: 10 January 2022 Accepted: 19 June 2022

Highlights

- COVID-19 has revealed gaps in health management along with a high rate of infectious diseases in informal settlements.
- We focused on three components and eight indicators of resilience to evaluate the performance of NGOs in the control of the COVID-19 outbreak.
- The vulnerability of informal settlements in the city of Urmia, Iran to COVID-19 was based mainly on economic-livelihood components.

Extended abstract

Introduction

In recent years, the global crisis of the coronavirus pandemic has placed cities and urban management in difficult conditions. Plenty of evidence and research emphasizes that the pandemic outbreak of COVID-19 was severer in informal settlements due to the low quantitative and qualitative characteristics of these areas. These settlements are always encountered with many problems such as poverty and unemployment, lack of security and various social damages, socio-economic injustice, health-environmental problems, and lack of concern from the municipality. Furthermore, people living in these settlements face greater risks due to the high population density, improper waste management and low-quality drainage systems, and very poor health conditions and high rates of transmission of infectious diseases. In recent years, therefore, it has turned into one of the most important challenges for urban managers in these areas to examine the ways to address and control the spread of this pandemic disease and increase the resilience of informal settlements against it. The main purpose of this study is to investigate the role of non-governmental organizations (NGOs) in the promotion of the resilience of informal settlements in Urmia against the COVID-19 pandemic.

Theoretical framework

Plenty of research investigates various indicators of resilience. This research is focused mainly on the explanation of the components and indicators of social resilience. Based on the theoretical framework, the three main components of social resilience include the socio-cultural, socio-economic, and environmental-physical components. In the following, the effective indicators for promotion of societal resilience in informal settlements are explained.

Elimination of the panic caused by problems. When a crisis occurs, residents of an informal settlement should not feel that they are alone, and it is necessary for government institutions and NGOs to support them.

1 Responsible author: m.arasteh@shirazu.ac.ir

has studied the public and managerial trends concerning the preservation of durable buildings and the relevant side effective factors.

Result and discussion

The results of this investigation revealed that the value added due to destruction and reconstruction is the most important factor that encourages people to make such demands. However, an analysis of urban management income shows that destruction of durable buildings has no great impact thereon. It seems that a number of modifications in urban terms and restrictions need to be considered in durable building preservation. In this case, one must consider definition of new methods for creation of value added to satisfy the owners of durable buildings in order to preserve them.

Conclusion

The factor that distinguishes this study from others is that it has focused on legal principles in management of the demand for destruction and reconstruction. Moreover, failure in supervision and administration and management inconsistency have been identified as the most important factors in the decision to destroy buildings which have the capacity to be preserved. In other words, urban management does not provide appropriate techniques to manage the demand for destruction and reconstruction.

In conclusion, the tendency to destroy durable buildings could be explained in terms of the following.

a. Economic and Social Factors

The lack of balance in urban economics and uncertainty of investment in productive departments have been recognized as parameters that increase the tendency to destroy and reconstruct durable buildings.

b. Legal Factors

- There is no definition for durable buildings and the importance of their preservation as a national value.
- Economic policies such as reduction of interest on bank deposits have facilitated investment in construction.

c. Cultural Factors

There is conflict between individual and public benefits which stem from culture. Therefore, people's priorities are defined by their own benefit. In addition, the importance and priorities of individual benefits over public ones result from legal documents. Thus, the public tendency to give priority to individual benefits has been affected by laws and rights. Moreover, the poor sources of supplying sustainable income in urban management make up another factor that increases managerial tendency to construct.

In other words, urban management benefits from the added value of destruction and reconstruction. However, there are no facilities or techniques to modify the tendency.

Keywords:

Urban Management, Demand for Management of Destruction and Reconstruction, Destruction Demand, Sustainable Urban development, Urban Productivity.

Citation: Pourjohari, A. (2022). Evaluation of Managerial-Economic drivers in Decreasing Buildings' Productivity Period (Case Study: Tehran), *Motaleate Shahri*, 12(45), 57–68. doi: 10.34785/J011.2022.008/Jms.2023.108.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Evaluation of Managerial-Economic drivers in Decreasing Buildings' Productivity Period (Case Study: Tehran)

AmirHossein Pourjohari¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Engineering, Shahr-e-Qods branch, Azad University, Tehran, Iran.

Received: 18 November 2021 Accepted: 10 May 2022

Highlights

- The great part of the construction sector in national investment affects the achievement of urban efficiency.
- Destruction of durable buildings is in conflict with optimal use of capital.
- Destruction and reconstruction of buildings without rights is an obstacle to achievement of life quality.

Extended abstract

Introduction

Management of the demand for destruction and reconstruction has been known as a challenge to preserve durable buildings which are still available for use as places to live in or perform activity. It is also effective on urban productivity, a general concept that contains all the urban functions. Buildings make up the main factor in specification of the economic and spatial structure in a city. They have a determinative role in urban management and development, and their productivity is interpreted as the use of all the physical and structural capacities. Therefore, it can be claimed that buildings are important in urban productivity.

Buildings are a priority in the investment made in cities, particularly in our country. However, managerial patterns and legal system are not established based on the roles and rights to manage the demands for destruction and reconstruction. This results from the readily-available benefits of destruction and reconstruction, which conceal the costs. Due to the importance of buildings as a national value and given the concept of sustainable development, it is necessary to analyze the statistical trends and study the different factors which impact the public tendency to destroy and reconstruct buildings.

Theoretical framework

An essential approach to protection of durable buildings concerns infill development. This approach, which originates from sustainable development, includes one of the most serious activities performed to preserve durable buildings: adaptive reuse of buildings which exhibit the capacity to be preserved (based on their forms and functions). In other words, adaptive reuse of buildings is based on their capacities and characteristics.

Therefore, the main approach to durable building preservation stems from sustainable development. Return to life cycle is the relevant pattern which can increase the efficiency period of a building. Urban efficiency is a way to improve urban management.

It is worth mentioning that urban land, as a basis for creation of buildings, has a remarkable role in the attempt to achieve urban efficiency. The city and the functions which are created there are defined on that basis.

Methodology

In this research, statistical information on destruction and reconstruction permits granted in a twenty-year period has been analyzed. In addition, 4526 cases have been selected as durable buildings using random sampling. Moreover, an evaluation of the income codes of Tehran Municipality in the defined period has been considered. Therefore, this research

¹ Responsible author: a.pourjohari@qodsiau.ac.ir

of this study is descriptive-correlational, and the method of data collection is quantitative based on the structured questionnaire. 280 participants were provided online with the questionnaire, involving a combination of questions and colored images from the streetscapes in question. The streetscape images were taken from the observer's perspective based on location at the pathway crossroads and some other features, and the questions were borrowed from those raised by Kaplans on the informational variables and provided to the participants more clearly and more fluently. The understanding of the green index of each image and its increased level was accomplished using Photoshop 2020. Finally, the responses were analyzed and assessed through a number of tests using SPSS 24.

Results and discussion:

The results of preference in States (1) and (2) for the green index obtained through the Wilcoxon Signed Ranks Test indicated that the average of this variable has increased significantly in all the three pathways with the increase in the green index.

In the investigation of the effect of informational variables on the preference variable, the results of the linear regression test indicated that the increase in the green index in the 8m pathway has raised the preference variable, affected by the three variables of coherence, legibility, and mystery (rather than the single variable of mystery in State (1)). Moreover, there have been effects in the 10m and 20m pathways from the two variables of mystery and complexity (rather than the single variable of complexity in State (1)) and the single variable of complexity (rather than mystery in State (1)). An increase in pathway width reduced the effect of informational variables on the preference variable.

Conclusion:

The results of this study indicate that even in the present situation of the urban landscapes, suffering deficiency in coherence and coordination, an increase in the green index could significantly affect citizens' satisfaction generally in all pathways. However, with respect to the effect of Kaplans framework on visual preference in artifact landscapes, the results demonstrated that informational variables affect preference more significantly with an increase in the green index in narrower pathways, and the effect decreases as pathway width rises. This implies the sensitivity of concern for narrow pathways, which calls for greater attention to an increase in all informational variables due to the severer enclosure. If pathway width increases, there will be less concern for the lack of coherence in the buildings, while an increase in complexity and mystery is effective in the satisfaction of the audience of such residential streetscapes. Due to its lively, dynamic nature, therefore, vegetation inherently involves the required variety and complexity and great capacity for exploration. It also exhibits sufficient potentials for an increase in the mystery feature through the creation of an attractive enclosure and blockage of the observer's view. Moreover, this study demonstrated mystery (the most stable of the four informational variables) as the strongest variable with the highest degree of significance and legibility (the last predictor of the preference matrix) as the weakest variable. Thus, it seems that vegetation could have an effective role in the increase in the legibility of urban landscapes with a particular form and scale.

Keywords:

Green index, Visual preference, Informational variable, Streetscape image, Pathway width.

Citation: Arjmandtabar, A. Rostami, R. (2022). Effect of Green Index on the Visual Preference Matrix of Kaplans in the Residential Streetscapes (Case Study: Bakhsh-e-Hasht Neighborhood, Sari), *Motaleate Shahri*, 12(45), 43–56. doi: 10.34785/J011.2023.010/Jms.2023.108.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Effect of Green Index on the Visual Preference Matrix of Kaplans in the Residential Streetscapes (Case Study: Bakhsh-e-Hasht Neighborhood, Sari)

Aida Arjmandtabar¹ - Department of Architecture, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Raheleh Rostami - Department of Architecture, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Received: 15 March 2022 Accepted: 19 June 2022

Highlights

- The physical characteristics of streetscapes, including the widths of the pathways, are effective on the functions of Kaplan's matrix.
- Kaplan's visual preference matrix plays a more effective role in non-urban landscapes than in urban ones.
- A higher green index causes more final visual preferences.
- Narrower pathways are stronger functions of Kaplan's matrix.
- Mystery was found to be the most stable variable, and Mystery was found to be the most stable variable, and legibility was identified as the weakest in urban landscapes, as well as non-urban ones.

Extended abstract

Introduction

Evaluations and assessments of the visual preference matrix adopted from Kaplan's theory in natural and non-urban landscapes have demonstrated that landscapes are preferred by individuals that fulfill the audiences' needs in four types of perceived quality, including coherence, complexity, legibility, and mystery, under the title of informational variables. However, the theory has not been studied effectively in urban landscapes. The importance of the vegetation that is there on urban pathways, like streets and alleys, due to the daily observation of such landscapes by the citizens, in view of the observers' environmental and mental health, caused the authors to investigate the effect of this part of observable vegetation in urban landscapes besides other structural factors of pathways, such as their widths, on the perceived and informational variables of Kaplan's matrix, thereby evaluating the role of the matrix in urban landscapes.

Theoretical framework:

According to Kaplans, the visual information that facilitates understanding and exploration is very important in the formation of human preferences. The sum of the two information needs and the degree of their deduction by time (urgent or in near future) resulted in a matrix consisting of four informational variables: coherence, complexity, legibility, and mystery. The structure of mystery and complexity is based on the need for exploration (the former by lapse of time and the latter immediately), and the structure of legibility and coherence is based on the need for understanding (the former by lapse of time and the latter immediately). Any landscape, having a degree of these variables, provides a type of perceived quality for the audience. This study aims at understating the level of effectiveness of each of these variables on the audience's preference, based on the increase in the greenery in pathways of particular widths (8, 10, and 20 meters), to provide the necessary attention for their desirable effectiveness through knowledge of the level of effectiveness of each of such variables.

Research methodology:

Given its aim, i.e. to recognize the quality and degree of the effects of the relevant variables on each other, the methodology

1 Responsible author: arjmandtabaraida@gmail.com

Methodology

Using an exploratory sequential mixed method in the first stage (qualitative part), observational and thematic analyses were made to analyze the data, and in the second stage (quantitative part), the survey method was carried out. In the qualitative part, five streets in Tehran were selected using purposive sampling with maximum variation, and 302 individuals were selected as the sample population in the quantitative part using sampling proportional to volume and simple random sampling. The research population involved all citizens of Tehran at the age of 15 years or higher. To analyze the data, SPSS 23 and PLS 3 were used.

Result and discussion

The findings demonstrate the occurrence of a larger number of necessary activities than optional ones, which obscures the quality of the street scene of Tehran and indicates that the streets of Tehran do not provide favorable conditions for social activities; this is the very unfavorable situation that Jan Gehl has mentioned. Another notable result in this regard concerns the occurrence of optional activities among residents of northern Tehran and of necessary activities among residents of southern Tehran, which clearly indicates a kind of centralism in the quality of landscape of streets in the northern parts of Tehran.

Conclusion

Tehran, as a city that has experienced various manifestations of capitalist life since the 1920s, has also exhibited a variety of spatial inequality in the course of its social and historical development. This problem has created a different unequal space within the urban context, which involves a different demographic and class context in terms of quality and desirability. The existence of this form of inequality is evident on the surface level and in people's daily life.

The better quality of streets in the northern parts of Tehran than in the southern parts and the occurrence of optional activities among the residents of Northern Tehran clearly indicate a kind of centralization in the northern areas of the metropolis. This should be considered more closely in the future urban development policies for the southern parts of Tehran (with the approach of spatial justice). It should be subject to the scientific, practical attention of urban planning officials, because the expansion of outdoor activities is greatly influenced by physical planning. Just as a certain design can be created in a city through the selection of materials and colors, better conditions can be provided for outdoor events that lead to urban vitality through decisions and planning.

Key words:

Quality of Streetscape, Outdoor Activity, Jan Gehl, Distribution of Street Activities.

Acknowledgment

This article is taken from the doctoral dissertation of the first author entitled "A Sociological Approach to the Impact of Street Scene Quality in Urban Ethics: Spatial Justice Analysis in Tehran" which was defended under the guidance of the second author at University of Mazandaran.

Citation: Shaebani, M., Sharepour, M. (2022) The quality of Streetscape and its Relationship with the Citizens' Activities in Tehran: Application of Jan Gehl's theory, *Motaleate Shahri*, 12(45), 31–42. doi: 10.34785/J011.2022.005/Jms.2023.108.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



The quality of Streetscape and its Relationship with the Citizens' Activities in Tehran: Application of Jan Gehl's theory

Maryam Shaebani¹ - Department of Social Sciences, Faculty of Humanities & Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Mahmoud Sharepour - Department of Social Sciences, Faculty of Humanities & Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Received: 11 October 2021 Accepted: 15 April 2022

Highlights

- Streets are where urban spaces and activities are connected and linked.
- Jan Gehl argues that activities performed in the public sphere are particularly important in the understanding of this space.
- Streets of Tehran do not provide favorable conditions for social activities.
- There is a kind of centralism in the quality of street scenes in the northern regions of Tehran.

Extended abstract

Introduction

Streets are a key part of our societies and human life. An abundance of theories have emphasized how streets and sidewalks can be utilized for social purposes, because street design is mainly treated as part of the general planning cycle component. This reflects the fact that people use the streets in front of their homes, those from their neighborhoods, and those around their workplaces, and the quality of streets and other public spaces thus affects their everyday lives and directly contributes to their sense of welfare.

Theoretical framework

Today, the human dimension of public spaces has been considered more than ever by urban planners and designers, because activities performed in public spaces can affect the quality and quantity of people's encouragement to stop and interact in these spaces.

Streets are the sites where urban spaces and activities are connected and linked. In his well-known book *Life between Buildings*, Jan Gehl argues that activities performed in the public sphere are particularly important in the understanding of this space. According to Flower, people's activity in public spaces can be classified into three categories. Firstly, there are necessary activities, which are only partly influenced by the physical quality of the environment, as it is essential to perform them to continue life. Secondly, there are optional activities, which occur only in optimal conditions and are thus regard as the direct means of measurement of the quality of public spaces. These activities also affect users' perceptions of space. Thirdly, there are social activities, almost all of which arise from cross-fertilization activities.

Life between Buildings is the most important study by Jan Gehl, which belongs to the social context of urban design according to Carmona's classification and has turned into a classic source in the field. The importance of Jan Gel's studies lies in the observation that the relationship between the levels of activities and physical elements in public spaces has not been sufficiently considered, because social designers have usually paid attention to the forms rather than the activities of outdoor open spaces. Therefore, it can be stated that this book is of exceptional importance for those who seek a deeper understanding of social planning and architecture. The present study attempts to contribute to the theoretical development of the key concepts addressed by Jan Gehl in the context of Iranian urban studies.

1 Responsible author: maryam.shaebani@yahoo.com

In a general conclusion, it can be stated that citizen participation in urban management involves different aspects and a particular position in the issue of sustainable urban development. However, different factors affect the level of citizen participation in urban management, which can vary by urban space.

Methodology

This is a descriptive-correlational applied quantitative study using the analysis of covariance-variance among correlation methods. The research area is Ilam, and the research population includes 194030 citizens of the city who are over 18 years old. 383 citizens were selected based on Cochran's formula using stratified random sampling. In addition to documentary studies, the main research tool for data collection was a researcher-made questionnaire. It should be noted that the design of the questionnaire used to measure citizen participation in urban management was based on the works by Amirahmadi et al. (2016) and Meymandi Parizi (2017). The validity of the research tool was evaluated and confirmed through consultation of experts and university teachers (face validity) and also using convergence. Combined reliability coefficients (greater than 0.7) and Cronbach's alpha (greater than 0.7) were used to measure reliability. The two methods of descriptive statistics (frequency, frequency percentage, mean, and standard deviation) and inferential statistics (correlation analysis and structural equation modeling) were used to analyze the data. It should be noted that one statistical method used in the field of structural equation modeling is partial least squares, calling for the use of relevant software such as SPSS and SmartPLS to analyze the data.

Results and Discussion

The results of the structural model analysis demonstrated that the variable of satisfaction with the performance of urban managers exhibited a significant effect on other independent variables. Thus, it had the greatest impact on the variables of proper urban governance (with an impact factor of 0.275), job satisfaction (with an impact factor of 0.262), and social capital (with an impact factor of 0.255). On the other hand, the variable of satisfaction with the performance of urban managers exhibited the slightest effect (with an impact factor of 0.05) on the level of citizen participation in urban management, where we can point out the low level of citizen satisfaction with the performance of urban managers (2.37 on average).

Conclusion

The results demonstrated that there were significant relationships between citizen participation in urban management in the study area (the dependent variable of the research) and job satisfaction, satisfaction with the performance of urban managers, social capital, proper urban governance, quality of life (negative correlation), and sense of belonging to the place. Thus, it can be stated that the level of citizen participation decreases and increases as the level of each of these variables is decreased and increased. The results obtained from the structural analysis model (with the partial least squares method) indicated that the independent research variables were capable of explaining 75.8% of the variance in Ilam citizens' participation in urban management. The values of the coefficients for the impacts of each of those variables on the dependent variable include 0.35 (quality of life), 0.05 (satisfaction with the performance of urban managers), -0.075 (social capital), 0.131 (job satisfaction), 0.372 (proper urban governance), and 0.275 (spatial affiliation).

Keywords:

Sustainable Urban Development, Urban Management, Participation, Ilam, SmartPLS.

Citation: Jamini, D. Shamsoddini, A. Jamshidi, A. (2022). Citizen participation in urban management and identifying its economic and social determinants, Ilam, Motaleate Shahri, 12(45), 19–30. doi: 10.34785/J011.2022.007/Jms.2023.108.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Citizen participation in urban management and identifying its economic and social determinants, Ilam

Davood Jamini - Assistant Professor, Department of Geomorphology, Faculty of Natural Resources, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran (Part-time Researcher at Kurdistan Studies Institute, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran).

Ali Shamsoddini - Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Marvdasht Branch, Islamic azad university, Marvdasht, Iran.

Alireza Jamshidi¹ - Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

Received: 23 November 2021 Accepted: 08 May 2022

Highlights

- Participation of citizens in various urban affairs brings many benefits such as enhancement of social capital, satisfaction, and improvement of the civil society.
- A condition for achievement of sustainable development in today's cities is the participation of citizens in its various affairs.
- The constituent components of citizens' participation include mental-spiritual participation, participation in provision of human resources, political participation, and financial participation.
- A low level of participation of citizens in urban management can be attributed to various factors, including the weakness of city managers and the rules and regulations concerning their selection, citizens' lack of concern, etc.

Extended abstract

Introduction

Citizens' participation in various matters of urban spaces is one of the most important issues in achievement of sustainable urban development, an acceptable level of which is one of the most significant concerns of policy makers and urban planners. For achievement of sustainable development in Ilam, a border city in Iran, it is of particular importance to investigate the status of citizen participation in urban management and identify the factors affecting the level thereof, which makes up the main purpose of this study.

Theoretical Framework

Living in a democratic society requires people to play an active role in various aspects of their lives (Predescu & Darjan, 2010: 3241). Citizen participation is of great importance in systems claiming democracy (Ginieniewicz, 2007: 328) and is vital for any democratic society, and democracy can be developed only through involved, informed citizens. In addition, it is important to have citizens ready to take responsibility for changing the reality of today's world (Manganelli et al., 2012: 1476). For this reason, public participation is seen today as a new strategy in development (Khajeh Shahkoohi et al., 2015: 4). An inductive look at the existing patterns of participation in the world indicates that they can be classified according to three different criteria: the type of participation (1- decision-making, 2- financing, and 3- manpower), the field of participation in activities (1- construction, 2- environment, 3- ensuring city safety, 4- monitoring, 5- municipal services, and 6- social welfare), and the type of organization (1- spontaneous, self-motivated organizations and 2- formal, motivated organizations). Of course, it is also possible to classify participation patterns based on the activity to perform which the participation is made (Rezaei and Asyabani, 2018: 146).

1 Responsible author: al.jamshidi@urmia.ac.ir

models in the field of urban landscape can be investigated with an emphasis on landscape scale (micro, medium, or macro).

Key words:

Urban landscape, Systematic review, Research method, Research onion.

Acknowledgment

This article is extracted from the first author's PhD thesis in titled "Explaining a semantic model of the urban landscape; a case study of the urban landscape of Shiraz". It is in progress at the Art University of Isfahan under the guidance of Dr. Mahmoud Ghalehnoee (the first guide) and Dr. Armin Behramian (The second guide).

Citation: Asadpour, H., Ghalehnoee, M., Bahramian, A. (2022) Developing the model of research method in urban landscape studies emphasizing the Saunders' research onion, *Motaleate Shahri*, 12(45), 3–18. doi: 10.34785/J011.2022.010/Jms.2023.108.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



from the outer layers to the core) was developed by Saunders, Lewis, and Thornhill (2016) for business studies. It is widely used in social sciences to construct a theoretical framework for research. In various studies, the layers proposed in the research onion model have been modified and changed according to the field of study. The research onion consists of six main layers: research philosophy, approach to theory development, methodological choice, strategy, time horizons, and techniques and procedures including data collection and analysis (Melnikovas, 2018: 33; Sahay, 2016: 1).

Methodology

After a search of article titles and keywords for the concept of urban landscape, more than 110 with more citations were selected. After a study of the article abstracts and other preliminary studies, 71 articles were selected, analyzed, and categorized using the qualitative method and content analysis. Finally, the research onion for each of the areas (the concept of urban landscape, visual evaluation of landscape, and visual management of landscape) was drawn and explained. Then Comprehensive research onion could use in landscape study and research compiled.

Results and Discussion

The research conducted in Iran in the field of visual management of landscape has generally been carried out at the macro scale (city), medium scale (watercourses and parks), and micro scale (streets). The survey research method and the descriptive-analytical approach have been adopted to investigate and analyze the current situation with the questionnaire tool. Many articles in the field of visual management have evaluated the visual aspects of landscape. Visual evaluation of the landscape is proposed as an independent concept in the field of landscape. In the field of evaluation, it is possible to become closer to people's experience; therefore, quantitative methods, an experimental approach, a variety of techniques and analytical tools, such as visual protection levels, and Philip Thiel's technique were used.

The concept of urban landscape was addressed further with a view of the landscape as a whole. Aesthetic, critical, and semiotic theories were proposed as the theoretical support for the studies. The research process pursued in most of them is qualitative and analytical, and comparative, inductive, interpretive, and descriptive methods have been used therein. After choosing the desired method, the authors have used the Delphi technique, aerial photos, cluster analysis, systematic review, in-depth interview, review of narratives, photography, and collaborative mapping as data mining and data analysis tools. The model presented in this article involves an extra layer with respect to Saunders's research onion model. The outer layer, which includes the ontology of the research, corresponds to the stage that specifies the researcher's beliefs in the research process. The researcher must select their position from among the three categories of objectivist, structuralist, and subjectivist, as considered by Deming and Sowfield.

- A) The descriptive approach is added to the analogical inductive one proposed in Saunders' research onion.
- b) In the strategy layer, experimental simulation and descriptive, correlational, hermeneutic, and analogical-adaptive analysis are added.
- c) In terms of time horizon, all studies are placed in one of the two categories of longitudinal and transverse research, and most of them are conducted with a longitudinal time horizon.
- d) Techniques and procedures are proposed in the central core of the urban landscape research onion. Research techniques are divided into two general categories with an emphasis on the opinions provided by experts: direct (by asking people) and indirect (through specialist analysis) (Karimi Moshaver, 2013; Tveit et al., 2006; Briggs & France, 1980).

Conclusion

The urban landscape research onion model is composed of seven layers. It can be of different types according to the research problem, questions and objectives, choice of ontology, methodology, approach, strategy, and appropriate tool for analysis of the collected data. Given that most of the conducted studies applied various techniques, it is necessary to consider other layers of the research onion. This model attempted to provide a comprehensive overview of urban landscape research and introduce an integrated framework of the diverse, scattered types thereof. The model can help determine the paths of the research and avoid confusion and incorrect choices of analytical tools. The onion of urban landscape research can open the doors to researchers in the field. In future research, emphasis can be made on the specific concepts of landscape such as cultural landscape and vernacular landscape. On the other hand, similar research onion

Developing the model of research method in urban landscape studies emphasizing the Saunders' research onion

Hajar Asadpour - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture & Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Mahmoud Ghalehnoee¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture & Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Armin Bahramian - Department of Architecture, Faculty of Architecture & Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received: 04 February 2022 Accepted: 08 May 2022

Highlights

- The six layers of the research onion include research philosophy, approach to theory development, methodological choice, strategy, time horizons, and techniques and procedures including data collection and analysis.
- The researchers developed the research onion for the concept of urban landscape, visual evaluation of landscape, and visual management of landscape through a systematic review.
- The urban landscape research onion model was presented in seven layers along with researcher guidelines using the idea of word clouds.
- The researcher must choose among the three categories of objectivist, structuralist, and subjectivist, as mentioned in the philosophy layer.
- Techniques and procedures were proposed in the central core of the urban landscape research onion and divided into the direct (by asking people) and indirect (through specialist analysis) categories.

Extended abstract

Introduction

The urban landscape is part of the understandable objectivity of the reality of the existing space around people in the city. As a phenomenon, urban landscape cannot be assumed to have only subjective or objective dimensions. The connection between different methodological components in different fields of landscape research is always necessary. The research aims to strengthen the necessary foundations of research in urban landscape with a holistic, comprehensive viewpoint by examining the components and layers that the onion model of urban landscape research includes. Therefore, a systematic review was applied of the articles conducted in the field of urban landscape. The identification and analysis of the cases used in the majority of the research onions presented by Saunders et al. led to the urban landscape research onion through changes applied to this model. Researchers can choose their lines of research more accurately and faster using the research onion.

Theoretical Framework

Specifically in the field of research methodology, a book entitled *Research in Landscape Architecture: Methods and Methodology* was published in 2017 by Routledge Publications. This book deals with the conflict between objectivists and subjectivists. It states that pragmatism is the only solution to this duality (Hashemizadegan, 2019: 55). In addition, many studies have been conducted with an emphasis on urban landscape and its relationship with other urban concepts. However, there has not been a comprehensive viewpoint on their methods and processes. The research onion (moving

1 Responsible author: m.ghalehnoee@aui.ac.ir

Motaleate Shahri

Content

- **Developing the model of research method in urban landscape studies emphasizing the Saunders' research onion**
Hajar Asadpour, Mahmoud Ghalehnoee, Armin Bahramian
- **Citizen participation in urban management and identifying its economic and social determinants, Ilam**
Davood Jamini, Ali Shamsoddini, Alireza Jamshidi
- **The quality of Streetscape and its Relationship with the Citizens' Activities in Tehran: Application of Jan Gehl's theory**
Maryam Shaebani, Mahmoud Sharepour
- **Effect of Green Index on the Visual Preference Matrix of Kaplans in the Residential Streetscapes**
Case Study: Bakhsh-e-Hasht Neighborhood, Sari | Aida Arjmandtabar, Raheleh Rostami
- **Evaluation of Managerial-Economic drivers in Decreasing Buildings' Productivity Period**
Case Study: Tehran | AmirHossein Pourjohari
- **Investigating the Role of Non-Governmental Organizations in the Resilience of Informal Settlements against the Covid-19 Pandemic, Urmia**
Mojtaba Arasteh, Mohammad Hosein Pourhasanzadeh, Maryam Baghaei
- **Identifying potential areas for infill development using Remote Sensing**
Case Study: Ahvaz metropolis | Ali Shojaeian, Amer Nikpour, Naser Aligholizadeh Firouz jaei, Mohamad Soleymani lamiani
- **The phenomenon of space in informal settlements**
Case Study: the lived experience of Imam Hassan mojtaba Bazaar in Nasimshahr (1986- 2016) | Zahra Eskandari Dorbati, Mehrdad Javaheripour, Farah Torkaman

Motaleate Shahri

Journal of Urban Studies - University of Kurdistan

Director: Hooshmand Alizadeh, Associate Professor, University of Kurdistan

Editor-in-Chief: Kayoumars Irandoost, Professor, University of Kurdistan

Administrative Manager: Kayoumars Habibi, Professor, University of Kurdistan

Coordinator: Mohammad Bashir Robati

Editorial Board:

Azizi, Haji Hussein, Professor, University of Kurdistan

Behzadfar, Mostafa, Professor, University of Science and Industry

Habibi, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Hejazi, Mehrdad, Associate Professor, University of Esfahan

Irandoost, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Lotfi, Sedigheh, Professor, University of Mazandaran

Nourian, Farshad, Associate Prof. University of Tehran, Iran

Pakzad, Jahanshah, Professor, University of Shahid Beheshti

Partovi, Parvin, Professor, University of Tehran

Sadr Mousavi, Mirsatar, Professor, University of Tabriz

Sajadzadeh, Hassan, Urban Planning, Associated Professor, Buali Sina University

Shahabi, Himan, Associate professor, Geomorphology Department, Natural Resources Faculty, University of Kurdistan

Shieh, Esmaeil, Professor, University of Science and Industry

Soltani, Ali, Professor, University of Shiraz

Zebardast, Esfandyar, Professor, University of Tehran

International Editorial Board:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

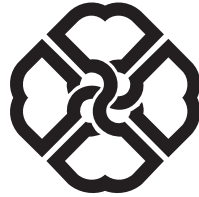
Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

Cover Design: kuresh Anbari

Layout: Javad Dadejani, Lecturer, University of Kurdistan

Persian Editor: Farahnaz Nobakht

English Editor: Navid Baradaran Hemmati



University of Kurdistan

Motaleate Shahri

No.45, Winter 2023